



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیهما صابرا

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

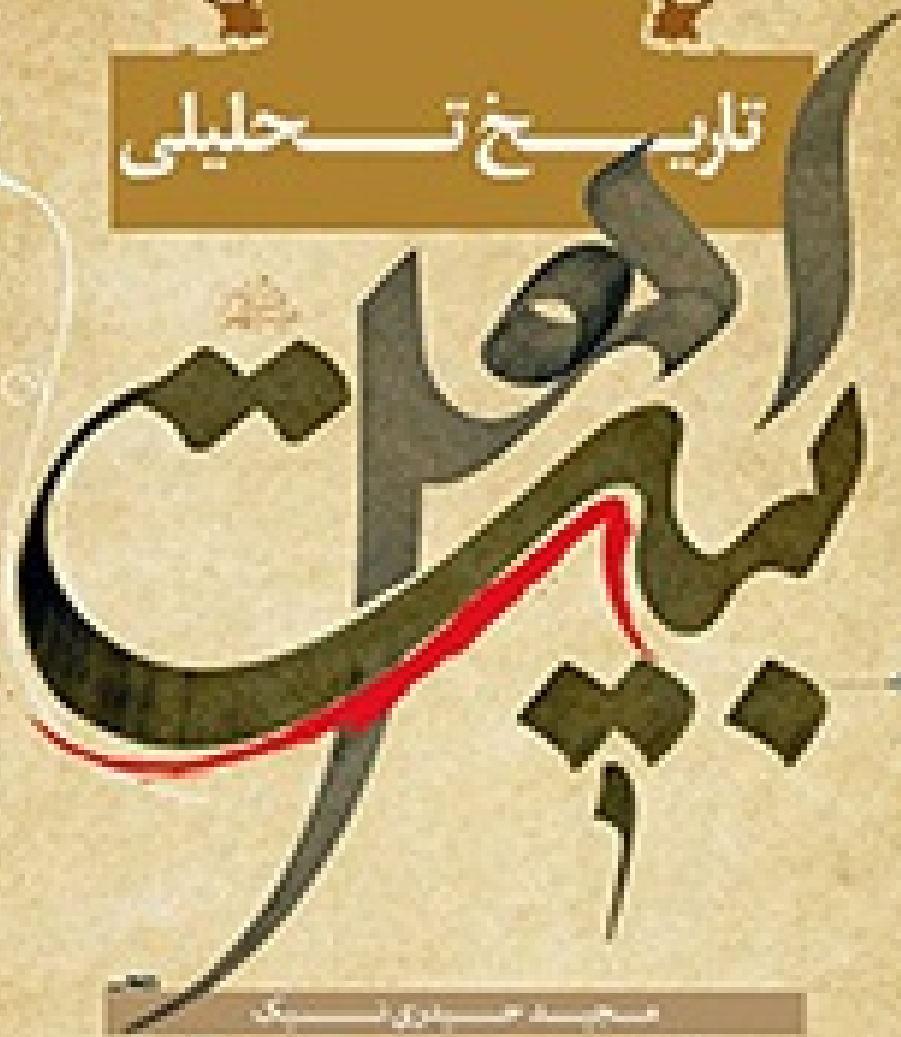
.com

.org

.net

.ir

تاریخ تجزیہ و تفسیر



تاریخ و تفسیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت (علیهم السلام)

نویسنده:

مجید حیدری نیک

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۲۱ | درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت (علیهم السلام) |
| ۲۱ | مشخصات کتاب |
| ۲۱ | اشاره |
| ۲۳ | درس نامه تاریخ تحلیلی اهل بیت علیهم السلام |
| ۲۵ | سخن ناشر |
| ۳۱ | فهرست مطالب |
| ۵۷ | پیشگفتار |
| ۶۱ | بخش اول: مباحث مقدماتی و پیش نیازهای درس تاریخ تحلیلی اهل بیت علیهم السلام |
| ۶۱ | اشاره |
| ۶۳ | ۱- مبانی تقسیم بندی تاریخ اسلام |
| ۶۳ | درآمد |
| ۶۴ | انواع تقسیم بندی ها |
| ۶۴ | معیار اصیل |
| ۷۲ | ۲- تعریف، اقسام و فایده تاریخ |
| ۷۲ | درآمد |
| ۷۳ | تاریخ نقلی |
| ۷۳ | علم تاریخ |
| ۷۳ | روش تحقیق در علم تاریخ |
| ۷۳ | اشاره |
| ۷۴ | ۱- استفاده از منابع اصیل |
| ۷۴ | ۲- توجه به متشابهات تاریخی |
| ۷۵ | ۳- یافتن موازین |
| ۷۵ | اشاره |

| | |
|----|---|
| ۷۵ | الف) شناخت اهداف رسول خدا صلی الله علیه و اله و ائمه علیهم السلام |
| ۷۶ | ب) رابطه ائمه علیهم السلام با مردم |
| ۷۶ | ۴- دستیابی به اصول |
| ۷۶ | ۵- طرح سؤال و دستیابی به تدابیر رهبران دینی |
| ۷۷ | ۶- همراهی با تقارن ها و تعلیل ها و تحلیل ها |
| ۷۹ | فلسفه تاریخ |
| ۸۰ | نتیجه |
| ۸۰ | فایده تاریخ نقلی |
| ۸۰ | ۱- منبع شناخت |
| ۸۱ | ۲- احیاگر تفکر |
| ۸۱ | ۳- ثبات آور قلب و هدف بخش |
| ۸۱ | ۴- منبع اجتهاد |
| ۸۲ | فایده علم تاریخ |
| ۸۲ | ۱- شهود و برخورد مستقیم با حوادث |
| ۸۲ | ۲- خلوص حوادث و حصول دیدگاه جامع درباره آن |
| ۸۳ | ۳- عبرت و پندآموزی |
| ۸۴ | فایده فلسفه تاریخ |
| ۸۴ | ۱- موضع گیری مناسب در برابر حوادث |
| ۸۴ | ۲- تغییر سرنوشت جوامع با فراگیری سنت های تاریخی |
| ۸۹ | ۳- تاریخ نگاری مسلمانان |
| ۸۹ | درآمد |
| ۹۰ | انگیزه مسلمانان از نگارش تاریخ |
| ۹۰ | اشاره |
| ۹۰ | ۱- میراث تاریخی اعراب |
| ۹۱ | ۲- تأثیر مباحث تاریخی قرآن |
| ۹۱ | ۳- لزوم بهره گیری از سنت پیامبر |

- ۹۱ ۴- توجه حاکمان به تاریخ
- ۹۲ ۵- تأثیر نوشته های تاریخی سایر اقوام
- ۹۳ گونه های تاریخ نگاری مسلمانان
- ۹۳ اشاره
- ۹۳ ۱- سیره نگاری
- ۹۴ ۲- تاریخ نویسی عمومی و تقویمی
- ۹۴ ۳- تک نگاری
- ۹۴ ۴- تاریخ نگاری بر اساس نسب شناسی
- ۹۵ ۵- سبک خبری و پیوسته
- ۹۵ ۶- تاریخ نگاری محلی
- ۹۵ ۷- تاریخ نگاری فرهنگی و اجتماعی
- ۹۶ آشنایی با مورخان مشهور
- ۹۶ اشاره
- ۹۷ ۱- قرن دوم هجری
- ۹۷ الف) محمد بن اسحاق (۱۵۰ق)
- ۹۷ ب) ابومخنف (۱۵۷ق)
- ۹۷ ج) محمد بن عمر واقدی (۲۰۷م)
- ۹۸ ۲- قرن سوم هجری
- ۹۸ الف) بلاذری (۲۸۹ق)
- ۹۸ ب) ابوحنیفه دینوری (۲۸۲ق)
- ۹۸ ج) یعقوبی (۲۸۴ق)
- ۹۹ د) ابن قتیبه دینوری (۲۷۶ق)
- ۹۹ ۳- قرن چهارم هجری
- ۹۹ الف) طبری (۳۱۰ق)
- ۱۰۰ ب) مسعودی (۳۴۱ق)
- ۱۰۰ ج) ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ق)

- ۱۰۰ (د) شیخ مفید (۴۱۳ق)
- ۱۰۱ ۴- قرن پنجم
- ۱۰۱ ابن مسکویه (۴۲۱ق)
- ۱۰۱ ۵- قرن پنجم به بعد
- ۱۰۱ الف) طبرسی (۵۴۸ق)
- ۱۰۲ ب) ابن اثیر (۶۳۰ق)
- ۱۰۲ ج) اربلی (۶۹۲ق)
- ۱۰۲ د) ابن کثیر (۷۷۴ق)
- ۱۰۲ ه) ابن خلدون (۸۰۸ق)
- ۱۰۳ و) سیوطی (۹۱۱ق)
- ۱۰۳ ز) میرخواند (۹۰۳ق)
- ۱۰۳ ح) خواندمیر (۹۴۲ق)
- ۱۰۳ ۶- مورخان معاصر
- ۱۰۳ اشاره
- ۱۰۳ الف) استاد شهید مطهری
- ۱۰۴ ب) استاد مصباح یزدی
- ۱۰۴ ج) استاد شهیدی
- ۱۰۴ د) علامه عسگری
- ۱۰۴ ه) علامه جعفر مرتضی عاملی
- ۱۰۸ بخش دوم : بررسی تحلیلی جامعه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله
- ۱۰۸ اشاره
- ۱۱۰ ۱- اقدامات پیامبر صلی الله علیه و اله برای جانشینی پس از خود
- ۱۱۰ درآمد
- ۱۱۱ معرفی جانشین
- ۱۱۱ اشاره
- ۱۱۱ ۱- آیات قرآنی

- ۱۱۱ اشاره
- ۱۱۱ الف) آیه تبلیغ
- ۱۱۳ ب) آیه مباحله
- ۱۱۴ ۲- احادیث فراوان
- ۱۱۴ الف) حدیث ثقلین
- ۱۱۵ ب) سدالایوب
- ۱۱۶ ۳- تذکرات پراکنده
- ۱۱۶ ۴- کوبیدن مخالفان
- ۱۱۸ ۵- فرستادن علی علیه السلام به یمن
- ۱۱۸ ۶- ماجرای تبوک
- ۱۱۹ ۷- جمع بندی مکتب در روز غدیر
- ۱۲۰ ۸- روشن نمودن خط ولایت
- ۱۲۰ ۹- پاک سازی مدینه برای رهبری آینده
- ۱۲۲ ۱۰- کنارزدن خط انحرافی
- ۱۲۲ ۱۱- علایم راه
- ۱۲۸ ۲- تحلیل روی گردانی سران و مردم از ولایت علی علیه السلام
- ۱۲۸ درآمد
- ۱۲۹ مدینه و رحلت پیامبر
- ۱۲۹ اشاره
- ۱۲۹ ۱- حیرت و نگرانی
- ۱۳۱ ۲- کمبود یاران توانمند و مخلص
- ۱۳۳ ۳- حاکمیت نظام قبیلگی
- ۱۳۵ ۴- کینه از علی
- ۱۳۷ ۵- نوپا بودن اسلام
- ۱۳۹ ۶- گروه نفاق
- ۱۴۱ اقدامات گروه نفاق برای گرفتن قدرت

- ۱- ترور ناکام ۱۴۱
- ۲- انکار وفات رسول ۱۴۱
- ۳- تغییر نقشه ۱۴۲
- ۴- علت گرد آمدن انصار در سقیفه ۱۴۳
- اشاره ۱۴۳
- الف) ترس از قدرت قریش ۱۴۳
- ب) آگاهی از قدرت و نفوذ باند نفاق ۱۴۳
- ج) شنیدن هشدارهای پیامبر ۱۴۳
- د) نبود امثال «سعد بن معاذ» در بین انصار ۱۴۴
- ه) نفاق سران و اشراف انصار ۱۴۴
- ۵- سخنرانی ابوبکر در سقیفه ۱۴۴
- ۶- حيله ۱۴۵
- ۷- کودتا ۱۴۶
- اقدامات گروه نفاق برای تثبیت قدرت ۱۴۶
- اشاره ۱۴۶
- ۱- قدرت نظامی ۱۴۶
- ۲- برخورد با توده مردم ۱۴۷
- ۳- برخورد با مخالفان (به صورت انفرادی یا گروهی) ۱۴۸
- ۳- گام های حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت ۱۵۵
- درآمد ۱۵۵
- حرکت های فردی ۱۵۶
- ۱- استنصار ۱۵۶
- اشاره ۱۵۶
- الف) بیعت عقبه ۱۵۸
- ب) واقعه غدیر ۱۶۰
- ج) حدیث م نزلت ۱۶۰

- ۲- پاسداری ۱۶۱
- ۳- افشاگری در مسجد مدینه (خطبه فدکیه) ۱۶۳
- ۴- بایکوت ۱۶۴
- ۵- هشدار (سخنانی در هنگام بیماری خطاب به زنان انصار) ۱۶۵
- ۶- احیای خاطرات ۱۶۶
- ۷- سرشک انقلابی ۱۶۷
- ۸- پایگاه بیداری (بیت الاحزان) ۱۶۹
- ۹- اعتراف ۱۷۰
- ۱۰- سفارش های کوبنده ۱۷۱
- ۱۱- چراغی در تاریکی ۱۷۲
- ۱۲- تسلا بخشی ۱۷۳
- ۴- موضع گیری علی علیه السلام با مسئله خلافت ۱۸۰
- درآمد ۱۸۰
- اقدام های علی علیه السلام در برابر خلفا ۱۸۱
- اشاره ۱۸۱
- ۱- حفظ مکتب و وحدت مسلمانان ۱۸۱
- الف) جمع آوری قرآن ۱۸۱
- ب) کناره گیری از حق خود و سکوت ۱۸۲
- ۲- حفظ جان خود - به عنوان حجت خدا - با تقیه ۱۸۴
- اشاره ۱۸۴
- الف) اطمینان دادن به خلفا درباره عدم درگیری ۱۸۴
- ب) نام گذاری برخی فرزندان به اسم خلفا ۱۸۴
- ج) عبادت و گوشه گیری ۱۸۴
- د) یاری کردن خلفا در امور قضایی، فرهنگی و سیاسی ۱۸۵
- یکم) قضاوت ۱۸۵
- دوم) امور فرهنگی ۱۸۵

- سوم) امور سیاسی ۱۸۶
- الف) تزویج «ام کلثوم» به عمر و اصرار وی ۱۸۷
- ب) نشان دادن باطل بودن خلفا ۱۸۷
- یکم) بیعت دیرهنگام ۱۸۷
- دوم) اظهار مخالفت در مواضع متعدد ۱۸۸
- ج) نپذیرفتن هیچ پستی از خلفا ۱۸۹
- د) اعتراض به بدعت ها و تبعیض نژادی ۱۸۹
- ۳- مُناشده ها ۱۹۰
- ۴- همدلی با مخالفان حکومت ۱۹۰
- ۵- پاک سازی جنبش از منافقان ۱۹۱
- ۶- تربیت نیرو و کادرسازی پنهانی ۱۹۱
- ۷- ایجاد منابع اقتصادی برای امامان بعدی ۱۹۲
- اقدامات حضرت علی علیه السلام بعد از خلفا ۱۹۲
- اشاره ۱۹۲
- ۱- عدم پذیرش حکومت در مرحله نخست ۱۹۳
- اشاره ۱۹۳
- الف) پایین آوردن توقع مردم ۱۹۳
- ب) بالا بردن طاقت و توان مردم ۱۹۴
- ج) نفی تهمت ها ۱۹۴
- ۲- قبول خلافت و بیعت مردم ۱۹۵
- ۳- تأکید بر ایمان، تقوا، زهد و جهاد ۱۹۶
- ۴- تبیین مسئله ولایت ۱۹۷
- معرفی خود و بیان حقایق ۱۹۷
- ۵- از بین بردن بدعت ها و تحریف ها ۱۹۸
- بخش سوم : بررسی وضعیت جامعه در آستانه غیبت صغری ۲۰۶
- اشاره ۲۰۶

- ۱- شرایط اجتماعی و فکری عصر عباسیان ۲۰۸
- درآمد ۲۰۸
- وضعیت اجتماعی ۲۰۹
- اشاره ۲۰۹
- ۱- عیاشی ۲۰۹
- ۲- قصرها ۲۱۰
- ۳- جشن ها ۲۱۰
- ۴- بزم ها ۲۱۱
- ۵- بخشش ها ۲۱۱
- ۶- طعام ها ۲۱۲
- توده مردم ۲۱۲
- اشاره ۲۱۲
- ۱- وضعیت فکری ۲۱۳
- ۲- اعتزال ۲۱۳
- ۳- تغییر خط مشی فکری ۲۱۴
- ۴- تألیفات این دوره ۲۱۴
- ۲- وضعیت فکری و سیاسی - اجتماعی شیعه در آستانه عصر غیبت ۲۱۹
- درآمد ۲۱۹
- وضعیت فکری ۲۲۰
- اشاره ۲۲۰
- ۱- اقدام عسکریین در زمینه فکری: حفظ اسلام و فرهنگ وحی ۲۲۱
- ۲- ایجاد آمادگی فکری برای ورود به عصر غیبت ۲۲۲
- وضعیت سیاسی ۲۲۲
- اشاره ۲۲۲
- ۱- انتقال عسکریین از مدینه به سامرا ۲۲۲
- ۲- شیوه های مبارزه سیاسی عسکریین ۲۲۳

- ۲۲۴ وضعیت اجتماعی
- ۲۲۴ اشاره
- ۲۲۴ ۱- ارتباط حداقل با امام
- ۲۲۵ ۲- فشار
- ۲۲۵ ۳- اخراج از سمت ها
- ۲۲۵ ۴- گرفتن امکانات اقتصادی
- ۲۲۶ پایگاه اجتماعی رهبری شیعه
- ۲۲۶ اشاره
- ۲۲۶ ۱- نفوذ امام هادی علیه السلام در بین امرا
- ۲۲۶ ۲- در میان اهل کتاب
- ۲۲۷ ۳- نزد شیعیان سامرا
- ۲۲۷ ۴- نفوذ امام عسکری علیه السلام نزد خلفا
- ۲۲۷ ۵- نزد وزرا
- ۲۲۸ ۶- نزد طبیب متوکل
- ۲۲۸ ۷- نزد اهل کتاب
- ۲۲۸ ۸- در نزد شیعیان
- ۲۳۴ ۳- زمینه سازی برای ورود شیعه به عصر غیبت
- ۲۳۴ درآمد
- ۲۳۵ آماده سازی معصومین علیهم السلام تا عصر عسکریین علیهما السلام
- ۲۳۵ اشاره
- ۲۳۵ ۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله
- ۲۳۶ ۲- امام علی علیه السلام
- ۲۳۶ ۳- حضرت فاطمه علیها السلام
- ۲۳۷ ۴- امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۲۳۷ ۵- امام حسین علیه السلام
- ۲۳۸ ۶- امام سجاد علیه السلام

- ۲۳۸ ----- امام باقر علیه السلام
- ۲۳۸ ----- امام صادق علیه السلام
- ۲۳۹ ----- امام کاظم علیه السلام
- ۲۳۹ ----- امام رضا علیه السلام
- ۲۴۰ ----- امام جواد علیه السلام
- ۲۴۰ ----- اقدامات عسکریین
- ۲۴۰ ----- اشاره
- ۲۴۰ ----- ۱- تبیین مسئله مهدی و غیبت ایشان
- ۲۴۱ ----- ۲- کاهش ارتباط مستقیم با شیعه
- ۲۴۲ ----- ۳- تقویت نهاد وکالت
- ۲۴۲ ----- اشاره
- ۲۴۲ ----- الف) مفهوم لغوی و اصطلاحی واژه وکالت
- ۲۴۲ ----- ب) معرفی اجمالی نهاد وکالت
- ۲۴۳ ----- ج) علل تشکیل نهاد وکالت
- ۲۴۳ ----- اشاره
- ۲۴۳ ----- یکم) لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان
- ۲۴۳ ----- دوم) جو خفقان عباسی و لزوم حفظ مکتب و شیعیان
- ۲۴۴ ----- سوم) آماده سازی شیعه برای عصر غیبت
- ۲۴۴ ----- چهارم) رفع بلا تکلیفی شیعه در عصر غیبت
- ۲۴۴ ----- د) محدوده زمانی و مکانی فعالیت نهاد وکالت
- ۲۴۵ ----- ه) وظایف و شئون نهاد وکالت
- ۲۴۵ ----- اشاره
- ۲۴۵ ----- یکم) دریافت وجوه شرعی
- ۲۴۶ ----- دوم) رسیدگی به اوقاف
- ۲۴۶ ----- سوم) راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان
- ۲۴۷ ----- چهارم) نقش سیاسی نهاد وکالت

- ۲۴۸ پنجم) نقش ارتباطی نهاد وکالت
- ۲۴۸ ششم) کمک به مظلومان و نیازمندان شیعه
- ۲۴۹ (و) ویژگی های نهاد وکالت
- ۲۴۹ یکم) شرایط اعضا
- ۲۴۹ دوم) وظایف رهبری
- ۲۵۰ سوم) وظایف وکیل ارشد (سروکیل)
- ۲۵۰ چهارم) وظایف وکلای سیار
- ۲۵۰ پنجم) اصل اختفا و نپان کاری
- ۲۵۱ (ز) چند تن از مهم ترین وکلا
- ۲۵۷ بخش چهارم : بررسی تاریخ عصر غیبت صغری
- ۲۵۷ اشاره
- ۲۵۹ ۱- وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری در عصر غیبت صغری
- ۲۵۹ درآمد
- ۲۶۰ وضع سیاسی جامعه و شیعه
- ۲۶۰ اشاره
- ۲۶۰ ۱- وضعیت سیاسی «جامعه به طور عموم»
- ۲۶۰ اشاره
- ۲۶۰ الف) انتقال خلافت از سامرا به بغداد
- ۲۶۱ ب) ظهور قرامطه
- ۲۶۱ ج) کاهش قیام های علویان
- ۲۶۱ د) ظهور مهدی در شمال آفریقا
- ۲۶۲ ه) ظهور دولت های مستقل و خودمختار
- ۲۶۲ ۲- وضعیت سیاسی «شیعه به طور خاص»
- ۲۶۳ ۳- وضعیت اجتماعی «جامعه به طور عموم»
- ۲۶۳ اشاره
- ۲۶۳ الف) اختلافات مذهبی و فرقه ای

- ب) اختلافات قومی و قبیله ای ۲۶۳
- ج) اختلافات طبقاتی ۲۶۳
- د) عیاشی و خوش گذرانی ۲۶۴
- ه) اسراف و تبذیرهای گسترده ۲۶۴
- ۴- وضعیت اجتماعی «شیعه به طور خاص» ۲۶۴
- ۵- وضعیت فکری «جامعه به طور عموم» ۲۶۵
- اشاره ۲۶۵
- الف) پیدایش مکتب اشعری ۲۶۵
- ب) تدوین کتاب های روایی ۲۶۶
- ۶- وضعیت فکری «شیعه به طور خاص» ۲۶۶
- ۲- تاریخ غیبت صغری و چگونگی آغاز آن ۲۷۳
- درآمد ۲۷۳
- آغاز غیبت ۲۷۴
- داستان سرداب (مکان غیبت) ۲۷۴
- فلسفه غیبت ۲۷۵
- اشاره ۲۷۵
- ۱- سری از اسرار الهی ۲۷۶
- ۲- آزمایش و غربال انسان های صالح ۲۷۶
- ۳- ستم پیشگی انسان ها ۲۷۶
- ۴- آزادی از بیعت با طاغوت های زمان ۲۷۷
- ۵- حفظ جان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۷۷
- ۶- آمادگی جهانی ۲۷۷
- ویژگی های دوره غیبت صغری ۲۷۸
- اختلافات فرقه ای پس از شهادت امام عسکری علیه السلام ۲۷۸
- ۳- نواب اربعه در عصر غیبت صغری ۲۸۱
- درآمد ۲۸۱

نواب اربعه ۲۸۲

۱- ابو عمرو، عثمان بن سعید عمروی ۲۸۲

۲- ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمروی ۲۸۳

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی ۲۸۳

۴- ابوالحسن، علی بن محمد سمیری ۲۸۳

ملاک در نصب نواب اربعه ۲۸۵

اشاره ۲۸۵

۱- تقيه و رازداری ۲۸۵

۲- صبر و مقاومت ۲۸۵

۳- عقل و درایت ۲۸۶

۴- برنیانگیختن حساسیت حاکمان ۲۸۶

چگونگی ارتباط نواب اربعه با شیعیان ۲۸۶

اشاره ۲۸۶

۱- ارتباط غیرمستقیم ۲۸۷

۲- ارتباط مستقیم ۲۸۷

وظایف و مسئولیت های نواب اربعه ۲۸۸

۴- وکلای عام حضرت در عصر غیبت صغری ۲۹۳

درآمد ۲۹۳

نصب و کلا ۲۹۴

وکلاي خائن و مدعیان دروغین وکالت ۲۹۵

اشاره ۲۹۵

۱- خیانت و فساد در نهاد وکالت ۲۹۵

اشاره ۲۹۵

الف) هشام بن ابراهیم عباسی همدانی ۲۹۶

ب) فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی ۲۹۶

ج) عروه بن یحیی ۲۹۶

- ۲۹۷ ----- (د) ابوجعفر، محمد بن علی الشلمغانی، (ابن ابی العزاقر)
- ۲۹۸ ----- ۲- مدعیان دروغین وکالت و بابیت -----
- ۲۹۸ ----- اشاره -----
- ۲۹۸ ----- الف) ابوعبدالله، احمد بن محمد السیاری -----
- ۲۹۸ ----- ب) حسین بن محمد بن بابا القمی -----
- ۲۹۹ ----- ج) ابومحمد الشریعی -----
- ۲۹۹ ----- د) محمد بن نصر النمیری الفهری -----
- ۳۰۴ ----- بخش پنجم : بررسی عصر غیبت کبری -----
- ۳۰۴ ----- اشاره -----
- ۳۰۶ ----- ۱- تاریخ شیعه، نهضت ها و دولت های شیعی در عصر غیبت کبری -----
- ۳۰۶ ----- درآمد -----
- ۳۰۷ ----- شیعه در عصر غیبت کبری -----
- ۳۰۸ ----- نهضت ها و دولت های شیعی در عصر غیبت کبری -----
- ۳۱۶ ----- ۲- مبارزات فکری و سیاسی علمای شیعه در عصر غیبت -----
- ۳۱۶ ----- درآمد -----
- ۳۱۷ ----- مبارزه فکری علمای شیعه در عصر غیبت -----
- ۳۱۷ ----- اشاره -----
- ۳۱۷ ----- ۱- شیعه و مراحل آن -----
- ۳۱۷ ----- الف) فقه و فقاهت در دوران حضور ائمه علیهم السلام -----
- ۳۱۸ ----- ب) فقه و فقاهت شیعه در دوران غیبت صغری -----
- ۳۱۹ ----- ج) فقه و فقاهت شیعه در دوران غیبت کبری -----
- ۳۱۹ ----- ۲- حوزه های علمیه و مراکز فقاهت شیعه در عصر غیبت کبری -----
- ۳۱۹ ----- اشاره -----
- ۳۲۱ ----- مبارزات سیاسی علمای شیعه در عصر غیبت کبری -----
- ۳۲۱ ----- اشاره -----
- ۳۲۱ ----- ۱- زمینه های فعالیت سیاسی -----

- ۳۲۱ الف) در درون مرزهای دولت اسلامی
- ۳۲۲ ب) در بیرون از مرزهای دولت اسلامی
- ۳۲۲ ۲- مراحل مبارزه و فعالیت های سیاسی
- ۳۲۹ ۳- مدعیان مهدویت و بابیت
- ۳۲۹ درآمد
- ۳۳۰ مدعیان دروغین
- ۳۳۵ کتابنامه
- ۳۴۶ درباره مرکز

درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت (علیهم السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه: حیدری نیک، مجید، ۱۳۳۹ -

عنوان و نام پدید آور: درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت (علیهم السلام) / مجید حیدری نیک.

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۹۵ ص.

فروست: پژوهشگاه بین المللی المصطفی؛ ۶۳.

شابک: ۱۰۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۷۵۴-۶؛ ۱۴۰۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۹۳ (فپا).

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۸۹] - ۲۹۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: اسلام -- تاریخ

موضوع: اسلام -- تاریخ -- آزمون ها و تمرین ها

شناسه افزوده: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

رده بندی کنگره: BP۱۴/ح ۴د۹ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۰۰۷۰۴

ص: ۱

اشاره

درس نامه تاريخ تحليلي اهل بيت (عليهم السلام)

مجيد حيدري نيك

ص: ۲

درس نامه تاريخ تحليلى اهل بيت عليهم السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

مجيد حيدرى نيک

ص: ۳

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش‌ها و پدید آمدن دانش‌های نو، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ‌گویی به آن، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت چهره‌های متخصص را ضروری می‌نماید. از این رو کتاب‌های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی‌ها تألیف شود.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های م‌تعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

از طرفی بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و به روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد.

در این بستر، حوزه‌های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی،

سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند.

«جامعه المصطفی صلی الله علیه و اله العالمیه» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و اله» با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای مجید حیدری نیک مؤلف کتاب درس نامه تاریخ تحلیلی اهل بیت علیهم السلام و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته اند، آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و اله

ص: ۶

حقیقت مداری اصیل ترین و زیباترین راز هستی و حقیقت طلبی ماندگارترین و برترین گرایش آدمی است.

داستان پر رمز و راز حقیقت جویی بشر، سرشار از هنرنمایی مؤمنان، مجاهدان و عالمانی است که با تمسک و پای بندی به حقیقت بی منتها، در مصاف بین حق و باطل، سربلندی و شرافت ذاتی حق را نمایان ساخته اند و در این میان، چه درخشندگی چشم نوازی در اسلام عزیز است که علم را به ذات خود، شرافتمند و فخیم دانسته و از باب تا محراب، کائنات را سراسر علم و عالم و معلوم می نمایاند و در مکتب آن، جز اولوالعلم و راسخان در مسیر طلب دانش، کسی را توان دست یابی به گنجینه های حکمت نیست.

علم برخاسته از وجدان پاک و عقل سلیم، در پرتو انوار آسمانی وحی، هم به فرد کمال انسانی، عظمت روحی و رشد معنوی می بخشد و فکر، اندیشه و خیال او را به پرواز درمی آورد، و هم جامعه را سمت و سوی سعادت‌مندان بخشیده و آن را به جامعه ای متمدن و پیشرو متحول می کند. بی توجهی یا کوتاه فکری است اگر فرد و جامعه ای به دنبال عزت، استقلال، هویت، امنیت، سعادت و سربلندی

مادی و معنوی باشد، اما آن را در صراطی غیر از حقیقت طلبی، علم اندوزی و حکمت مداری الهی طلب نمایند.

انقلاب سراسر نور اسلامی ایران که داعیه جهانی سازی کلمه الله و برپایی تمدن جهانی اسلام را داشته و فروپاشی و افول تمدن های پوشالی غرب و شرق را به نظاره نشسته است، با اندیشه فقهاتی در اداره حکومت و نظریه مترقی «ولایت فقیه»، طرازی از مسئولیت ها و مأموریت های حوزه های علمیه و روحانیت را عرضه نمود که امید و نشاط را نه تنها در شیعیان و مسلمانان، بلکه در دل تمامی آزادی خواهان و حق طلبان سراسر جهان زنده ساخت.

در این راستا، رهبر فرزانه انقلاب (مدظله) با عزمی مصمم و با تمامی توان، همچون پیر و مراد خود خمینی کبیررحمه الله، در صحنه حاضر شده و با تأکید بر اهمیت و فوریت این حرکت فراگیر و بی وقفه، همه توانمندی ها و اراده ها را جهت تحقق جنبش نرم افزاری و نهضت تولید علم و تحول در علوم انسانی و نیز یافتن راه های میان بر و دانش افزا راهبری و رصد می کنند.

جامعه المصطفی صلی الله علیه و اله العالمیه، نمادی درخشان از این رسالت جهانی و همت بین المللی انقلاب اسلامی است که بار مسئولیت تربیت مجتهدان، عالمان، محققان، متخصصان، مدرسان، مبلغان، مترجمان، مربیان و مدیران پارسا، متعهد و زمان شناس را بر دوش داشته و با تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی و قرآنی و گسترش مبانی و معارف اسلامی، به نشر و ترویج اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و اله و معارف بلند و تابناک مکتب اهل بیت علیهم السلام جامه تحقق می پوشاند.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و اله نیز که مهم ترین و گسترده ترین مجموعه پژوهشی المصطفی صلی الله علیه و اله است، بومی سازی و بازتولید اندیشه دینی معاصر، متناسب با نیازها و اقتضائات عرصه بین الملل، تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی، گشودن

افق های جدید فکری و معرفتی در دنیای معاصر، پاسخ گویی به مسائل و شبهات فکری و معرفتی مخاطبان و تأمین و تدوین متون و منابع درسی و کمک درسی، به ویژه با رویکرد اسلامی سازی علوم و پشتیبانی علمی از فعالیت های سازمانی المصطفی صلی الله علیه و اله را از جمله مأموریت ها و تکالیف خود می داند.

اثر علمی پیش رو نیز به همت مؤلف محترم حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای مجید حیدری نیک و برای دوره کارشناسی رشته تاریخ اسلام، در چارچوب اهداف و برنامه های پژوهشگاه و مبتنی بر نیازسنجی های صورت گرفته، تهیه و تدوین شده است.

در پایان لازم است ضمن ارج نهادن به تلاش های خالصانه مؤلف محترم، از کلیه دست اندرکاران محترم آماده سازی و انتشار این اثر ارزشمند، به ویژه همکاران محترم مرکز بین المللی نشر و ترجمه المصطفی صلی الله علیه و اله و همه عزیزانی که به نحوی در تدوین و انتشار آن نقش داشته اند، قدردانی و تشکر نماییم و از خداوند متعال برای ایشان و همه خادمان عرصه تبلیغ و نشر مفاهیم و معارف دینی، آرزوی بهروزی، موفقیت و سعادت نماییم.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و اله

بخش اول: مباحث مقدماتی و پیش نیازهای درس تاریخ تحلیلی اهل بیت علیهم السلام

۱. مبانی تقسیم بندی تاریخ اسلام ۳۱

درآمد ۳۱

انواع تقسیم بندی ها ۳۲

معیار اصیل ۳۲

۲. تعریف، اقسام و فایده تاریخ ۳۹

درآمد ۳۹

تاریخ نقلی ۴۰

علم تاریخ ۴۰

روش تحقیق در علم تاریخ ۴۰

۱. استفاده از منابع اصیل ۴۱

۲. توجه به تشابهات تاریخی ۴۱

۳. یافتن موازین ۴۲

الف) شناخت اهداف رسول خدا صلی الله علیه و اله و ائمه علیهم السلام ۴۲

ب) رابطه ائمه علیهم السلام با مردم ۴۳

۴. دستیابی به اصول ۴۳

۵. طرح سؤال و دستیابی به تدابیر رهبران دینی ۴۳

۶. همراهی با تقارن ها و تعلیل ها و تحلیل ها ۴۴

فلسفه تاریخ ۴۶

فایده تاریخ نقلی ۴۷

۱. منبع شناخت ۴۷

۲. احیاگر تفکر ۴۸

۳. ثبات آور قلب و هدف بخش ۴۸

۴. منبع اجتهاد ۴۸

فایده علم تاریخ ۴۹

۱. شهود و برخورد مستقیم با حوادث ۴۹

۲. خلوص حوادث و حصول دیدگاه جامع درباره آن ۴۹

۳. عبرت و پندآموزی ۵۰

فایده فلسفه تاریخ ۵۱

۱. موضع گیری مناسب در برابر حوادث ۵۱

۲. تغییر سرنوشت جوامع با فراگیری سنت های تاریخی ۵۱

۳. تاریخ نگاری مسلمانان ۵۵

درآمد ۵۵

انگیزه مسلمانان از نگارش تاریخ ۵۶

۱. میراث تاریخی اعراب ۵۶

۲. تأثیر مباحث تاریخی قرآن ۵۷

۳. لزوم بهره گیری از سنت پیامبر ۵۷

۴. توجه حاکمان به تاریخ ۵۷

۵. تأثیر نوشته های تاریخی سایر اقوام ۵۸

گونه های تاریخ نگاری مسلمانان ۵۹

۱. سیره نگاری ۵۹

۲. تاریخ نویسی عمومی و تقویمی ۶۰

۳. تک نگاری ۶۰

۴. تاریخ نگاری بر اساس نسب شناسی ۶۰

۵. سبک خبری و پیوسته ۶۱

۶. تاریخ نگاری محلی ۶۱

ص: ۱۲

۷. تاریخ نگاری فرهنگی و اجتماعی ۶۱

آشنایی با مورخان مشهور ۶۲

۱. قرن دوم هجری ۶۳

الف) محمد بن اسحاق (۱۵۰ق) ۶۳

ب) ابومخنف (۱۵۷ق) ۶۳

ج) محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷) ۶۳

۲. قرن سوم هجری ۶۴

الف) بلاذری (۲۸۹ق) ۶۴

ب) ابوحنیفه دینوری (۲۸۲ق) ۶۴

ج) یعقوبی (۲۸۴ق) ۶۴

د) ابن قتیبه دینوری (۲۷۶ق) ۶۵

۳. قرن چهارم هجری ۶۵

الف) طبری (۳۱۰ق) ۶۵

ب) مسعودی (۳۴۱ق) ۶۶

ج) ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ق) ۶۶

د) شیخ مفید (۴۱۳ق) ۶۶

۴. قرن پنجم ۶۷

ابن مسکویه (۴۲۱ق) ۶۷

۵. قرن پنجم به بعد ۶۷

الف) طبرسی (۵۴۸ق) ۶۷

ب) ابن اثیر (۶۳۰ق) ۶۸

ج) اربلی (۶۹۲ق) ۶۸

د) ابن کثیر (۷۷۴ق) ۶۸

ه) ابن خلدون (۸۰۸ق) ۶۸

و) سیوطی (۹۱۱ق) ۶۹

ز) میرخواند (۹۰۳ق) ۶۹

ح) خواندمیر (۹۴۲ق) ۶۹

۶. مورخان معاصر ۶۹

الف) استاد شهید مطهری ۶۹

ب) استاد مصباح یزدی ۷۰

ص: ۱۳

ج) استاد شهیدی ۷۰

د) علامه عسگری ۷۰

ه) علامه جعفر مرتضی عاملی ۷۰

بخش دوم: بررسی تحلیلی جامعه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله

۱. اقدامات پیامبر صلی الله علیه و اله برای جانشینی پس از خود ۷۵

درآمد ۷۵

معرفی جانشین ۷۶

۱. آیات قرآنی ۷۶

الف) آیه تبلیغ ۷۶

ب) آیه مباهله ۷۸

۲. احادیث فراوان ۷۹

الف) حدیث ثقلین ۷۹

ب) سدالابواب ۸۰

۳. تذکرات پراکنده ۸۱

۴. کوبیدن مخالفان ۸۱

۵. فرستادن علی علیه السلام به یمن ۸۳

۶. ماجرای تبوک ۸۳

۷. جمع بندی مکتب در روز غدیر ۸۴

۸. روشن نمودن خط ولایت ۸۵

۹. پاک سازی مدینه برای رهبری آینده ۸۵

۱۰. کنارزدن خط انحرافی ۸۷

۱۱. علایم راه ۸۷

۲. تحلیل روی گردانی سران و مردم از ولایت علی علیه السلام ۹۳

درآمد ۹۳

مدینه و رحلت پیامبر ۹۴

۱. حیرت و نگرانی ۹۴

۲. کمبود یاران توانمند و مخلص ۹۶

۳. حاکمیت نظام قبیلگی ۹۸

ص: ۱۴

۴. کینه از علی علیه السلام ۱۰۰

۵. نوپا بودن اسلام ۱۰۲

۶. گروه نفاق ۱۰۴

اقدامات گروه نفاق برای گرفتن قدرت ۱۰۶

۱. ترور ناکام ۱۰۶

۲. انکار وفات رسول ۱۰۶

۳. تغییر نقشه ۱۰۷

۴. علت گرد آمدن انصار در سقیفه ۱۰۸

الف) ترس از قدرت قریش ۱۰۸

ب) آگاهی از قدرت و نفوذ باند نفاق ۱۰۸

ج) شنیدن هشدارهای پیامبر ۱۰۸

د) نبود امثال «سعد بن معاذ» در بین انصار ۱۰۹

ه) نفاق سران و اشراف انصار ۱۰۹

۵. سخنرانی ابوبکر در سقیفه ۱۰۹

۶. حيله ۱۱۰

۷. کودتا ۱۱۱

اقدامات گروه نفاق برای تثبیت قدرت ۱۱۱

۱. قدرت نظامی ۱۱۱

۲. برخورد با توده مردم ۱۱۲

۳. برخورد با مخالفان (به صورت انفرادی یا گروهی) ۱۱۳

۳. گام های حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت ۱۱۹

درآمد ۱۱۹

حرکت های فردی ۱۲۰

۱. استنصار ۱۲۰

الف) بیعت عقبه ۱۲۲

ب) واقعه غدیر ۱۲۳

ج) حدیث م نزلت ۱۲۳

۲. پاسداری ۱۲۴

ص: ۱۵

۳. افشاگری در مسجد مدینه (خطبه فدکیه) ۱۲۶

۴. بایکوت ۱۲۷

۵. هشدار (سخنانی در هنگام بیماری خطاب به زنان انصار) ۱۲۸

۶. احیای خاطرات ۱۲۹

۷. سرشک انقلابی ۱۳۰

۸. پایگاه بیداری (بیت الاحزان) ۱۳۲

۹. اعتراف ۱۳۳

۱۰. سفارش های کوبنده ۱۳۴

۱۱. چراغی در تاریکی ۱۳۵

۱۲. تسلا بخشی ۱۳۶

۴. موضع گیری علی علیه السلام با مسئله خلافت ۱۴۳

درآمد ۱۴۳

اقدام های علی علیه السلام در برابر خلفا ۱۴۴

۱. حفظ مکتب و وحدت مسلمانان ۱۴۴

الف) جمع آوری قرآن ۱۴۴

ب) کناره گیری از حق خود و سکوت ۱۴۵

۲. حفظ جان خود - به عنوان حجت خدا - با تقیه ۱۴۷

الف) اطمینان دادن به خلفا درباره عدم درگیری ۱۴۷

ب) نام گذاری برخی فرزندان به اسم خلفا ۱۴۷

ج) عبادت و گوشه گیری ۱۴۷

د) یاری کردن خلفا در امور قضایی، فرهنگی و سیاسی ۱۴۸

یکم) قضاوت ۱۴۸

دوم) امور فرهنگی ۱۴۸

سوم) امور سیاسی ۱۴۹

الف) تزویج «ام کلثوم» به عمر و اصرار وی ۱۵۰

ب) نشان دادن باطل بودن خلفا ۱۵۰

یکم) بیعت دیر هنگام ۱۵۰

دوم) اظهار مخالفت در مواضع متعدد ۱۵۱

ج) نپذیرفتن هیچ پستی از خلفا ۱۵۲

ص: ۱۶

د) اعتراض به بدعت ها و تبعیض نژادی ۱۵۲

۳. مُنَاشَدَه ها ۱۵۳

۴. همدلی با مخالفان حکومت ۱۵۳

۵. پاک سازی جنبش از منافقان ۱۵۴

۶. تربیت نیرو و کادرسازی پنهانی ۱۵۴

۷. ایجاد منابع اقتصادی برای امامان بعدی ۱۵۵

اقدامات حضرت علی علیه السلام بعد از خلفا ۱۵۵

۱. عدم پذیرش حکومت در مرحله نخست ۱۵۶

الف) پایین آوردن توقع مردم ۱۵۶

ب) بالا بردن طاقت و توان مردم ۱۵۷

ج) نفی تهمت ها ۱۵۷

۲. قبول خلافت و بیعت مردم ۱۵۸

۳. تأکید بر ایمان، تقوا، زهد و جهاد ۱۵۹

۴. تبیین مسئله ولایت ۱۶۰

معرفی خود و بیان حقایق ۱۶۰

۵. از بین بردن بدعت ها و تحریف ها ۱۶۱

بخش سوم: بررسی وضعیت جامعه در آستانه غیبت صغری

۱. شرایط اجتماعی و فکری عصر عباسیان ۱۶۹

درآمد ۱۶۹

وضعیت اجتماعی ۱۷۰

۱. عیاشی ۱۷۰

۲. قصرها ۱۷۱

۳. جشن ها ۱۷۱

۴. بزم ها ۱۷۲

۵. بخشش ها ۱۷۲

۶. طعام ها ۱۷۳

توده مردم ۱۷۳

۱. وضعیت فکری ۱۷۴

ص: ۱۷

۲. اعتزال ۱۷۴

۳. تغییر خط مشی فکری ۱۷۵

۴. تألیفات این دوره ۱۷۵

۲. وضعیت فکری و سیاسی - اجتماعی شیعه در آستانه عصر غیبت ۱۷۹

درآمد ۱۷۹

وضعیت فکری ۱۸۰

۱. اقدام عسکرین در زمینه فکری: حفظ اسلام و فرهنگ وحی ۱۸۱

۲. ایجاد آمادگی فکری برای ورود به عصر غیبت ۱۸۲

وضعیت سیاسی ۱۸۲

۱. انتقال عسکرین از مدینه به سامرا ۱۸۲

۲. شیوه های مبارزه سیاسی عسکرین ۱۸۳

وضعیت اجتماعی ۱۸۴

۱. ارتباط حداقل با امام ۱۸۴

۲. فشار ۱۸۵

۳. اخراج از سمت ها ۱۸۵

۴. گرفتن امکانات اقتصادی ۱۸۵

پایگاه اجتماعی رهبری شیعه ۱۸۶

۱. نفوذ امام هادی علیه السلام در بین امرا ۱۸۶

۲. در میان اهل کتاب ۱۸۶

۳. نزد شیعیان سامرا ۱۸۷

۴. نفوذ امام عسکری علیه السلام نزد خلفا ۱۸۷

۵. نزد وزرا ۱۸۷

۶. نزد طیب متوکل ۱۸۸

۷. نزد اهل کتاب ۱۸۸

۸. در نزد شیعیان ۱۸۸

۳. زمینه سازی برای ورود شیعه به عصر غیبت ۱۹۳

درآمد ۱۹۳

ص: ۱۸

آماده سازی معصومین علیهم السلام تا عصر عسکریین علیهما السلام ۱۹۴

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله ۱۹۴

۲. امام علی علیه السلام ۱۹۵

۳. حضرت فاطمه علیها السلام ۱۹۵

۴. امام حسن مجتبی علیه السلام ۱۹۶

۵. امام حسین علیه السلام ۱۹۶

۶. امام سجاد علیه السلام ۱۹۷

۷. امام باقر علیه السلام ۱۹۷

۸. امام صادق علیه السلام ۱۹۷

۹. امام کاظم علیه السلام ۱۹۸

۱۰. امام رضا علیه السلام ۱۹۸

۱۱. امام جواد علیه السلام ۱۹۹

اقدامات عسکریین ۱۹۹

۱. تبیین مسئله مهدی و غیبت ایشان ۱۹۹

۲. کاهش ارتباط مستقیم با شیعه ۲۰۰

۳. تقویت نهاد وکالت ۲۰۱

الف) مفهوم لغوی و اصطلاحی واژه وکالت ۲۰۱

ب) معرفی اجمالی نهاد وکالت ۲۰۱

ج) علل تشکیل نهاد وکالت ۲۰۲

یکم) لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان ۲۰۲

دوم) جو خفقان عباسی و لزوم حفظ مکتب و شیعیان ۲۰۲

سوم) آماده سازی شیعه برای عصر غیبت ۲۰۳

چهارم) رفع بلا تکلیفی شیعه در عصر غیبت ۲۰۳

د) محدوده زمانی و مکانی فعالیت نهاد و کلا ۲۰۳

ه) وظایف و شئون نهاد و کالت ۲۰۴

یکم) دریافت وجوه شرعی ۲۰۴

دوم) رسیدگی به اوقاف ۲۰۵

سوم) راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان ۲۰۵

چهارم) نقش سیاسی نهاد و کالت ۲۰۶

ص: ۱۹

پنجم) نقش ارتباطی نهاد وکالت ۲۰۷

ششم) کمک به مظلومان و نیازمندان شیعه ۲۰۷

و) ویژگی های نهاد وکالت ۲۰۸

یکم) شرایط اعضا ۲۰۸

دوم) وظایف رهبری ۲۰۸

سوم) وظایف وکیل ارشد (سروکیل) ۲۰۹

چهارم) وظایف وکلای سیار ۲۰۹

پنجم) اصل اختفا و نهان کاری ۲۰۹

ز) چند تن از مهم ترین وکلا ۲۱۰

بخش چهارم: بررسی تاریخ عصر غیبت صغری

۱. وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری در عصر غیبت صغری ۲۱۷

درآمد ۲۱۷

وضع سیاسی جامعه و شیعه ۲۱۸

۱. وضعیت سیاسی «جامعه به طور عموم» ۲۱۸

الف) انتقال خلافت از سامرا به بغداد ۲۱۸

ب) ظهور قرامطه ۲۱۹

ج) کاهش قیام های علویان ۲۱۹

د) ظهور مهدی در شمال آفریقا ۲۱۹

ه) ظهور دولت های مستقل و خودمختار ۲۲۰

۲. وضعیت سیاسی «شیعه به طور خاص» ۲۲۰

۳. وضعیت اجتماعی «جامعه به طور عموم» ۲۲۱

الف) اختلافات مذهبی و فرقه ای ۲۲۱

ب) اختلافات قومی و قبیله ای ۲۲۱

ج) اختلافات طبقاتی ۲۲۱

د) عیاشی و خوش گذرانی ۲۲۲

ه) اسراف و تبذیرهای گسترده ۲۲۲

۴. وضعیت اجتماعی «شیعه به طور خاص» ۲۲۲

۵. وضعیت فکری «جامعه به طور عموم» ۲۲۳

الف) پیدایش مکتب اشعری ۲۲۳

ص: ۲۰

ب) تدوین کتاب های روایی ۲۲۴

۶. وضعیت فکری «شیعه به طور خاص» ۲۲۴

۲. تاریخ غیبت صغری و چگونگی آغاز آن ۲۲۹

درآمد ۲۲۹

آغاز غیبت ۲۳۰

داستان سرداب (مکان غیبت) ۲۳۰

فلسفه غیبت ۲۳۱

۱. سری از اسرار الهی ۲۳۲

۲. آزمایش و غربال انسان های صالح ۲۳۲

۳. ستم پیشگی انسان ها ۲۳۲

۴. آزادی از بیعت با طاغوت های زمان ۲۳۳

۵. حفظ جان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۳۳

۶. آمادگی جهانی ۲۳۳

ویژگی های دوره غیبت صغری ۲۳۴

اختلافات فرقه ای پس از شهادت امام عسکری علیه السلام ۲۳۴

۳. نواب اربعه در عصر غیبت صغری ۲۳۷

درآمد ۲۳۷

نواب اربعه ۲۳۸

۱. ابوعمر، عثمان بن سعید عمروی ۲۳۸

۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمروی ۲۳۹

۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی ۲۳۹

۴. ابوالحسن، علی بن محمد سمري ۲۳۹

ملاک در نصب نواب اربعه ۲۴۱

۱. تقیه و رازداری ۲۴۱

۲. صبر و مقاومت ۲۴۱

۳. عقل و درایت ۲۴۲

۴. برنیانگیختن حساسیت حاکمان ۲۴۲

ص: ۲۱

چگونگی ارتباط نواب اربعه با شیعیان ۲۴۲

۱. ارتباط غیرمستقیم ۲۴۳

۲. ارتباط مستقیم ۲۴۳

وظایف و مسئولیت های نواب اربعه ۲۴۴

۴. وکلای عام حضرت در عصر غیبت صغری ۲۴۹

درآمد ۲۴۹

نصب و کلا ۲۵۰

وکلای خائن و مدعیان دروغین و کالت ۲۵۱

۱. خیانت و فساد در نهاد و کالت ۲۵۱

الف) هشام بن ابراهیم عباسی همدانی ۲۵۲

ب) فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی ۲۵۲

ج) عروه بن یحیی ۲۵۲

د) ابو جعفر، محمد بن علی الشلمغانی، (ابن ابی العزاقر) ۲۵۳

۲. مدعیان دروغین و کالت و باییت ۲۵۴

الف) ابو عبدالله، احمد بن محمد السیاری ۲۵۴

ب) حسین بن محمد بن بابا القمی ۲۵۴

ج) ابو محمد الشریعی ۲۵۵

د) محمد بن نصر النمیری الفهری ۲۵۵

بخش پنجم: بررسی عصر غیبت کبری

۱. تاریخ شیعه، نهضت ها و دولت های شیعی در عصر غیبت کبری ۲۶۱

درآمد ۲۶۱

شیعه در عصر غیبت کبری ۲۶۲

نهضت ها و دولت های شیعی در عصر غیبت کبری ۲۶۳

۲. مبارزات فکری و سیاسی علمای شیعه در عصر غیبت ۲۷۱

درآمد ۲۷۱

مبارزه فکری علمای شیعه در عصر غیبت ۲۷۲

۱. شیعه و مراحل آن ۲۷۲

الف) فقه و فقاہت در دوران حضور ائمه علیهم السلام ۲۷۲

ص: ۲۲

ب) فقه و فقهات شیعه در دوران غیبت صغری ۲۷۳

ج) فقه و فقهات شیعه در دوران غیبت کبری ۲۷۴

۲. حوزه های علمیه و مراکز فقهات شیعه در عصر غیبت کبری ۲۷۴

مبارزات سیاسی علمای شیعه در عصر غیبت کبری ۲۷۶

۱. زمینه های فعالیت سیاسی ۲۷۶

الف) در درون مرزهای دولت اسلامی ۲۷۶

ب) در بیرون از مرزهای دولت اسلامی ۲۷۷

۲. مراحل مبارزه و فعالیت های سیاسی ۲۷۷

۳. مدعیان مهدویت و باییت ۲۸۳

درآمد ۲۸۳

مدعیان دروغین ۲۸۴

کتابنامه ۲۸۹

ص: ۲۳

آن چه در کتاب های فعلی برای آموزش فراگیران در موضوعات تاریخی در نظر گرفته شده، دچار فقدان متن آموزشی، کمبود تحلیل و هماهنگی نبودن با سرفصل های مصوب است.

در واقع، این کتاب ها برای آموزش تألیف نشده اند، بلکه تنها برای استفاده عموم مردم نوشته شده و جنبه های تعلیمی و روش آموزشی در آنها رعایت نشده است.

در این کتاب تلاش شده است که علاوه بر هماهنگی با سرفصل های مصوب، متن درسی به صورت واحدهای آموزشی درآید و برای فهم آسان تر مطالب در هر واحد آموزشی، درآمد، پیش آزمون، محتوای آموزشی، فرجام و آزمون پایانی گنجانده شده است. افزون بر این، در بعضی واحدهای آموزشی منابعی معرفی شده است تا راه برای کسب اطلاعات بیشتر باز باشد.

در این کتاب، پیش از ورود به مباحث اصلی، مقدماتی شامل مبانی تقسیم تاریخ، تعریف، اقسام و فایده تاریخ و تاریخ نگاری مسلمانان بیان شده است تا دانشجو با نگاهی عمیق تر به مباحث اصلی توجه کند.

پس از طرح مباحث مقدماتی، نوبت به ارائه مباحث اصلی است. نگارنده در قالب چهار فصل و با همان روش پیش گفته به این امر می پردازد: فصل نخست: به بررسی تحلیلی جامعه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله می پردازد و در همین جهت، اقدامات حضرت رسول برای جانشینی خود، علل غصب خلافت، گام های حضرت زهرا علیها السلام برای دفاع از ولایت و اقدامات حضرت علی علیه السلام در برابر خلفا و بعد از خلفا را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد.

فصل دوم: به بررسی جامعه در آستانه عصر غیبت صغری می پردازد و در نتیجه به شرایط اجتماعی و فکری حاکمان سیاسی این دوره، وضعیت فکری، سیاسی و اجتماعی شیعه و زمینه سازی ائمه علیهم السلام برای ورود شیعه به این عصر می پردازد.

فصل سوم: در مورد تاریخ عصر غیبت صغری بحث می کند و در این زمینه به وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری این عصر، تاریخ غیبت و چگونگی آغاز و انتهای آن، معرفی نواب اربعه و شناسایی و کلای عام حضرت می پردازد.

فصل چهارم: به عصر غیبت کبری اختصاص دارد. فراگیران در این فصل با تاریخ شیعه، نهضت ها و دولت های شیعی، مبارزات فکری و سیاسی علمای شیعه و مدعیان مهدویت آشنا می شوند.

این کتاب که تحت عنوان «درس نامه تاریخ تحلیلی اهل بیت علیهم السلام» تدوین شده است، بی تردید با کاستی ها و نواقصی همراه است که با امعان نظر صاحب نظران و اساتید مرتفع خواهد شد. از این رو نظرات و نقدهای عالمانه استادان و اندیشمندان موجب امتنان و غنای این کتاب در ویراست های بعدی خواهد بود.

لازم است از زحمات و کمک های همه کسانی که در تولید و تدوین و آماده سازی

این مجموعه این جانب را یاری نموده اند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

در پایان توفیق بیشتر در خدمت گذاری و نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و اشاعه اندیشه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خداوند متعال خواستارم.

مجید حیدری نیک

۹رمضان ۱۴۳۴

۲۷تیرماه ۱۳۹۲

ص: ۲۷

بخش اول: مباحث مقدماتی و پیش نیازهای درس تاریخ تحلیلی اهل بیت علیهم السلام

اشاره

ص: ۲۹

در هر علمی برای ارائه مطالب آموزشی و تسهیل در فراگیری، تقسیم بندی و جداسازی صورت می پذیرد و متن آموزشی بر اساس معیارهای مدون، تهیه و در اختیار دانش پژوهان قرار می گیرد.

برای مثال، کار جداسازی در علم صرف، با تقسیم مباحث آن به اسم، فعل و حرف صورت گرفته است و دانش پژوه در روند فراگیری این دانش به خوبی مطالب هر بخش را جداگانه به ذهن می سپارد و در ادامه کار از تشتمت و پراکنندگی فکری در امان می ماند.

تاریخ اسلام نیز بر همین سیاق نیاز به تقسیم بندی و جداسازی مباحث و رویدادهای گوناگون دارد تا با ارائه مطالب بر اساس شکلی خاص و در قالبی روشن، دانشجویان را به سمت اهداف مورد نظر سوق دهد.

پیش آزمون

۱. آیا می شود تاریخ اسلام را تقسیم بندی کرد؟

ص: ۳۱

۲. معیار و ملاک این تقسیم بندی ها چیست؟

۳. کدام معیار در این تقسیم بندی مناسب تر است؟

انواع تقسیم بندی ها

کتاب های تاریخ اسلام، از قرن دوم هجری - آغاز شکل گیری نوشته های مورخان - تا امروز به دو روش به تقسیم بندی تاریخ اسلام پرداخته اند: بعضی از مورخان، محور مباحث را شخصیت ها و چهره های بزرگ قرار داده و بر همین اساس از زندگانی پیامبر صلی الله علیه و اله آغاز کرده و به هریک از امامان معصوم علیهم السلام توجه ویژه ای داشته اند.

و بعضی دیگر محور مباحث را عنصر زمانی در نظر گرفته اند و تاریخ زندگانی ائمه شیعه علیهم السلام را در قالب بحث از خلفای زمانه پی گیری کرده اند.

این دو نگاه به علت نبود نگاه جامع و فقدان توجه به حرکت هدف دار تاریخ، فاقد تقسیم بندی مستند و جهت دارند.

معیار اصیل

آن گاه که خدا انسان را آفرید، در هر زمانی، برای رشد و تعالی او شرایع و قوانینی را با توجه به شرایط آن روز و سیر تکاملی وی به ارمغان آورد. در واقع، ادیان الهی نقاط آغازین حرکت هایی بودند که کم کم انسان را به سمت سعادت رهنمون می ساختند.

اسلام - شکل تکامل یافته شرایع پیشین - نیز ارائه کننده حرکتی نوین و نمایشگر خط روشنی شد که هر زمان به همت یکی از اولیای دین و در بطن جاهلیت آغاز می شود، مراحل را طی می کند و فرازونشیب هایی را پشت سر

می گذارد. این حرکت های پرفراز و فرود را در تاریخ اسلام با توجه به روایات می توان به چهار دوره تقسیم نمود:

دوره نخست: با حرکت رسول الله صلی الله علیه و اله در زمان جاهلیت نخستین آغاز می شود و با او به اوج می رسد.

دوره دوم: پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و اله آن حرکت رو به انحطاط می گذارد. این انحطاط و حرکت قهقرایی به شکلی بود که حضرت علی علیه السلام در آغاز خلافت خویش اعلام می کند: «آگاه باشید! همانا انحطاط شما ما را به عقب راند؛ مانند جاهلیتی شدیم که بعثت پیامبر در آن اتفاق افتاد». ۱ امام باقر علیه السلام نیز در تحلیلی از اوضاع این دوره، فقط سه نفر را بعد از رحلت پیامبر از ارتداد مبرا می داند. ۲

بدین ترتیب، امیرمؤمنان علیه السلام آغازگر دوباره حرکت اسلامی می شود. حرکتی که با وجود تسلط معاویه به حیات خود ادامه می دهد و تمام گل های خود را در صحرای طف به پای حسین علیه السلام نثار می کند. در کربلا همه نخل های تربیت شده سه امام معصوم علیهم السلام فرو می افتند و این زمان است که آغازگر دیگری را طلب می کند.

دوره سوم: پس از شهادت امام حسین علیه السلام حاکمان اموی جامعه را به جایی کشیده بودند که به تعبیر روایات، جز نام و ظاهر اسلام چیزی باقی نمانده بود و شماری اندک پیرو واقعی ولایت بودند. ۳ امام سجاد علیه السلام در شرایط جاهلیت

جدید، احیا کننده دوباره اسلام می شود و دیگر بار تربیت، دعوت و تشکل آغاز می شود و این حرکت در زمان صادقین علیهما السلام به اوج می رسد.

دوره چهارم: حاکمان عباسی که در دوره امام صادق علیه السلام به قدرت رسیدند، با آگاهی از نفوذ و قدرت رهبران شیعه با ترفندهای مختلف سعی در به انزوا کشاندن ائمه شیعه داشتند و به نوعی دیگر، جامعه را به سمت جاهلیت کشاندند تا جایی که امام حسن عسگری علیه السلام با گزینش شیوه های متعدد پنهان کاری، یک سلسله فعالیت های سری سیاسی را رهبری کرد. (۱)

این سیر نزولی به حدی می رسد که جامعه امکان پذیرش امام معصوم را ندارد و به طور طبیعی غیبت شکل می گیرد. این سیر همچنان ادامه دارد و دلیل آن عدم ظهور حضرت است. (۲) جاهلیت این زمان هم با ظهور احیاگری از تبار علی علیه السلام و نسل فاطمه علیها السلام به پایان می رسد - ان شاء الله - و تاریخ این چنین به پایان خود نزدیک می شود که: ... أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (۳)

حال با توجه به این تقسیم بندی، برای بررسی تاریخ هریک از معصومان علیهم السلام علاوه بر نقش هر معصوم و یارانش باید به شیوه متفاوت سلوک اجتماعی هر کدام از ایشان در برخوردهای متفاوتشان با حکومت ها توجه نمود؛ زیرا تفاوت در برخورد معصومان علیهم السلام بر اساس اختلاف شخصیت ایشان تحلیل پذیر نیست؛ چرا که ایشان همه نور واحدند و آن چه متفاوت است، شرایط اجتماعی و سیاسی

حاکم و اقتضای زمانی هر مرحله از حرکت اسلامی است.

ص: ۳۴

۱- (۱). شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۱۴.

۲- (۲). بر همین اساس است که عدم شناخت امام علیه السلام برابر با جاهلیت شمرده شده است: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه».

۳- (۳). «بندگان شایسته ام زمین را به ارث خواهند برد»؛ انبیاء، آیه ۱۰۵.

۱. لزوم تقسیم بندی و جداسازی در هر علمی برای ارتقای سطح علمی و تعامل آسان آموزشی، ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ تاریخ اسلام نیز از این قاعده مستثنا نیست.

۲. نگاه مورخان مسلمان به تاریخ اسلام و تقسیم بندی آن تا به امروز در دو قالب شخصیت محوری و توجه به سیر زمانی بوده است.

۳. نگاه دیگری نیز با توجه به روایات معصومان علیهم السلام و حرکت موج دار جامعه اسلامی می توان به این دو دیدگاه افزود و آن تقسیم بندی تاریخ اسلام بر اساس فراز و فرودهاست.

۴. با توجه به تقسیم بندی فوق، تاریخ اسلام به چهار دوره تقسیم می شود:

دوره نخست: حرکت احیاگرانه رسول خدا صلی الله علیه و اله در بطن جاهلیت نخستین؛

دوره دوم: شکل گیری جاهلیت دوم بعد از پیامبر، حرکت هوشمندانه علی علیه السلام و دمیدن روح بیداری به کالبد جامعه آن روز.

دوره سوم: حرکت اسلامی جامعه با حاکمیت امویان، شکل گیری جاهلیت نو و بروز واقعه عاشورا به بن بست می رسد، ولی موضع گیری های پیچیده امام سجاد علیه السلام در این برهه از تاریخ، روح تازه ای به حرکت اسلامی به احتضار رسیده می دمد؛ به شکلی که این جنبش دینی در دوره صادقین علیهما السلام به اوج می رسد؛

دوره چهارم: دوره واپس گرایی جامعه اسلامی با به قدرت رسیدن عباسیان، شکل گیری جاهلیت با رنگ و لعابی متفکرانه، بروز پدیده غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار برای احیاگری حجت برگزیده حق.

آزمون پایانی

۱. ضرورت تقسیم بندی تاریخ اسلام به علت... می باشد.

الف) ارتقای سطح علمی دانش پژوهان

ب) شناسایی بهتر رهبران دینی

ج) تعامل آسان آموزشی

د) گزینۀ الف و ج

۲. نگاه مورخان مسلمان به تقسیم بندی تاریخ اسلام چگونه است؟

الف) شخصیت محوری - سیر زمانی

ب) شخصیت محوری - اخبار محوری

ج) شخصیت محوری - انساب محوری

د) شخصیت محوری - فرهنگ محوری

۳. نگاه مورخان مسلمان در نوشته های تاریخی به علت... فاقد تقسیم بندی مستند و جهت دار است.

الف) عدم توجه به حرکت هدف دار تاریخ اسلام

ب) نبود نگاه جامع

ج) تعصب دینی

د) گزینۀ الف و ب

۴. بر اساس مبانی تقسیم بندی نگارنده کتاب، تاریخ اسلامی به چند دوره تقسیم می شود؟

الف) چهارده دوره (پیامبر صلی الله علیه و اله ، امام علی علیه السلام ، امام سجاد علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ب) چهار دوره (پیامبر صلی الله علیه و اله ، امام علی علیه السلام ، امام حسین علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ج) سه دوره (پیامبر صلی الله علیه و اله ، امام علی علیه السلام و امام سجاد علیه السلام)

د) سه دوره (پیامبر صلی الله علیه و اله ، امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام)

۵. این عبارت امام علی علیه السلام : «أَلَا وَإِنَّ بَلَّيْتِكُمْ قَدْ عَادَتْ...» مربوط به کدام دوره از دوره های تاریخ اسلام است.

الف) جاهلیت نخستین ب) جاهلیت دوم

ج) جاهلیت سوم د) جاهلیت چهارم

ص: ۳۷

۲- تعریف، اقسام و فایده تاریخ

درآمد

نخستین گام در بررسی و شناخت هر دانشی، آگاهی از تعریف، اقسام و فایده آن علم است؛ به همین دلیل، این قسمت در صدد بررسی تعریفی از تاریخ و ارائه اقسام و فایده آن می باشد.

به نظر می رسد که از سه جهت می توان به تاریخ نگریست. براین اساس، تاریخ را به سه شاخه تقسیم کرده، برای هر یک تعریفی ارائه می کنیم و آن گاه به فایده هر کدام می پردازیم؛ این سه شاخه عبارتند از:

۱. تاریخ نقلی؛

۲. علم تاریخ؛

۳. فلسفه تاریخ.

پیش آزمون

با مطالعه این واحد آموزشی می توانید به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱. اقسام تاریخ را بیان کنید.

۲. تعریف لغوی و اصطلاحی تاریخ نقلی چیست؟

ص: ۳۹

۳. علم تاریخ چیست؟ روش تحقیق در علم تاریخ را شرح دهید.

۴. تصویری از فلسفه تاریخ و بعضی از قوانین آن را ارائه کنید.

۵. فایده تاریخ نقلی، علم تاریخ و فلسفه تاریخ را بیان کنید.

تاریخ نقلی

تاریخ در لغت به معنای تعیین زمان است. «أرّخ الکتاب و أرّخه»، یعنی زمان نگارش نامه یا کتاب را ثبت کرد. (۱) و در اصطلاح، عبارت است از سیر حوادثی که در بستر زمان برای یک شیء (انسان، جامعه و ...) اتفاق می افتد؛ به عبارت دیگر، بررسی یک پدیده در بستر زمان را تاریخ گویند.

علم تاریخ

علم تاریخ، یافتن اصول و قوانینی برای درک دروغ ها و کشف حقایق پنهان و ناگفته های تاریخ است. علم تاریخ در حقیقت، علم به چگونگی حوادث و بودن آن است. این علم عهده دار این است که حوادث را از پوشش دسیسه ها، نظریه ها، زاویه دیدها و ذهنیت ها خالص کند؛ یعنی به شکلی به حادثه نگاه کند که خداوند به آن نگاه می کند: جامع، بی طرف و بی هیچ حب و بغضی. (۲)

روش تحقیق در علم تاریخ

اشاره

روش تحقیق در این علم وابسته به چند موضوع است که در ادامه می آید.

ص: ۴۰

۱- (۱). قاموس المحيط، ذیل واژه «أرّخ».

۲- (۲). مانند قصه «شق الصدر» و افسانه «غرانیق» که در بسیاری از کتب تاریخی وارد شده است، اما بعضی از محققان معاصر، دروغ و جعلی بودن این دو داستان را با ادله مقتضی ثابت کرده اند. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۸۲.

۱- استفاده از منابع اصیل

منابعی که متکی به وحی باشند، جامعیت و عمقی دارند که می توانند قضایا را شناسایی کنند و قضایای شناسایی نشده را هم لحاظ کنند. از این رو منابع قرآنی و حدیثی - البته با توجه به صحت سند و دلالت احادیث - اصل شمرده می شوند.

۲- توجه به تشابهات تاریخی

برای فهم تشابهات قرآنی به ظهورات و نصوص مراجعه می کنند؛ یعنی به محکومات رومی آورند. تشابه در قرآن در لفظ است، ولی تشابه در تاریخ در لفظ نیست و حادثه کاملاً مشخص است؛ بلکه تشابه در تحلیل حادثه است. تشابهات سنت و تاریخ کاملاً نص و مشخصند، اما نمی دانیم چرا؟ بنابراین در فهم تشابهات تاریخی به دانستن موازین نیاز هست.

پس در تشابهات تاریخی، تعارض - به این معنا که یکی صادق و بقیه کاذب باشند - نداریم؛ بلکه تعارض، این گونه است که چرا برای مثال، امام حسن علیه السلام این گونه موضع گرفت و امام حسین علیه السلام به گونه ای دیگر. یا سکوت حضرت علی علیه السلام در دوران خلفا با قیام امام حسین علیه السلام، یا نرمش و صلح امام حسن علیه السلام با روش دعا و زهد حضرت سجاد علیه السلام و یا هماهنگی حضرت رضا علیه السلام با مأمون و اقدام های عسکرین علیه السلام باهم تعارض دارند. علاوه بر تعارض در موضع گیری دو امام علیها السلام گاه در برخوردهای گوناگون یکی از پیشوایان تعارض دیده می شود. برای نمونه امام علی علیه السلام در برابر خلفا از درگیری شروع می کند، سپس به گردآوری یار و یاور برای مبارزه می پردازد و به همین خاطر به خانه های مهاجر و انصار سرکشی می کند؛ آن هم همراه فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام؛ آن گاه بیعت می نماید و در نهایت سکوت پیشه می کند و حتی در جنگ ها و فتوح با آنها همراهی کرده و مشاوره می دهد و در شرایطی نیز در

مسائل حکومتی، حقوقی و قضایی به آنان کمک می کند.

مشکلی در اصل این حوادث نیست، اما این که چرا هریک این گونه موضع گرفته اند، باید مورد توجه قرار گیرد. نمی توانیم بگوییم روش علی علیه السلام روش امام حسن علیه السلام را نفی می کند و این که این دو تکاذب دارند، بلکه معتقدیم همه این ها حقند، ظهور کامل دارند و ابهامشان به خاطر مفاهیم نیست؛ به خاطر شرایط گوناگونی است که صحنه حوادث پیدا می کنند.

اگر علی علیه السلام در زمان خلفا با آنها درگیر نمی شود، نه به این دلیل است که حق ندارد یا از حق خویش گذشته است؛ (۱) چون حکومت با او نمی چرخد و این حق شخصی نیست که علی علیه السلام بگذرد و گمراهی، کوری و انحراف را به آنها ببخشد؛ بلکه به این دلیل است که نمی خواهد با دست بریده بجنگد و یاران محدودش را به دست مرگ بسپارد و دیگر این که نمی خواهد اختلاف از امامت به رسالت کشیده شود و متنبی هایی مانند «مسيلمه» و «سجاح» بر اسلام تاخت و تاز کنند. بنابراین، می بینیم که علی علیه السلام به یافتن و تربیت یارانی مشغول می شود که بتوانند بدون غنايم با برادران خود بجنگند و بار سنگين حکومت علوی را به دوش بگیرند.

۳- یافتن موازين

اشاره

برای حل متشابهات تاریخی و درک صحیح و جامع تاریخ، نیاز به موازینی داریم که با توجه به مسائل زیر مشخص می شود:

الف) شناخت اهداف رسول خدا صلی الله علیه و اله و ائمه عليهم السلام

برای نمونه، یکی از اهداف رهبران دینی این بوده است که زمینه خوب شدن و رشد انسان ها را فراهم کنند؛ چنان که قرآن می فرماید: **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا**

ص: ۴۲

۱- (۱). همان گونه که ابن ابی الحدید در شروع خطبه ۵۰ همین سوء برداشت را داشته است.

وَإِمَّا كَفُورًا . (۱) بنابراین، بسیاری از حوادث تاریخی مانند این که چرا امام یا پیامبر این گونه موضع گرفتند، با فهم این موضوع مشخص می شود.

(ب) رابطه ائمه علیهم السلام با مردم

آگاهی از این که هیچ اجباری در پذیرش دین نیست لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ... و این که ائمه علیهم السلام هیچ گاه خود را به مردم تحمیل نمی کنند، بلکه تنها خود را در دسترس آنها قرار می دهند و برای کسانی که انتخاب درستی کردند و ولایت ائمه علیهم السلام را پذیرفتند، راهنمایند، پیچ و خم تشابهات تاریخی را برطرف می کند و تحلیلی درست را به محقق تاریخ هدیه می دهد.

۴- دستیابی به اصول

گذشته از این موازین، به اصولی نیاز داریم که در سیره ائمه علیهم السلام به کار رفته است و با دانستن آنها علل موضع گیری های ائمه علیهم السلام و تفاوت عملکردها مشخص می شود؛ این اصول عبارتند از:

۱. انتظار؛ یعنی ایجاد آمادگی، تهیه نیازها و برطرف کردن موانع؛
۲. تقيه؛ یعنی پنهان کردن اسرار، تغییر نوع مبارزه و نفوذ در دشمن؛
۳. قیام؛ تنها در صورتی که دو مرحله قبلی انجام شده باشد، این مرحله قابلیت طرح و اجرا پیدا می کند.

۵- طرح سؤال و دستیابی به تدابیر رهبران دینی

طرح سؤال و سپس تنظیم و تحلیل آن در مواجهه با حوادث تاریخی، سیستم

ص: ۴۳

۱- (۱) . سوره انسان، آیه ۳: «در واقع، ما او را به راه (راست) راه نمایی کردیم، درحالی که یا سپاس گزار است، یا بسیار ناسپاس است».

ذهنی را شکل می دهد و نگاه فراگیر و جامع را به انسان می بخشد؛ این که چرا اسلام در جزیره العرب آمد؟ چرا قرآن بر محمد صلی الله علیه و اله نازل شد؟ چرا محمد صلی الله علیه و اله کارش را در مکه شروع کرد و به مدینه منتقل شد؟ چرا در مدینه جنگ در گرفت؟ حاصل این جنگ ها چه شد؟ چرا جعفر از حبشه بازنگشت، مگر پس از فتح خیبر؟ رسول خدا صلی الله علیه و اله برای جانشینی بعد از خود چه کرد؟ چرا پس از رسول صلی الله علیه و اله همه از نصرت جانشین او دست برداشتند و پس از بیست و سه سال کار تربیتی، تنها سه نفر پشت سر وصی رسول باقی ماندند؟ چرا علی علیه السلام برای حراست از نتایج کار رسول خدا و جلوگیری از این همه ابتلا ساعتی تدفین رسول خدا را به تأخیر نینداخت و در سقیفه حق را از ناهلان نستاند؟

چه شد که حکومت به ابوبکر و سپس به عمر و عثمان رسید؟ و چه شد که به علی علیه السلام رسید؟ چه شد به حسن علیه السلام و از حسن علیه السلام به معاویه منتقل شد؟ و به یزید، امویان، بعد به عباسیان و پس از آنها به سه یا چهار قسمت منتقل شد و چه شد که کشورهای اسلامی دسته دسته شدند؟ چه شد که عثمانی به وجود آمد؟ چرا عثمانی با ایران درگیر شد و چه شد که عثمانی تجزیه شد؟ چه شد که حکومت از مشروطیت به رضاخان رسید؟

گرچه ممکن است وقت زیادی صرف شود، ولی خود مطرح شدن این پرسش ها در ذهنیت دانش پژوه یک سیستم را شکل می دهد و با نگاه جامع - نه مقطعی و منفرد - برای بسیاری از متشابهات تاریخی و علت موضع گیری های ائمه علیهم السلام پاسخ می گیرد.

۶- همراهی با تقارن ها و تعلیل ها و تحلیل ها

تقارن ها دروغ ها را روشن و تناقض ها را آشکار می سازد و تعلیل ها، حقایق پنهان را و تحلیل ها، جایگاه و مواضع فراموش شده را برملا می کند.

تقارن ها تحریف و بدعت ها را نشان می دهد؛ برای مثال: در مراکز پلیس

هنگام دستگیری یک باند برای کشف دروغ از تقارن جواب‌ها استفاده می‌شود. همچنین از قضاوت‌های امیر مؤمنان است که بین متهمان جدایی می‌انداخت، از هریک جداگانه سؤال می‌کرد و از تقارن پاسخ‌ها به دروغ‌ها پی می‌برد.

در تاریخ نیز می‌توان از تقارن‌ها به دروغ بودن بعضی حوادث پی برد؛ چون با منابعی روبه‌رو هستیم که دروغ در آنها وارد شده است. دسته‌بندی‌های سیاسی و فرقه‌ای، دشمنی امویان با انصار و عقاید و جهت‌گیری‌های سیاسی سیره نویسان موجب تحریف در تاریخ شده است. (۱)

انگیزه‌های این دروغ‌ها هم فراوان است؛ معاویه می‌گفت: «از پای نمی‌نشینم تا نام پیامبر را دفن کنم!» (۲) و تمامی سعیش این بود که ریشه‌ها را بخشکاند.

تعلیل‌ها هم حقایق پنهان را آشکار می‌سازد؛ برای مثال، با توجه به تعلیل نمازخواندن پیامبر بر جنازه ابوطالب، اشعار باقی مانده از وی و این که همسرش مسلمان بود، می‌توان به حقیقت ایمان او پی برد و جایگاه‌ها و مواضع فراموش شده را با تحلیل‌ها مشخص کرد؛ زیرا صحت یک منبع حاکی از این نیست که همه مطالب را گفته است، بلکه فقط ثابت می‌کند مطالبی را که گفته، راست است و ممکن است مطالبی را به عمد یا سهو و خطا و یا به دلیل‌های مختلف در کتابش نیاورده باشد. همان گونه که در علم می‌توانیم با تحلیل و تعلیل منطقی، جای خالی عناصر را در جدول مندلیف پیش‌بینی کنیم و یا در علم نجوم با محاسبات دقیق ستاره‌های کشف نشده را رصد کنیم، در تاریخ نیز می‌توانیم با تحلیل‌ها و تعلیل‌های منطقی، برخی راست‌های گفته نشده یا فراموش شده را بیابیم.

ص: ۴۵

۱- (۱). عبدالرزاق، المصنف، ج ۵، ص ۳۴۳؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۶، ص ۴۲۰۴۸؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴.

۲- (۲). علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۵۴.

فلسفه تاریخ، علم علل ظهور و سقوط قدرت ها و سیر تحول تمدن ها و جوامع می باشد که در حقیقت، علم به چرایی این حوادث و شدن آنهاست؛ برای مثال، اسلام عامل تحولات تاریخی را تحول در نوع نگرش انسان و تغییر در خود او می بیند؛ چنان که آیه شریفه **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** ۱ به این امر اشاره دارد.

فلسفه تاریخ، قوانین حاکم بر انسان و جامعه را توضیح می دهد؛ یعنی قوانینی که حاکم بر تاریخ است. چون تاریخ، یعنی رابطه انسان با مجموعه نظام هستی و چون انسان آزاد است و جهان به دلیل علوم، منظم است و نظام دارد، وقتی این نظام را در عالم پذیرفتیم، چشم پوشی از این نظام، ضربه خوردن به همراه دارد (۱) و این انسان آزاد در جهان قانونمند قابل پیش بینی است. درس تاریخ می تواند پیش بینی کند، نه به دلیل گذشته و شباهت این امت با امم پیشین، بلکه به خاطر وجود علت که معلول تاریخی را به دنبال می آورد.

پس می شود پیش بینی کرد که اگر این امت چنین عمل کند، چنان خواهد شد. البته چه بسا پیش بینی ها کم و زیاد شود؛ چنان که حضرت امیر علیه السلام می فرماید: «اگر قانون محو و اثبات نبود، می گفتم که تا روز قیامت چه می شود»؛ (۲) یعنی خود محو و اثبات، یکی از قانون های جهان است و یا دعا - یعنی توجه باطنی انسان ها - در تغییر سرنوشت آنها اثر دارد؛ برای مثال، ممکن است طبق روال عادی و عملکرد یک امت سرنوشتش به گونه ای رقم زده شود؛ اما بر اثر دعا و نیایش تغییر یابد؛ مانند سرنوشت

ص: ۴۶

۱- (۲) . فجر، آیه ۱۳: **فَصَيَّبَ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَيْوُطَ عَذَابٍ * إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِْمُصَادٍ** ؛ پروردگارت تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت... .

۲- (۳) . شیخ مفید، ارشاد، ج ۱، ص ۳۴.

قوم یهود و دعا برای تعجیل ظهور حضرت موسی علیه السلام که قرار بود چهارصد سال طول بکشد، اما دعای آنها ظهور را یکصد و هفتاد سال جلو انداخت. (۱)

این مسئله اساس علمی هم دارد. درست است که انسان آزاد است، ولی انسان آزاد و در نظام را می توان با حساب احتمالات پیش بینی کرد؛ به عنوان مثال، اگر فلان کار را بکند، این گونه می شود و یا به هر مقدار که سرعت پیدا کند، انهدام و نابودی اش سریع تر یا دیرتر محقق می شود.

نتیجه

همان طور که طبیعت دربرگیرنده علوم طبیعی، فلسفه، واقعیت، روش آشنایی، استفاده، تسخیر و تغییر طبیعت است، تاریخ، علم تاریخ و فلسفه تاریخ هم واقعیت و روش آشنایی با وقایع و تسخیر و تغییر آنها را دربرمی گیرد.

فایده تاریخ نقلی

۱- منبع شناخت

شناخت، منابع مختلفی دارد: کتاب، طبیعت، خود انسان، جهان هستی و از جمله تاریخ زندگی انسان ها. قرآن نیز در این باره اشاره دقیقی دارد: *أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا...؟* (۲) در واقع با سیر در تاریخ، انسان قلب و گوش جدید، سنجش جدید یا شنیده های جدید پیدامی کند.

«سیر» به معنای حرکت بر روی زمین است. بنابراین وقتی گفته می شود:

ص: ۴۷

۱- (۱). علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

۲- (۲). حج، آیه ۴۶: آیا در زمین گردش نکرده اند تا دل ها (و عقل ها) بی داشته باشند که با آن خردورزی کنند یا گوش هایی که با آن (حقایق را) بشنوند».

..فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ... ۱ جنبه تأکید پیدا می کند. «راغب اصفهانی» در مفردات می گوید: «دو معنی برای سیر در زمین ذکر کرده اند: ۱. حرکت جسمانی در روی زمین؛ ۲. حرکت فکری و مطالعه درباره موجودات جهان.» (۱)

سیره به معنای روش یا تاریخ زندگی افراد، از همین معنا گرفته شده است.

۲- احیاگر تفکر

اندیشه انسان ها به مواد خام نیاز دارد. گاهی این مواد با تدبیر حاصل می شود؛ چنانکه گاهی نیز با خواندن تاریخ. قرآن نیز می فرماید: ...فَأَقْصِبْ قَصَبَ الْقَصَصِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ (۲) داستان های تاریخی را بگو، شاید بیندیشند.

۳- ثبات آور قلب و هدف بخش

مطالعه تاریخ، ثبات قلب، آرامش دل، موعظه، پند و تذکر در پی می آورد. قرآن می فرماید: وَ كَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ . (۳)

۴- منبع اجتهاد

یکی از منابع اجتهاد، سنت است و سنت یا سخن معصوم است یا اقدام و عمل و یا سکوت او. تاریخ، همان عمل و موضع گیری معصوم علیه السلام است.

ص: ۴۸

۱- (۲) . راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص ۲۲۸.

۲- (۳) . اعراف، آیه ۱۷۶.

۳- (۴) . هود، آیه ۱۲۰: «و هر (یک) از اخبار بزرگ فرستادگان (الهی) را برای تو حکایت می کنیم؛ چیزی که به وسیله آن دلت را استوار می گردانیم، و در این (اخبار) حق و پند و یادآوری برای مؤمنان به تو رسیده است.»

۱- شهود و برخورد مستقیم با حوادث

تعبیر قرآن نظر کردن است؛ یعنی انسان باید سیر کند تا ببیند و ناظر باشد؛ همان گونه که می فرماید: ... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا...؛ (۱) چنان که حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید: «طوری تاریخ را خوانده ام که مثل یکی از آنها شده ام (سرت فی آثارهم حتی عدت کاحدهم)». (۲)

تاریخ برای سرگرمی، لذت و مانند آن نیست؛ بلکه برای سوق دادن انسان به سمتی است که او را ناظر بر حوادث کند و این همان مسئله ای است که گفته شد: از نظریه های یکسویه و متعصبانه مورخین درباری خالص می شوی و مثل حاضرین در آن حادثه عودت پیدا می کنی. نظر در واقع همان شهود و برخورد مستقیم با حادثه است و عبرت، نتیجه نظر است.

۲- خلوص حوادث و حصول دیدگاه جامع درباره آن

تاریخ بی تردید تحریف شده است؛ چون مورخان از دید خود به تاریخ نگاه کرده اند و گاهی حب و بغض ها و تعصب ها در نگارش آنها مؤثر بوده است. از طرفی، کم نبوده اند سلاطین و پادشاهانی که مورخان را می خریدند و یا مجبور می کردند تاریخ را چنین و چنان کنند. معاویه می گفت: «می خواهم اسلام را دفن کنم» (۳) و یا هر کس خبر یا نقلی را در بدگویی به حضرت علی علیه السلام می آورد و

ص: ۴۹

۱- (۱). یوسف، آیه ۱۰۹: «پس آیا در زمین گردش نکرده اند تا بنگرند چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بوده اند».

۲- (۲). نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳- (۳). مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۵۴.

جعل می کرد، به او جایزه می داد و برای جعل حدیث در فضایل دروغین بنی امیه پاداش گزاف می بخشید.

بنابراین با شناخت حقیقت و واقعیت یک حادثه می توان از حلقه ذهنیتی یک مورخ رها شد و با یک دیدگاه جامع به دور از تعصب، حب و بغض ها و بی طرف به متن حادثه رسید.

۳- عبرت و پندآموزی

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «ما که دو عمر نداریم تا یکی را تجربه کنیم و در دیگری به کار گیریم؛ پس باید از سرنوشت گذشتگان درس عبرت بگیریم.» (۱)

قرآن کریم نیز می فرماید: لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ... (۲). عبرت، یعنی عبور کردن از یک چیز و به چیز دیگر رسیدن. عبرت در اصل از ماده عبور و عبر (بر وزن ابر) به معنای انتقال از حالتی به حالت دیگر و چراغی برای راه خود قرار دادن است. عبور در لغت عرب به معنی گذشتن از آب با شناکردن است، ولی بعدها در معنایی گسترده به کار رفته و در انتقال از حالتی به حالت دیگر استعمال شده است؛ اما عبرت در بحث ما به معنای کیفیت قابل مشاهده ای است که انسان با آن به چیز غیرقابل مشاهده منتقل می شود. بنابراین، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «خلف لكم عبراً من آثار الماضين قبلکم»؛ (۳) خداوند برای شما پندهایی از گذشتگان پیشین شما ذخیره کرده است تا پند و اندرز گیرید.

ص: ۵۰

۱- (۱). نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- (۲). یوسف، آیه ۱۱۱: «به یقین، در حکایت های آنان برای خردمندان عبرتی است.»

۳- (۳). غررالحکم، ص ۳۹۶.

۱- موضع گیری مناسب در برابر حوادث

از رهگذر تحلیل درست می توانیم به استنتاج و تطبیق و در نتیجه موضع گیری مناسب در هر مرحله از حرکت انسان، جامعه و تاریخ دست یابیم.

قرآن می فرماید: **قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ**؛ (۱)

یعنی: قبل از این که شما به این عالم بیایید، قانون ها و سنت هایی بوده است. پس در روی زمین سفر کنید و نظر کنید عاقبت کسانی که پیامبران را تکذیب می کردند، چگونه بود تا با به دست آوردن آن سنت ها چراغی پیش روی خود داشته باشید.

۲- تغییر سرنوشت جوامع با فراگیری سنت های تاریخی

قرآن می فرماید: **... لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً...**؛ (۲)

برای هر امت و جامعه ای اجل و محدوده ای هست. اجل در برابر حیات، مثل موت است؛ یعنی حیات و مماتی برای هر امتی هست و مثل موجودی است که نفس می کشد و حیات دارد. کسی که به فلسفه تاریخ مسلط باشد، می تواند اجل خود را به تعویق بیندازد. همان طور که اگر به فلسفه بهداشت مسلط باشد، می تواند مرگ خود را عقب بیندازد یا اگر صدقه بدهد، صله ارحام انجام دهد و به این گونه قوانین آگاه باشد، می تواند عمر خود را طولانی کند، اگر به قوانین تاریخی و سنت های حاکم بر آن - یعنی فلسفه تاریخ - آگاه باشد، می تواند عمر جامعه خود را زیاد کند.

ص: ۵۱

۱- (۱). آل عمران، آیه ۱۳۷. «به یقین پیش از شما، سنت ها (و روش هایی وجود داشته) سپری شده است. پس در زمین گردش کنید و بنگرید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است».

۲- (۲). یونس، آیه ۴۹: «... برای هر امتی سرآمد (عمر معین) است؛ هنگامی که سرآمد آنان فرا رسد، ساعتی تأخیر نمی کنند و پیشی نمی گیرند».

۱. تاریخ اسلام از سه زاویه قابل بررسی است: تاریخ نقلی، علم تاریخ و فلسفه تاریخ.

۲. تاریخ در لغت به معنای تعیین زمان است و سه عنصر زمان، حادثه و شیء، نقشی مهم در تعریف اصطلاحی تاریخ نقلی دارند.

۳. علم تاریخ، علم به چگونگی و بودن حوادث است و به همین جهت از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است؛ زیرا رسالت این علم، پیرایش حوادث تاریخی از تعصب ها، حب و بغض ها، دسیسه ها، ذهنیت ها و زاویه دیدهاست.

۴. استفاده از منابع اصیل، توجه به متشابهات تاریخی، یافتن موازین شناخت اصول موضع گیری معصومین علیهم السلام همراه با طرح سؤال، تقارن ها و تعلیل ها روش مناسبی برای تحقیق در علم تاریخ است.

۵. فلسفه تاریخ، علم به چرایی و شدن حوادث است. فلسفه تاریخ، قوانین حاکم بر انسان و جهانی است که انسان در آن زندگی می کند؛ یعنی همان سنت ها و قانون های حاکم بر تاریخ.

۶. تاریخ نقلی، افزون بر این که از منابع شناخت انسان است، جرقه تفکر را در انسان برمی انگیزد و یکی از منابع اجتهاد و در نهایت آرامش آور است.

۷. برخورد مستقیم با حوادث، خلوص آنها و عبرت و پندآموزی از فواید آشنایی با علم تاریخ است.

۸. موضع گیری مناسب در برابر حوادث پیش رو و تغییر سرنوشت با فراگیری سنت های تاریخی از آثار آگاهی از فلسفه تاریخ است.

۱. کدام یک از موارد زیر از عناصر اصلی در تعریف تاریخ نقلی نیست؟

الف) عنصر زمانی ب) عنصر حادثه

ج) عنصر شیء د) عنصر مکان

۲. قصه «شق الصدر» و «افسانه غرائق» به کدام قسم از مباحث تاریخی مربوط است؟

الف) تاریخ نقلی ب) علم تاریخ

ج) فلسفه تاریخ د) همه موارد

۳. کدام گزینه از روش های تحقیق در علم تاریخ نیست؟

الف) استفاده از منابع اصیل

ب) توجه به متشابهات تاریخی

ج) استفاده از منابع تاریخی

د) شناخت اهداف معصومان و موازین آنها

۴. کدام یک از موارد زیر از اصول کلی در سیره معصومین است؟

الف) انتظار ب) تقیه

ج) قیام د) همه موارد

۵. آیه شریفه... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ... به چه نکته ای اشاره دارد؟

الف) عامل تحولات تاریخی، تغییر در خود انسان است.

ب) عامل تحولات تاریخی، تغییر در ابزار زندگی انسان است.

ج) عامل تحولات تاریخی، تغییر در ملت هاست.

د) عامل تحولات تاریخی، تغییر در حکومت هاست.

۶. آیه شریفه... فَأَقْصِصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ به کدام فایده تاریخ نقلی اشاره دارد؟

الف) یکی از منابع شناخت است.

ب) جرعه تفکر را می زند.

ج) آرامش فکری می آورد.

د) یکی از منابع اجتهاد است.

۷. کدام یک از گزینه های زیر با آیه شریفه... أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا... هماهنگ است؟

الف) برخورد مستقیم با حوادث

ب) خلوص حوادث

ج) عبرت و پندآموزی

د) حصول دیدگاه جامع

۸. کدام یک از آیات زیر با عبارت: «تغییر سرنوشت جوامع با فراگیری سنت های تاریخی حاصل می شود» هماهنگ است؟

الف) فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا

ب) لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ

ج) لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

د) وَ كَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ

درآمد

با مطالعه تاریخ صدر اسلام و پیش از آن و حاکمیت جاهلیت درمی یابیم که نخستین مسلمانان دور از تمدن بشری بوده اند و در نتیجه علوم و از جمله مباحث تاریخی مجالی برای ظهور و بروز نداشته است؛ اما مشاهدات و مستندات تاریخی خلاف این را ثابت می کند.

سرعت و گسترش علوم نقلی و عقلی در جامعه اسلامی صدر اسلام چنان بوده که مستشرقان را به اعجاب واداشته و علاوه بر این که آنان را ناچار به تعریف و تمجید کرده، برای بررسی علل و عوامل آن به فحص و تحقیق کشانده است. این قسمت، بررسی علل پیدایش مباحث تاریخی و رشد و گسترش آن در میان مسلمانان را برعهده دارد.

پیش آزمون

۱. چرا مسلمانان به نگارش تاریخ اسلام رو آوردند؟

۲. آیا نوشته های تاریخی آنان از سبک و سیاق خاصی پیروی می کرد؟

ص: ۵۵

۳. آیا با مورخان مشهور آشنا هستید؟

۴. چند کتاب مشهور در تاریخ اسلام - از منابع نخستین - را می شناسید؟

انگیزه مسلمانان از نگارش تاریخ

اشاره

این انگیزه را می توان در پنج مورد برشمرد:

۱- میراث تاریخی اعراب

میراث تاریخی اعراب در جاهلیت، بیشتر تحت عنوان «ایام العرب» در جامعه اسلامی باقی مانده بود. «یوم» یعنی روزی که واقعه مهمی در آن رخ داده و آن را تاریخی کرده است. عرب ها برای حفظ و یادسپاری این روزها آن را به صورت شفاهی نسل به نسل در مجالس ادبی و تفریحی خود نقل می کردند و از این طریق، مجموعه بزرگی از ایام العرب پدید آمده بود. (۱)

شعبه دیگر میراث تاریخی اعراب «علم الانساب» است؛ (۲) یعنی علم نسبت شناسی. به طور معمول، افرادی در میان طوایف عرب بودند که شجره نامه و تاریخچه افراد، آبا و اجداد اقوام مختلف را به خوبی می دانستند و به تبع آن، حوادث مهمی را که در مورد آنها اتفاق افتاده بود، به حافظه می سپردند و برای دیگران نقل می کردند.

این دو مورد، زمینه مناسبی برای رو آوردن مسلمانان به تاریخ فراهم کرده بود؛ زیرا توجه به آن، در واقع توجه به گذشته و پدیدآورنده ذهنیت تاریخی برای آنان بود.

ص: ۵۶

۱- (۱). دکتر جواد علی، موارد تاریخ طبری، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۲- (۲). روزنتال، تاریخ نگاری در اسلام، ص ۳۲.

۲- تأثیر مباحث تاریخی قرآن

قرآن تأثیری عمیق در توجه مسلمانان به تاریخ داشته (۱) و نه تنها قسمت هایی از تاریخ را بیان کرده، بلکه آنان را به فراگیری تاریخ ترغیب نموده است تا بدین طریق در مسیر هدایت و بهره مندی از شریعت قرار گیرند؛ از این رو، بسیاری از مورخان از تاریخ به عنوان «تجارب الامم» یاد کرده اند.

تأکید و تصریح قرآن درباره سیر و مطالعه در روی زمین، استخراج فلسفه تاریخ از میان حوادث تاریخی و عبرت گیری از سرنوشت اقوام پیشین شاهدی دیگر بر تأثیر قرآن در نگارش تاریخ است.

۳- لزوم بهره گیری از سنت پیامبر

علاقه شدید مردم به پیامبر صلی الله علیه و اله و الگو قرار گرفتن ایشان در ریزترین مسائل زندگی از طرفی و رحلت صحابه و تابعان در گذر زمان از طرف دیگر، محدثان را به فکر ثبت رفتارهای پیامبر برای به کارگیری در فقه، اخلاق و سایر موارد انداخت. کتاب های بی شماری که به جمع آوری احادیث همت کرده اند، شامل بخش های زیادی از تاریخ پیامبر و رهبران دینی است. در این میان، کتاب جهاد و کتاب سیره در بین ابواب کتب روایی و فقهی، اطلاعات نفیسی از تاریخ زندگانی پیامبر و دیگر معصومان دربردارد.

۴- توجه حاکمان به تاریخ

از حضرت علی علیه السلام گذشته - که به خاطر تربیت مردم و موضع گیری بهتر، آنان را به خواندن تاریخ و عبرت آموزی دعوت می کرد - بسیاری از حکام و فرمانروایان

ص: ۵۷

به خاطر ماندگاری حکومت خویش، نیاز آنان به تجارب گذشتگان و ارائه تصویری مناسب از خود در اذهان، به نگارش تاریخ توجه، بلکه امر می کردند.

معاویه از جمله حکامی است که به صراحت توجه به گذشته و تاریخ را بر زبان آورده است. وی از «عبید بن شریه» خواست اخبار ملوک یمن را بنویسد و او نیز کتابی در این زمینه نوشت. (۱) معاویه شب ها بخشی از وقت خود را به شنیدن نقل های تاریخی اختصاص می داد. (۲) این رویه در بین خلفای بعد، مانند «عبدالملک» و «سلیمان» و به ویژه خلفای عباسی، همچون «منصور» و «هارون» تبعیت شده است. اینان علاقه فراوانی به تاریخ داشتند و مورخان را به نگارش آن تشویق می کردند.

۵- تأثیر نوشته های تاریخی سایر اقوام

از عوامل موثر در رشد تاریخ نگاری در بین مسلمانان، پراکنده شدن متون سایر ملل به ویژه ایرانیان در جوامع اسلامی به خاطر فتوح و در نتیجه، رفت و آمد در میان آن ملل بود. با نگاه به کتاب هایی همچون تاریخ یعقوبی، اخبار الطوال دینوری، مروج الذهب مسعودی و تاریخ طبری بهره برداری از منابع فارسی در تاریخ نگاری مسلمانان آشکار می شود. (۳)

«ابن مقفع» کتاب خدای نامه را ترجمه نمود و نامش را سیرالملوک نهاد. وی همچنین آیین نامه را ترجمه کرد. «اسحاق بن یزید» نیز کتاب اختیارنامه را - که معروف به سیره الفرس بود - ترجمه نمود. (۴)

ص: ۵۸

۱- (۱) . ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۰۲.

۲- (۲) . مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۷۲.

۳- (۳) . تاریخ نگاری در اسلام، ج ۱، ص ۱۰۶.

۴- (۴) . مصطفی شاکر، التاریخ العربی و المورخون، ص ۱۴۳-۱۴۸.

این ها نمونه هایی از تأثیر فرهنگ ایران بر فرهنگ مسلمانان است. به جز ایرانیان، یهودیان نیز تأثیر بسیاری در تاریخ نگاری مسلمانان داشته اند. کتاب المبتدا که داستان هبوط آدم و قصه انبیا را شامل می شود، به تقلید از یهودیان نوشته شده است. این نگاه در تاریخ طبری و بعضی کتاب های دیگر نیز نمایان است.

گونه های تاریخ نگاری مسلمانان

اشاره

تاریخ نگاری در باور بسیاری از پژوهشگران، بخش عظیمی از فرهنگ مکتوب عصر اسلامی را به خود اختصاص داده است. برخی مورخان وجود بیش از چهل شاخه از تاریخ نگاری را در بین مسلمانان خبر داده اند و در هر شاخه بیش از صدها کتاب نوشته شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- سیره نگاری

قرآن کریم در یک نگاه، تاریخ اقوام مختلف و حتی نام آنان را به محور پیامبران آنها می شناسد: قوم لوط، قوم صالح، قوم موسی و این موضوع، علاوه بر محور قرار دادن دین، اهمیت فردی انبیا را نشان می دهد؛ از این رو، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله از همان آغاز، خاطرات، شرح حال و سیره آن حضرت را نقل می کردند که این موضوع بعدها در مورد خلیفه ها، پادشاهان، علما و سایر طبقات جامعه به صورت شرح حال نویسی رایج شد. عنصر زمان در این نوع نگارش مد نظر قرار نمی گیرد، اما به لحاظ دربرداشتن اطلاعات تقریباً گسترده از درون زندگی فردی و اجتماعی شخصیت های دینی و سیاسی، از منابع مهم تاریخی شمرده می شود. کتاب های سیره ابن اسحاق، سیره ابن هشام، سیره حلبی و بسیاری از کتب دیگر همین شیوه را به کار برده اند.

۲- تاریخ نویسی عمومی و تقویمی

محور نوشته ها در این روش، در اصل بهره گیری از عنصر زمان است. (۱) در این گونه نوشته ها سیر حوادث، از تولد پیامبر و یا هبوط آدم تا زمان نویسنده مورد بررسی قرار می گیرد؛ برای نمونه تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، مقدمه ابن خلدون و اخبار الطوال دینوری کتاب هایی در این سبک و سیاقند.

۳- تک نگاری

در این روش، بیشتر به وقایع مهم پرداخته می شود که شامل موضوعات سیاسی، نظامی، اجتماعی و روزهای پرحادثه است. نظم موجود در این نوع نگارش بر محور همان حادثه مهم رقم می خورد. برخی از کتاب های «ابومخنف» بر همین منوال است؛ مانند الجمل، صفین و الشوری. (۲) همچنین کتاب های المعمرین، المثالب، المؤدات و الاوائل در زمینه اجتماعی و بر اساس تک نگاری نوشته شده اند.

۴- تاریخ نگاری بر اساس نسب شناسی

دانش انساب ریشه در ساختار قبیله ای عرب دارد. منابع نگاشته شده بر این اساس، در بردارنده تاریخ مفصل خاندان های حاکم بر جامعه مسلمانان می باشد. (۳) انساب الاشراف اثر «بلاذری» مورخ مشهور از جمله کتب تاریخی نوشته شده طبق این شیوه است.

ص: ۶۰

۱- (۱). واقعی تاریخ غزوات را بر پایه ماه های گذشته از هجرت مشخص می کند.

۲- (۲). الفهرست، ص ۱۰۵.

۳- (۳). دکتر جواد علی، موارد تاریخ الطبری در اسلام، بخش نخست، ص ۱۴۷.

۵- سبک خبری و پیوسته

نقل احادیث با ذکر سند از ویژگی های این نوع نگارش است. کتاب تاریخ طبری بر اساس همین اسلوب تحریر یافته است. در این روش، احادیث مختلف که به صورت یک اصل برای علوم اسلامی شمرده می شود، جمع آوری گردیده است. مهم ترین امتیاز تاریخ الرسل والامم والملوک نوشته طبری. نقل سند برای جزء جزء اخبار است. سند نخستین قدم در ارزیابی یک نقل تاریخی به شمار می رود.

۶- تاریخ نگاری محلی

ساختار این سبک مبتنی بر سه محور است: اطلاعات جغرافیایی، تاریخی و رجالی. در نگاشته های تاریخی از این دست، چگونگی حوادث و تحولات سرنوشت ساز حکام و رجال برجسته شهر مورد نظر آمده است. تاریخ اصبهان اثر «ابونعیم»، تاریخ بغداد، تاریخ بیهقی و تاریخ سیستان بر همین سیاق نوشته شده است. از قوی ترین آثار در این مورد، تاریخ قم تألیف «حسن بن محمد بن حسن قمی» است.

۷- تاریخ نگاری فرهنگی و اجتماعی

این سبک با استفاده از منابع شعری و شاعری و موضوعات مهم علوم انسانی و اجتماعی تدوین شده و حاوی بخش های مهمی از موارد فرهنگی است. کتاب های عیون الاخبار اثر «ابن قتیبه»، عقد الفرید اثر «ابن عبدربه» و طبقات الشعراء اثر «ابن سلام» به همین سبک نوشته شده اند. یکی از مهم ترین آثار در این زمینه، اثر نفیس و پراچ الاغانی نوشته «ابوالفرج اصفهانی» است که دایره المعارف شاعران و بسیاری از رجال سیاسی، نقل های فرهنگی و حتی تاریخی و برخی تحولات سیاسی است. استاد مطهری در کتاب سیری در سیره

ائمہ اطہار علیہم السلام درباره این کتاب می گوید:

ابوالفرج اصفهانی از اکابر مورخین دوره اسلامی است. او اصلاً اموی و از نسل بنی امیه است و این از مسلمات است. در عصر آل بویه می زیسته است و چون ساکن اصفهان بوده، به نام ابوالفرج اصفهانی معروف شده است.»

این مرد شیعه نیست که گفته شود کتابش را از روی تعصب و احساسات شیعی نوشته، و بی تردید سنی است. او صاحب کتاب الاغانی است. اغانی، جمع اغنیه است و اغنیه یعنی آوازها. وی تاریخچه موسیقی در دنیای اسلام - و به تناسب تاریخچه موسیقی، تاریخچه های بسیار زیاد دیگر را - در این کتاب که به ظاهر هیجده جلد بزرگ است، بیان نمود. می گویند: «صاحب بن عباد» که معاصر اوست، هر جا می خواست برود، یک یا چند بار کتاب را با خودش می برد؛ اما وقتی کتاب ابوالفرج به دستش رسید، گفت: من دیگر بی نیاز از کتابخانه شدم! این کتاب آن قدر جامع و پرمطلب است، با این که نویسنده اش ابوالفرج و موضوعش تاریخچه موسیقی و موسیقی دان هاست، محدثان شیعه از قبیل «مرحوم مجلسی» و «مرحوم حاج شیخ عباس قمی» مرتب از کتاب الاغانی ابوالفرج نقل می کنند. (۱)

آشنایی با مورخان مشهور

اشاره

آنان که می خواهند از مطالعه تاریخ اسلام دستاوردی داشته باشند، ناچار باید با مورخان معروف که تاریخ اسلام را نگاشته اند، آشنا شوند و از روش و منش آنها آگاه باشند تا در برداشت از نوشته های آنان صواب را از ناصواب تشخیص دهند. نخستین نوشته های مدون تاریخی در جوامع مسلمانان از قرن دوم هجری آغاز می شود. (۲) اینک به جهت اختصار با چند تن از مورخان معروف از هر قرن آشنا می شویم:

ص: ۶۲

۱- (۱). سیری در سیره ائمه اطہار علیہم السلام، ص ۱۷۳-۱۷۵.

۲- (۲). مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۶.

الف) محمد بن اسحاق (۱۵۰ق)

او در مدینه پرورش یافت. کتاب سیره الرسول از اوست که دارای سه بخش است: بخش نخست از آغاز خلقت تا پیدایش نسل عرب، هجرت ابراهیم به مکه و سکونت اسماعیل و فرزندان او در این منطقه تا بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و اله؛ بخش دوم: از بعثت تا تشکیل دولت مدینه؛ بخش سوم: دولت مدینه و غزوات پیامبر تا زمان نویسنده. این کتاب، نخستین سیره ای است که به طور نسبی جامع می باشد. بیشتر مطالب ابن اسحاق از طریق کتاب چهارجلدی ابن هشام در دسترس است. (۱)

ب) ابومخنف (۱۵۷ق)

وی رهبر مورخان عراق است و با این که شیعه بوده، با سعه صدر و عدم تعصب، چهره واقعی بنی امیه را نشان داده است؛ به طوری که اهل سنت نیز روایاتش را نقل کرده اند. ارزشمندترین کتاب وی مقتل الحسین است که طبری اکثر روایات آن را آورده و متأسفانه اصل آن بر جای نمانده است. (۲)

ج) محمد بن عمر واقدی (۲۰۷م)

تخصص ویژه او در غزوات و فتوح است. آن چه از او بر جای مانده کتاب مغازی است؛ افزون بر این، هسته اصلی کتاب طبقات الکبری از «ابن سعد» نیز از

ص: ۶۳

-
- ۱- (۱). ابن ندیم که خود شیعه است، اتهام های بسیاری بر وی وارد ساخته است. تأثیرپذیری او از یهود، تضعیف وی از سوی اهل حدیث، ساختن اشعار و قراردادن آن در سیره و حتی اتهام اخلاقی از جمله این اتهامات است؛ الفهرست، ص ۱۰۲.
- ۲- (۲). التاریخ العربی و المورخون، ج ۱، ص ۱۷۸.

آن وی است؛ گو این که خود او نیز طبقات داشته است. واقدی در بغداد در دستگاه خلافت عباسی به کار قضا اشتغال داشته و کم و بیش از امتیازات ویژه همکاری با خلافت برخوردار بوده است.

۲- قرن سوم هجری

الف) بلاذری (۲۸۹ق)

از نسب شناسان معروف بوده است که تدوین تاریخ اسلام را با تحول روبه رو ساخت. دو کتاب ارزشمند فتوح البلدان (۱) و انساب الاشراف (۲) از او باقی مانده است.

ب) ابوحنیفه دینوری (۲۸۲ق)

اثر مهم او، اخبار الطوال شامل سه قسمت است: بخش نخست، اخبار انبیا و ملوک گذشته است؛ بخش دوم به اخبار ایران پرداخته است؛ بخش سوم به اخبار دوران اسلامی تا سال ۲۲۷ هجری قمری توجه کرده است.

ج) یعقوبی (۲۸۴ق)

وی از مورخان دانشمند و شیعه قرن سوم هجری است. (۳) او از موالی منصور بوده و به «کاتب عباسی» شهرت یافته است. تاریخ یعقوبی بهترین اثر او در تاریخ است که می توان آن را یک دوره تاریخ عمومی دانست. این کتاب شکل

ص: ۶۴

۱- (۱). این کتاب درباره سیر فتوح در نخستین قرون اسلام است.

۲- (۲). این کتاب، تاریخ دوران اسلامی را در قالب نسب شناسی آورده است. آن چه از انساب الاشراف نشر یافته، یک جلد در تاریخ پیامبر است. دو جلد آن درباره آل امیه و خاندان زبیر، یک جلد درباره بنی عباس و دو جلد درباره علویان می باشد.

۳- (۳). محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۱۰، ص ۵۹۱.

تاریخ نگاری و انحصار آن در تاریخ اسلام و سیره نویسی را دگرگون ساخت و رویدادهای آغاز خلقت تا قرن سوم هجری را در قلمرو تاریخ جای داد. این اثر مضبوط ترین و دقیق ترین دایره المعارف گونه فرهنگ اسلامی تا عصر نویسنده است.

(د) ابن قتیبه دینوری (۲۷۶ق)

از ادبا و مورخان اهل سنت و مهم ترین اثر تاریخی وی المعارف (۱) است. این اثر به صورت دایره المعارف مختصری درباره دانستنی های لازم از تاریخ اسلام تدوین شده است. از دیگر آثار تاریخی که به وی منسوب شده، کتاب الامامه و السیاسه است. این کتاب در اصل، تاریخ خلفاست. بحث از جانشینی ابوبکر آغاز شده و با تکیه بر حوادث عراق تا کشته شدن امین پیش رفته است.

۳- قرن چهارم هجری

(الف) طبری (۳۱۰ق)

از مورخان نامی دوران اسلامی است. کار عمده او در فقه بوده است، اما دو اثر جامع البیان در تفسیر و تاریخ الرسل و الامم و الملوک در تاریخ، شهرت به سزایی برایش به ارمغان آورد. (۲) کتاب تاریخ او تاریخ عمومی است و حوادث آغاز خلقت تا زمان خود وی را به تفصیل آورده است.

عیب بزرگ این اثر را نگاشتن افسانه ها، خرافات و اسرئیلیات شمرده اند. پژوهشگران، نقل اخبار بدون اشاره به درستی و نادرستی آن را در شأن طبری

ص: ۶۵

۱- (۱). الفهرست، ص ۸۶.

۲- (۲). ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۳۳۲.

نمی دانند. به هر حال، محققانی که تکیه آنها صددرصد به نوشته های وی باشد، دچار اشتباه می شوند؛ به ویژه در مواردی که تعصبات دینی نیز دخیل بوده است. (۱)

(ب) مسعودی (۳۴۱ق)

بنا به نظر بسیاری از مورخان، او شیعه و از نوادگان صحابی بزرگ، «عبدالله بن مسعود» است. کتاب های متعددی نگاشته و نام شماری از آنها را در مروج الذهب، از مهم ترین آثار تاریخی اش، آورده است. نگاه مسعودی در این کتاب تنها تاریخی نیست، بلکه از هر زاویه ای به گذشته می نگرد و مجموعه ای از اطلاعات تاریخی، جغرافیایی، تقویم ها و ادیان را در اختیار خوانندگان می نهد. این اثر با داستان آفرینش آغاز می شود و با مسائل تاریخی امت های گوناگون ادامه می یابد.

(ج) ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ق)

از برجسته ترین نویسندگان مسلمان در ثبت تاریخ ادب عربی و نگارش مواد تاریخی مهم در فرهنگ و تمدن اسلامی است. چون در مباحث پیشین درباره کتاب وی، الاغانی سخن رفت، از تکرار می پرهیزیم. اثر دیگر ایشان که تاریخی محض است، مقاتل الطالبین است که در نوع خود بسیار ارزشمند بوده و اخبار فراوانی در سرگذشت خاندان علویان را ارائه کرده است. (۲)

(د) شیخ مفید (۴۱۳ق)

وی متکلم، فقیه و مورخ است و در هر زمینه ای آثاری ارجمند از خود به

ص: ۶۶

۱- (۱). نقل روایات تاریخی از «سیف بن عمر» و تأثیر تعصبات دینی در نقل وقایع از عیوب نوشته های طبری است.

۲- (۲). الفهرست، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

یادگار نهاده است. دو کتاب مهم تاریخی از او بر جای مانده است: کتاب نخست، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد است. این اثر شرحی از زندگانی امامان شیعه است؛ کتاب دیگر شیخ مفید، کتاب الجمل است که یک تک نگاری ویژه درباره جنگ جمل شمرده می شود. (۱)

۴- قرن پنجم

ابن مسکویه (۴۲۱ق)

وی نویسنده اثر پراج تجارب الامم است. آن چه در تاریخ «ابن مسکویه» اهمیت دارد، نگرش او به تاریخ است؛ چیزی که از نام اثرش نیز به دست می آید. بخشی از این کتاب، تلخیص تاریخ طبری است، اما در قسمت مربوط به دوران حیات خود از مشاهدات و مسموعات خویش استفاده کرده است.

۵- قرن پنجم به بعد

الف) طبرسی (۵۴۸ق)

وی از دانشمندان برجسته سده ششم هجری است. یکی از آثار وی کتاب پراج اعلام الوری باعلام الهدی به معنای «آگاه ساختن خلائق از احوال امامان هدایت» است. این کتاب در چهار رکن تدوین یافته است: رکن نخست، در سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و فاطمه زهرا علیها السلام؛ رکن دوم، درباره زندگی و امامت علی بن ابی طالب علیه السلام؛ رکن سوم، در شرح امامت و زندگی امامان تا امام حسن عسکری علیه السلام؛ رکن چهارم، درباره امامت ائمه دوازده گانه و امام زمان علیهم السلام.

ص: ۶۷

۱- (۱). این کتاب، از سوی دفتر تبلیغات اسلامی قم در ۱۴۱۴ق چاپ شده است.

ب) ابن اثیر (۶۳۰ق)

شهرت وی به خاطر دو کتاب عظیم او، الکامل فی التاریخ و اسد الغابه فی معرفه الصحابه است. مهم ترین اثر وی الکامل است. این کتاب از دو بخش تشکیل می شود: بخشی که اقتباس از طبری و آثار پس از اوست و قسمتی که با تکیه بر تک نگاری ها و مشاهدات شخصی نویسنده نگاشته شده است. اسد الغابه نیز شرح حال مفصل اصحاب رسول خداست.

ج) اربلی (۶۹۲ق)

وی از جمله شیعیان فرهیخته قرن هفتم هجری است. اثر مهم تاریخی وی با عنوان کشف الغمه فی معرفه الائمة شرح حال چهارده معصوم است. (۱)

د) ابن کثیر (۷۲۴ق)

وی از مورخان قرن هشتم هجری است. مهم ترین اثر او البدایه و النهایه است که گونه ای تاریخ عمومی و تلخیص آثار گذشته است.

ه) ابن خلدون (۸۰۸ق)

وی پایه گذار فلسفه تاریخ است. او پس از روی آوردن به کارهای علمی و مطالعه تاریخ های گذشته، نظریه دولایه ای بودن تاریخ را ارائه کرد. لایه بالایی، همان حوادث و رخدادهای تاریخی است و لایه زیرین - که به نظر وی تا آن زمان مورخان پیشین به آن توجه نکرده اند - علل و عوامل پشت پرده رخدادهای تاریخی است. مشهورترین اثر او مقدمه کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخیر فی تاریخ العرب و العجم است. (۲)

ص: ۶۸

۱- (۱). رسول جعفریان، برگی از تاریخ تشیع دوازده امامی و کشف الغمه.

۲- (۲). محسن مهدی، فلسفه تاریخ ابن خلدون، ص ۶۵.

و) سیوطی (۹۱۱ق)

اثر رایج او در تاریخ اسلام، تاریخ الخلفاء است. این کتاب به عنوان اثری مختصر می تواند راهنمای هرخواننده و محقق باشد که در کنار خود نیاز به کتابی در تاریخ خلفا دارد.

ز) میرخواند (۹۰۳ق)

وی از سادات اهل بخارا و نویسنده یکی از مشهورترین و مفصل ترین تواریخ فارسی است. نام کتاب وی روضه الصفا فی سیره الانبیاء والملوک و الخلفاء است.

ح) خواندمیر (۹۴۲ق)

وی از نواده های دختری میرخواند است. مهم ترین کتاب او حبیب السیر فی اخبار افراد البشر است. (۱)

۶- مورخان معاصر

اشاره

چون آشنایی نسل حاضر با فرهیختگان معاصر این عرصه اهمیتی به سزا دارد، ناگزیر به علت مجال اندک و گریز از زیاده گویی تنها به معرفی تنی چند از آنان می پردازیم:

الف) استاد شهید مطهری

ایشان از متخصصان تاریخ به شمار می رود که نظریه «فطرت در حرکت تاریخی» را ارائه کرد و کتاب هایی چون فلسفه تاریخ، جامعه و تاریخ، و قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه فلسفه تاریخ

ص: ۶۹

را از خویش به یادگار نهاد. در تاریخ تحلیلی ایشان می توان از آثاری چون سیری در سیره نبوی، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، حماسه حسینی و خدمات متقابل اسلام و ایران یاد کرد.

(ب) استاد مصباح یزدی

جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، نقدی فشرده بر مارکسیسم و پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک بخشی از آثار وی به شمار می آید. ایشان به طرح مباحث مفهومی تاریخ پرداخته و برخی از نظریه های حرکت تاریخ را به نقد و بررسی گذاشته است.

(ج) استاد شهیدی

تحلیل تاریخ اسلام بر اساس شکاف میان قبایل و بررسی و تحلیل زندگانی خاندان رسالت را می توان از ویژگی های آثار وی دانست. تاریخ تحلیلی اسلام، قیام امام حسین علیه السلام، زندگی فاطمه زهرا علیها السلام و زندگانی علی بن الحسین علیه السلام شماری از آثار اوست.

(د) علامه عسگری

وی گام های بلندی در مسیر روشن ساختن زوایای تاریک تاریخ اسلام برداشته است. کتاب هایی چون معالم المدرستین، مائه و خمسون صحابی مختلق، عبدالله بن سبا و اساطیر اخری و احادیث عایشه را نگاشته است.

(ه) علامه جعفر مرتضی عاملی

کتبی چون الصحيح من سیره النبی الاعظم، الحیاه السیاسیه للامام الرضا علیه السلام و الحیاه السیاسیه للامام الجواد علیه السلام از کتاب های وی است. در دو کتاب اخیر به بررسی تاریخ سیاسی این امامان بزرگوار می پردازد.

و بالآخره اساتیدی همچون «دکتر آیتی» با کتاب هایی چون تاریخ پیامبر اسلام، «حجه الاسلام قرشی» با زندگانی حسن بن علی علیه السلام، «جلال الدین فارسی» با انقلاب تکاملی اسلام، «دکتر جواد علی» با آثاری از جمله المفصل فی التاريخ العرب قبل الاسلام و «آیه الله سبحانی» با آثاری چون فروغ ابدیت، شماری دیگر از پژوهشگران این عرصه اند.

فرجام

۱. در این واحد آموزشی از میراث تاریخی اعراب، تأثیر مباحث تاریخی قرآن، لزوم بهره گیری از سنت پیامبر صلی الله علیه و اله، توجه حاکمان به تاریخ و تأثیر نوشته های تاریخی سایر اقوام به عنوان انگیزه مسلمانان در نگارش تاریخ یاد شد.

۲. نگاهی به شیوه های هفت گانه تاریخ نگاری مسلمانان افکنده شد: سیره نگاری، تاریخ نویسی عمومی و تقویمی، تک نگاری، تاریخ نگاری براساس نسب شناسی، سبک خبری و پیوسته، تاریخ نگاری محلی، تاریخ نگاری فرهنگی و اجتماعی.

۳. آشنایی با مورخان صدر اسلام، از جمله ابن اسحاق و کتاب معروفش سیره الرسول، ابومخنف و تک نگاری های معروفش، و اقلدی و کتاب مغازی او، بلاذری و انساب الاشراف وی، طبری و تاریخ الرسل و الامم و الملوک اثر معروفش و ... و نگاهی هم به مورخان معاصر، از جمله استاد شهیدمطهری، استاد مصباح یزدی، علامه عسکری و علامه جعفر مرتضی عاملی صورت گرفت.

ص: ۷۱

۱. از انگیزه های مسلمانان در نگارش تاریخ نیست .

الف) میراث تاریخی اعراب ب (تأثیر مباحث تاریخی قرآن

ج) توجه عموم مردم به تاریخ د) لزوم بهره گیری از سنت پیامبر

۲. کدام گزینه با عبارت : «ساختار این سبک بر سه محور اطلاعات جغرافیایی ، تاریخی و رجالی استوار است » هماهنگ است ؟

الف) تک نگاری ب (محلی

ج) فرهنگی و اجتماعی د) عمومی و تقویمی

۳. کتاب الاغانی به سبک نوشته شده است .

الف) سیره نگاری ب (نسب شناسی

ج) خبری و پیوسته د) فرهنگی و اجتماعی

۴. از مورخان قرن دوم که کتاب سیره الرسول از اوست .

الف) ابومخنف ب (ابن اسحاق

ج) و اقدی د) بلاذری

۵. مسعودی از مورخان قرن چهارم و نویسنده کتاب است .

الف) ارشاد ب (جمل

ج) مروج الذهب د) عقد الفرید

۶. از متخصصان تاریخ به شمار می رود. وی نظریه فطرت در حرکت تاریخ رای ارائه کرده است .

الف) استاد مطهری ب (استاد مصباح یزدی

ج) استاد شهیدی د) علامه عسکری

بخش دوم: بررسی تحلیلی جامعه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله

اشاره

ص: ۷۳

این فراز در صدد بیان این مطلب است که حضرت رسول صلی الله علیه و اله با توجه به هشدارهایی که در زمان حیاتشان به مردم داده بودند و از مصائب و مشکلات پس از رحلت خود و خطر حاکمیت منافقان خبر داده بودند، هیچ گاه جامعه رای بدون رهبری رها نمی کردند و به همین خاطر برای استمرار حرکت رو به رشد جامعه، حجت خدا و رهبر آینده رای به مردم معرفی کردند.

علاوه بر این منطق عاقلانه که هیچ رهبری، جامعه رای پس از خود بدون معرفی جانشین رها نمی کند (۱) تا چه رسد به پیامبر که از آینده خبر داشت و به طور طبیعی باید برای جلوگیری از اختلاف و هرج و مرج، جانشین خود رای معرفی می کرد، شواهد تاریخی بسیاری در دست داریم که نشان می دهد ایشان جانشین تعیین کرده و در زمان ها و مکان های متفاوت و با شیوه های مختلف، رهبر آینده رای به مردم معرفی کرده است.

۱- (۱). پیامبر هر زمان که می خواستند مدتی مدینه رای برای کار مهمی ترک کند، برای خود جانشین تعیین می کرد؛ با توجه به این نکته آیا عاقلانه به نظر می رسد حال که می داند می خواهد از دنیا برود، جانشین تعیین نکند؟

۱. آیا با توجه به هشدارهای پیامبر نسبت به حوادث آینده ، ایشان هیچ تلاشی برای انتخاب جانشین نکردند؟

۲. آیا می توان مستندات تاریخی بر تلاش های پیامبر برای معرفی رهبر آینده اقامه کرد؟

۳. دو دلیل قرآنی برای تعیین جانشین پیامبر بیان کنید.

۴. چرا پیامبر مخالفان علی علیه السلام رای در مواضع مختلف سرزنش می فرمود؟

۵. آیا می توانید دو مورد از نشانه هایی رای ارائه کنید که پیامبر صلی الله علیه و اله برای حقانیت علی علیه السلام بعد از خود گذاشت ؟

معرفی جانشین

اشاره

حضرت رسول صلی الله علیه و اله به خاطر مسؤلیت سنگینی که بر دوش احساس می کرد، در طول بیست و سه سال زندگی پس از بعثت ، از ابتدا تا انتهای پرفراز و نشیبش حضرت علی علیه السلام رای به عنوان جانشین خود به عوام و خواص معرفی کرد و از هیچ اقدامی در این زمینه کوتاهی نکرد؛ دلایل و شواهدی که می توان در این مورد اقامه کرد، عبارتند از:

۱- آیات قرآنی

اشاره

مفسران آیات زیادی رای در قرآن کریم برمی شمارند که در شأن علی علیه السلام نازل شده است . در این مجال به چند مورد اشاره می شود:

الف) آیه تبلیغ

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ

مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ. ۱

بسیاری از مفسران ، نزول این آیه رای در ماجرای غدیر می دانند. به تأکید، تهدید، تضمین ، قاطعیت و هشدار آیه خوب توجه شود:

تأکید در ابلاغ ، (۱) با آوردن عنوان «رسول» به جیء نبی و نیز ابلاغ آن رای معادل ابلاغ همه رسالت دانستن : فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ .

و تهدید رسول به این که همه رسالتش در گرو این ابلاغ است ؛ تضمین و تأمین رسول از خطر منافقان : وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ .

و در انتها، قاطعیت و هشدار إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ بسیار قابل توجه است .

به راستی ، رسول از چه چیز تا این حد در هراس و نگرانی بود؟ آن هم رسولی که همچون کوه یک تنه در برابر تمام جزیره العرب ایستاده بود و مظهر فَاَسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ... ۳ بود؛ مگر این امر، چه امری است که باعث ناامیدی کافران می شود: ...الْيَوْمَ يَيْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ... ۴ و اکمال و اتمام دین در گرو آن است : ...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا... (۲) . ماجرای غدیر خم پس از مراسم حج از سوی رسول الله صلی الله علیه و اله همان امری بود که خدا در آیه فوق به بیان آن دستور داده بود.

ص: ۷۷

۱- (۲) . بلغ تأکید بیشتری نسبت به ابلاغ دارد؛ راغب اصفهانی ، مفردات ، ص ۶۲.

۲- (۵) . مائده ، آیه ۳.

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ . (۱)

در سال دهم هجری به دنبال نامه رسول خدا صلی الله علیه و اله به اسقف نجران (۲) مبنی بر پذیرش اسلام و یا پرداخت جزیه یا جنگ، شماری از مسیحیان نجران به عنوان هیئت نمایندگی وارد مدینه شدند و پس از بحث های فراوان ، پیامبر به فرمان خدا به آنان پیشنهاد مباحله و نفرین بر یکدیگر رای داد. به این گونه که دو طرف در صحرائی گرد آمده و هر کدام ضد دیگری نفرین کنند و از بین رفتن گروه باطل رای طلب کنند. از آن جا که موضوع مباحله ، اثبات حقانیت دین اسلام بود، بی تردید ضرورت داشت که افراد شرکت کننده در آن ارتباط نزدیکی با خدا داشته و از مقربان درگاه الهی باشند و دعای آنان در اثبات حقانیت رسول صلی الله علیه و اله مؤثر باشد و به راستی چه فضیلتی بالاتر از این که رسول خدا صلی الله علیه و اله ایشان رای برای استجابت دعایش و اسطه بین خود و خدا قرار دهد؟

روز موعود فرا رسید و همه مردم برای دیدن این واقعه مهم گرد آمدند. ناگهان صحنه جالبی نگاه ها رای به خود جلب کرد: پیامبر، علی و فاطمه و فرزندانش حسن و حسین علیهم السلام رای برای مباحله همراه خود آورده بود و کسی دیگر

ص: ۷۸

-
- ۱- (۱) . آل عمران ، آیه ۶۱: «و هر گاه بعد از دانشی که تو رای (حاصل) آمده ، (باز) کسانی در (مورد) آن با تو به بحث (و ستیز) برخیزند، پس بگو بیاید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان و خودتان رای دعوت کنیم ، سپس مباحله می کنیم و لعنت خدا رای بر دروغ گویان قرار می دهیم .»
- ۲- (۲) . بخش خوش آب و هوا با هفتاد دهکده در مرز حجاز و یمن و تنها منطقه مسیحی نشین حجاز بوده است .

همراهش نبود. این چند تن همان افرادی بودند که در آیه مباحله به عنوان «ابنائنا» و «نساءنا» و «انفسنا» بیان شده بودند. از عایشه نقل شده است: پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله روز مباحله چهار تن همراه خود رای زیر عبایی مشکی وارد کرد و این آیه رای تلاوت نمود: ...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. از آن جا که علی علیه السلام جزء «ابنائنا» نیست، پس تنها کسی است که به شهادت این سوره نفس رسول خدا صلی الله علیه و اله خوانده شده است. در نهایت، مسیحیان با دیدن این چهره های نورانی ترک مباحله و بنای صلح و جزیه را تقاضا کردند.

۲- احادیث فراوان

الف) حدیث ثقلین

این حدیث از احادیث متواتر و مورد اتفاق شیعه و سنی است (۱) و از طریق بیش از شصت صحابه از پیامبر نقل شده است. مرحوم «میرحامد حسین هندی» بخشی از کتاب عظیم خود عبقات الانوار را به اسناد و دلالت این حدیث شریف اختصاص داده است. وی در این کتاب، این حدیث را از دویست نفر از علمای بزرگ اهل سنت نقل می کند. در این اواخر نیز رساله ای درباره این حدیث و صحت سند آن در دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه، زیر نظر مفتی اعظم مصر و دانشگاه الازهر منتشر کرده و نشان داده است که برخلاف تصور برخی در هیچ نقلی کلمه «ستنی» وجود ندارد.

«ابن حجر» می گوید:

پیامبر همواره در جاهای مختلف، نظر مردم را به همبستگی کتاب و عترت جلب می کرد؛ چه در روز عرفه و روز غدیر، چه پس از بازگشت از

ص: ۷۹

۱- (۱). برای اطلاع از مدارک اهل سنت ر.ک: نهج الحق و کشف الصدق، علامه حلی، ص ۲۲۵ و معالم المدرستین، علامه عسکری، ج ۱، ص ۴۵۳.

طائف و حتی در بستر بیماری در آخرین روزهای حیات مبارکش. (۱)

«حاکم» در مستدرک نقل می کند:

پیامبر در روزهای آخر عمرش با حالت تب و بیماری به مسجد آمد و ضمن ایراد خطبه و هشدارهایی، یک بار دیگر حدیث ثقلین را فرمود:

«أنتی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا ابداً و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما». (۲)

(ب) سداالابواب

این حدیث نیز از احادیث متواتر دیگری است که در فضیلت علی علیه السلام است. ماجرای آن در همان سال نخست هجرت رخ داد و تمام سیره نویسان آن را چنین نوشته اند: پس از هجرت به مدینه و ساخته شدن مسجد پیامبر، اصحاب خانه های خود را در اطراف مسجد ساختند و هر خانه ای دری به مسجد داشت که از همان در وارد مسجد می شدند. روزی جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و اله نازل شد و فرمود: «خدایت فرمان داده است که همه باید درهای خصوصی به مسجد را ببندند، مگر علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام». «سبط الجوزی» می نویسد:

این عمل سر و صدایی در میان عده ای پدید آورد و گمان کردند که این استثنا از جنبه عاطفی است. رسول خدا صلی الله علیه و اله همه را گرد آورد، آن گاه خطبه ای برای روشن شدن اذهان ایراد فرمود: من هرگز از جانب خود دستور بازماندن و بسته شدن دری را نداده ام، بلکه این فرمانی از جانب خدا بود و من هم از آن پیروی کردم. (۳)

ص: ۸۰

۱- (۱). عبقات الانوار، ج ۳، ص ۱۱.

۲- (۲). حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۴۰.

۳- (۳). احمدحنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۱۷۵ و ج ۴، ص ۳۶۹؛ مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۴ و ۱۱۶ و ۱۲۵.

احادیث دیگری نیز بر جانشینی علی علیه السلام و فرزندانش دلالت دارد؛ از جمله: حدیث خلفای اثنا عشر، روایات دیگر و نزدیک به سی حدیث مسلم و متواتر از اهل سنت.

۳- تذکرات پراکنده

الف) روزی پیامبر به عایشه فرمود: «ای عایشه! روزی بیاید که سگان حوآب - نام منطقه ای در مسیر بصره (۱) - بر تو پارس می کنند و تو با علی می جنگی و در حق او ظلم می کنی.» (۲)

ب) روزی پیامبر به زبیر فرمود: «روزی در مقابل علی خواهی ایستاد؛ از آن روز برحذر باش!» (۳)

۴- کوبیدن مخالفان

الف) در جنگ خیبر، بعد از شکست فرماندهان بزرگ در فتح «قلعه قموص» فرمانده آن «مرحب»، قهرمان مشهور و سلحشور یهودی همچنان مقاومت می کرد و رزمندگان از تسخیر آن ناتوان بودند. روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله پرچم را به دست ابوبکر و روز بعد به عمر داد و یک ستون نظامی در اختیار آنها گذاشت. هر دو بی آن که پیروزی به دست آورند، به اردوگاه ارتش اسلام بازگشتند. (۴) رسول خدا با مشاهده این وضع فرمود: «فردا این پرچم را به دست کسی خواهم داد که

ص: ۸۱

۱- (۱). معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲- (۲). حدیث «کلاب حوآب» از احادیث متواتره بوده و در بسیاری از مصادر آمده است که بیش از سی مصدر آن از کتب اهل سنت می باشد.

۳- (۳). علامه امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۱۸۸-۱۹۱.

۴- (۴). طبری، تاریخ الرسل والامم والملوک، ج ۳، ص ۹۳؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۳۴۹.

خداوند این دژ را به دست او می گشاید؛ کسی که خدا و رسول او را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند. او فرارکننده نیست.»

آن شب، هر کدام از یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله آرزو می کردند که فردا پیامبر پرچم را به او بسپارد. هنگامی که آفتاب طلوع کرد، رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: علی علیه السلام کجاست؟ عرض کردند: به درد چشم شدید دچار شده و به استراحت پرداخته است. پیامبر صلی الله علیه و اله علی علیه السلام را خواست و با کرامت، چشم او را شفا بخشید و آن گاه پرچم را به او سپرد. (۱)

ب) پس از غزوه تبوک، آیات سوره «برائت» نازل شد و پیامبر مأموریت یافت که از مشرکان اعلام بیزاری کند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله پس از نزول این آیات، قسمتی از آیات سوره برائت را به ابوبکر آموخت و به او مأموریت داد که آنها را در روز عید قربان در اجتماع حاجیان بخواند. ابوبکر رهسپار مکه شد. در این هنگام، وحی الهی نازل شد و به پیامبر دستور داد که باید این پیام را خود او یا کسی که از اوست، به مردم ابلاغ کند. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و اله با دریافت این پیام به علی علیه السلام فرمان داد که به سمت مکه حرکت کند و در راه، آیات را از ابوبکر بگیرد و در اجتماع حاجیان به مشرکان ابلاغ کند. علی علیه السلام درحالی که بر شتر مخصوص پیامبر سوار شده بود، راه مکه را در پیش گرفت و سخن پیامبر را به ابوبکر رسانید. او آیات را به علی علیه السلام تسلیم کرد و با ناراحتی به مدینه بازگشت و به پیامبر گفت: «مرا برای این کار لایق دیدی، ولی چیزی نگذشت که مرا از این مأموریت عزل نمودی. آیا در این مورد

ص: ۸۲

-
- ۱- (۱). بخاری، صحیح بخاری، ج ۵؛ مسلم، صحیح مسلم، ج ۱۵، ص ۱۷۶؛ شیخ صدوق، الخصال، ص ۳۱۱.
 - ۲- (۲). «لا یؤدیها عنک الّا انت او رجل منک»؛ تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۱۵۴؛ سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۱۹۰.

فرمانی از خدا رسید؟» پیامبر فرمود: «بیک الهی رسید و گفت: جز من یا کسی که از خود من است، شخص دیگری برای این کار صلاحیت ندارد.» (۱)

۵- فرستادن علی علیه السلام به یمن

پیامبر ابتدا «خالد بن ولید» را به یمن می فرستد، ولی او کاری از پیش نمی برد. سپس علی علیه السلام را به آن جا می فرستد و او آنها را در طول یک ماه هدایت می کند. رسول خدا صلی الله علیه و اله علی را به یمن می فرستد تا علی علیه السلام را آن طور که هست بشناسند: به دور از کینه و بغض. حضرت علی علیه السلام بسیاری از کافران را کشته بود و در مکه و مدینه از او کینه داشتند؛ اما می بینیم که بهترین یاران علی علیه السلام مانند «مالک اشتر» و «کمیل» از یمن هستند و گروهی از آنان بودند که بعدها به کوفه آمدند و پس از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام و خانه نشین شدن امام حسن علیه السلام به قم مهاجرت کردند.

۶- ماجرای تبوک

رسول خدا صلی الله علیه و اله در سال نهم هجرت با سپاه عظیمی به طرف تبوک حرکت کرد. آن روز وضع مدینه حساس بود: از طرفی منافقان با وجود تظاهر به اسلام از همراهی پیامبر سرپیچی نموده و در مدینه ماندند. و از سوی «عبدالله بن ابی» سرکرده آنان طرفداران فراوانی دور خود گرد آورده بود. (۲)

علاوه بر منافقان، بیم توطئه دشمنان شکست خورده اسلام در مکه و اطراف آن و در میان بادیه نشینان اطراف مدینه نیز می رفت؛ از این رو لازم بود که مرد نیرومندی در غیاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله مرکز حکومت نوین اسلام را اداره و از

ص: ۸۳

۱- (۱). همان.

۲- (۲). المغازی، ص ۹۹۵؛ السیره النبویه (ابن هشام)، ج ۴، ص ۱۶۲.

هرگونه توطئه جلوگیری کند و گرنه ممکن بود که حوادث ناگواری اتفاق بیفتد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله با این ملاحظات، علی علیه السلام را در مدینه جانشین خود قرار داد و به او فرمود: «برای اداره مدینه باید یا من بمانم یا تو». (۱)

منافقان که با وجود علی علیه السلام نقشه هایشان نقش بر آب شده بود، شایع کردند که پیامبر صلی الله علیه و اله دوست نداشته است علی علیه السلام را همراه خود ببرد! علی علیه السلام به حضور پیامبر که هنوز فاصله زیادی دور نشده بود، رسید و این شایعه را باز گفت. رسول خدا صلی الله علیه و اله برای ماندن علی علیه السلام در مدینه به او فرمود: برادرم! به مدینه برگرد؛ زیرا برای حفظ شئون و اوضاع مدینه جز من کسی شایستگی ندارد. تو نماینده من در میان اهل بیت و خویشان من هستی...: «أما ترضی أن تكون منی بمنزله هارون من موسی الا أنه لا نبی بعدی»؛ (۲)

آیا خوشنود نمی شوی که بگویم تو نسبت به من، مانند هارونی نسبت به موسی؟! با این تفاوت که پس از من پیامبری نیست. همان طور که او وصی و جانشین بی واسطه موسی بود، تو نیز جانشین و خلیفه پس از من هستی.

چنین برخوردی از کیاست و دقت فوق العاده پیامبر خدا صلی الله علیه و اله حکایت می کند؛ زیرا طبیعی است که منافقان آرام نمی نشینند و شایعه می پراکنند. مهم این است که پیامبر از همین شایعات به سود خود و به ضرر آنها بهره گرفت.

۷- جمع بندی مکتب در روز غدیر

در بازگشت از حجه الوداع، روز هیجدهم ذیحجه، در سرزمین غدیر خم (سه میلی جحفه) با نزول آیه ۶۷ سوره مائده، پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرمان توقف به

ص: ۸۴

۱- (۱). مفید، ارشاد، ص ۸۲؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۱۲۲.

۲- (۲). السیره النبویه، ج ۴، ص ۱۶۳؛ ارشاد، ص ۸۳؛ حلبی، السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۱۰۴.

کاروان یکصد هزار نفری حجاج در آن سرزمین بی آب و علف و در هوای بسیار گرم داد. پس از اقامه نماز ظهر، ایشان در نقطه ای بلند قرار گرفت و به سخن پرداخت. نخست از نزدیک شدن پایان عمر خویش خبر داد، سپس نظر مسلمانان را در مورد دعوت و رسالت خویش در ضمن جمع بندی مکتب خود خواست که همگی، ابلاغ دعوت، ارشاد و هدایت های او را تأیید کردند.

۸- روشن نمودن خط ولایت

در کنار گروه های مختلف با دسته بندی های متفاوت که هر کدام رو به راهی دارند، باید خط امامت و ولایت را مشخص کرد؛ بنابراین پیامبر صلی الله علیه و اله در همین مرحله و همراه جمع بندی مکتب، دست علی علیه السلام را بالا گرفت و او را به پیشوایی آینده مسلمانان معرفی کرد:

«خداوند، مولای من است و من مولای مؤمنانم - و بر آنها از خودشان سزاوارترم و اولویت دارم - و هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست. پروردگارا! دوست بدار کسی که علی را دوست می دارد و دشمن بدار کسی را که با علی دشمنی می ورزد. خدایا! یاران علی را یاری کن و دشمنان او را خوار و ذلیل نما. پروردگارا! علی را محور حق قرار بده.» (۱)

۹- پاک سازی مدینه برای رهبری آینده

پیامبر پس از بازگشت از حجه الوداع، سپاهی به فرماندهی «اسامه پسر زید بن حارثه» ترتیب داد و از وی خواست تا سرزمین «أبنی» - محل شهادت پدرش

ص: ۸۵

۱- (۱). علامه امینی، این واقعه مهم تاریخی را از صدوده تن صحابی و هشتادوچهار تابعی نقل کرده است. و سیصدوشصت نفر از علما و محدثان اهل سنت، این حدیث را در کتاب های خود آورده و گروهی از آنان به صحت سند آن اعتراف کرده اند. الغدیر، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۵۱.

- پیش روی کند و با رومیان بجنگد. او «جرف» را اردوگاه قرار داد تا بقیه سپاه نیز گرد آیند. (۱) رسول خدا صلی الله علیه و اله در روزهای پایانی عمر حال وخیمی داشت و به حالت اغما فرو رفت. یک بار که به هوش آمد و از سپاه اسامه پرسید، گفتند: آماده حرکت می شود. فرمود: «جَهْرُوا جِيشَ اسامه، لعن الله من تخلف عنه»؛ (۲) سپاه اسامه را روانه کنید! خدا به کسانی که با این سپاه همراه نباشند، لعنت کند.

از بررسی حادثه فوق نتیجه می گیریم که هدف پیامبر از تعیین اسامه به فرماندهی سپاه این بود که مسلمانان را در عمل متوجه این حقیقت سازد که مهم در مسئله ریاست، شایستگی است و جوانی از لیاقت کسی نمی کاهد. در واقع، پیامبر بدین وسیله زمینه را برای خلافت علی علیه السلام آماده کرد و این خرده گیری قابل پیش بینی را برطرف نمود که گروهی جوانی را بهانه عدم صلاحیت علی علیه السلام قرار می دهند.

از طرفی، منظور پیامبر این بود که هنگام درگذشت او رقبای سیاسی علی علیه السلام که به خلافت طمع داشتند، از مدینه دور باشند؛ چون در این سپاه، سران مهاجر و انصار، از جمله ابوبکر، عمر، ابوعبیده جراح، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمان بن عوف، طلحه، زبیر، اسید بن حضیر، بشیر بن سعد، سعید بن زبیر، قتاده بن نعمان و سلمه بن اسلم حضور داشتند. (۳)

پیامبر قصد داشت علی علیه السلام در غیاب آنان زمام امور را به دست گیرد و مخالفان در برابر عمل انجام شده قرار گیرند و وقتی از جنگ برگردند که خلافت علی علیه السلام مستقر شده باشد.

از اینجا می توان فهمید که چرا گروهی با وجود آن همه اصرار و تأکید پیامبر،

ص: ۸۶

۱- (۱). ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۹۰- السیره الحلبیه، ص ۲۲۷.

۲- (۲). ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۵۲.

۳- (۳). طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۹۰.

در همکاری با مأموریت اسامه تعلق ورزیدند و با امروز و فردا کردن مانع حرکت لشکر شدند و لعنت خدا را به جان خریدند تا رسول خدا در گذشت.

۱۰- کنارزدن خط انحرافی

در روز پنج شنبه، یعنی چهار روز پیش از ارتحال پیامبر ایشان درحالی که در بستر بیماری بود، فرمود: «قلم و کاغذی بیاورید تا چیزی بنویسم که بعد از آن گمراه نشوید.» یکی از حاضران گفت: «درد بر او غلبه کرده و هذیان می گوید! قرآن نزد ماست؛ همان برای ما کافی است.» اختلاف در میان حاضران شدت گرفت. برخی سخن او و برخی دیگر سخن پیامبر را تأیید کردند و سروصدا بلند شد. در این هنگام از پیامبر پرسیدند: «خواسته ات را برآوریم؟» فرمود: «آیا بعد از آن چه انجام شد؟! مرا به حال خود واگذارید. حالتی که من دارم، از آن چه شما مرا بدان می خوانید، بهتر است. از نزد من بیرون روید.» (۱)

عبدالله بن عباس با توجه به این نکته و با اشاره به حادثه آن روز با تأسف می گفت: «چقدر دردناک بود که پیامبر فرمود: برای من کاغذ و دواتی بیاورید تا چیزی بنویسم که پس از آن گمراه نشوید، اما گوش نکردند...» (۲)

۱۱- علایم راه

منافقان هرچند از سپاه اسامه تخلف کردند، ماندند، لعنت خدا را به جان خریدند و از نوشته و کتابت پیامبر جلوگیری کردند؛ اما از نشانه ها و علامت هایش نتوانستند جلوگیری کنند. این علامت ها انسان های گویا: فاطمه علیها السلام، ابوذر و عمار و همراهی قرآن روشنگرند.

ص: ۸۷

۱- (۱). همان، ص ۲۴۲؛ صحیح مسلم، ج ۱۱، ص ۸۹.

۲- (۲). صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۲۰؛ طبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۴۴.

زهره علیها السلام برای دوره شیخین، ابوذر برای زمان عثمان، عمار در برابر معاویه و همراهی قرآن تا امروز. پیامبر بارها فرموده بود: «فاطمه علیها السلام پاره تن من است؛ هر که او را به خشم آورد، مرا و خدا را به خشم آورده است.» و فاطمه بر شیخین خشمناک بود و در هر نماز، آنها را نفرین می کرد. قبر پنهانش گواه این خشم است. (۱)

و رسول گفته بود که آسمان بر راست گوتر از ابوذر سایه نینداخته است (۲) و این زبان صادق و برنده، رویاروی عثمان بود. نیز پیامبر گفته بود که عمار را گروه ستمگر می کشند. (۳) و عمار در کنار علی بود و شمشیرش بر سینه معاویه. (۴) همین بود که با شهادت عمار، سپاه شام متزلزل شد و معاویه به دست و پا افتاد و حيله ها کرد. رسول صلی الله علیه و اله در جای جای مختلف اعلام کرده بود که جانشینان من دوازده نفرند (۵) و گفته بود: «من دو چیز را در میان شما می گذارم که چراغ راه و مانع گمراهی شما هستند؛ این دو از هم جدا نخواهند شد تا این که کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.» (۶) امروز جز شیعه کسی با این گفته همراه نیست و دیگران قرآن و عترت را از هم جدا کردند و بین قرآن و خلیفه و وصی رسول فاصله انداختند؛ درحالی که رسول به همراهی آنها شهادت داده بود؛ همان گونه که با زبان گویایش از یوم الانذار، با دست بلندش در غدیر، با تقاضای قلم در

ص: ۸۸

-
- ۱- (۱). بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۷؛ صدوق، علل الشرایع، باب ۱۴۸، ص ۱۸۷؛ ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه، ص ۱۴.
 - ۲- (۲). بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۲۱۷.
 - ۳- (۳). تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱.
 - ۴- (۴). همان.
 - ۵- (۵). صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۳ - ۱۸۷.
 - ۶- (۶). علامه حلی، نهج الحق، ص ۲۲۵؛ معالم المدرستین، ج ۱، ص ۴۵۳؛ میرحامد حسین هندی، عقبات الانوار، ج ۳، ص ۱۱.

واپسین لحظه های زندگی و با فاطمه علیها السلام و ابوذر و عمار در دامن تاریخ، این رهبری و ولایت و سرپرستی را گواهی داده و راه علی علیه السلام را به نور بسته بود.

به راستی که رسول هرگز کم نگذاشت و آن قدر بر این حق تأکید و سفارش می کرد که بیش از آن متصور نبود و این حق تا آن جا پیش رفت که «مزد رسالت»، بلکه «مکمل و متمم دین» قرار گرفت و دیگر این خود مردمنده که باید همتی کنند و گامی بردارند. (۱)

فرجام

در این درس، تلاش های پیامبر برای معرفی رهبر آینده یادآوری و روشن شد که به راستی حضرت رسول صلی الله علیه و اله برای ترسیم آینده روشن هیچ چیزی کم نگذاشت و آن قدر به این حق تأکید و سفارش کرد که بیشتر از آن تصور نمی شد. اینک به این موارد اشاره می کنیم:

۱. قریب به نود آیه از قرآن کریم در شأن علی علیه السلام وارد شده است که بسیاری از آنها بر جانشینی ایشان دلالت دارد.
۲. احادیث متواتر و صحیح فراوانی بر ولایت حضرت علی علیه السلام دلالت دارند؛ از جمله حدیث کسا، ثقلین، خلفای اثنا عشر و حدیث انذار.
۳. تذکرات پراکنده پیامبر به افراد مختلف در حمایت از علی علیه السلام.
۴. کوبیدن مخالفان و برجسته نمودن حقانیت علی علیه السلام در مواضع گوناگون.
۵. فرستادن علی علیه السلام به یمن در جهت پرورش نیرو برای آینده علی علیه السلام.
۶. جریان تبوک و شایعه سازی منافقان و بهره برداری پیامبر از این فضا در معرفی جانشینی علی علیه السلام.

ص: ۸۹

۷. جمع بندی مکتب در روز غدیر و زمینه سازی برای معرفی علی علیه السلام به عنوان وصی خود.

۸. روشن نمودن خط ولایت و رهبری و هدایت مردم به سمت جانشین واقعی.

۹. پاک سازی مدینه از رقبای علی علیه السلام در لوای لشکر اسامه.

۱۰. کنارزدن خط انحرافی با تقاضای قلم و دوات.

۱۱. به جا گذاشتن علایم راه برای آنان که طالب حق و حقیقتند.

ص: ۹۰

۱. کدام یک از گزینه ها بر ولایت حضرت علی علیه السلام دلالت نمی کند؟

الف) آیه ولایت ب) آیه تبلیغ

ج) آیه مباحله د) آیه الکرسی

۲. کدام یک از گزینه ها با این عبارت پیامبر که «جانشینان من دوازده نفرند» هماهنگ است؟

الف) حدیث انذار ب) حدیث ثقلین

ج) حدیث خلفای اثنا عشر د) حدیث کسا

۳. چرا پیامبر ابتدا ابوبکر را برای ابلاغ سوره براءت انتخاب فرمود و سپس او را برگرداند؟

الف) محبت پیامبر به ابوبکر

ب) کوبیدن مخالفان علی علیه السلام

ج) نشان دادن لیاقت ابوبکر

د) همه موارد

۴. کدام یک از افراد زیر از بهترین یاران علی علیه السلام و اهل یمن هستند؟

الف) عمار ب) مالک اشتر

ج) صهیب د) اویس قرنی

۵. حدیث م نزلت در آغاز کدام جنگ گفته شد؟

الف) جنگ حنین ب) جنگ موته

ج) جنگ تبوک د) جنگ خندق

۶. علت تأکید پیامبر در آخرین لحظات عمر شریفشان بر شرکت افراد در لشکر اسامه چه بود؟

الف) نبود فرماندهی در گرو سن و سال

ب) پاک سازی مدینه برای رهبری آینده

ج) پیش گیری از حمله رومیان

د) الف و ب صحیح است.

۷. کدام یک از افراد زیر از علایم پیامبر برای اثبات حقانیت علی علیه السلام نیست؟

الف) فاطمه علیها السلام ب) ابوذر

ج) عمار د) مالک اشتر

۸. تذکر پیامبر به کدام یک از افراد زیر در مورد «سگ های حوآب» بود؟

الف) عایشه ب) طلحه

ج) زبیر د) معاویه

ص: ۹۲

۲- تحلیل روی گردانی سران و مردم از ولایت علی علیه السلام

درآمد

اگر چه پیامبر هر آن چه برای معرفی رهبر آینده و جانشینی بعد از خود لازم بود، به طرق مختلف و با شیوه های واضح برای همگان بیان کرده بود؛ اما با وجود این بعضی از اصحاب و عامه مردم به عللی که این واحد آموزشی در صدد بیان آنهاست، بر این حقیقت آشکار چشم پوشیده و نسل خود و نسل های آینده را از حکومت دینی به رهبری امام علی علیه السلام محروم کردند و چه بد انتخابی کردند!

پیش آزمون

۱. به راستی، چرا بعضی از اصحاب پیامبر و عموم مردم به سخنان و سفارش های پیامبر در مورد ولایت علی علیه السلام توجه نکردند؟

۲. آیا بررسی اوضاع مدینه بعد از رحلت پیامبر می تواند به تحلیل مسئله غضب ولایت کمک کند؟

۳. چرا یاران علی علیه السلام برای دفاع از ولایت اقدامی نکردند؟

ص: ۹۳

۴. آیا کینه قریش از علی علیه السلام و حسادت بعضی دیگر می تواند در موضع گیری بزرگان قریش تأثیر گذاشته باشد؟

۵. آیا حاکمیت نظام قبیله ای و نوپا بودن اسلام تأثیری بر عملکرد توده مردم داشته است؟

۶. آیا می توان فریفته شدن بعضی از اصحاب پیامبر به مقامات دنیوی را در به وجود آمدن این وضعیت دخیل دانست؟

مدینه و رحلت پیامبر

اشاره

وضعیت داخلی مدینه پس از رحلت رسول بزرگ اسلام صلی الله علیه و اله را می توان در شش ویژگی خلاصه کرد که در غصب خلافت مؤثر بودند؛ این موارد در پی می آید:

۱- حیرت و نگرانی

درک عظمت مصیبت از دست دادن حضرت رسول صلی الله علیه و اله در گرو درک عظمت رسول خداست و در عظمت حضرتش همین بس که خدا او را در نوشیدن «بلی» از جام «الست» نخست قرار داد، (۱) به عنوان حبیب الله مفتخرش ساخت، همراه فرشتگانش مدام بر او درود می فرستد (۲) و مشتاق دیدار اوست. ۳

حیرت به سبب بحران فردی و اجتماعی برخاسته از عظمت مصیبت فقدان

ص: ۹۴

۱- (۱). قال ابو عبدالله علیه السلام : اول من سبق من الرسل إلى «بلی» رسول الله صلی الله علیه و اله وذلك انه كان اقرب الخلق إلى الله تبارك و تعالی ؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۵.

۲- (۲). «ان الله و ملائکته يصلون علی النبی» ؛ در حقیقت، خدا و فرشتگانش بر پیامبر دعا (صلوات) می فرستند. احزاب، آیه ۵۶.

رسول صلی الله علیه و اله ، شدت اندوه از دست دادن آن پیام آور بزرگ و رهبر آگاه و توانا، نگرانی از آینده و این که سرانجام چه پیش خواهد آمد و چه اتفاقی خواهد افتاد و آن چه بر این نگرانی می افزود، علاوه بر وجود دو ابرقدرت مترصد در دو سوی جزیره و سربرداشتن پیامبران دروغین، اختلاف و درگیری منافقان صحابه با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و اله و امیرمؤمنان علیه السلام بود تا آنجا که همگان شنیدند هنگام وفات رسول صلی الله علیه و اله و در کنار بستر او برخی در مقابل آخرین درخواست وی ایستادند، از آوردن قلم و کاغذ سر باز زدند و فریاد «دعو الرجل فأنه لیهجر، حسبنا کتاب الله» سردادند. بهترین گواه بر عظمت این مصیبت، شدت تأثر و اندوه توده مردم ۱ و مرثیه های جانسوز علی علیه السلام ، زهرا علیها السلام و ۲ دیگر شاعران ۳ است.

آنجا که مرگ یک عالم، شکافی در اسلام به وجود می آورد و هیچ چیز حتی عالمی دیگر هم نمی تواند آن را جبران کند، فقدان رسول بزرگ صلی الله علیه و اله را چه می تواند جبران کند؟! در سوگ پیامبر بزرگ چه می توان گفت جز همان که زهرا علیها السلام گفت: «مصیبتی است عظیم و اندوهی است سترگ؛ شکافی که هر دم گشاید و هرگز به هم نیاید. فقدان او زمین را لباس ظلمت پوشانده و خورشید و ماه را بی فروغ کرده و ستاره ها را از هم پراکند. شاخ امید، بی بر و کوه ها زیر و زبر شد. حرمت ها تباه و حریم ها بی پناه ماند. به خدا سوگند! مصیبت بزرگی بود که ماندش تا حال دیده نشده است.»

و نکته آخر این که این هر دو - حیرت و نگرانی - می توانست با توجه به

هشدارها و راهنمایی های مدام و اقدامات سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و اله زمینه پیوند با علی علیه السلام و اهل بیت رسول صلی الله علیه و اله باشد؛ همچنان که می توانست زمینه ساز بهره برداری کسانی باشد که این شرایط و بحران ها را برای رسیدن به مقاصد خود مطلوب می دانستند و از سال ها پیش، حتی از نخستین روزهای گرایش خود، مترصد چنین فرصتی بودند. اگرچه رسول بیدار و آگاه از پیش تر، هم به رسوا کردن خط نفاق و هم به علاج این هر دو زمینه پرداخته بود، ولی فقدان خود را بارها با آیات مختلف مانند... أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ... ۱ و إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ۲ گوشزد کرده و آن را قطعی و طبیعی نشان داده بود و با تأکید و سفارش مدام - از نخستین روزهای دعوت تا آخرین لحظات عمر شریفش - بر ولایت علی علیه السلام و نشان دادن کفایت و شایستگی های او، هیچ جایی برای نگرانی باقی نگذاشته بود؛ اما به هر حال، این خود مردمند که می توانند روشنگری ها و فرمان های رسول را بپذیرند و بهره مند شوند یا پشت کنند و در محرومیت بمانند که: ...فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۳ و... لِيُقَوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... ، (۱) نه «لِيُقَام».

۲- کمبود یاران توانمند و مخلص

رسول هر چه به پایان عمر نزدیک می شد، بیشتر با دو مسئله متضاد مواجه می شد: «کمبود یاران توانمند و مخلص» و «وسعت قلمرو»؛ تنها در جنگ احد بیش از هفتاد تن از بهترین یاران او به شهادت رسیدند. (۲)

ص: ۹۶

۱- (۴) . حدید، آیه ۲۵: «تا مردم به دادگری برخیزند».

۲- (۵) . سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۰۹؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۶.

امام باقر علیه السلام در تحلیلی از وقایع پس از فوت رسول می فرماید: «اما والله لو ان حمزه وجعفرأ کانا بحضرتهما ما وصلا الیه ولو کانا شاهدیهما لاتلغا نفسیهما»؛ (۱) به خدا قسم، اگر علی علیه السلام به جای عقیل و عباس، جعفر و حمزه را داشت، هرگز در خانه نمی نشست!

امام علی علیه السلام هم خود می فرمود: «لو وجدت اربعین ذوی عزم منهم لناهضت القوم»؛ اگر چهل یاور داشتم، در خانه نمی نشستم. (۲)

ابوهیثم نقل می کند:

پس از آن که امام را با آن وضع به مسجد کشاندند، در بازگشت، بر سر راه خود سی رأس گوسفند دید و فرمود:

«والله لو ان رجلاً ینصحون الله عز وجل ولرسوله بعدد هذه الشیاه لأزلت ابن آكله الذبان عن ملکه»؛ (۳)

به خدا قسم! اگر به عدد این گوسفندان مردانی خیرخواه خدا و رسول می داشتم، ابوبکر را از حکومت خلع می کردم.

در جایی دیگر آمده است: علی علیه السلام پس از ماجرای سقیفه، سر به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! تو خود می دانی که پیامبر به من فرمود: اگر بیست یاور داشتی، جهاد کن، و این همان گفته تو در قرآن است: و اگر بیست نفر باشید و صبر کنید، بر دویست نفر غلبه می کنید، بار خدایا! بیست نفر هم پیدا نشد» و این

را سه مرتبه تکرار کرد، آن گاه به خانه بازگشت. (۴) امام، خود در نهج البلاغه در

ص: ۹۷

۱- (۱). کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۲.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۷۰ و ۳۱۳.

۳- (۳). کافی، ج ۸، ص ۳۲.

۴- (۴). تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۹ و ۶۸؛ اختصاص، ص ۱۸۴-۱۸۷.

تحلیلی از اوضاع پس از مرگ پیامبر می فرماید: «پس در کار خود اندیشیدم و دیدم که به غیر از اهل بیت خود یآوری ندارم و راضی نشدم که آنان کشته شوند و با تیغی در چشم و استخوانی در گلو صبر کردم.» (۱)

آنجا که در خانه زهرا علیها السلام در آتش می سوخت و هیچ مدافعی نبود، علی علیه السلام را با ریسمان به مسجد کشاندند و فریاد اعتراضی بلند نشد، می توان به غربت علی علیه السلام پی برد. به زهرا علیها السلام در مسجد اهانت شد و هیچ کس به پا نخاست؛ تنها ام سلمه برآشفته و او هم تا یک سال سهمیه اش از بیت المال قطع شد. (۲)

خود رسول نیز به علی فرموده بود: «به زودی از قریش به سبب قیام هایی که ضد تو می کنند و ظلم هایی که به تو روا می دارند، فشار خواهی دید. اگر یارانی پیدا کردی، با آنان جهاد کن و اگر یآوری نداشتی، صبر کن و دست نگه دار.» (۳)

۳- حاکمیت نظام قبیله‌گی

نظام حاکم، قبیله ای بود و افراد، تابع محض رئیس قبیله بودند و در هر راهی که او قدم می نهاد، از او پیروی می کردند. رئیس قبیله الگوی مردم قبیله بود. می شد او را تطمیع کرد و تمامی قبیله را با خود داشت. در یک کلام، نظام قبیله ای در اطاعت افراد قبیله از رئیس خلاصه می شد و آن رئیس می توانست در جدایی آنها نیز مؤثر باشد.

معروف است که حضرت رسول صلی الله علیه و اله آن گاه که به شعب ابی طالب رفت، عده ای از بنی هاشم مؤمن و کافر به او پیوستند. (۴)

ص: ۹۸

۱- (۱). نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

۲- (۲). دلائل الامامه، ص ۳۹.

۳- (۳). بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۵؛ الهلالی، کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۶۸.

۴- (۴). شکرى آلوسی، بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، ج ۱، ص ۳۲۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۵.

هنوز هم در میان بسیاری از قبایل، حمیت و تعصب، عامل اصلی وحدت قبیله بود و افراد با شنیدن فریاد استغاثه یکی از افراد قبیله به حمایت او می شتافتند. (۱) در این میان، آن چه مهم نبود، ظالم بودن و مظلومیت بود.

تأثیر این عامل در بحث ما

همین تعصب قبیله ای و رقابت شدید بین قبایل باعث نخستین گام انحراف در سقیفه شد و موجب کج نهادن خشت بنا گردید.

نقشی که قبیله بدوی «بنی اسلم» در روی کار آمدن ابوبکر داشت، بر هیچ کس پوشیده نیست. طبری نقل می کند:

قبیله «اسلم» پس از ورود به مدینه چنان در کوچه ها تجمع کردند که کوچه ها گنجایش آنان را نداشت و عمر می گفت: همین که قبیله «اسلم» را دیدم، به پیروزی یقین پیدا کردم. (۲)

گرچه رسول خدا صلی الله علیه و اله در مدت محدود عمر خود توانست بسیاری از ارزش های جاهلی را از میان بردارد، ملاک ها و معیارهای تازه ای بیاورد و دست مایه و زمینه های تحول دیگر ارزش ها را نیز فراهم کند؛ اما از بین رفتن همه ارزش های جاهلی و جایگزینی و رسوخ ارزش های الهی، آن هم در میان تمام قبایل و همه عالم فرصتی دراز می خواهد؛ فرصتی به درازای تاریخ امامت شیعه. و همین است که پس از رسول صلی الله علیه و اله همواره باید امامی باشد؛ زیرا امامت ادامه رسالت است و ضرورت آن همان ضرورت رسالت و ملاک انتخاب آن نیز همان ملاک انتخاب رسول است و چاره ای جز عصمت و تنصیب رسول نیست.

ص: ۹۹

۱- (۱). اندلسی، عقدالفرید، ج ۱، ص ۵۸.

۲- (۲). تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۹ و نهاییه الادب، ج ۴، ص ۳۵.

علیه السلام

کینه داشتن از علی علیه السلام، آن هم از جانب مردمی که هنوز اسلام در دل هایشان رسوخ نکرده، طبیعی است. هفتاد نفر از سپاه مشرکان در جنگ بدر کشته شدند که بیش از سی نفر آنان را علی علیه السلام به هلاکت رساند.

علی علیه السلام در جنگ احزاب، پهلوان بزرگ عرب، عمرو بن عبدود را کشت. به گفته «ابن ابی الحدید» نه تنها انتقام این خون ها را، بلکه هر خونی که با شمشیر دیگران ولی در راه رسول ریخته شده باشد، تنها از علی می گرفتند؛ زیرا عادت عرب ها بر این بود که اگر خونی از آنان ریخته می شد، انتقامش را از قاتل می گرفتند و اگر او می مرد یا توان انتقام از او را نداشتند، از نزدیک ترین خویش او می گرفتند و این موضوع را هر که در داستان ها و جنگ های عرب مطالعه کند، درمی یابد. (۱)

زهرها علیها السلام نیز در جمع زنان مهاجر و انصار فرمود:

«وما الذی نقموا من ابی الحسن؟ نقموا منه والله نکیر سیفه وقله مبالاته بحتفه و شده و طائه و نکال وقعته و تنمره فی ذات الله»؛ (۲)

چه باعث شده است که با کینه تیزی از علی علیه السلام انتقام بگیرند؟ آری، او را سرزنش کردند، چون شمشیر علی علیه السلام در راه خدا خودی و بیگانه، شجاع و ترسو نمی شناخت و چون علی علیه السلام در برابر مرگ بی اعتنا بود و ترسی نداشت.

و نیز فرمود:

«ولکنها احقاد بدریه و تراث اجدیه، کانت علیها قلوب النفاق مکتمنه لامکان الوشاه فلما استهدف الأمر ارسلت علینا شایب الآثار من مخیله الشقاق»؛ (۳)

ص: ۱۰۰

۱- (۱). شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۳۰۱.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۹.

۳- (۳). همان، ج ۳، ص ۱۵۶.

این برخورد شما با علی علیه السلام به سبب کینه های بدر و انتقام جویی احد است. این کینه ها در قلوب منافقان پنهان بود و جرأت اظهار آن را نداشتند؛ اما روزی که حکومت را غصب و ما را منزوی کردند، تمام کینه ها و حسادت ها را بر ما فرو ریختند.

و باز خود علی علیه السلام می فرماید: «لقد کنا مع رسول الله صلی الله علیه و اله نقتل آبائنا و اخواننا و اعمامنا»؛ (۱) از زمانی که همراهی رسول خدا صلی الله علیه و اله را پذیرفتیم، هر کس را که مخالف با او بود، حتی اگر پدران، برادران و عموهایمان بودند، از دم تیغ می گذرانیدیم. همچنین در نامه ای به معاویه نوشت: «وقد دعوت إلى الحرب... فأنا ابوالحسن قاتل جدک وأخیک وخالک»؛ (۲)

ای معاویه! تو مرا به جنگ می خوانی؟! ... منم ابوالحسن، قاتل جد، برادر و دایی تو!

این بغض و کینه ها تا آن اندازه بود که معاویه گروهی از صحابه و تابعان را گمارد تا اخبار زشتی را که موجب طعن و براءت از علی می شد، روایت کنند (۳) و به کار گزاران خود بخش نامه کرد که از ذمه من بری است کسی که فضیلتی درباره ابوتراب نقل کند و از آن پس، خطیبان در هر شهری و بر سر هر منبری علی را دشنام می دادند و از او و اهل بیتش بیزار می جستند. (۴)

البته رسول آگاه و بیدار هم از پیش، علی علیه السلام را بر این همه ستم آگاه ساخته و آماده کرده بود. علی علیه السلام می فرماید: همراه پیامبر از کوچه باغ های مدینه

ص: ۱۰۱

۱- (۱). نهج البلاغه، خطبه ۵۶.

۲- (۲). همان.

۳- (۳). شرح ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۶۳ و ۷۳.

۴- (۴). همان، ج ۱۱، ص ۴۴ - ۴۶.

می گذشتیم. به باغی رسیدیدم. عرض کردم: «یا رسول الله! چه باغ زیبایی!» فرمود: «چه زیباست! در بهشت زیباتر از این ها برای تو است.» تا چندین باغ به همین گونه بود. وقتی راهمان خلوت شد، پیامبر مرا در آغوش گرفت و در حال گریه ناله ای زد و فرمود: «پدرم به فدایت باد! ای شهید تنها!».

عرض کردم: «یا رسول الله! چرا گریه می کنید؟» فرمود: «از کینه هایی که در دل گروهی از مردم است و پس از من آن را آشکار می کنند؛ کینه های جنگ بدر و خون خواهی جنگ احد.» پرسیدم: «آیا دینم به سلامت خواهد ماند؟» فرمود: «دینت در سلامت خواهد بود.» (۱)

این کینه ها با حسادت همراه بود؛ حسادت به علی علیه السلام به سبب محبوبیت او نزد رسول و فضایل بی شمارش از سبقت در ایمان به اسلام گرفته تا همسری زهرا علیها السلام، فتح خیبر، ابلاغ سوره براءت، جریان مباحله و احادیث م نزلت، ثقلین، خلفای اثناعشر و سدابواب و... تا واقعه غدیر خم، آن هم هفتاد روز قبل از رحلت پیامبر.

۵- نوپا بودن اسلام

حقیقت این است که اسلام هنوز در قلوب بسیاری از مردم راه نیافته بود و پس از فتح کامل مکه فرصت طلبان و محافظه کاران در دین داخل شدند: ...يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ... (۲) به جای این که دین به آنها داخل شود، آنان از دین مدخلی ساختند. آیه نمی گوید: ...يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ...، (۳) بلکه می گوید: يَدْخُلُونَ؛

ص: ۱۰۲

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۵۴؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۴۰۲؛ ابراهیم بن محمد الجوینی، فرائدالسمطین، ج ۱، ص ۱۵۲.

۲- (۲) . نصر، آیه ۲: «در دین خدا داخل می شوند».

۳- (۳) . توبه، آیه ۲۹: «و به دین حق متدین می شوند».

دین در آنها نفوذ نکرده است، بلکه آنان از دین مدخلی ساختند. از این رو، امام علی علیه السلام یکی دیگر از ویژگی های این دوران را نوپا بودن اسلام می داند و می فرماید: «والناس حدیثوا عهدِ بالاسلام».^(۱)

بعضی از قبایل، چون هجوم دیگران را به مدینه برای تسلیم شدن دیدند، برای عقب نماندن از قافله اسلام آوردند.^(۲)

هجوم همگانی قبایل به سوی مدینه در سال نهم و دهم هجری برای پذیرش اسلام موجب شد که قبایل هرچند علاقه ای به تسلیم شدن نداشته باشند، چاره ای جز آن نیز پیدا نکنند و حتی برخی برای کسب فضیلت بیشتر از یکدیگر سبقت بجویند. شناخت اندکشان از قرآن، اسلام و شخصیت رسول صلی الله علیه و اله زمینه ای برای انحراف بود؛ انحرافی که اگر زمینه لازم را می یافت، می توانست وضع موجود را به کلی وارونه کند. به همین سبب، بسیاری از مدعیان پیامبری هوادارانی یافتند؛ مانند «اسود عنسی» در یمن، «مسيلمه» در یمامه، «سجاح» در بنی تمیم و «طلحه» در بنی اسد.

وفود یا هیئت های نمایندگی پس از فتح مکه راهی مدینه شدند و پس از اسلام آوردن، به نمایندگی از قبیله خود اسلام آوردن آنان را نیز اعلام کردند. بیشتر کسانی که به نام مسلمان در سال دهم در جزیره العرب زندگی می کردند، پس از فتح مکه مسلمان شده بودند و این در حالی بود که اکثر قریب به اتفاق آنها در بادیه زندگی می کردند و بسیاری از آنان، حتی یک بار نیز پیامبر را ندیده بودند. گاهی درخواست های جاهلی، نظیر باقی گذاشتن بت ها تا مدتی، اجازه شرب خمر و ترک نماز را مطرح می کردند!

ص: ۱۰۳

۱- (۱). شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۰۸.

۲- (۲). الطبقات، ج ۱، ص ۳۳۸.

گذشته از این ها مسئله ترس، از دلایل عمده قبایل برای تسلیم شدن بود؛ (۱) چون با سقوط قریش در سال هشتم هجری و پس از آن سقوط طائف، حاکمیت شرک در جزیره به پایان رسید و قبایل مختلف دریافتند که توان مقابله با اسلام ندارند.

واقعه تبوک در سال نهم هجری نیز نشان داد که بسیاری از آنان به نام، مسلمانند؛ زیرا هرکدام سعی داشتند به بهانه ای از زیر بار جنگ شانه خالی کنند و پیامبر را در جمع آوری نیرو با مشکل مواجه سازند. (۲)

ابن هشام» در سیره خود می نویسد:

وقتی خبر رحلت رسول خدا صلی الله علیه و اله به مکه رسید، بیشتر اهل مکه تصمیم گرفتند که از اسلام بازگشته و مرتد شوند تا آنجا که والی مکه از ترس فرار کرد و «سهیل بن عمرو» بر در کعبه ایستاد و با فریاد همه را گرد خود جمع آورد. آن گاه مردم را برحذر داشت و آنان را به یاد سخنان پیامبر در همان جا انداخت که: «در صورت مسلمان بودن به گنج های کسری و قیصر دست می یابید و ...» و بدین وسیله آنها را از ارتداد بازداشت. (۳)

۶- گروه نفاق

آخرین ویژگی، وجود گروهی پر قدرت و منافق است؛ نفاقی که از همان دوران مکی شکل گرفت. (۴) برخی از همان ابتدا به طمع قدرت آمدند؛ چون از

ص: ۱۰۴

-
- ۱- (۱). همان، ص ۳۴۳؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۳۰۰.
 - ۲- (۲). توبه، آیه ۸۵: «و هنگامی که سوره ای فرو فرستاده شد که: به خدا ایمان آورید و همراه فرستاده اش جهاد کنید، سرمایه داران از آن (منافقان) از تو رخصت می خواهند و می گویند: ما را رها سازید تا با فرونشستگان باشیم.»
 - ۳- (۳). السیره النبویه، ج ۴، ص ۳۱۶؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۳۲۴.
 - ۴- (۴). نفاق به شهادت قرآن: سوره های ماعون، مدثر، هود (آیه ۵) و عنکبوت (آیه ۱۰ - ۱۱) که سوره های مکی هستند و روایات: بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۴۵، از همان دوران مکی شکل گرفته است؛ ر.ک: جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۳۰۱.

اهل کتاب شنیده بودند که کار این پیامبر، بالا می گیرد و بر تمامی جزیره مسلط می شود. علت اسلام خلفا این گونه از زبان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحلیل شده است که آن دو به طمع کسب قدرت اسلام آوردند؛ چون با یهود مجالست داشتند و از ایشان راجع به اخبار آینده که در تورات و سایر کتاب ها آمده بود، می پرسیدند... و بیعتشان با پیامبر از آن رو بود که هر کدام به امارت شهری دست یابند. (۱)

«زید بن علی» هم می گوید:

به خدا قسم! اگر این جماعت می توانستند حکومت را بدون اسلام به چنگ آورند، بی شک این کار را می کردند و از نبوت رسول برمی گشتند. (۲)

از علی علیه السلام نقل است: «گروه نفاق، هم پیمان شدند و طوماری در خانه کعبه امضا کردند، مبنی بر این که اگر خداوند محمد را به قتل برساند (!) یا بمیرد، خلافت را از ما اهل بیت بگیرند.» علی علیه السلام نام آنان را می برد و آن گاه می فرماید: «این را رسول خدا صلی الله علیه و اله به من خبر داده است» و سلمان، ابوذر و مقداد را هم به شهادت می گیرد. (۳)

گرچه این گروه در حدیبیه فریاد می زدند، اما کاری از پیش نبردند و در واقعه تبوک نیز می خواستند از زیر جنگ شانه خالی کنند. در همان سال (نهم) و سال آخر، تعدادشان آن قدر زیاد شد (۴) که برخی از آنان که همراه پیامبر بودند، به ساختن «مسجد ضرار» پرداختند و بسیاری نیز در مدینه ماندند و پیامبر برای این که مبادا اینان در غیاب او دست به توطئه ای بزنند، علی علیه السلام را در مدینه باقی گذاشت.

ص: ۱۰۵

۱- (۱). احتجاج، ج ۲، ص ۵۳۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۸۶.

۲- (۲). شیخ عباس قمی، بیت الاحزان، ص ۷۷.

۳- (۳). کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۹ - ۵۹۱؛ بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۸۵ - ۸۷.

۴- (۴). اگر ترتیب نزول آیات قرآن را بررسی کنیم، می بینیم که اکثر آیات مربوط به منافقان، در واپسین سال های عمر پیامبر نازل شده است. مروری به سوره های آل عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، عنکبوت، احزاب و... بیانگر این حقیقت است.

۱- ترور ناکام

گروه نفاق در مراجعت از تبوک تصمیم گرفتند که شتر پیامبر را هنگام عبور از گردنه ای پی کنند تا بدین وسیله ایشان را کشته و این واقعه را تصادفی جلوه دهند. (۱) سپس در همان جا سقیفه ای به پا کنند و برای ابوبکر از سپاه بیعت بگیرند و آن گاه وارد مدینه شده، علی علیه السلام را کنار بزنند و بر اوضاع مسلط شوند؛ سپاه هم که با آنها بود. اما جبرئیل به رسول خبر داد و حضرت با دلی مطمئن با حدیفه به طرف گردنه حرکت کرد. آن گاه صاعقه ای زد و چهره همه افراد گروه نفاق نمایان شد و در حالی که پیامبر صلی الله علیه و اله آنان را صدا می کرد، پا به فرار نهادند؛

البته ایشان به حدیفه امر کرد که آنان را تعقیب کند... (۲)

۲- انکار وفات رسول

خلیفه دوم شمشیر کشیده بود و مدام فریاد می زد که پیامبر نمرده است و هر کس مدعی مردن او باشد، او را با این شمشیر خواهم کشت. او زنده است و مانند موسی برمی گردد. (۳)

او بدین وسیله می خواست منکر خلافت علی علیه السلام شود؛ زیرا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و اله زنده است، دیگر علی، وصی و جانشین برای چه؟ و به طور طبیعی، جریان این گونه می شد که پس از جعل احادیثی سقیفه را هم در خود مسجد مدینه تشکیل می دادند و آن گاه ابوبکر به عنوان کسی که امور را در دست

ص: ۱۰۶

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۹۷ و ۱۰۰.

۲- (۲) . کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۷۳ و ۵۸۹؛ بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۰.

۳- (۳) . کشاف، ج ۲، ص ۲۹۱.

می گیرد تا خود پیامبر برگردد، خلافت رای به عهده می گرفت؛ اما خبر دادن دو تن از انصار و این که عده ای در سقیفه گرد آمده اند تا خلیفه رای تعیین کنند، باعث تغییر نقشه شد. (۱)

۳- تغییر نقشه

ابوبکر که از مغزهای طراح این باند بود، متوجه شد که می توان خلافت رای به گونه ای دیگر هم ربود. این بود که بی درنگ نقشه رای تغییر داد و پس از دیدار از پیکر پیامبر از خانه بیرون رفت و عمر رای به آرامش دعوت کرد و آن گاه ادامه داد: «ای کسی که منکر فوت پیامبری! هر کس محمد رای می پرستید، پس او مرده است و هر کس خدا رای می پرستید، پس او نمی میرد. خداوند فرموده: إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ۲ و نیز فرموده است: ...أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ... (۲) و بدین طریق، او را متوجه ساخت که نقشه عوض شده است. این در حالی است که «عمر و بن زائده» همین آیات را برای عمر خوانده بود، اما او قانع نشده بود. (۳)

عمر تا این آیات را از زبان ابوبکر شنید، خود را به غش زد و او را به بیرون از جمعیت بردند. مردم به عزاداری و علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام نیز به تجهیز و دفن پیامبر مشغول بودند. ابوبکر، عمر و ابو عبیده خود را با شتاب به سقیفه رساندند و در راه قرارها گذاشتند.

ص: ۱۰۷

-
- ۱- (۱). دیار کبری، تاریخ الخميس، ص ۱۶۷؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱۸.
 - ۲- (۳). آل عمران، آیه ۱۴۴: «پس آیا اگر (او) بمیرد یا کشته شود، به (عقاید کفرآمیز) گذشته هایتان بازمی گردید؟»
 - ۳- (۴). الغدیر، ج ۷، ص ۱۸۴.

اشاره

در تحلیل این که چرا انصار با آن که یاران فداکاری برای پیامبر بودند، این گونه با شتاب و دور از چشم مهاجران و قریش برای تعیین خلیفه در سقیفه گرد آمدند، می توان به عواملی چند اشاره کرد.

الف) ترس از قدرت قریش

ترس از انتقام قریش از انصار طبیعی بود؛ زیرا قریش که بیشترشان جزء گروه «مؤلفه القلوب» بودند، در هر حال انصار را قاتل خویشان خود می دانستند و به همین خاطر، انصار از حاکمیت آنان وحشت داشتند؛ چنان که «حباب بن منذر» از بزرگان انصار، در سقیفه گفت: «ما بیم داریم کسانی از شما بر سر کار آیند که ما پدران و برادرانشان را در جنگ کشته ایم؛ ترس از این که این افراد از ما انتقام بگیرند.» (۱)

ب) آگاهی از قدرت و نفوذ باند نفاق

آنها دسیسه های منافقان را در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و اله برای کنار گذاشتن علی علیه السلام و به قدرت رسیدنشان را با چشمان خود دیده بودند؛ تا آنجا که شاهد بودند چگونه با دستور پیامبر برای پیوستن به سپاه اسامه و آوردن قلم و کاغذ مخالفت کردند.

ج) شنیدن هشدارهای پیامبر

از رسول رحمت صلی الله علیه و اله شنیده بودند که پس از او به آنان صدماتی می رسد و باید بردبار و شکیبیا باشند. (۲) این اخبار به جای آن که سبب هشیاری آنها و موضع گیری صحیح و حمایتشان از علی علیه السلام شود، باعث سوء استفاده سران آنان شد.

ص: ۱۰۸

۱- (۱). انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۲؛ الامامه و السیاسه، ص ۷.

۲- (۲). الطبقات، ج ۲، ص ۲۵۳؛ انساب الاشراف، ج ۳، ص ۵۳.

د) نبود امثال «سعد بن معاذ» در بین انصار

همان بزرگ مردی که اگر زنده بود، چه بسا هرگز سقیفه ای برپا نمی شد.

ه) نفاق سران و اشراف انصار

حقیقت این است که نفاق مختص قریش و مهاجران نبوده، بلکه در میان انصار هم رواج داشت و سران ایشان نیز با علی علیه السلام دشمن بودند. تعجب نکنید که بزرگان انصار منافق شده باشند. مگر همین ها نبودند که در تقسیم غنایم حنین به رسول الله صلی الله علیه و اله اعتراض کردند؟ (۱) آیا اعتراض به پیامبر با ایمان واقعی جمع می شود؟ به گفته امام باقر علیه السلام انصار از همان روز بی نور شدند: «فحظ الله نورهم». (۲) همین انصار و رئیس آنان، سعد، اگرچه در سقیفه شکست خوردند، اما باز با علی علیه السلام بیعت نکردند. پیامبر درباره علی علیه السلام گفته بود: «فقط مؤمن تو را دوست دارد و فقط منافق تو را دشمن می دارد». سعد می توانست علی علیه السلام را با کمک خویشان خود به حق برساند. علی علیه السلام می گفت: «اگر چهل یاور داشتم، در خانه نمی نشستم»، ولی سعد در عین حال که با قریش دشمن بود، با علی علیه السلام نیز دشمن بود و حاضر نبود که او به خلافت برسد؛ زیرا می دانست که با وجود علی علیه السلام جایی برای امثال او نیست.

۵- سخنرانی ابوبکر در سقیفه

او در قسمتی از سخنانش چنین گفت: «اگر خزرج داوطلب این مقام شود، مسلم است که اوس تن در نخواهد داد؛ همچنین اگر اوس داوطلب شود، بدیهی است که خزرج تن در نخواهد داد. در نتیجه، زد و خورد و کشتاری در میان دو قبیله روی

ص: ۱۰۹

۱- (۱). سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ المغازی، ج ۳، ص ۹۵۷ و ۹۵۸.

۲- (۲). الکافی، ج ۲، ص ۴۱۱؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۷۷.

خواهد داد که هیچ گاه فراموش نمی شود و جراحات های علاج ناپذیری وارد خواهد آمد و اگر کسی از میان شما برخیزد، مثل این است که در میان چنگال شیری گرفتار شده باشد که مهاجر او را بَجُود و انصار او را معجروح کند.» (۱)

این سخنان به خوبی نشان می دهد که چگونه ابوبکر بین اوس و خزرج اختلاف می اندازد، رگه های تعصب جاهلی را زنده می کند و آن چه را رسول سال ها برای آن خون دل خورده بود، بر باد می دهد.

۶- حيله

ابوبکر بعد از سخنرانی، خطاب به انصار گفت: «ای جماعت! من انتخاب یکی از این دو نفر - عمر و ابو عبیده - را به مصلحت شما می دانم. با هر یک از این دو می خواهید، بیعت کنید.» آن دو هم طبق قرار قبلی، آن چه ابوبکر به آنان حواله داده بود، به خودش پاس دادند و گفتند: «نه! به خدا قسم ما هیچ کدام با بودن تو عهده دار این امر نمی شویم! تو یار پیامبری؛ دستت را پیش آور تا با تو بیعت کنیم» و آن گاه به طرف ابوبکر حرکت کردند.

اوسی ها که می دیدند نزدیک است رئیس خزرجی ها - سعد بن عباده - خلیفه شود، کوشیدند که زودتر از عمر و ابو عبیده خود را به ابوبکر رسانده و با او بیعت کنند تا در نتیجه به پست های حساس تری دست یابند. (۲)

خزرجی ها نیز برای آنکه عقب نمانند، شتاب کردند و البته حسادت «بشیر بن سعد» به پسرعموی خود، سعد در این شتاب بی تأثیر نبود؛ چون او نیز ادعای ریاست خزرج داشت.

ص: ۱۱۰

۱- (۱). جاحظ، البیان و التبيين، ج ۳، ص ۱۸۱؛ دکتر حسن ابراهیم، تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲- (۲). شرح ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۰.

عمر همیشه می گفت: «کانت بیه ابی بکر فلتہ وقی اللہ المسلمین شرّھا ومن اتی مثلھا فاقتلوه»؛ (۱)

بیعت ابوبکر شتاب زده و ناگهانی بود و خداوند مسلمانان را از شر آن حفظ کرد و هر کس به این شکل در انتخاب خلیفه عمل کند، او را بکشید. شتاب برای تصاحب خلافت تا آنجا بود که ابوبکر، عمر و عایشه، هیچ یک در دفن رسول خدا صلی الله علیه و اله شرکت نداشتند. (۲) عایشه می گوید: «ما از دفن پیامبر آگاه نشدیم، مگر آن گاه که صدای بیل ها را شنیدیم.» (۳)

اقدامات گروه نفاق برای تثبیت قدرت

اشاره

هر باند کودتا با دو گروه درگیر است: «توده» و «مخالفان سرشناس». این باند برای درگیری با آنان به یک حامی مسلح و پشتوانه نظامی نیاز دارد.

۱- قدرت نظامی

حامی مسلح باند کودتا قبیله بدوی و وحشی «بنی اسلم» است که به اقرار خود عمر نقشی به سزا در پیروزی کودتاگران داشت. طبری نقل می کند که قبیله اسلم پس از ورود به مدینه چنان در کوچه ها تجمع کردند که کوچه ها گنجایش آنان را نداشت و عمر می گفت: همین که قبیله اسلم را دیدم، به پیروزی یقین پیدا کردم. (۴)

ص: ۱۱۱

۱- (۱). مسند احمد، ج ۱، ص ۵۵؛ صحیح بخاری، ج ۱۰، ص ۴۴.

۲- (۲). کنز العمال، ج ۳، ص ۱۴۰.

۳- (۳). سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۱۴؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۶۸.

۴- (۴). تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۹.

ابن اثیر در کامل می نویسد: «قبیله بنی اسلم آمدند و بیعت کردند. در نتیجه ابوبکر قوی شد و آن گاه مردم با ابوبکر بیعت کردند.» (۱)

۲- برخورد با توده مردم

۱. ایجاد فضای رعب و وحشت؛

۲. ایجاد تزلزل از طریق پخش شایعات و احادیث جعلی و بی اساس؛ مانند آن چه ابوبکر می گفت: «ما از پیامبر شنیدیم که فرمود: خلافت و نبوت برای ما اهل بیت جمع نمی شود»؛ (۲)

۳. قراردادن مردم در برابر اهل بیت با جعل حدیث «أنا معاشر الانبياء لا نورث درهماً ولا ديناراً»؛ (۳)

۴. خریدن مردم به وسیله پول؛ ابن ابی الحدید نقل می کند:

وقتی ابوبکر بر سر کار آمد، پولی در میان مهاجر و انصار تقسیم شد و در این میان، قدری را برای زنی از انصار بردند. وقتی که زن پرسید: «این پول برای چیست؟» گفتند: «پولی است که ابوبکر داده و سهمی نیز به تو رسیده است.» زن گفت: «آیا می خواهید در امر دین به من رشوه دهید! به خدا سوگند هرگز چیزی از آن را نخواهم پذیرفت!» (۴)

۵. در لباس دلسوزی درآمدن؛ وقتی به ابوبکر اعتراض شد که با وجود علی علیه السلام چرا خلافت را عهده دار شدی؟ گفت: «از فتنه ترسیدم.» (۵)

ص: ۱۱۲

۱- (۱). کامل، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲- (۲). بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۷۴؛ احتجاج، ج ۱، ص ۲۱۴.

۳- (۳). خطبه حضرت زهرا علیها السلام و پاسخ ابوبکر به حضرت.

۴- (۴). شرح ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۵۳؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۶.

۵- (۵). انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۲؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۷.

۳- برخورد با مخالفان (به صورت انفرادی یا گروهی)

۱. تطمیع؛ عده ای را با وعده قدرت و حکومت خریدند - مانند عثمان - و عده ای دیگر را با درهم و دینار رام ساختند؛ مانند ابوسفیان، طلحه و اسید بن حضیر.

۲. تهدید؛ عده ای را با تهدید به قتل و ضرب و شتم از صحنه بیرون کردند و در برابر برخی دیگر، پا را از تهدید فراتر گذاشته، به ضرب و شتمشان پرداختند. شمشیر زبیر را شکسته، بر سینه اش نشانند (۱) و ابوذر، سلمان و مقداد را آن قدر زدند که سلمان می گوید: «گردنم همچون غده ای ورم کرد و بالا آمد» (۲) و اگر علی علیه السلام به فریادش نرسیده بود، او را کشته بودند.

۳. حصر؛ عمر پس از انتخاب ابوبکر، خروج صحابه را از مدینه ممنوع کرد؛ به این بهانه که می ترسم اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و اله در میان مردم پراکنده شوند و باعث گمراهی آنها شوند. (۳)

۴. جعل حدیث؛ این سیاست بر کسانی کارگر افتاد که در عین داشتن تقوا سرانجام احادیث دروغ و تبلیغات مسموم آنان را به شک و شبهه انداخت.

۵. ترور و کشتار؛ این خطرناک ترین اقدام باند نفاق به عنوان آخرین حربه بود. کسانی را که قابل تطمیع و خریداری نبودند یا تهدید در آنها اثر نمی کرد، ناجوانمردانه ترور می کردند.

نمونه این ترورها ماجرای «سعد بن عباد» است که او را در تاریکی شبانه با تیر کشتند و آن گاه اعلان کردند که جن ها او را کشتند. (۴) نیز تصمیم به کشتن

ص: ۱۱۳

۱- (۱). مفید، امالی، ص ۴۹ و ۵۰؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۴۸.

۲- (۲). کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۹۳.

۳- (۳). شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۰؛ تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۴۵۳.

۴- (۴). انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۳.

علی علیه السلام گرفتند، اما با جانفشانی حضرت زهرا علیها السلام و پیش گیری سیاست تقیه از معرکه جان سالم به در برد. «مالک بن نویره» را که از اصحاب پیامبر بود و از سوی ایشان مأمور جمع آوری زکات بود - به دلیل اعتقاد به غاصب بودن سران سقیفه و ندادن زکات به آنان - ناجوانمردانه گردن زدند. (۱) «فجائه ایاس بن عبدالله»، صحابی پیامبر با برچسب ارتداد، در حالی که دست و پایش را بسته بودند، به درون آتش انداخته و زنده زنده سوزاندند. (۲)

۶. کشتار دسته جمعی؛ بسیاری از قبایل مخالف به بهانه نپرداختن زکات یا با برچسب ارتداد و قرار گرفتن در ردیف «مسیلمه»ها و «طلیحه»ها از دم تیغ مأموران خلیفه نخست گذشتند. شواهد بسیاری در دست است که به یقین اثبات می کند آنان نه مرتد بودند و نه حتی منکر اصل زکات، بلکه به علت به رسمیت نشناختن خلیفه، تنها از پرداختن زکات به شخص ابوبکر خودداری می ورزیدند؛ چنان که برخی از تاریخ نگاران نیز به این حقیقت تصریح کرده اند.

ابن کثیر می گوید:

قبایل مختلف عرب، گروه گروه وارد مدینه می شدند و به نماز اقرار می کردند ولی از پرداخت زکات امتناع می ورزیدند. عده ای نیز تنها از پرداختن زکات به شخص ابوبکر امتناع داشتند. (۳)

یعقوبی نیز می گوید:

گروهی از عرب مدعی پیامبری شدند و گروهی مرتد شدند و تاج ها بر سر نهادند؛ گروهی هم از دادن زکات به ابوبکر امتناع ورزیدند. (۴)

ص: ۱۱۴

۱- (۱). الغدیر، ج ۷، ص ۱۵۸؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۹۲۷.

۲- (۲). تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۳۴؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۹، ص ۳۱۹.

۳- (۳). البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۳۱۱.

۴- (۴). تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۸.

در این واحد آموزشی گفته شد که اگرچه رسول آگاه و بیدار بارها از قبل فقدان خود را گوشزد کرده و آن را قطعی نشان داده بود و با تأکید مدام از نخستین روزهای دعوت تا آخرین لحظات بر ولایت علی علیه السلام و نشان دادن شایستگی های او، هیچ جایی برای نگرانی باقی نگذاشته بود؛ اما پس از رحلت ایشان مواردی پیش آمد که منجر به اختلاف، تفرقه و محرومیت از رهبری حضرت علی علیه السلام شد. این موارد از این قرار است:

۱. حیرت و نگرانی پیش آمده از فقدان حضرت رسول صلی الله علیه و اله ؛

۲. کمبود یاران توانمند و مخلص برای علی علیه السلام ؛

۳. حاکمیت نظام قبیله ای بازمانده از جاهلیت؛

۴. کینه قبایل عرب، به ویژه قریش از حضرت علی علیه السلام ؛

۵. نوپایی اسلام؛

۶. وجود باند پر قدرت نفاق.

۱. کدام یک از گزینه های زیر بیانگر عظمت مصیبت فقدان حضرت رسول صلی الله علیه و اله است؟

الف) «یا احمد! ان الله قد اشتاق إلى لقاءك.»

ب) مرثیه های جان سوز علی علیه السلام و زهرا علیها السلام

ج) تأثر و اندوه توده مردم

د) همه موارد

۲. کدام یک از موارد زیر عامل نگرانی مردم پس از رحلت پیامبر نبود؟

الف) وجود دو ابرقدرت مترصد در دو طرف جزیره

ب) شورش های مدعیان نبوت

ج) بحران های فردی و اجتماعی

د) درگیری منافقان با اهل بیت پیامبر

۳. امام باقر علیه السلام در تحلیلی می فرماید: «به خدا قسم! اگر علی علیه السلام به جای عقیل و عباس، و را

داشت، هرگز در خانه نمی نشست.»

الف) جعفر و حمزه ب) مصعب و جعفر

ج) طالب و مصعب د) حمزه و مصعب

۴. کدام گزینه گواه بر کمبود یاران حضرت علی علیه السلام است؟

الف) نبود مدافع و سوختن در خانه حضرت زهرا علیها السلام

ب) عدم اعتراض، هنگام به زور بردن علی علیه السلام به مسجد

ج) عدم قیام و اهانت به حضرت زهرا علیها السلام در مسجد

د) همه موارد

۵. کدام گزینه حاکمیت نظام قبیله ای را از عوامل انحراف بعد از پیامبر معرفی می کند؟

الف) نقش قبیله بدوی بنی اسلم

ب) رقابت قبیله ای بین اوس و خزرج

ج) رقابت قبیله ای بین انصار و مهاجر

د) الف و ب درست است.

۶. این عبارت امیر مؤمنان علی علیه السلام: «.....فانا ابوالحسن قاتل جدک و اخیک و خالک» خطاب به کیست؟

الف) ابوسفیان ب) زبیر

ج) معاویه د) طلحه

۷. چرا پیامبر علی علیه السلام را دوبار به یمن فرستاد؟

الف) شناساندن جانشین خود به یمنی ها.

ب) عدم کینه و حسادت آنها نسبت به علی علیه السلام.

ج) یآوری علی علیه السلام از سوی آنها در آینده

د) همه موارد

۸. کدام گزینه دلیل بر سطحی بودن ایمان اکثر مسلمانان پس از رحلت پیامبر نیست؟

الف) پیوستن تعداد بی شماری به متنبی ها

ب) درخواست های جاهلی برخی هیئت های نمایندگی قبایل

ج) جریان قلم و دوات

د) همه موارد

۹. کدام یک از موارد زیر گواه بر وجود باند نفاق نیست؟

الف) جریان قلم و دوات

ب) گذاشتن علی علیه السلام در مدینه در جریان جنگ تبوک

ج) ترور پیامبر در بازگشت از تبوک

د) تصمیم اهل مکه بر بازگشت به جاهلیت، بعد از رحلت پیامبر

۱۰. به چه دلیل، انصار بعد از رحلت پیامبر برای تعیین خلیفه در سقیفه گردآمدند؟

الف) ترس از قدرت قریش

ب) شنیدن هشدارهای پیامبر

ج) الف و ب درست است

د) آگاهی از قدرت اشراف

۱۱. این عبارت از کیست: «بیعت با ابوبکر شتاب زده و ناگهانی بود...»

الف) علی علیه السلام ب) عمر

ج) عثمان د) زبیر

۱۲. کدام گزینه از اقدام های باند نفاق پس از کودتای سقیفه نیست؟

الف) ایجاد قدرت نظامی ب) ایجاد رعب و وحشت

ج) مذاکره با مخالفان د) تطمیع مخالفان

درآمد

بالاترین ظلم ها غصب و صایت رسول الله صلی الله علیه و اله است و مهم ترین اقدام احقاق این حق بدون همراهی اهل بیت علیهم السلام محال است.

و زهرا علیها السلام این اسوه همیشه هوشیار، یک تنه گام هایی در این راه برداشت. هریک از اقدام های او مانند یک چشمه است تا انسان های آزاده به دور از تعصب بتوانند خود را در آن پاک و بی آرایش گردانند.

پیش آزمون

۱. آیا می دانید که موضع گیری حضرت زهرا علیها السلام درباره انحراف سقیفه چگونه بود؟
۲. چگونگی برخورد فاطمه علیها السلام را با حاکمان این دوره توضیح دهید.
۳. به راستی چرا حضرت زهرا علیها السلام شب ها به در خانه مهاجران و انصار می رفت؟
۴. چه عواملی باعث شد که صدیقه طاهره در مسجد النبی صلی الله علیه و اله سخنرانی کند؟
۵. حضرت فاطمه علیها السلام غیر از گریستن و نوشتن وصیت نامه چه حرکت های اعتراض آمیز دیگری انجام داد؟

این حرکت حضرت زهرا علیها السلام بسیار حساب شده بود؛ هم شکل حرکت و هم متن گفت و گوها بیدارکننده بود. مقصود از استنصار، دعوت های شبانه ایشان است. او پس از کودتای سقیفه، شب ها دست حسنین علیها السلام را گرفته و با علی علیه السلام به در خانه های مهاجران و انصار می رفت و از آنها در حمایت از علی علیه السلام یاری می خواست (۱) و آنها را به یاد بیعتشان و سفارش های رسول خدا صلی الله علیه و اله در حق علی علیه السلام می انداخت تا شاید بتواند چهل یاور برای علی علیه السلام فراهم کند؛ زیرا از علی علیه السلام شنیده بود: «اگر چهل یاور داشتم، در خانه نمی نشستم.» آنها هم یا در را باز نمی کردند و جوابی نمی دادند یا وعده می دادند، اما حاضر نمی شدند. زهرا علیها السلام تا چندین شب چنین کرد، اما تنها چهار نفر به سرقرار آمدند.

۱. شکل حرکت

چرا علی علیه السلام ساکت بود و فاطمه علیها السلام با آنها سخن می گفت؟

اگر می بینید که زهرا علیها السلام به جای علی علیه السلام درها را می کوبید و آنها را به یاری علی علیه السلام می خواند، گذشته از «پیمان عقبه» به این خاطر است که آنان کینه های بدر، احد، احزاب و... را از علی علیه السلام به دل دارند، ولی از او به دل ندارند.

چرا حضرت علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را سوار بر شتر می کرد؟

اگر علی علیه السلام او را سوار بر شتر می کرد - با این که خانه ها به یکدیگر نزدیک بود و مدینه هم وسعتی نداشت - شاید به سبب کسالت و رنجوری او از مصیبت های واردآمده بود؛ به گونه ای که ناگزیر می بایست سواره می رفت.

ص: ۱۲۰

۱- (۱). شرح ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۳؛ الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۲.

چرا حسنین علیها السلام را همراه خود می برد؟

به همراه بردن ایشان، نه برای برانگیختن ترحم مسلمانان، بلکه به خاطر زمینه هایی بود که حضرت رسول صلی الله علیه و اله با بیداری و آگاهی از پیش برای آن دو فراهم کرده بود تا شاید با حضور این دو و یادآوری آن زمینه ها مردم از خواب غفلت برخیزند؛ زیرا همه می دانستند که این دو در آیات مباهله، تطهیر و آیه وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مَشْرُوبًا كَيْفَ وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا ۱ وارد شده اند. پیامبر گذشته از احادیث ثقلین، سفینه، خلفای اثنا عشر و... درباره این دو بزرگوار می فرمود: «هذا ابنای وابنا ابنتی اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَحَبُّهُمَا وَ اَحَبُّ مِنْ يَحِبُّهُمَا»؛ (۱) «الحسن والحسين امامان قاما او قعدا»؛ (۲) «الحسن والحسين سيدا شباب اهل الجنة»؛ (۳) «انا سلم لمن سالمتم و حرب لمن حاربتهم» (۴) و «احب اهل بيتي اِلَيَّ الحسن و

ص: ۱۲۱

-
- ۱- (۲) . كثر العمّال، ج ۶، ص ۲۲۰؛ هيثمي، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۰.
 - ۲- (۳) . ارشاد مفید، ص ۲۲۰؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸.
 - ۳- (۴) . جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۵.
 - ۴- (۵) . سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۹۹؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۸.

الحسین». (۱) پیامبر شهادت آنها را در خردسالی پذیرفت (۲) و نیز در بیعت رضوان (شجره) با آن که هنوز خردسال بودند، با آنان بیعت کرد (۳) و هنگام نماز، آن قدر در سجده می ماند تا آنان خود از شانه های رسول صلی الله علیه و اله کنار می رفتند. (۴)

به هر حال، این ها و نیز دلایل دیگر سبب شد که زهرا علیها السلام دست حسن و حسین علیها السلام را بگیرد و همراه خود ببرد؛ اما گویا آنان چنان خود را به خواب زده و بلکه مرده بودند که مسیح هیچ، حتی دم خدایی فاطمه علیها السلام هم نمی توانست آنان را زنده کند! حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ... (۵)

۲. متن گفت و گوها

علاوه بر آیه تبلیغ و مباحله و احادیث ثقلین، سداالبواب و م نزلت - که در مباحث پیش آمد - متن برخی گفت و گوها چنین بود:

الف) بیعت عقبه

در عقبه دوم، انصار با رسول خدا صلی الله علیه و اله بیعت کردند، مبنی بر این که همان گونه که از جان، فرزندان و اهل بیت خود دفاع می کنند، از پیامبر و فرزندان او نیز دفاع کنند، همواره یاورو مطیعشان باشند، (۶) در امر خلافت با اهل بیت رسول صلی الله علیه و اله منازعه نکنند (۷) و... .

از این رو، حضرت فاطمه علیها السلام شب ها به در خانه مهاجر و انصار می رفت و می فرمود: «ای گروه مهاجر و انصار! خدا را یاری کنید و دختر پیامبرتان را یاوری نمایید. آن روز که با رسول خدا صلی الله علیه و اله بیعت کردید، بیعت شما چنین بود که همچنان که هر ناراحتی را از خود و فرزندانتان باز می دارید، از او و فرزندان او نیز باز دارید. اکنون به عهدی که با رسول خدا صلی الله علیه و اله بستید، وفا کنید.» (۸)

ص: ۱۲۲

-
- ۱- (۱). تهذیب تاریخ ابن عساکر، ج ۴، ص ۲۰۵.
 - ۲- (۲). جعفر مرتضی، زندگانی سیاسی امام حسن، ص ۵۶.
 - ۳- (۳). ارشاد مفید، ص ۲۱۹.
 - ۴- (۴). جعفر مرتضی، الحیاه السیاسیه للامام الحسن فی عهد الرسول و الخلفاء الثلاثه.
 - ۵- (۵). بقره، آیه ۷: «خدا بر دل های آنان و بر شنوایی شان مهر نهاد و بر دیدگان شان پرده ای است و عذاب بزرگی برای ایشان است».
 - ۶- (۶). الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۲۰۴.
 - ۷- (۷). همان.

ب) واقعه غدیر

غدیر، روز حیات اسلام و ادامه رسالت است؛ روز عصمت و حجیت خلافت عترت؛ روز راندن شیطان و روشن شدن حق؛ روز عهد، پیمان و گشایش؛ روز برهان، داوری، ارشاد و آزمون؛ و در نهایت، روز اوصیا و انبیا است. (۱)

در اهمیت این روز همین بس که همه ائمه علیهم السلام (۲) به آن احتجاج می کردند و حضرت زهرا علیها السلام نیز در ملاقات انصار و مهاجران می فرمود: «آیا سخن رسول خدا صلی الله علیه و اله را در غدیر فراموش کردید که فرمود: من کنت مولاه، فعلی مولا؟!» (۳) و در برابر عذر تراشی های رسوای آنان نیز می فرمود: «ای مردم! آیا پدرم پس از واقعه غدیر که علی علیه السلام را به امامت منصوب کرد، عذری برای کسی باقی گذاشت؟!» (۴)

ج) حدیث م نزلت

این روایت از احادیث متواتری است که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند. (۵) از همین رو، حضرت زهرا علیها السلام به آن احتجاج می فرمود: «انسیتم قول رسول الله... وقوله: انت منی بمنزله هارون من موسی». (۶)

زهرا علیها السلام گفت و گفت، ولی هیچ کس پاسخی به او نداد و یاری اش نکرد و برخی نیز بهانه آوردند که با ابوبکر بیعت کرده اند و اگر علی علیه السلام زودتر آمده بود، با او بیعت می کردند! گویا فراموش کرده بودند که هفتاد روز پیش در غدیر با

ص: ۱۲۳

۱- (۱). مصباح المتعجب، ص ۶۹۴.

۲- (۲). الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۶ - ۲۱۳؛ علامه شرف الدین، مراجعات، ص ۲۶۵ - ۲۷۴.

۳- (۳). المراجعات، ص ۱۹۷؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.

۴- (۴). شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۱۷۳.

۵- (۵). صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۸؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۴۲؛ صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۳۰.

۶- (۶). قاضی شوشتری، احقاق الحق، ج ۶، ص ۲۸۲.

علی علیه السلام بیعت کرده بودند. با این حال، علی علیه السلام به آنان می فرمود: «آیا من می توانستم پیکر رسول خدا صلی الله علیه و اله را در منزلش رها کرده و با مردم بر سر حکومت نزاع کنم؟!» زهرا علیها السلام هم می فرمود: «علی علیه السلام آن چه شایسته بود، انجام داد و آنان نیز کارهایی کردند که تنها خدا از آنان حساب خواهد کشید.» (۱)

۲- پاسداری

پس از آن که سران کودتا علی علیه السلام را به بیعت فراخواندند، او خودداری کرد (۲) و فرمود: «سبحان الله! چه زود به رسول خدا دروغ بستید! ابوبکر و اطرافیانش خوب می دانند که خدا و پیامبرش غیر از من کسی را به جانشینی برنگزیدند.» (۳)

ابوبکر به اشارت عمر (۴) فرمان هجوم به خانه زهرا علیها السلام را داد و به عمر گفت: با جماعتی به خانه زهرا علیها السلام برو. عمر که مدت ها در انتظار چنین روزی بود، بی درنگ با توده ای از آتش (۵) و جماعتی از منافقان به طرف خانه هجوم برد (۶) و فریاد زد: «به خدا قسم اگر برای بیعت بیرون نیاید، خانه را با اهلش به آتش خواهم کشید! زهرا علیها السلام تا صدا را شنید، با عجله به سمت در خانه رفته، آن را محکم بست (۷) و از همان جا (۸) به دفاع از علی برخاست. آن گاه گفت و گویی بین حضرت زهرا علیها السلام و عمر در گرفت که بازنده اش عمر و نشانه شکست او، سوختن در خانه زهرا علیها السلام و شکستن پهلویش

ص: ۱۲۴

- ۱- (۱). شرح بن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۳.
- ۲- (۲). تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۷.
- ۳- (۳). بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۲۷ و ۲۹۸.
- ۴- (۴). الامامه و السیاسیه، ج ۱، ص ۱۹.
- ۵- (۵). بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۳۴۸.
- ۶- (۶). تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۶.
- ۷- (۷). تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۶.
- ۸- (۸). بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۲۹۳.

بود. (۱) اینجا بود که حضرت فاطمه علیها السلام شکایت به پدر کرد و نزدیک بود احساسات مردم رای شعله ور سازد که تازیانه ای فرارفت و فرود آمد. (۲) علی تا حال زهرا علیها السلام رای چنین دید، چونان شیر غرید و ناگهان عمر، خود رای زیر پنجه های مرد خیبر و خندق دید و اگر علی علیه السلام مأمور به صبر و سکوت نبود، پاسخ این بی حرمتی و جسارت ها رای می داد. جماعتی به کمک عمر آمده، علی رای محاصره کردند و ریسمان به گردنش انداختند. این بود که فاطمه علیها السلام بی درنگ خود رای با همه جراحی که داشت، از جا کند و مانع بردن علی شد. (۳) ناگهان صفیر تازیانه ای سینه آسمان رای شکافت و باز هم به اندام شقایق، خطی از خون کشید. (۴) زهرا علیها السلام از پا افتاد و مшти رجاله، علی علیه السلام رای به زور به مسجد بردند و او رای تهدید کردند که اگر بیعت نکنی، کشته می شوی. در این هنگام، زهرا علیها السلام برای لحظه ای به هوش آمد، بی درنگ به سمت مسجد شتافت و ناگهان تمام نگاه ها به در دوخته شد. زهرا علیها السلام آمد و چه به موقع با پیراهن رسول صلی الله علیه و اله بر سر و دست حسنین علیها السلام در دست ... (۵) آن گاه پیامبرگونه فرمود: «پسر عمویم رای رها کنید! قسم به خدایی که محمد رای به حق فرستاد، اگر دست از وی برندارید، سر خود رای برهنه کرده، پیراهن رسول خدا رای بر سر افکنده، در برابر خدا فریاد برخواهم آورد و همه تان رای نفرین می کنم! به خدا نه من از شتر صالح کم ارج ترم و نه کودکانم از بچه او کم قدرترا!» (۶)

آن گاه دست حسن و حسین علیها السلام رای گرفته، به طرف قبر رسول صلی الله علیه و اله رفت تا

ص: ۱۲۵

۱- (۱). فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۴ و ۳۵.

۲- (۲). مقاتل بن عطیه، الامامه و الخلافه، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۳- (۳). الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴- (۴). صلاح الدین صفری، الوافی بالوفیات، ج ۳، ص ۳۴۴.

۵- (۵). کافی، ج ۸ (روضه)، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

۶- (۶). همان، ص ۲۳۸، اختصاص، ص ۱۸۵.

این قوم پیمان شکن رای نفرین کند. علی علیه السلام به سلمان گفت: «فاطمه رای دریاب! گویی دو طرف مدینه رای می نگرم که به لرزه درآمده است.» سلمان سراسیمه خود رای به زهرا علیها السلام رساند و تقاضا کرد که نفرین نکند. (۱) زهرا فرمود: «سلمان! چه جیء صبر است؟! الآن است که علی رای بکشند! مرا رها کن تا کنار قبر پدرم روم، سر برهنه کرده، گریبان چاک دهم و به درگاه خدا نفرین کنم.» (۲)

دل شوره ای همه رای گرفت. نزدیک بود که جرعه ای احساسات متراکم رای به انقلابی بکشاند. ناگهان یکی فریاد زد: «ای ابوبکر! چه قصد داری؟ آیا می خواهی عذاب نازل شود؟!» (۳)

ابوبکر زود دریافت که شرایط خطرناک است. این بود که به سرعت از در سازش درآمد و به طور موقت از علی علیه السلام درگذشت و او رای رها کرد. مرد خیبر ریسمان رای از گردن خود درآورد و نگاهی پرمعنا به آن جماعت انداخت. آن گاه به سوی پاسدار و لایت، زهرا اطهر علیها السلام رفت. زهرا علیها السلام نگاهش رای به او دوخت و گفت: «علی جان ای امام! جانم فدایت و سپر بلایت! ای ابالحسن! همواره با توام، چه در خوشی ها و چه در سختی ها.» (۴) آن گاه دست علی علیه السلام رای گرفت و او رای آرام به خانه برد. (۵)

۳- افشاگری در مسجد مدینه (خطبه فدکیه)

فدک در این خطبه بهانه ای بیش نیست. همین است که در سراسر خطبه نامی از

ص: ۱۲۶

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۰۶ - ۲۰۷؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲- (۲). الاحتجاج، ص ۲۲۸ و تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۶۷.

۳- (۳). الکافی، ج ۸ (روضه)، ص ۲۳۸.

۴- (۴). حایری مازندرانی، الکوکب الدرری، ص ۱۹۶.

۵- (۵). الکافی، ج ۸ (روضه)، ص ۲۳۸؛ بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۵۲.

آن نیست و تمامی اش در محکومیت و رسوایی خلفا، عظمت و رنج های رسول صلی الله علیه و اله ، و صایت و فضایل علی علیه السلام ، تکریم و تحریک انصار و آگاهی و هشدار مردم است . بحث زهرا علیها السلام بحث زمین نبود؛ بحث اصلی با توجه به پاسخ موسی بن جعفر علیه السلام به مهدی عباسی ، خلافت و و صایت رسول بود. (۱)

زهرا علیها السلام به بهانه غصب فدک ، آن چنان مهیج، کوبنده ، مستدل و مبرهان سخن گفت که خلیفه رای رسوا، مردم رای هوشیار و انصار رای تحریک کرد. با ناله ها و یاد رسول صلی الله علیه و اله از دیده ها اشک گرفت و و لوله ای در گرفت . جماعتی دست به قبضه ها بردند و خلیفه بردبار و حلیم و ادار شد که همچون فرعون در برابر موسی هوچی گری کند و هراسان و پریشان زبان به دشنام گشاید (۲) و از بیم قیام مردم به تهدید و تطمیع روی آورد و سرانجام به ننگ این رسوایی تن دهد.

اینجا دیگر پایان کار زهرا علیها السلام بود و شروع کار مردم که می توانستند با این اتمام حجت ها و براهین آشکار به پا خیزند، دست بر اسلحه برند و اقدامی کنند و یا به زمین چسبند: ...إِنَّا قَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ... ۳ و به جیء شهمت اقدام ، به اشک ریختن و افسوس خوردن قناعت کنند و ذلت ابدی رای بر خود بخرند. آنان بد انتخابی کردند که هنوز مجازات سنگینش رای می کشند و غرامتش رای می پردازند.

۴- بایکوت

یکی دیگر از اقدامات حضرت زهرا علیها السلام برای رسوا کردن باند نفاق و اتمام حجت با مردم ، همان سکوت اوست . زهرا علیها السلام تصمیم گرفت که دیگر با ابوبکر و

ص: ۱۲۷

۱- (۱) . الکافی ، ج ۱، ص ۵۴۳.

۲- (۲) . شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۴ و ۲۱۵.

عمر سخن نگوید و تا پایان حیاتش هم بر سر تصمیم خود ماند. او به ابوبکر - درحالی که حقش رای غضب کرده بود - فرمود: «به خدا سوگند تو رای نفرین می کنم! و به خدا سوگند تا زنده ام با تو کلمه ای سخن نخواهم گفت!» (۱) نیز هنگامی که عمر به خانه اش حمله برده و آنجا رای به آتش کشیده بود، به او فرمود: «به خدا سوگند تا زنده ام با عمر سخن نخواهم گفت!» (۲) گاهی بلندترین فریادها رای از دهان سکوت باید شنید.

۵- هشدار (سخنانی در هنگام بیماری خطاب به زنان انصار)

مقصود، اندازهای بلند زهرا علیها السلام و فریادهای جان سوز و انسان ساز او در آخرین روزهای عمر بر بستر بیماری است. زهرا علیها السلام در سینه اش جز خشیت خدا و بر لبانش جز حمایت و لی چیزی نیست و تمامی هستی خود رای یک جا با خدا معامله می کند و رسالت خود رای همین می داند؛ آن هم بی هیچ مزدی: ... لا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لا شُكُورًا. (۳) باید دفاع از ولایت را از زهرا علیها السلام آموخت؛ در بستر بیماری، آن گاه که درد تازیانه طاقتش را برده و آخرین ساعات عمر خود را می گذرانید، زنانی چند از مهاجران و انصار به عیادتش می آیند و از او یک سؤال، تنها یک سؤال می پرسند: حالتان چطور است؟

زهرا علیها السلام این زنده دل بیدار و آموزگار ظرافت، آن چنان می شورد، به غیرت های مرده آنان می تازد، آگاهی می بخشد، اشک می گیرد، به آنها از فقدان ولایت و

ص: ۱۲۸

۱- (۱). کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۷؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۴.

۲- (۲). شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳- (۳). انسان، آیه ۹: «ما شما را فقط به خاطر ذات خدا غذا می دهیم، هیچ پاداش و سپاس گزاری ای از شما نمی خواهیم.»

ضایع کردن حق علی علیه السلام هشدار می دهد و چنان زنان را تحریک می کند که از جا برمی خیزند، سراسیمه به خانه های خود می روند، از همسران خود کمک می خواهند و آنان را به احقاق حق ولایت ترغیب می کنند؛ تا آن جا که مردان در اطراف خانه زهرا گرد آمده و اجتماع می کنند؛ اما کسانی آنان را به یاد بیعتشان می اندازند. آن گاه نزد زهرا می آیند و عذر تقصیر می آورند که: «اگر علی هم زودتر آمده بود، با او بیعت می کردیم.» و زهرا علیها السلام وقتی که عذرهای واهی را شنید، سخت برآشفته و فرمود: «پی کارتان بروید! دیگر پس از این گونه عذرتراشی های دروغین، عذری پذیرفته نمی شود.» (۱)

۶- احیای خاطرات

اقدام دیگر زهرا علیها السلام زنده نگه داشتن خاطرات رسول صلی الله علیه و اله بود. او می خواست که با احیا و یادآوری آن دوران، در کالبد فسرده آنان بدمد و دریچه ای به سوی روشنایی گشاید و با طرح سؤالی در اذهان و یادآوری دوران پیامبر ابرهای سیاه را از اطراف خورشید ولایت کنار زند. شاید همتی ساحت رفعت خورشید را لبیک گوید.

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و اله از دنیا رفت و وصی او را کنار نهادند، بلال به عنوان اعتراض، دیگر اذان نگفت و هر چه به سراغش می آمدند، امتناع می کرد و عذر و بهانه می آورد. (۲) او در ادامه اعتراض خود به شام تبعید شد. (۳) با ورود او به مدینه زهرا علیها السلام از او خواست که اذان بگوید و فرمود: «بسیار مشتاقم که صدای مؤذن

ص: ۱۲۹

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۹.

۲- (۲). شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۴ و ۱۹۴.

۳- (۳). شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

پدرم را بشنوم». بلال بر بام مسجد رفت و آوای گرمش در مدینه پیچید: الله اکبر!... همه دست از کار کشیدند و مدینه به یکباره تعطیل شد. همه به طنین بلال گوش می دادند و ناگاه به یاد ایام رسول صلی الله علیه و اله افتادند. فریادهای گریه در مدینه پیچید. همه از یکدیگر می پرسیدند: «چرا بلال اذان نمی گفت؟ چه شده است که به درخواست زهرا علیها السلام اذان می گوید؟ چرا زهرا علیها السلام گریه می کند؟» سپس سرها را به زیر می انداختند و از خود و بیعتشان با خلیفه وقت شرمشان می آمد.

در فضای مدینه پیچید: «اشهد ان محمداً رسول الله... زهرا دیگر طاقت نیاورد، فریاد زد و از حال رفت. مردم فریاد برآوردند: «بلال بس کن! دختر رسول الله صلی الله علیه و اله را کشتی!»

بلال اذان را ناتمام رها کرد و خود را بر بالین زهرا علیها السلام رساند. وقتی ایشان را به هوش آوردند، درخواست اتمام اذان کرد. بلال گفت: «از این در گذرید که بر جان شما نگرانم!» زهرا علیها السلام با اصرار بلال، التماس و گریه های مردم، از خواسته خود در گذشت. (۱) یک بار دیگر نزدیک بود که کار تمام شود و غیرت ها بیدار شود؛ اما افسوس، این ها هیچ کدام عذر و توجهی برای سستی و ننگ ابدی شان نیست.

۷- سرشک انقلابی

زهرا علیها السلام در فقدان علی علیه السلام محرومیت و رنج همه انسان ها را تا قیامت می دید و همین بود که شب و روز اشک می ریخت و بی تاب می کرد. او به خاطر ستم بزرگی که بر همه انسان ها تا قیامت رفته بود، به اندازه همه آنان می گریست تا آن که سرآمد همه گریه کنندگان تاریخ شد و «رأس البکائین» نام گرفت. (۲)

ص: ۱۳۰

۱- (۱). اسدالغابه، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲- (۲). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷.

آن قدر گریست که آرامش را از اهل مدینه برده بود؛ آن چنان که تنها جبرئیل می توانست او را در فقدان نبی و ظلم بر وصی تسلی دهد. (۱) او در پاسخ ام سلمه که پرسید: «کیف اصبحت؟» (چگونه صبح کردید؟) فرمود: «اصبحت بین کمد و کرب: فقد النبی وظلم الوصی»؛ (۲) صبح کردم درحالی که در میان غم و غصه فقدان پیامبر و ستم به جانشین وی بودم.

نیز به زنان مهاجر و انصار می فرمود: «به جان خودم قسم! برای فرزندی که از این نطفه فتنه به دنیا می آید، باید به جای شیر، خون از پستان روزگار بدوشید و قدح ها از خون تازه و زهر کشنده پر کنید! مطمئن باشید که بلاها و فتنه ها بر شما خواهد بارید. بشارت باد به شمشیرهای بران و قدرت های جتّار و متجاوز! هرج و مرج کامل بر جامعه سایه اندازد و استبداد و خودسری بر مردم حکومت کند.

مال هایتان را به غارت برند و کشته هایتان را به ستم بدَرَوَند.»

رنج زهرا علیها السلام محرومیت انسان تا همیشه تاریخ است. او به راحتی می دید که ادامه سقیفه نینواست. او واقعه حرة را می دید. او صفین، جمل، خلافت معاویه، خلافت عباسی و عثمانی و... را می دید و محرومیت امروز ما را نیز شاهد بود. در حجم نگاه او انسان امروز نیز جا داشت. او حق داشت که این گونه بگرید و ناله کند. آنجا که فریادهایش کارساز نیست، شاید اشک هایش بر دل های سنگ این جماعت مفلوک نفوذ کند و این سؤال را در اذهان مرده شان شکل دهد که به راستی چرا زهرا علیها السلام محبوبه خدا و دخت رسول صلی الله علیه و اله این گونه ضجّه می زند و اشک می ریزد؟ شاید غیرتی بیدار شود و ساحت رفیع خورشید ولایت را لیبیک گوید و چهل یاور بر او گرد آیند؛ اما باز هم افسوس و صد افسوس در حسرت غیرت... .

ص: ۱۳۱

۱- (۱). همان، ص ۳۵.

۲- (۲). همان، ص ۱۵۶.

زهرای علیها السلام پس از پدر آن قدر گریست که آرامش اهل مدینه را برده بود. همسایگان به علی علیه السلام عرضه داشتند: «سلام ما را به فاطمه برسان و بگو یا شب گریه کن و روز آرام بگیر، یا روزها گریه کن و شب استراحت کن.» فاطمه علیها السلام در جوابشان گفت: «عمر من به آخر رسیده و دیگر در میان شما چندان توقفی نخواهم داشت.» از آن پس، روزها دست حسنین علیها السلام را گرفته، بر سر قبر رسول صلی الله علیه و اله می رفت و می گریست و به آنها می گفت: «عزیزانم! این قبر جد شماست؛ همو که شما را بر دوش خویش می نهاد و بسیار دوستان می داشت.» آن گاه عازم بقیع می شد و بر سر قبر شهدا به یاد سربازان فداکار صدر اسلام اشک می ریخت. علی علیه السلام نیز برای آسایش زهرای علیها السلام سایبانی در بقیع بنا کرد. (۱)

بقیع در کناره راه کاروان هاست. وقتی در بقیع سایبانی را می دیدند و ناله هایی را می شنیدند، با کنجکاوئی نزدیک شده، جویای احوال می شدند و وقتی می شنیدند که ناله زهرای علیها السلام یگانه دخت پیامبر است، در شگفت می ماندند و برای دلجویی نزدیک تر می شدند. در این هنگام زهرای علیها السلام فرصت را مغتنم شمرده، از ظلم بر وصی می گفت. او می خواست اکنون که مدینه را در محاصره قرار داده و به بهانه بروز فتنه، مانع خروج صحابه شده اند، این گونه فریاد مظلومیت علی علیه السلام را به اطراف برساند. اگر در مدینه برای علی علیه السلام یآوری نیست، شاید بتوان از بیرون حامیانی گرد آورد.

«محمود بن لبید» می گوید: فاطمه علیها السلام پس از وفات پدرش می آمد و بر سر قبر حمزه گریه می کرد. در یکی از روزها گذرم بر شهدای احد افتاد. فاطمه علیها السلام را

ص: ۱۳۲

دیدم که به شدت بر سر قبر حمزه می گریست. صبر کردم تا آرام شد. رفتم و سلام کردم و عرضه داشتم: «ای بانوی من! بسیار علاقه مندم که سؤالی از شما بپرسم.» فرمود: «پرس.» گفتم: «آیا رسول الله صلی الله علیه و اله در زمان حیاتش به امامت علی علیه السلام تصریح کرد؟» فرمود: «واعجباً! آیا حماسه غدیر را از یاد بردید؟!» گفتم: «غدیرخم را می دانم، ولی می خواهم بدانم که رسول خدا صلی الله علیه و اله به شما در این باره چه گفت؟» فرمود: «خدا را گواه می گیرم که پیامبر به من فرمود: پس از من علی خلیفه و امام است و دو فرزندم حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین امامند. اگر از آنها پیروی کنید، هدایت می شوید و اگر مخالفت کنید، تا قیامت در میان شما اختلاف خواهد بود.» (۱)

۹- اعتراف

زهرای علیها السلام در ادامه افشاگری دست به اقدام ماهرانه دیگری می زند که برای خلفا رسوایی و برای مردم حجتی دیگر را همراه دارد. او در ادامه سیاست مبارزه منفی خویش هیچ سخنی با ابوبکر و عمر نمی گفت. این سیاست رفته رفته در اذهان جا باز کرد؛ به گونه ای که مردم از یکدیگر می پرسیدند: «چرا زهرای علیها السلام با این دو سخن نمی گوید؟» و این بر خلفا گران می آمد؛ به همین سبب برای جلوگیری از رسوایی بیشتر درصدد برآمدند که این حربه را از زهرای علیها السلام بگیرند.

این بود که چندین بار خواستند به عیادت زهرای علیها السلام بیایند، اما هر بار جواب منفی بود. ناچار علی علیه السلام را واسطه قرار دادند و او که برای حفظ اساس دین و جان خود (۲) سیاست تقیه را در پیش گرفته بود، پذیرفت. زهرای علیها السلام تسلیم علی است

ص: ۱۳۳

۱- (۱). شیخ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲- (۲). شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۰۷ و ۳۰۷؛ عقدالفرد، ج ۳، ص ۱۷۵.

که امام اوست. ایشان در حالی که خانه از صحابه رسول صلی الله علیه و اله ، بنی هاشم و زنان مهاجر پر است، به آن دو اجازه ورود می دهد. زهرا علیها السلام ملحفه ای بر رو کشیده، رو به دیوار کرده و حتی جواب سلامشان را هم نمی دهد. (۱) آنان می خواهند دل جویی کنند، اما زهرا علیها السلام می گوید: «تا جواب سؤالم را ندهید، کلامی نخواهم گفت!» می گویند: «پرس ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و اله » زهرا می پرسد: «آیا شما دو نفر شنیدید که پدرم رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمود: فاطمه پاره تن من است؛ هر کس او را بیازارد، مرا آزرده و هر که مرا اذیت کند، خدا را آزرده است؟»

آن دو گفتند: «چه کسی است که نشنیده باشد! بله، ما هم بارها از پدرت رسول خدا صلی الله علیه و اله این را شنیده ایم.» حضرت پس از این اعتراف، دستان خود را به آسمان برداشت؛ آن گاه بلند و قاطع، آن گونه که همه بشنوند، گفت: «خدایا! شاهد باش که اینان مرا اذیت کردند و شکایتشان را به تو و رسالت خواهم نمود. نه! هرگز از شما راضی نخواهم شد، تا پدرم را ملاقات کنم و از رفتار زشت شما برایش بگویم تا بین ما قضاوت کند.» (۲) همچنین افزود: «من در هر نماز که بخوانم، شما را نفرین می کنم!» (۳) و این پایان مجلس بود و شروع رسوایی بزرگ تر. آن دو سرافکننده و خجل از منزل بیرون رفتند. صحابه و زنان نیز از خانه خارج شدند و در شهر ولوله افتاد. هر کس را می دیدی، از اعتراف آن دو و نفرین زهرا علیها السلام سخن می گفت.

۱۰- سفارش های کوبنده

زهرا علیها السلام از هر فرصتی بهره می جست تا بتواند سؤالی در اذهان مردم ایجاد

ص: ۱۳۴

۱- (۱) . محمد الحسون و ام علی مشکور، اعلام النساء، ج ۴، ص ۱۲۳.

۲- (۲) . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۷؛ علل الشرایع، باب ۱۴۸، ص ۱۸۷.

۳- (۳) . الامامه و السياسه، ص ۱۴.

کند و سندی بر مظلومیت علی علیه السلام و رسوایی خلفا باقی گذارد. او در این فکر بود که شاید این جماعت مرده حرکتی کنند و بیش از این تن به حقارت و ذلت ندهند و با دست خویش آتش دوزخ خود را فراهم ن سازند.

و اگر هم به پا نخواستند، دست کم به عنوان گواه و حجتی روشن در تاریخ ثبت و ضبط خواهد شد تا آیندگان آزاداندیش و طالبان حقیقت بتوانند «اسلام ولایت» را از «اسلام خلافت» تمیز دهند.

او می خواست همان طور که حیاتش دشمن سوز و بیداری بخش بود، مرگش نیز این گونه باشد. از این رو وصیت کرد: «علی جان! مرا شبانه غسل بده، کفنم کن، به خاک بسپار و اجازه نده آنان که بر من ستم کردند و آزارم دادند، در تشییع جنازه ام حاضر شوند و بر من نماز گزارند؛ زیرا آنان دشمنان خدا و رسولند.» (۱)

از علی علیه السلام پرسیدند: «چرا زهرا علیها السلام را شبانه دفن کردی؟» گفت: «به خاطر بیزاری و غضب زهرا بر آن جماعت.» (۲)

۱۱- چراغی در تاریکی

به راستی قبر زهرا علیها السلام این ادامه رسول و کوثر خدا کجاست؟ چه کسی می داند؟ پنهانی قبر زهرا علیه السلام نشان مظلومیت و غربت ولایت است و دلیلی واضح که شیعه می تواند به استناد آن خود را پیرو راستین سنت رسول خدا نشان دهد.

امروز شیعه می تواند از اهل سنت بپرسد که چرا زهرا وصیت کرد قبرش پنهان بماند. (۳) آری، او نمی خواست دشمنانش بر سر مزارش اقامه عزا و عوام فریبی

ص: ۱۳۵

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۹، ۱۸۲ و ۱۸۳؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۶۸.

۲- (۲). امالی صدوق، ص ۵۲۳؛ علل الشرایع، ص ۱۸۵.

۳- (۳). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲، مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۶۳.

کنند. آن قدر این نکته بر خلفا سنگین بود و از عواقبش بیم داشتند که تصمیم به نبش قبر گرفتند تا بر پیکر مطهر نماز بخوانند؛ (۱) اما از هیبت (۲) و تهدید علی علیه السلام ترسیدند (۳) و از بیم فتنه (۴) بزرگ تر عقب نشینی کردند.

زهرای علیها السلام عقیده داشت که با طرح سؤال در اذهان مردم، آنان را به فکر وادارد تا خود به دنبال پاسخ برآیند. همین است که می بینیم برخی بعضی دیگر را ملامت می کردند که: دردانه پیامبر از دنیا رفت و به هیچ یک از آنها اجازه حضور در دفن و نماز نداد و قبرش را نیز پنهان کرد! (۵) او می اندیشید چه بسا با غوغایی که به سبب شهادتش در مدینه پدید می آید، (۶) با این اقدام بی سابقه و آگاهانه، مردم را ضد خلفا به حرکتی وادارد یا دست کم سندی همیشگی بر محکومیت خلفا از خود به یادگار بگذارد؛ از این رو، حتی امامان بعدی نیز قبر او را آشکار نساختند. اگر آن روز ندایش را لیبیک گفته بودند، جمل، صفین، نهروان، کربلا، حرّه و... رخ نمی داد.

۱۲- تسلا بخشی

زهرای علیها السلام انیس علی علیه السلام است. تسلی و آرامش او است. اگر به خانه می رفت و زهرای علیها السلام را نمی یافت، دل تنگ و بی قرار می شد. (۷) می فرمود: «نگاه به زهرای علیها السلام غم هایم را از یادم می برد.» (۸) به علی خبر دادند: زهرای علیها السلام از دنیا رفت. علی علیه السلام

ص: ۱۳۶

۱- (۱) . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۹.

۲- (۲) . سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳- (۳) . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۹.

۴- (۴) . همان، ص ۲۰۶.

۵- (۵) . همان، ص ۱۷۱.

۶- (۶) . همان، ص ۱۹۹.

۷- (۷) . همان، ص ۲۰۱.

۸- (۸) . همان، ص ۱۴۳.

شنید و از پا افتاد... (۱) گویی این مجاهد پا در رکاب، این شجاع میدان احزاب و فاتح خیبر جان باخت. یکی بانگ برآورد: آبی بیاورید! علی تا به هوش آمد، بر صورت خود زد و درحالی که زیر شانه هایش را گرفته بودند، اشک می ریخت و می گفت: «ای دختر رسول خدا! تو تسلی بخش من بودی؛ حال دیگر از که تسلیت جویم؟!» (۲)

علی علیه السلام حق داشت که این گونه بسوزد؛ زیرا تکیه گاه دیگری را از دست داده بود. (۳) زهرا علیها السلام رنج هایش را جرعه جرعه می نوشید و در سینه می ریخت تا دل علی علیه السلام بیش از این به درد نیاید.

اگر می شنوید زهرا علیها السلام در خانه هم از علی علیه السلام رو می گرفت، تعجب نکنید؛ زیرا او نمی خواست علی علیه السلام صورت نیلی اش را ببیند. آن علی علیه السلام که در سقیفه از اوج دست رسول در غدیر به پایین کشیده شد، به اندازه کافی خودش درد دارد؛ باید آن دردها را درمانی باشد و آن زخم ها را مرهمی و زهرا علیها السلام با همه غم هایش تسلی علی علیه السلام بود.

فاطمه علیها السلام می فرماید: «در هنگام غسل، لباس از بدنم بیرون بیاورید (۴) و بازویم را برهنه نکنید.» (۵) حتی وصیت می کند که او را شبانه غسل دهند و کفن کنند، (۶) نکند علی علیه السلام جای ضربه ها و جراحات (۷) را ببیند و عنان از کف بدهد. آه خدایا!

ص: ۱۳۷

- ۱- (۱) . همان، ص ۲۱۴.
- ۲- (۲) . همان، ص ۱۸۷.
- ۳- (۳) . همان، ص ۱۷۳.
- ۴- (۴) . همان، ص ۱۷۲، ۱۸۷ و ۱۸۸.
- ۵- (۵) . ابن سعد، الطبقات، ج ۸، ص ۲۷.
- ۶- (۶) . بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۴.
- ۷- (۷) . همان، ص ۱۹۸.

این چه دلی است که نمی خواهد حتی داغ های علی تازه شود.

تنها یکی از این همه اقدامات روشن زهرا علیها السلام و فریادهای روشنگرانه او برای هدایت مردم و به پاخاستن و حمایت آنان از علی علیه السلام کافی بود. سلام و درود خدا و فرشتگان بر بانویی که این گونه یاور و حامی ولی زمانه خویش بود و در راه حمایت از مقام ولایت به شهادت رسید.

فرجام

در این واحد آموزشی، اقدامات حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت بررسی شد که تنها یکی از این همه اقدام روشن برای راهنمایی مردم و قیام در برابر منحرفان کافی بود. این گام ها به شکل های مختلف و با ظرافت مثال زدنی، سیاست بازان حرفه ای را دور زد و آنان را دچار بهت و سرگشتگی نمود. قدم های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام گاهی حرکت و گفتار بود، مانند استنصار و پاسداری؛ و گاهی تنها گفتاری، مانند افشاگری و هشدار به زنان عیادت کننده؛ گاهی هنری بود، مانند احیای خاطرات با اذان بلال؛ گاهی با بیرون آوردن حقایق از دهان دشمن، مانند اعتراف آنها؛ گاهی با گذاشتن علایم و نشانه های بعد از خود، مانند وصیت، سفارش های کوبنده و پنهان ماندن قبر؛ یعنی چراغی در تاریکی. و در نهایت، وجود و حضورش مایه آرامش و تسلای خاطر علی علیه السلام بود.

ص: ۱۳۸

۱. چرا فاطمه علیها السلام بعد از ماجرای سقیفه، شب‌ها به در خانه مهاجران و انصار می‌رفت؟

الف) استنصار ب) احیای خاطرات

ج) افشاگری د) پاسداری

۲. حضرت علی علیه السلام به چه کسی سفارش کرد که جلو نفرین حضرت فاطمه علیها السلام را بگیرد؟

الف) عمار ب) سلمان

ج) بلال د) ابوذر

۳. واکنش مردم در برابر سخنرانی افشاگرانه حضرت فاطمه علیها السلام در مسجد النبی صلی الله علیه و اله چه بود؟

الف) شورش ضد خلیفه ب) حمایت از خلیفه

ج) اشک همگانی د) سکوت

۴. این عبارت: «گاهی بلندترین فریاد را از دهان سکوت باید شنید» با کدام گزینه هماهنگ تر است؟

الف) بایکوت ب) حمایت از خلیفه

ج) پایگاه بیداری د) چراغی در تاریکی

۵. خطبه هشداردهنده حضرت زهرا علیها السلام در بستر بیماری خطاب به چه کسانی بود؟

الف) منافقان ب) زنان مهاجر و انصار

ج) مردان و زنان مهاجر و انصار د) یهودیان

۶. به چه دلیل ، بلال پس از رحلت پیامبر دیگر اذان نمی گفت ؟

الف) اعتراض به ماجرای سقیفه

ب) بیماری

ج) درخواست حضرت علی علیه السلام

د) درخواست حضرت فاطمه علیها السلام

۷. فاطمه علیها السلام در پاسخ چه کسی گفت : « پدرم رای از دست دآدم و خلافت شوهرم غصب شد و ... »؟

الف) عایشه ب) ام سلمه

ج) فضه د) اسماء

۸. بیت الاحزان در کجا واقع شده است ؟

الف) کنار مسجد النبی صلی الله علیه و اله ب) قبرستان ابوطالب

ج) مسجد مباحله د) قبرستان بقیع

۹. و اکنش حضرت زهرا علیها السلام در برابر عیادت شیخین چه بود؟

الف) گرفتن اعتراف ب) افشاگری

ج) بی اعتنایی د) سپاس گزاری

۱۰. پاسخ حضرت علی علیه السلام به این پرسش که « چرا فاطمه رای شبانه دفن کردی » چه بود؟

الف) استحباب تعجیل در دفن مردگان

ب) بیزاری و غضب زهرا به آن جماعت

ج) در امان ماندن از آزار منافقان

د) همه موارد

۱۱. کدام گزینه دلیل پنهان ماندن قبر فاطمه زهرا علیها السلام نیست؟

الف) چراغی در تاریکی

ب) عدم اقامه عزا از سوی خلفا بر سر مزارش

ج) طرح سؤال در ذهن مردم

د) در امان ماندن از نبش قبر خوارج

۱۲. چرا علی علیه السلام با شنیدن خبر رحلت حضرت زهرا علیها السلام از حال رفت؟

الف) علی علیه السلام بسیار عاطفی بود.

ب) زهرا علیها السلام تنها مدافع علی بود.

ج) زهرا علیها السلام تسلا بخش علی بود.

د) ب و ج درست است.

ص: ۱۴۱

درآمد

در تحلیل حوادث ناگوار بعد از رحلت پیامبر ابتدا اقدامات ایشان در جلوگیری از این حوادث و اتمام حجت های کامل وی رای برشمردیم که روشن شد حضرت رسول صلی الله علیه و اله درباره تعیین جانشین از هیچ چیزی کم نگذاشتند. آن گاه به تحلیل اوضاع و شرایط مدینه پرداخته شد و علل تغییر در رفتارهای مردم و اصحاب بررسی گردید. در واحد آموزشی اخیر نیز گام های ماهرانه حضرت زهرا علیها السلام در روشنگری مردم و هدایت آنان به مسیر واقعی و پیش گیری از انحراف مورد بحث قرار گرفت .

اینک از زاویه ای دیگر به مسئله نگریسته می شود. این بار حوادث این دوران از نگاه علی علیه السلام و موضع گیری های حکیمانه ایشان به بحث و بررسی گذاشته می شود.

پیش آزمون

با مطالعه این واحد آموزشی می توان به پرسش های زیر پاسخ داد:

۱. چرا حضرت علی علیه السلام از حق و لایت خود گذشت و سکوت اختیار کرد؟

ص: ۱۴۳

۲. چگونه علی علیه السلام با توجه به از بین رفتن مخالفان خلفا از ترور منافقان جان سالم به در برد؟

۳. آیا حضرت علی علیه السلام با هیچ یک از خلفا مخالفت علنی نداشت؟ چرا؟

۴. همکاری امام علی علیه السلام با مخالفان خلفا چگونه بود؟

۵. آیا از اقدامات علی علیه السلام در پاک سازی جنبش از منافقان، تربیت نیرو و ایجاد منابع اقتصادی اطلاعی دارید؟

۶. واکنش حضرت علی علیه السلام در برابر هجوم مردم پس از کشته شدن عثمان چه بود؟

اقدام های علی علیه السلام در برابر خلفا

اشاره

بررسی اقدامات حضرت علی علیه السلام در برابر خلفا و پس از آنها در بردارنده نکاتی ارزنده و چراغی است برای آنان که خواهان همراهی با حجت های خدایند، که لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ در مورد حضرت علی علیه السلام نیز صادق است؛ زیرا پیامبر فرمود: «انا وعلی ابوا هذه الامه». اینک به بیان اقدام های حضرت علی علیه السلام می پردازیم.

۱- حفظ مکتب و وحدت مسلمانان

الف) جمع آوری قرآن

حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای مردم! از هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و اله رحلت فرمود، همین که از غسل وی فارغ شدم، پیوسته به فکر جمع آوری قرآن بودم تا این که آن را به این شکل منسجم در آوردم...» (۱)

و این کار، درست موقعی است که حق علی علیه السلام غصب شده است؛ پس باید

ص: ۱۴۴

۱- (۱). قال علی علیه السلام: «یا ایها الناس انی لم ازل منذ قبض رسول الله صلی الله علیه و اله مشغولاً بغسله ثم بالقرآن حتی جمعته کله فی هذا الثوب الواحد...»؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۱۷۹.

به حفظ اساس دین و قانون و دستورالعمل ابدی شریعت - یعنی قرآن - بپردازد و یادآور حدیث ثقلین و به ویژه ثقل فراموش شده آن باشد.

(ب) کناره گیری از حق خود و سکوت

حضرت علی علیه السلام به خاطر حفظ رسالت از حق ولایت گذشت؛ زیرا دوا بر قدرت ایران و روم مترصد بودند که در صورت بروز اختلاف بین مسلمانان رسالت را از میان ببرند. شواهدی در این مورد وجود دارد که به آنها اشاره می شود:

شاهد یکم. حضرت می فرماید: «وایم الله لولا مخافه الفرقه بین المسلمین و ان يعود الکفر و یبور الدین لکننا علی غیر ما کننا لهم علیه»؛ (۱) قسم به خدا! اگر نمی ترسیدم که شکاف عمیق میان مسلمانان ایجاد شود، به کفر باز گردند و دین ضایع شود، غیر از این عمل می کردم.

شاهد دوم. باز در جایی دیگر می فرماید: «لقد علمتم انی احق الناس بها من غیرى و والله لاسلمن ما سلمت امور المسلمین ولم یکن فیها جور الا علی خاصه...»؛ (۲) به راستی دانستید که من سزاوارترین مردم به جانشینی پیامبر بودم و به خدا قسم، مادام که امور مسلمانان به طور درست جریان داشته باشد و ستمی جز بر من به تنهایی نباشد، حکومت را واگذار می کنم!

شاهد سوم. در سخنی دیگر تصریح می فرماید: «بایع الناس ابابکر وانا والله اولی بالامر و احق به فسمعت و اطعت مخافه ان یرجع الناس کفاراً یضرب بعضهم رقاب بعض بالسیف ثم بایع ابوبکر لعمر وانا والله اولی بالامر و احق بالامر منه

ص: ۱۴۵

۱- (۱). همان، ج ۱، ص ۳۰۷، شیخ مفید، جمل، ص ۴۳۷.

۲- (۲). صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۷۴.

فسمعت واطعت مخافه ان يرجع الناس كفاراً؛ (۱)

مردم با ابوبکر بیعت کردند و به خدا قسم من به این امر شایسته تر و سزاوارتر بودم؛ پس شنیدم و اطاعت کردم، به خاطر این که مبادا مردم دوباره کافر شوند و بین آنها کشتار اتفاق بیفتد. آن گاه ابوبکر با عمر بیعت کرد، درحالی که من به این امر به خدا قسم شایسته تر بودم؛ پس شنیدم و اطاعت کردم تا مبادا مردم دوباره کافر شوند.

شاهد چهارم. ایشان در مجالی دیگر می فرماید: «خیرونی ان یظلمونی حقی و ابایعهم او ارتدت الناس حتی بلغت الردّه احداً فاخترت ان اظلم حقی وان فعلوما فعلو»؛ (۲)

مرا مخیر کردند بین این که حقم ضایع شود و بیعت کنم یا این که با آنها بجنگم و مردم مرتد شوند؛ پس من ترجیح دادم که حقم ضایع شود، اگرچه آنها هر کاری می خواهند، انجام دهند.

همان طور که از این شواهد برمی آید، حضرت به خاطر بیم ارتداد و بازگشت مردم از دین از حق خود دست کشید و به راستی صبر علی مثال زدنی است؛ آن هم با خاری در چشم و استخوانی در گلو. با نبود یار و یاور و عدم تحمل در توده مردم، در برابر نفاقی ریشه دار و بانندی مسلح و خطرناک چاره ای جز دست کشیدن ظاهری از خلافت برای حفظ رسالت نیست که گره های کور را نه با دندان که با حلم می توان باز کرد و درهای بسته را نه با مشت که با کلید می توان گشود. باید صبر کرد و حلیم بود، یار ساخت و به انتظار روز موعود نشست؛ گرچه بیست و پنج سال به طول انجامد.

ص: ۱۴۶

۱- (۱). کنز العمال، ج ۵، ص ۷۲۴.

۲- (۲). الشافی فی الامامه، ج ۳، ص ۳۴۴.

اشاره

(۱)

الف) اطمینان دادن به خلفا درباره عدم درگیری

در موارد مختلفی حضرت امیر علیه السلام به خلفا اطمینان داد که با آنها درگیر نخواهد شد: زمان هجوم به خانه، در مسجد پیامبر و هنگام زمین خوردن خالد.

علی علیه السلام با درپیش گرفتن سیاست تقیه برای حفظ جان خود به عنوان ولی خدا و حجت حق، به کار کشاورزی پرداخت و حتی دیگران را به آن تشویق می کرد: «محبوب تر از کشاورزی در نزد خدا کاری نیست». (۲)

ب) نام گذاری برخی فرزندان به اسم خلفا

ایشان ۲۷ فرزند داشت که با محسن شهید، ۲۸ فرزند می شود. نام یکی از آنها عمر، دیگری عثمان و کنیه یکی دیگر (عبدالله) ابوبکر بود.

ج) عبادت و گوشه گیری

ابن ابی الحدید که از زنده ماندن علی علیه السلام و ترور نشدن او ابراز شگفتی می کند، از استاد خود «ابوجعفر نقیب» می پرسد: «چگونه علی علیه السلام در مدتی طولانی توانسته است از ترور و کشته شدن جان سالم به در برد؟» استاد می گوید: «اگر او بینی خود را بر خاک نمی مالید و صورت خود را بر خاک نمی نهاد، کشته می شد؛ اما او خود را از حضور بازداشت و به عبادت، نماز و قرآن روی آورد و

ص: ۱۴۷

۱- (۱). در پیش گرفتن سیاست تقیه، علاوه بر این که نشان از تدبیر فوق العاده علی علیه السلام دارد، سفارش پیامبر نیز بود؛ چون فرموده بود: «ان وجدت علیهم اعواناً فجاهدهم ونابذهم، وان لم تجد اعواناً فبایعهم واحقن دمک». بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۷۴؛ الاحتجاج؛ ج ۱، ص ۲۱۵.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۰.

از روش گذشته خویش دست برداشته، شمشیر را به کناری نهاد و به فراموشی سپرد. او خود را سیاح در زمین و راهب در کوه ها نشان داد و حتی از خلفا اطاعت می کرد. آنان نیز از او دست برداشته، در مورد او سکوت کردند و انگیزه ای برای کشتن وی نداشتند و اگر جز این بود، کشته می شد. (۱)

(د) یاری کردن خلفا در امور قضایی، فرهنگی و سیاسی

یکم) قضاوت

علی علیه السلام در بسیاری از مواردی که خلفا از قضاوت آن آگاه نبودند، به کمک شتافت و آنها را از اشتباهات بسیاری رهانید؛ تا آن جا که عمر بارها می گفت: «اقضانا علی»؛ آگاه ترین ما در قضاوت، علی است. امثال این تعبیر از عثمان و ابوبکر هم نقل شده است. برای نمونه می توان به داستان زن دیوانه ای که عمر دستور رجم او را صادر کرد، اشاره داشت که علی علیه السلام با درایت خاص خود او را از این عمل غیرشرعی بازداشت.

دوم) امور فرهنگی

دانشمندان آیین های دیگر - به ویژه یهود و مسیحیان - که پس از درگذشت پیامبر برای تحقیق و پژوهش درباره آیین وی رهسپار مدینه می شدند و سؤالاتی را مطرح می کردند، پاسخ گویی جز علی علیه السلام نمی یافتند؛ چرا که تسلط او بر تورات و انجیل از خلال سخنانش آشکار بود. اگر این خلأ با ایشان پر نمی شد، جامعه اسلامی در سرشکستگی شدیدی فرو می رفت و هنگامی که امام به همه پرسش های آنها پاسخ قاطع می داد، شادمانی خاصی در چهره خلفا پدیدار می شد.

ص: ۱۴۸

۱- (۱). شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۳۰۱.

داستان «جاثلیق مسیحی» و یک صد تن از همراهانش، پرسش های آنان از ابوبکر، ناتوانی او در پاسخ و فرستادنشان به محضر علی علیه السلام مؤید این مطلب است. (۱)

دو نفر آمدند و موضوعی علمی را از عمر پرسیدند. دیدند که عمر از علی علیه السلام سؤال کرد. آنها ناراحت شدند و به او اعتراض کردند. عمر گفت: «وای بر تو! آیا میدانی او کیست؟ او علی ابن ابی طالب است! از پیامبر شنیدم که می فرمود: اگر تمامی آسمان ها و زمین را در یک کفه ترازو قرار دهیم و ایمان علی را در کفه دیگر ترازو، طرف ایمان علی سنگین تر می شود.» (۲)

سوم) امور سیاسی

پس از درگذشت پیامبر، ابوبکر در اجرای فرمان پیامبر (جنگ با رومیان) کاملاً دودل بود؛ از این رو با گروهی از صحابه مشورت کرد. هر کدام نظری دادند که او را قانع نساخت. سرانجام با امام علی علیه السلام به مشاوره پرداخت. امام او را به اجرای دستور پیامبر تشویق کرد و افزود: «اگر نبرد کنی، پیروز خواهی شد.» خلیفه از تشویق امام خوشحال شد و گفت: «فال نیکی زدی و به خیر بشارت دادی.» (۳)

امام در دوران خلیفه دوم نیز مشاور مهم و گره گشای بسیاری از مشکلات سیاسی، علمی و اجتماعی خلیفه بود. از مواردی که خلیفه دوم از اندیشه و طرح امام در مسائل سیاسی استفاده کرد، جنگ مسلمانان با ایرانیان بود. در سال چهاردهم هجری، وقتی خبر آمادگی سپاه ایران با یک صدوپنجاه هزار نفر برای حمله به مسلمانان به گوش عمر رسید، به مسجد رفت، سران صحابه را جمع کرد و آنان را

ص: ۱۴۹

۱- (۱). توحید صدوق، ص ۱۸۲.

۲- (۲). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۹۲.

۳- (۳). تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۳۹.

از تصمیم خود مبنی بر ترک مدینه و استقرار در منطقه ای میان بصره و کوفه و رهبری سپاه در آنجا آگاه کرد. طلحه و عثمان او را به این کار تشویق کردند، اما امام علی علیه السلام با ذکر دلایلی وی را از رفتن به این جنگ منع کرد. عمر پس از شنیدن سخنان امام، ادله ایشان را پسندید و از رفتن منصرف شد. (۱)

الف) تزویج «ام کلثوم» به عمر و اصرار وی

اهل سنت با طرح این موضوع مدعی اند که این کار دلیل بر رضایت علی علیه السلام از عمر و خلافتش است؛ درحالی که شواهد و مستندات تاریخی، افزون بر این که رفتار علی علیه السلام از روی کراهت و بنابر سیاست تقیه را نشان می دهد، ایراد بر عمر در اقدامش و اجبار علی علیه السلام به این کار را کشف می کند.

ب) نشان دادن باطل بودن خلفا

یکم) بیعت دیر هنگام

شاهد یکم. در بسیاری از نقل ها آمده است که حضرت تا مدتی طولانی پس از ماجرای سقیفه از بیعت خودداری کرد و در نهایت با مشت گره کرده و با اکراه و اجبار به بیعت تن داد. (۲)

شاهد دوم. «عبدالرحمان بن عوف» به علی علیه السلام گفت: «راهی جز شمشیر برای خلاصی نداری» (۳)

شاهد سوم. معاویه در نامه ای که به واسطه «ابوامامه باهلی» برای آن حضرت

ص: ۱۵۰

۱- (۱). ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۵۰۹.

۲- (۲). الکامل، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۵.

۳- (۳). الامامه و السیاسه، ص ۱۲.

فرستاد، نوشت: «در بیعت او (ابوبکر) آن قدر سستی و درنگ کردی تا آن گاه که همچون شتر نر سرکشی به جبر و قهر به سوی آن رانده و کشیده شدی.» (۱)

دوم) اظهار مخالفت در مواضع متعدد

در شورا

ایشان در شورا فرمود: «ای گروه قریش! ما اهل بیت در امر حکومت از شما سزاوارتریم. آیا در میان ما کسی که قرآن بخواند، آشنا به سنت باشد و در مسیر دین بگذارد، وجود ندارد؟!» (۲)

علت شرکت در شورای شش نفره

ایشان خود دلیل این کار را اتمام حجت و رسوا کردن دروغ گویان عنوان می کند. ابن عباس در روز شورا به علی علیه السلام گفت: «حکومت از دست ما رفت و این مرد می خواهد حکومت در اختیار عثمان قرار گیرد.» علی علیه السلام فرمود: «من این را می دانم، ولی در شورا شرکت می کنم؛ زیرا عمر اینک مرا شایسته امامت دانسته است، درحالی که قبلاً می گفت: رسول خدا فرمود: نبوت و امامت در یک خانواده جمع نمی شود. من به این شورا وارد می شوم تا روشن شود که عمر سخنان پیشین خود را تکذیب نموده است و دروغش آشکار شود.» (۳)

باز هم در شورا شرط «عبدالرحمان بن عوف» یعنی سلوک بر طریقه شیخین را نمی پذیرند. (۴)

ص: ۱۵۱

۱- (۱). آل یس، صلح امام حسن، ص ۵۸.

۲- (۲). الغارات، ج ۱، ص ۳۰۷.

۳- (۳). قطب رواندی، منهاج البراعه، ج ۱، ص ۱۲۸.

۴- (۴). تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۲.

ج) نپذیرفتن هیچ پستی از خلفا

امام هیچ مسئولیتی را از جانب خلفا نپذیرفت: نه فرماندهی جنگ، نه حکومت یک استان و نه سرپرستی حجاج؛ زیرا پذیرش یکی از این پست ها به مفهوم صرف نظر کردن از حق مسلم خویش بود. (۱)

بر همین اساس، فرماندهی سپاه حمله به ایران را نیز نپذیرفت و مکرر می فرمود: «در جایی به سخن خلفا گوش می دهم که مخالفتی با حکم خدا نداشته باشد». (۲)

د) اعتراض به بدعت ها و تبعیض نژادی

حضرت در مواقع بسیاری به چنین مواردی اعتراض می کرد؛ به ویژه در تقسیم اموال که براساس تبعیض نژادی صورت می گرفت. (۳) مبارزه ایشان و یارانش با توطئه منع حدیث و نوشتن آن در همین سمت وسوست. امام بارها می فرمود: «قیدوا العلم، قیدوا العلم»؛ (۴) با نوشتن دانش، آن را حفظ کنید. در جایی دیگر فرمود «تزاوروا وتذاکروا الحدیث ولاتترکوه یدرس»؛ (۵) به دیدار یکدیگر بروید و به مذاکره احادیث پردازید و این گونه درس و بحث را ترک نکنید.

همچنین می فرمود: «اذا کتبتم الحدیث فاکتوبه باسناده فان یک حقاً کتتم شرکاء فی الاجر و ان یک باطلا کان وزره علیه»؛ (۶) هنگامی که به نوشتن حدیث

ص: ۱۵۲

۱- (۱). استاد شهید مطهری، امامت و رهبری، ص ۲۰.

۲- (۲). مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۰۷ و ۳۱۰.

۳- (۳). نهج السعاده، ج ۱، ص ۱۱۲ - ۱۱۹.

۴- (۴). تقييد العلم، ص ۸۹.

۵- (۵). کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۸۹.

۶- (۶). همان، ص ۱۲۹.

می پردازید، آن را با اسنادش بنویسید؛ زیرا اگر آن حدیث درست باشد، در ثواب انتشارش سهیم می شوید و اگر باطل باشد، مسئولیت آن به عهده راویان است.

۳- مناشده ها

«مناشده» به معنی قسم دادن کسی برای درخواست مطلبی است. در واقع نوعی اقرار گرفتن است. در تاریخ، این گونه مناشده ها از علی علیه السلام با خلفا بارها دیده می شود؛ برای نمونه، حضرت در روز بیعت با ابوبکر، در روز شورا با عمر و در کوفه، بصره و مدینه با عثمان درباره ماجرای غدیر و خیر اقرار گرفت.

۴- همدلی با مخالفان حکومت

این روند به شکل های گوناگون صورت می گرفت:

یکم. همراهی با حرکت های اعتراض آمیز فاطمه علیها السلام در استنصار، گفت و گو با مهاجران و انصار، سخنرانی در مسجدالنبی، خطبه فدکیه و

دوم. همراهی با حرکت های اعتراض آمیز امام حسن و امام حسین علیهما السلام در برابر خلفا در مواضع متعدد.

روزی امام حسن در مسجد پیامبر و هنگام سخنرانی ابوبکر به او گفت: «از منبر پدرم پایین بیا!» ابوبکر نیز بی درنگ گفته او را تصدیق کرد، به خانه اش رفت و گریست. (۱)

همین ماجرا نیز در هنگام خلافت عمر اتفاق افتاد و امام حسین علیه السلام به عمر گفت: «از منبر پدرم پایین بیا!» عمر گفت: «چه کسی این حرف ها را به تو یاد داده است؟!» (۲)

ص: ۱۵۳

۱- (۱). جاء الحسن بن علی إلى ابی بکر و هو علی منبر رسول الله صلی الله علیه و اله فقال: «انزل عن مجلس ابی!» قال: «صدقت انه مجلس ابیک» و جلس فی حجره و بکی... بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۴۲.

۲- (۲). قال الحسن السبط علیه السلام لعمر: «انزل عن منبر ابی!» فقال عمر: «منبر ابیک لا منبر ابی، من امرک بهذا؟» (همان).

سوم. وداع با ابوذر؛ هنگامی که عثمان او را به «ریزه» تبعید و مشایعت با وی را ممنوع کرد، حضرت دست حسنین علیها السلام را گرفته، به بدرقه ابوذر رفت و با این رفتار مهر تأییدی بر حرکت انقلابی و افشاگرانه ابوذر زد؛ سپس فرمود: «ای ابوذر! تو به خاطر خدا غضب کردی و این جماعت به خاطر دنیای خود از تو ترسیدند؛ ولی تو از آنها بر دین خود ترسیدی. پس تو را به بیابان ها تبعید کردند. ای ابوذر! مونسی جز حق برای تو نیست و از تو نمی رمد، مگر باطل.» (۱)

۵- پاک سازی جنبش از منافقان

ابوسفیان بعد از پایان کار سقیفه آمد و با صدای بلند گفت: «ای بنی هاشم! ای فرزندان عبدمناف! آیا شما به حکومت ابوالفصیل (ابوبکر) راضی می شوید؟ اگر شما بخواهید، جمعیت زیادی را در حمایت از شما گرد می آورم». در این هنگام، حضرت علی علیه السلام فرمود: «برگرد ای ابوسفیان! به خدا قسم، تو آن چه می گویی، برای خدا نمی گویی و همیشه برای اسلام و مسلمانان نقشه می کشی! برو، ما مشغول خاکسپاری پیامبریم و هر کس در گرو اعمالش است.» ابوسفیان که حيله اش را کارگر نیافت، ناامید آنجا را ترک کرد. (۲)

۶- تربیت نیرو و کادرسازی پنهانی

امام قیام کنندگان را از چهار نفر به دوهزار نفر رساند و از دل دشمن افرادی

ص: ۱۵۴

۱- (۱). شرح ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۲۵۳.

۲- (۲). یا بنی هاشم! یا بنی عبدمناف! أرضیتم أن یلی امرکم ابوالفصیل الرذل بن الرذل اما والله لئن شئتم لاملاها خیلاً ورجلاً. فناداه امیر المؤمنین: ارجع یا اباسفیان! فوالله ما تریدالله بما تقول و ما زلت تکید الاسلام واهله ونحن مشاغل برسول الله صلی الله علیه و اله وعلی کل امرء ما اکتسب. فانصرف ابوسفیان . شرح ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۲۳.

چون محمد بن ابی بکر و قیس بن سعد بن عباده را برای مبارزه تربیت کرد و منتظر فرصت نشست. حضرت رسول صلی الله علیه و اله به علی علیه السلام سفارش کرده بود که اگر یارانی یافتی، بجنگ و گرنه بیعت کن و جان خود را حفظ کن. (۱) از طرفی در نقل های مختلف آمده است: امام حدود هزار بنده را خرید و آزاد کرد (۲) که در سمت وسوی آماده سازی دل ها و افراد برای به عهده گرفتن بارهای سنگین حکومت علوی قابل تحلیل است.

۷- ایجاد منابع اقتصادی برای امامان بعدی

با حفر چاه، کاشتن درخت خرما و کشاورزی، علاوه بر این که زندگی بسیاری از بینوایان را تأمین می کرد، بنیه اقتصادی امامان بعد از خود را نیز تقویت می نمود. از همین توان اقتصادی بود که حضرت سجاد علیه السلام توانست هزاران بنده آزاد کند که از میان همین افراد، شاگردان مکتب امام باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام تربیت شدند.

اقدامات حضرت علی علیه السلام بعد از خلفا

اشاره

جامعه ای که حضرت علی علیه السلام وارث آن شد، یک جامعه بی هویت و به هم ریخته بود که به تعبیر خود ایشان به زمان جاهلیت برگشته بود. (۳) مشکل علی علیه السلام مشکل داخلی بود. جنگ رسول الله صلی الله علیه و اله با مشرکان و کافران بود و غنیمت در پی داشت؛ ولی جنگ علی علیه السلام با مسلمانان است و غنیمت هم ندارد. به هر حال،

ص: ۱۵۵

۱- (۱). اسدالغابه، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲- (۲). کنز العمال، ج ۵، ص ۶۱۶.

۳- (۳). نهج البلاغه، خطبه ۲۶: «ألا وإنّ بلیتکم قد عادت کهیئتھا یوم بعث الله نبیه».

حوادثی بعد از کشته شدن عثمان روی داد که امیرمؤمنان علیه السلام در برابر آنها موضع گیری ها و اقداماتی داشت که در ادامه می آید.

۱- عدم پذیرش حکومت در مرحله نخست

اشاره

علت عدم پذیرش نخستین را می توان موارد زیر دانست:

الف) پایین آوردن توقع مردم

علی علیه السلام می داند که بی تردید جنگ های پی در پی در پیش دارد؛ چون او نمی تواند راه شیخین را در پیش بگیرد. علی علیه السلام می داند هدف شکم نیست، هدف فقط عدالت اجتماعی نیست، هدف تکامل صرف نیست؛ هدف نهایی، رشد انسان است. گرچه اهداف یادشده نیز در ذیل این هدف بزرگ حاصل می شود.

جامعه با اسراف و کنیزان خوگرفته است و علی علیه السلام می داند که باید این ها را از سر راه بردارد. او می داند که با معاویه که مجسمه کفر است، درگیر می شود. علی علیه السلام راه و هدف عظیمی در پیش دارد. بنابراین نباید در ابتدای راه، به شتاب دست بیعت مراجعان را قبول کند؛ چرا که در آینده انتظارشان از علی علیه السلام زیاد می شود.

در یکی از جنگ ها وقتی مردم به دعوت او برای بسیج نیرو پاسخ ندادند، فرمود: «به خدا قسم! نمی خواستم بیعت شما را قبول کنم، ولی شما آن چنان به در خانه من هجوم آوردید که من از ترس تلف شدن چند تن از شما و حسنین علیها السلام قبول کردم». (۱) همچنین در جایی دیگر فرمود: «همچون شتران و گوسفندان که به فرزندان خود روی می آورند، به سوی من رو آوردید. می گفتید: بیعت! بیعت! من

ص: ۱۵۶

دستم را می کشیدم و شما آن را می گشودید. من آن را از شما می گرفتم، شما به سوی خود می کشیدید». (۱)

ب) بالا بردن طاقت و توان مردم

علی علیه السلام می داند که اوضاع کشور بر اثر کج روی ها، تبعیض نژادی، بدعت ها و تغییر ارزش ها به جایی رسیده است که برای ایجاد تغییرات بنیادین باید یک عمل جراحی در پیکره جامعه صورت بدهد و این یعنی پدید آمدن حوادث مبهم و پیچیده در آینده؛ که نیاز به بالا-رفتن توان و طاقت مردم دارد چنان که خود به این موضوع اشاره دارد: «مرا واگذارید و به سراغ شخص دیگری بروید؛ زیرا ما به استقبال وضعی می رویم که چهره های مختلف و جهات گوناگونی دارد. دل ها بر این امر استوار و عقل ها ثابت نمی مانند. ابرهای فساد، فضای جهان اسلام را تیره ساخته و راه مستقیم ناشناخته مانده است». (۲)

باز خود او می گوید: «آگاه باشید! اگر دعوت شما را اجابت کنم، طبق علم خویش با شما رفتار خواهم کرد و به سخن این و آن و سرزنش ملامتگران گوش نخواهم داد. اما اگر مرا رها کنید، من هم مانند یکی از شما خواهم بود. شاید من شنواتر و مطیع تر از شما در برابر خلیفه منتخبان باشم. من وزیر و مشاورتان باشم، بهتر از آن است که امیر و رهبرتان شوم». (۳)

ج) نفی تهمت ها

پیش از قتل عثمان به حضرت تهمت می زدند که به خلافت حریص است؛

ص: ۱۵۷

۱- (۱). همان، خطبه ۱۳۷.

۲- (۲). همان، خطبه ۹۲.

۳- (۳). همان.

اگر ایشان خلافت را سریع قبول می کرد، این اتهام ثابت می شد؛ هرچند خود بارها بی رغبتی به مقام و حکومت را اعلام داشت. (۱)

تهمت دیگری که احتمال داشت به ایشان نسبت دهند، بحث کودتا بود. وقتی عمر مجروح شد «ابن عباس» با او صحبت کرد که اگر وی بمیرد، مردم با علی علیه السلام بیعت می کنند. عمر گفت: «نخستین بیعت (ابوبکر) ناگهانی بود و خدا ما را از شرش حفظ کرد؛ ولی از این به بعد دیگر نمی گذارم که بیعت ناگهانی صورت بگیرد.» بنابراین علی علیه السلام برای از بین بردن این اتهام، ابتدا خلافت را نپذیرفت و فرمود: «بروید مسجد، و پس از این که اندیشیدید و شرایط مرا قبول کردید، در آنجا با من بیعت کنید. من در خانه با شما بیعت نمی کنم.» (۲) حضرت در این باره می فرماید:

«لم تكن بيعتكم اياي فلتة وليس امري وامرکم واحداً اني اريد کم لله وانتم تريدونني لانفسکم»؛ (۳)

بیعت شما با من ناگهانی نبود و هدف من و شما یکی نیست: من شما را برای خدا می خواهم، ولی شما مرا برای خودتان می خواهید.

۲- قبول خلافت و بیعت مردم

اینک که امام شروطی گذاشته و حجت را بر مردم تمام کرده، ناچار از قبول بیعت ایشان است؛ چون حجت بر او نیز تمام شده است. حضور مردم، مقبولیت مردمی و وفا به عهد و پیمان با خدا دلیل علی علیه السلام در قبول این مسئولیت مهم است:

ص: ۱۵۸

۱- (۱). همان، خطبه ۳، ۳۳ و ۱۷۲ و نامه ۶۲.

۲- (۲). همان.

۳- (۳). همان، خطبه ۱۳۶.

«اگر آن جمعیت برای بیعت گرداگردم جمع نشده، به یاری بر نمی خاستند و حجت تمام نمی شد و اگر خدا از علما پیمان نگرفته بود که در برابر پرخوری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، افسار شتر خلافت را رها می ساختم و از آن صرف نظر می نمودم و پایان آن را با جام آغازش سیراب می کردم. آن گاه می فهمیدید که دنیای شما در نظر من از آب بینی بز بی ارزش تر است.» (۱)

۳- تأکید بر ایمان، تقوا، زهد و جهاد

سراسر نهج البلاغه آکنده از این چهار فضیلت است. علی وارث جامعه ای غرق شده در فساد است. برای چنین جامعه ای باید از تقوا - نیروی بازدارنده از گناه و فساد - دم زد. مردم باید بر تقوا تکیه کنند و تقوا بر ایمان، استوار است. لازمه تقوا ایمان است و لازمه ایمان، معرفت.

در جامعه ای که دنیاگرایی به اوج خود رسیده است، باید از زهد سخن گفت. امام در جای جای نهج البلاغه به این نکته برجسته پرداخته است: «به خدا قسم! دنیای شما در نزد من از یک لنگه کفش، از آب بینی بز و از استخوان لیسیده شده در دست جزامی، بی ارزش تر است! مگر این که حقی را به پا دارم یا باطلی را از سر راه بردارم.» (۲)

در بیان علی سخن از جهاد فراوان است؛ چون ایشان درگیری های بسیاری دارد او پیوسته می فرماید: «ما در مکتب رسول خدا که بودیم، عمرمان را در جنگ گذراندیم.» (۳) چنین سخنانی بدان جهت است که مردم در جنگ با خودی ها سست نشوند.

ص: ۱۵۹

۱- (۱). نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۵.

۲- (۲). همان، خطبه ۳۳.

۳- (۳). «لقد کُنّا مع رسول الله صلی الله علیه و اله وَاَنَّ الْقَتْلَ لیسُور علی الآباء والابناء والاکخوان والقربات»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۲.

معرفی خود و بیان حقایق

از شدت ظلم خلفاست که علی علیه السلام ناچار می شود خود را بشناساند:

نخستین ایمان آورنده بودم: «اترانی؟ اکذب علی رسول الله صلی الله علیه و اله والله لانا اول من صدقه»؛ (۱) آیا فکر می کنید من بر پیامبر دروغ می بندم؟! به خدا قسم! نخستین کسی بودم که او را تصدیق کردم.

در جایی دیگر می فرماید: «واعلموا انکم بعین الله ومع ابن عم رسول الله»؛ (۲) بدانید که شما در پیشگاه خدا و همراه پسرعموی رسول خدا صلی الله علیه و اله هستید. ایشان برای نشان دادن احاطه خود به مسائل دین فرمود: «والله ما اسمعکم لرسول الله شیئاً الا وها انا ذامسمعموه»؛ (۳) «به خدا سوگند، پیامبر چیزی به شما گوشزد نکرد، مگر آن که من همان را به شما می گویم!».

و در جایی دیگر، خود و اهل بیت را نزدیک ترین افراد به پیروی از سنت رسول خدا صلی الله علیه و اله معرفی می کند: «وان حکم بسنه رسول الله صلی الله علیه و اله فحن احق الناس واولاهم بها»؛ (۴) و اگر در مورد پیروی از سنت رسول صلی الله علیه و اله خدا حکم شود، ما اهل بیت سزاوارترین و لایق ترین افراد به پیروی از سنت رسول خدا صلی الله علیه و اله هستیم.

یکی از راه های تبیین مسئله ولایت، از سوی امام نقل وقایع آینده است تا چهره امامت خود را بر همگان آشکار کند. (۵) در این سمت و سو گاه حضرت بعضی از ابعاد

ص: ۱۶۰

۱- (۱) . همان، خطبه ۳۷.

۲- (۲) . همان، خطبه ۶۶.

۳- (۳) . همان، خطبه ۸۹.

۴- (۴) . همان، خطبه ۱۲۵.

۵- (۵) . کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۷۵.

شخصیتی خود را هویدا می ساخت: «ایها الناس سلونی قبل ان تفقدونی فلا نا بطرق السماء اعلم منی بطرق الارض»؛ (۱) هان ای مردم! قبل از این که مرا از دست دهید، از من سؤال کنید؛ چون به راه های آسمان آشنا تر از راه های زمینم.

ایشان اهل بیت را چنین توصیف می کند: «پناه مسلمانان ما هستیم. پایه ها و ستون های رفیع دین، ما هستیم». (۲) آری، حق ولایت، مختص آل محمد صلی الله علیه و اله است که اساس ولایت داشتن، عصمت است.

در جایی دیگر می فرماید: «درخت نبوت ما هستیم؛ آنهایی که فرشتگان بر آنها فرود می آیند، ماییم؛ معدن علم، ما هستیم؛ چشمه های حکمت از آن ماست که جاری می شود؛ کجایند کسانی که خیال می کنند راسخ در علم هستند؟! راسخ در علم به خدا ماییم!»

۵- از بین بردن بدعت ها و تحریف ها

ایشان نقل و نوشتن احادیث را آغاز می کند و به نوشتن آنها امر می نماید تا تحریف تاریخی که از سوی خلفا با منع کتابت حدیث آغاز شده بود، خنثی شود.

همچنین در تقسیم اموال شیوه رسول خدا صلی الله علیه و اله را در پیش گرفت و به همین خاطر عبدالله بن عمر، طلحه و زبیر به او اعتراض کردند. (۳) تبلیغات بر ضدّ این مشی به حدی شدید بود که خواهر حضرت علی علیه السلام هم اعتراض می کرد که چرا سهم علی علیه السلام و کنیز خودش باید یکسان باشد.

حضرت در جایی می فرماید: «در تمام قرآن که کاوش کردم، تفاوتی میان

ص: ۱۶۱

۱- (۱). نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹.

۲- (۲). همان، خطبه ۲.

۳- (۳). شرح ابن ابی حدید، ج ۱، ص ۲۳.

فرزندان اسحاق و اسماعیل نبود». مالک اشتر به ایشان عرض می کند: «یا علی! اندکی کوتاه بیاید؛ همه یاران دارند به طرف معاویه می روند!» از این رو پیشنهاد داد که خودش سهمی نگیرد و علی سهم او را به فرماندهان بدهد؛ اما علی علیه السلام فرمود:

«أتأمرونی ان اطلب النصر بالجور؟! ... لو كان المال لی لسویت بینهم فكیف وأئما المال مال الله»؛ (۱) آیا از من می خواهید که پیروزی را با ستم به دست آورم؟! اگر این پول ها مال خودم بود، آن را بین مردم به طور مساوی تقسیم می کردم و حال آن که این ها مال خداست.

وقتی نماز می خواند، مردم می گفتند: «نماز علی ما را به یاد نمازخواندن پیامبر می اندازد.» ایشان به منظور برهم زدن تبعیض نژادی، کنیزی را به همسری انتخاب کرد؛ چرا که ملاک ارزش در نگاه علی علیه السلام و فرهنگ دینی تقوا است.

فرجام

از مباحث پیشین روشن شد که چگونه حق مسلم علی علیه السلام با وجود سفارش ها و گام های حضرت رسول صلی الله علیه و اله غصب شد. و چرا خط مستمر ولایت در گام های نخستین خود دچار باند پر قدرت نفاق شد و آنها با حرکتی از پیش طراحی شده و کودتاگونه امام علی علیه السلام را از خلافت محروم کرده و با دروغ، نیرنگ و تزویر - به قول سلمان - کردند، آن چه کردند و نکردند، آن چه باید می کردند.

افزون بر این، دفاع های جانانه صدیقه طاهره علیها السلام برای برگرداندن این حق، بحث و بررسی گردید و ملاحظه شد که ایشان چگونه حجت را بر مردم تمام کردند و در نهایت، جان را بر سر این راه نهادند.

در این واحد آموزشی نیز به موضع گیری های حضرت علی علیه السلام پرداختیم.

ص: ۱۶۲

سکوت ایشان و دست کشیدن از حق خود به منظور جلوگیری از ارتداد و بازگشت مردم از دین، تحلیل شد و صبر حضرت با تیغی نه در پا که در چشم و استخوانی نه در دهان که در حلق، منجر به حفظ رسالت شد. اقدامات علی علیه السلام در این مورد به طور خلاصه عبارتند از:

۱. حفظ مکتب و وحدت مسلمانان با صبر و سکوت؛

۲. نجات از ترور با پیش گرفتن سیاست تقیه؛

۳. نشان دادن انحراف خلفا؛

۴. همدلی با مخالفان حکومت؛

۵. پاک سازی جنبش از منافقان؛

۶. تربیت نیرو و کادرسازی پنهانی؛

۷. ایجاد منابع اقتصادی برای آینده نهضت.

افزون بر این، در بحث تکمیلی به اقدام های حضرت علی علیه السلام بعد از خلفا پرداخته شد. جامعه ای که ایشان وارث آن شد، جامعه ای بی هویت بود. مشکل علی علیه السلام مشکل داخلی و جنگ با مسلمانان بود و غنیمت هم نداشت. حوادثی در این اوضاع و احوال روی داد که در پی آن حضرت علی علیه السلام موضع گیری هایی در پیش گرفت:

۱. عدم پذیرش حکومت در آغاز؛

۲. پذیرش مشروط حکومت؛

۳. تأکید بر ایمان، تقوا، زهد و جهاد؛

۴. تبیین مسئله ولایت؛

۵. از بین بردن بدعت ها و تحریف ها.

۱. علت سکوت علی علیه السلام بعد از تثبیت حکومت ابوبکر چه بود؟

الف) حفظ وحدت مسلمانان

ب) اشتغال به زهد و عبادت

ج) جلوگیری از ارتداد مسلمانان

د) الف و ج درست است.

۲. کدام گزینه از مصادیق تقیه حضرت علی علیه السلام نیست؟

الف) نام گذاری بعضی از فرزندان به اسم خلفا

ب) مشاوره دادن به خلفا

ج) عدم بیعت با ابوبکر تا مدت ها

د) اشتغال به زراعت

۳. چرا حضرت علی علیه السلام در شورای شش نفره برای تعیین خلیفه بعد از عمر شرکت کرد؟

الف) روشن شدن تناقض در گفتار خلیفه دوم

ب) امید برای به دست آوردن حق پایمال شده

ج) همکاری با حکومت

د) الف و ب درست است.

۴. کدام گزینه از اقدامات حضرت علی علیه السلام در نشان دادن انحراف خلفا نیست؟

الف) نپذیرفتن مسئولیت حکومتی

ب) مناشده ها

ج) اعتراض به بدعت ها و تبعیض های نژادی

د) حل مشكلات فقهي خلفا

ص: ١٦٤

۵. کدام یک از گزینه ها بیانگر همکاری حضرت علی علیه السلام با مخالفان خلفاست؟

الف) همراهی با فاطمه علیها السلام در استنصار

ب) شرکت در بدرقه و وداع با ابوذر

ج) پاک سازی جنبش از منافقان

د) الف و ب درست است.

۶. کدام یک از گزینه ها شهادی بر تربیت نیرو در دوران خلفا نیست؟

الف) جذب محمد ابی بکر

ب) جذب قیس بن سعد بن عباده

ج) جذب اویس قرنی

د) جذب مالک اشتر

۷. چرا حضرت علی علیه السلام به کار کشاورزی پرداخت؟

الف) دوری از مسائل سیاسی

ب) ایجاد منابع اقتصادی برای آینده نهضت

ج) کسب درآمد

د) علاقه شخصی

۸. کدام گزینه علت عدم پذیرش حکومت در ابتدا از سوی حضرت علی علیه السلام نیست؟

الف) حضور و هجوم مردم ب) پایین آوردن توقع مردم

ج) بالابردن طاقت مردم د) نفی تهمت ها

۹. علت تأکید زیاد حضرت علی علیه السلام بر زهد در دوران خلافت چیست؟

الف) دنیاگرایی جامعه ب) پیروی از قرآن

ج) تبعیت از سنت پیامبر (د) ترویج راه و روش خود

ص: ۱۶۵

۱۰. کدام گزینه علت تأکید زیاد حضرت علی علیه السلام بر مسئله جهاد نیست؟

الف) آماده کردن مردم برای درگیری های آینده

ب) بودن جهاد از فروع دین

ج) سنت پیامبر در ریشه کنی فساد

د) مخالفت با سیره خلفا

۱۱. کدام یک از گزینه ها از جمله اقدام ها برای تبیین مسئله ولایت علی علیه السلام نیست؟

الف) بیان سابقه همراهی با رسول خدا

ب) آغاز نقل و نوشتن احادیث

ج) معرفی خود به عنوان وصی در مناشده ها

د) نقل وقایع آینده

۱۲. این عبارت حضرت علی علیه السلام «أتأمروني ان اطلب النصر بالجور...» در پاسخ کدام یک از افراد زیر بود؟

الف) سلمان ب) مالک اشتر

ج) ابوذر د) عمار

ص: ۱۶۶

بخش سوم: بررسی وضعیت جامعه در آستانه غیبت صغری

اشاره

ص: ۱۶۷

درآمد

این قسمت آموزشی در صدد بیان طبقات مختلف اجتماعی این دوران، ارتباط آنان با یکدیگر و نیز آداب و رسوم، اعیاد و جشن ها، مقبره ها و خانه ها و هر آن چیزی است که به مظاهر اجتماعی این دوران بازمی گردد.

در واقع هدف اصلی ما از بیان وضعیت اجتماعی این دوره ارائه تصویری روشن از شکاف عمیق طبقاتی و بعضی از نمودها و نمونه های آن و علل پدید آمدن این معضل در این عصر است.

افزون بر این به وضعیت فکری و گرایش های مذهبی حاکمان سیاسی، علل به وجود آمدن این گرایش ها و در نهایت تألیفات و آثار فکری این دوره نیز می پردازیم.

پیش آزمون

۱. آیا با وضعیت اجتماعی عصر عباسیان دوم آشنا هستید؟

۲. به نظر شما چرا در این دوران شکاف عمیق طبقاتی در جامعه پیش آمد؟

۳. تصور شما از وضعیت فکری این عصر چیست؟

ص: ۱۶۹

۴. آیا با دو جریان فکری معتزله و اهل حدیث آشنا هستید؟

۵. کدام یک از رویکردهای مذکور خط مشی خلفای عباسی بوده است؟

وضعیت اجتماعی

اشاره

در این دوره به علت بی کفایتی خلفا، غرق بودن آنها در عیاشی و زن بارگی و شب نشینی های آن چنانی، ولخرجی بی حد و حصر، رفاه زدگی و نیاززدگی آنان جامعه عملاً به دو قشر و قطب بزرگ تقسیم شده بود: فقیر فقیر و غنی غنی؛ اکثریت محروم و اقلیت برخوردار. (۱) شکاف و فاصله طبقاتی میان خلفا و کارگزاران آنان با توده مردم به اوج رسیده بود.

در اینجا مروری داریم به عیاشی ها، قصرها و ولخرجی های خلفا در اعیاد و جشن ها؛ همچنین اشاره ای به وضع زندگی، درآمد و اختلاس های برخی از وزرا و دیگر کارگزاران حکومت خواهیم داشت.

۱- عیاشی

عیاشی سیره مشترک همه خلفای عباسی بود. (۲) خلفای عباسی بیشتر دوران زندگی ننگین خود را در کنار جام های شراب و آغوش کنیزکان زیبا به سر می بردند. کتاب های تاریخ و ادب (۳) مشحون از این گونه شواهد است. (۴) اکنون به یک نمونه می پردازیم:

متوکل خیره سری و وقاحت را به آنجا رساند که امام هادی علیه السلام را نیمه شب

ص: ۱۷۰

۱- (۱). دکتر شوقی ضیف، العصر العباسی الثانی، ص ۵۳ و ۶۲-۶۴.

۲- (۲). سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۶۱.

۳- (۳). تاریخ الادب العربی (العصر العباسی الثانی)، ص ۴۴۳-۴۷۲.

۴- (۴). تاریخ الخلفاء، ص ۳۶۱.

به اجبار به بزم شبانه خود کشاند و در حال باده گساری، جام در دست به حضرت تعارف کرد! امام عذر آورد که: «گوشت و خون من هرگز به شراب آلوده نشده است؛ مرا معاف کن.» متوکل از خواسته اش دست کشید، اما از امام به اصرار خواست که شعری برایش بخواند. امام به ناچار شعری خواند که متوکل و همه اهل مجلس را به گریه واداشت و بزم عیش را به سوگ کشاند. (۱)

۲- قصرها

خلفای عباسی و به تبع آنان امرا، وزرا و دیگر دولتمردانشان علاقه شدیدی به ساختن قصرهای زیبا و پرزرق و برق داشتند. (۲) قصرهای خلفا در این دوره شبیه یک شهر بزرگ و دارای باغ ها و بوستان ها و نهرها و ساختمان های متعدد بود. متوکل دارای کاخ های متعدد بود؛ به طوری که هر وقت یک قصرش تمام می شد، به ساختن قصری دیگر می پرداخت. خرج این قصرها بالغ بر ۲۷۴ میلیون درهم بود. (۳)

۳- جشن ها

خلفای عباسی توجه فراوانی به برپایی مجالس و جشن های پرخرج و پرزرق و برق داشتند. به نمونه ای در این زمینه می پردازیم:

متوکل در جشنی به مناسبت ختنه پسرش «عبدالله معتز» چنان تشریفات پرخرج به راه انداخت که مورخان هزینه این جشن را بالغ بر ۸۶ میلیون درهم می دانند. (۴)

ص: ۱۷۱

۱- (۱). مروج الذهب، ج ۴، ص ۹۴.

۲- (۲). دکتر حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۴۰۷.

۳- (۳). العصر العباسی الثانی، ص ۵۵.

۴- (۴). همان، ص ۶۷ و ۶۸.

دکتر شوقی ضیف پس از نقل این واقعه می گوید: به این ترتیب میلیون ها دینار و درهم بی حساب صرف می شد، درحالی که مردم در سختی و فقر به سر می بردند. (۱) مسعودی به حق می نویسد: در هیچ برهه ای از زمان و تاریخ مانند دوران خلافت متوکل و لخرجی نمی شد. (۲)

۴- بزم ها

بزم های شبانه عباسیان و دلدادگی و بخشش های بی حساب آنها به رقاصه ها و آوازه خوانان و مطربان در حالت مستی و بی خودی، شهره آفاق و یادآور داستان های هزارویک شب است. خلفا بیشتر اوقات را در مستی و طرب می گذراندند. نه تنها قصرهای خلفا که قصرهای وزرا و امرا نیز پایگاه شراب و رقص و غنا بود. طبری نقل می کند که وقتی متوکل قصر «جعفری» خود را تمام کرد، مطربان و دلچکان را فراخواند و پس از برنامه شان به آنها دو میلیون درهم داد. (۳)

۵- بخشش ها

بخشش های بی حساب خلفا از بیت المال مسلمین منحصر به رقاصه ها و آوازه خوانان نبود و مادران، همسران و دیگر بستگان آنها را هم دربرمی گرفت. متوکل به مادرش «شجاع» سالی ششصد هزار دینار می داد. آن چه پس از مرگ این زن باقی ماند، پنج میلیون دینار پول نقد و جواهراتی به ارزش یک میلیون دینار و زمین هایی با ارزش غلات سالانه چهارصد هزار دینار بود. از این ها که بگذریم،

ص: ۱۷۲

۱- (۱) . مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۲۲.

۲- (۲) . العصر العباسی الثانی، ص ۶۸.

۳- (۳) . تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۱۲.

بخشش های خلفا به شعرای درباری و یا هر کس که در مدح و ستایش آنان شعری می گفت یا حکومت آنان را به حق جلوه می داد و آن ها را از ائمه به پیامبر نزدیک تر نشان می داد و یا زبان گزنده خود را متوجه علویان ساخته، بر آنان می تاخت نیز ارقام سرسام آوری را شامل می شود. (۱)

۶- طعام ها

از ویژگی های خلفای عباسی و به تبع آنان وزرا و امرا، حرص و اسراف آنها در انواع خوراکی ها، نوشیدنی ها و شیرینی جات و چیدن سفره های رنگین با ظروف طلا و نقره بود.

مورخان بسیاری نمونه هایی شنیدنی از این اسراف و شکم بارگی را یادآور شده اند و مخارج گزاف روزانه غذا و آشپزخانه هریک از خلفای عباسی را آورده و از مخارج سنگین همسران خلفا و فرزندانشان مطالبی نگاشته اند. (۲)

توده مردم

اشاره

مردم در این حال با فشار و تنگ دستی بسیار زندگی می گذراندند. خرج ماهیانه یک خانواده متوسط در همان دوره بیش از ۲۵ درهم نبود، درحالی که مخارج متوکل فقط برای مصارف شخصی اش در سال رقمی بالغ بر ۷۶/۵۰۲/۵۰۰ درهم بود. (۳) با نگاهی دوباره به شورش ها و قیام های صورت گرفته در این دوران میزان ظلم و ستم و نابرابری حاکم بر توده مردم بیشتر مشخص می شود. (۴)

ص: ۱۷۳

۱- (۱). الکامل، ج ۷، ص ۱۰۱.

۲- (۲). العصر العباسی الثانی، ص ۷۴ و ۷۵.

۳- (۳). دکتر ضیف الله یحیی الزهرانی، النفقات و ادارتها فی الدوله العباسیه، ص ۱۵۰.

۴- (۴). العصر العباسی الثانی، ص ۶۲.

۱- وضعیت فکری

تا پیش از متوکل، مذهب رسمی دولت و خط مشی فکری حاکمان عباسی مذهب اعتزال بود. از این رو مناسب است اندکی در این مورد سخن بگوییم.

۲- اعتزال

برخی پیدایش آن را در اواخر قرن اول هجری در دوره امویان و جدایی «واصل بن عطا» از استاد خود «حسن بصری» می دانند. (۱) به گفته آنان جایگاه پیدایش و رشد و نمو آن در عراق بوده و متشکل از پنج اصل است.

تکیه این مکتب بر عقل گرایی مفرط است؛ به طوری که بعضی آن را از این نظر شبیه مکتب عقل گرایی اروپا در عصر رنسانس می دانند. (۲)

در دوره مأمون عقیده رسمی دولت قرار گرفت و با حمایت او به اوج شکوفایی خود رسید. برخی از محققان با ارائه شواهد تاریخی بر این باورند که هدف اصلی مأمون از این اقدام ها مبارزه با امامت شیعه و محکوم کردن و شکست امام رضا علیه السلام بود؛ همچنان که با ترجمه کتاب های یونانی و احضار متکلمان و تشکیل جلسات بحث و مناظره نیز همین هدف را دنبال می کرد. (۳)

مأمون پس از پذیرش این مذهب، مردم را به قبول مخلوق بودن قرآن - که از نظریات معتزله است - وادار نمود. معتصم و واثق نیز این گونه بودند. این سخت گیری ها به جایی رسید که مخالفان را شکنجه و آزار می دادند و زندان ها از

ص: ۱۷۴

۱- (۱). تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۴۱۸.

۲- (۲). همان، ص ۴۲۱.

۳- (۳). جعفر مرتضی عاملی، زندگانی سیاسی امام رضا علیه السلام، ترجمه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۳۵۷-۳۶۰.

آنها پر شده بود. «احمد بن حنبل» به جرم مخالفت با این نظریه تازیانه خورد و مدت ها زندانی شد. (۱)

۳- تغییر خط مشی فکری

با روی کار آمدن متوکل در سال ۲۳۲ ه وی با یک چرخش آشکار، سیاست حمایت از اهل حدیث و سرکوبی معتزله و شیعیان را در پیش گرفت. هدف متوکل از این کار عبارت بود از: ۱. جلب رضایت مردم به خاطر تندروی حکام قبلی در اجبار مردم به پیروی از عقاید معتزله؛ ۲. شکست دادن علویان که اکثر آنها گرایش معتزلی و شیعی داشتند و در واقع قشر تندرو جامعه را شکل می دادند.

روش های متوکل برای رسیدن به این اهداف از این قرار بود:

۱. تفتیش عقاید مذهبی ضد راویان عامه را ممنوع کرد و ایشان و هوادارانش را به پذیرش شعارهای ضدشیعی ترغیب نمود.
۲. «ابن زیات» وزیر و همکارانش را از مشاغل خود برکنار کرد و به جای آنها «جرجرائی» و «ابن خاقان» دارای گرایش افراطی به سیاست های ضدشیعی منصوب کرد.
۳. ارتش نوینی موسوم به «شاکریه» را پدیدآورد. بدین منظور افرادی را از مناطق معروف به بینش ضدعلوی استخدام کرد.

(۲)

۴- تألیفات این دوره

از دیگر رویدادهای گفتنی در این مقطع، شکل گیری و تدوین برخی جوامع

ص: ۱۷۵

۱- (۱). دکتر نادیه حسنی صفر، مطلع العصر العباسی الثانی، ص ۲۰۶.

۲- (۲). تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۲.

روایی و صحاح اهل سنت، همچون مصنف ابن ابی شیبہ (م ۲۳۵ هـ)، صحیح بخاری (م ۲۵۶ هـ) و صحیح مسلم (م ۲۶۱ هـ) است.

(۱)

فرجام

۱. درباره وضعیت اجتماعی دوره عباسیان، اشاره ای داشتیم به دوقطبی شدن جامعه و تقسیم آن به لحاظ مالی و اقتصادی به دو قشر محروم و برخوردار. از این رو، مقایسه ای داشتیم بین زندگی خلفا، وزرا، امرا، جشن ها، عیاشی ها و ریخت و پاش های بی حد و حصر و افسانه ای آنان، با فقر و تهیدستی و سیه روزی توده مردم.

۲. در وضعیت فکری مروزی داشتیم بر مهم ترین ویژگی این دوره که همان چرخش فکری آشکار متوکل از اعتزال به اهل حدیث و سرکوبی معتزله و قدرت بخشیدن به اهل سنت و جماعت بود. از علل و انگیزه های آن نیز بحث شد.

منابع برای مطالعه و تحقیق بیشتر

۱. تاریخ طبری و کامل ابن اثیر (ذیل سال های مورد بحث)

۲. مروج الذهب، مسعودی (ذیل خلفای مورد بحث)

۳. تاریخ الاسلام، دکتر ابراهیم حسن

۴. العصر العباسی الثانی، دکتر شوقی ضیف

۵. «النفقات و ادارتها فی الدوله العباسیه»، دکتر زهرانی

۶. تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، باقر شریف قرشی

۷. زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، باقر شریف قرشی

۸. مطلع العصر العباسی الثانی، دکتر نادیه حسینی متقر

۹. الخلافه العباسیه فی عصر الفوضى العسکریه، دکتر فاروق عمر

ص: ۱۷۶

آزمون پایانی

۱. علت وجود فاصله طبقاتی در این دوران چیست؟

الف) مشکل اقتصادی

ب) بی کفایتی و ولخرجی های بی حد و حصر خلفا

ج) مشکلات سیاسی

د) هیچ کدام

۲. این عبارت: «گوشت و خون من هرگز به شراب آلوده نشده است» از کدام امام معصوم و در برابر کدام خلیفه عباسی بود؟

الف) امام هادی علیه السلام در برابر متوکل ب) امام جواد در مقابل معتصم

ج) امام عسکری در مقابل معتضد د) امام هادی در برابر معتصم

۳. پیدایش گرایش فکری معتزله در چه دورانی بود؟

الف) دوره امویان ب) دوره معتصم عباسی

ج) دوره مأمون د) دوره هارون الرشید

۴. ورود این گرایش فکری به صحنه سیاسی در زمان کدام خلیفه بود؟

الف) منصور ب) هادی

ج) مأمون د) امین

۵. علل تغییر خط مشی فکری از معتزله به اهل حدیث در دوران متوکل چه بود؟

الف) جلب رضایت مردم به خاطر تندروی حکام قبلی

ب) شکست علویان که گرایش های معتزلی داشتند

ج) سرکوب شورش ها

د) الف و ب درست است

۶. کدام یک از موارد زیر جزو جوامع روایی نگاشته اهل سنت در این دوره نیست؟

الف) «مصنف» ابن ابی شیبہ

ب) صحیح بخاری

ج) مسند حنبل

د) صحیح مسلم

ص: ۱۷۸

درآمد

شناخت وضعیت فکری، سیاسی و اجتماعی شیعه با توجه به موضع گیری های ائمه علیهم السلام قابل بررسی است. برای کنکاش در مورد وضعیت شیعه باید عصر یکایک رهبران دینی، به ویژه دوره صادقین و عسکریین را مورد مطالعه دقیق قرار داد؛ چرا که وظیفه آنان حفظ اسلام و فرهنگ وحی از دستبرد حوادث و منحرفان بوده و از طرفی می بایست آمادگی فکری برای ورود به عصر غیبت را در شیعیان ایجاد می کردند.

این واحد آموزشی تبیین موارد فوق را به عهده دارد. شما با یادگیری این واحد می توانید به راز پایداری شیعه آن هم با حجم زیاد مخالفت ها و کشت و کشتارها و شکنجه ها آشنا شوید.

پیش آزمون

۱. آیا می دانید ائمه علیهم السلام برای آمادگی فکری شیعه در آستانه عصر غیبت چه اقدام هایی کرده اند؟

ص: ۱۷۹

۲. آیا می‌توانید بگویید امامان شیعه با توجه به کدام اصل اساسی شیعه توانستند مبارزات سیاسی را استمرار بخشند؟

۳. تصور شما از وضعیت اجتماعی شیعه و رهبران دینی در این دوران چیست؟

وضعیت فکری

اشاره

شیعه در این دوره به لحاظ فکری - عقیدتی از جایگاهی شایسته برخوردار است؛ چه این که طرح مذهب توسط صادقین علیهما السلام ریخته شده و احادیث در شکل اصول و جوامع نگه‌داری شده‌اند و معیار شناسایی احادیث و تهذیب آنها از سوی ائمه دیگر به دست آمده است؛ همان‌طور که شاگردان و شیوخ و اصحابی تربیت شده‌اند و اصول به آنها القا شده و در کتاب‌های چهارصدگانه (اصول اربع‌مأه) نگارش و تدوین یافته است. اینان این‌گونه تغذیه فکری شدند تا هم کارگشای حوادث باشند و هم از کیان اعتقادی و فقهی شیعه در برابر فرقه‌ها و گروه‌های مختلف - به خصوص «اهل سنت» که از حمایت و پشتیبانی خلفا برخوردار بودند - دفاع کنند. «حافظ ابوالعباس بن عقده همدانی کوفی» کتابی در نام‌های کسانی که از حضرت صادق علیه السلام حدیث روایت کرده‌اند تصنیف کرده که در آن چهارهزار نفر معرفی شده‌اند. (۱) در دوره صادقین نقل روایت و تدوین حدیث در بین شیعه چنان وسعت یافت که در هیچ عصر و دوره‌ای و در هیچ مذهبی این‌طور وسعت نیافته است. به همین خاطر این عصر را عصر انتشار علوم آل محمد صلی الله علیه و اله نامیده‌اند. شیخ طوسی شمار شاگردان امام هادی علیه السلام را در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی ۱۸۵ نفر می‌داند. در میان آنها شخصیت‌های برجسته‌ای مانند فضل بن شاذان، حسین بن سعید اهوازی، ایوب بن نوح، ابوعلی

ص: ۱۸۰

۱- (۱). ابوالقاسم گرجی، تاریخ فقه و فقه‌ها، ص ۱۱۵.

حسین بن راشد، حسن بن علی ناصر کبیر، عبدالعظیم حسنی و عثمان بن سعید اهوازی به چشم می‌خورند که برخی از آنان دارای آثار و تألیفات ارزشمندی در علوم اسلامی هستند. (۱)

۱- اقدام‌های عسکرین در زمینه فکری: حفظ اسلام و فرهنگ وحی

از جمله وظایف امام علیه السلام نگه‌داری فرهنگ اسلامی از دستبرد حوادث و منحرفان است. روشنگری و موضع‌گیری‌های مناسب این دو امام در برابر انحرافات فکری جامعه از صوفیه و واقفیه گرفته تا مفوضه و ثنویه و غلات (۲) و... و پاسخ‌گویی به مسائل فقهی و مشکلات فکری و دور کردن شیعیان از وادی‌های بیهوده و توان‌سوز از ویژگی‌های بارز این دوره است. بجاست به ذکر نمونه‌ای پردازیم:

امام هادی علیه السلام در پاسخ سؤال یکی از شیعیان در مورد مخلوق بودن قرآن چنین نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند ما و تو را از دچار شدن به این فتنه حفظ کند که در این صورت بزرگ‌ترین نعمت را بر ما ارزانی داشته و گرنه هلاکت و گمراهی است. به نظر ما بحث و جدال درباره قرآن - این که مخلوق است یا قدیم - بدعتی است که پرسش‌کننده و پاسخ‌دهنده در آن شریکند؛ زیرا پرسش‌کننده دنبال چیزی است که سزاوار نیست و پاسخ‌دهنده نیز برای موضوعی بی‌جهت خود را به زحمت و مشقت می‌افکند که در توان او نمی‌باشد. خالق جز خدا نیست و به جز او همه مخلوقند؛ قرآن نیز سخن خداست، از پیش خود اسمی برای آن قرار مده که از گمراهان خواهی شد. خداوند ما و تو را از

ص: ۱۸۱

۱- (۱). رجال طوسی، ص ۴۰۹-۴۲۹.

۲- (۲). محمدجواد طبسی، حیاة الامام العسکری، ص ۲۸۹-۲۹۵.

مصادیق سخن خود قرار دهد که می فرماید: «متقیان کسانی هستند که در نهان از خدای خویش می ترسند و از روز جزا بیمناکند.» (۱)

۲- ایجاد آمادگی فکری برای ورود به عصر غیبت

از جمله اقدامات، روایات فراوان این دو بزرگوار در مورد فرارسیدن غیبت و بشارت به ولادت حضرت حجت و ارجاع شیعه به وکلا تأیید برخی از کتب فقهی و اصول روایی و بالا-خره کم کردن تماس مستقیم شیعیان با خودشان بود؛ به طوری که حتی در شهر سامرا به مراجعات و مسائل شیعیان از طریق نامه یا توسط نمایندگان خویش پاسخ می دادند. (۲)

وضعیت سیاسی

اشاره

به لحاظ سیاسی، شرایط بسیار حساس و بحرانی است. امامان شیعه در محاصره قرار می گیرند و علی رغم تقیه شدید، به منظور کنترل بیشتر، از مدینه به سامرا آورده می شوند. دسترسی شیعیان به امام بسیار سخت و خطرناک است.

۱- انتقال عسکرین از مدینه به سامرا

سیاست عباسیان در مقابل عسکرین مانند سیاست مأمون در برابر امام رضا علیه السلام بود که به صورت یک سنت شوم، متوکل در برابر امام هادی اعمال کرد. هدف از این سیاست عبارت بود از نزدیک ساختن امام علیه السلام به دربار و محدود کردن وی در حاشیه حکومت تا بتواند کاملاً مراقب امام باشد و از همه کارهای او اطلاع داشته و بین آن حضرت و شیعیان جدایی اندازد. همین سیاست در

ص: ۱۸۲

۱- (۱). توحید صدوق، ص ۲۲۴.

۲- (۲). حیاة الامام العسکری، ص ۳۲۴.

مورد امام عسکری علیه السلام نیز اعمال شد. آن حضرت نیز مانند پدر گرامی اش در سامرا تحت نظر بود و مجبور بود هر هفته، روزهای دوشنبه و پنجشنبه خود را به کاخ خلیفه معرفی کند. (۱)

۲- شیوه های مبارزه سیاسی عسکرین

در این مرحله که مبارزه بسیار حساس و پیچیده شده، طرح مبارزاتی شیعه در «سازمان مخفی و کالت» شکل می گیرد؛ سازمانی که پایه های آن از دوره امام صادق علیه السلام ریخته شده و در دوره عسکرین به اوج نفوذ خود رسیده است. سازمان و کالت، تشکیلاتی و بسیار پیچیده است. امام علیه السلام در این مرحله با تماس های حساب شده و پنهانی به بسط و توسعه این سازمان و در نتیجه حفظ و تقویت و گسترش شیعه می پردازد. تأیید و حمایت از برخی قیام های علویان برای ایجاد ضعف در پایه های حکومت عباسی و یا کم کردن ظلم و بیداد آنان، از اقدامات دیگر ائمه شیعه در این مرحله از مبارزات است.

به عبارت دیگر مبارزات سیاسی عسکرین علیهما السلام همچون مبارزات فکری و عقیدتی آنان شیوه ها و ابعاد مختلفی دارد. از سیاست تقیه گرفته تا نفوذ دادن برخی از شیعیان در کارهای حکومت، (۲) حفظ و نگه داری شیعیان، رسیدگی به وضعیت آنان، تأیید و حمایت برخی از گروه های انقلابی (۳) و مهم تر از همه تقویت و گسترش «سازمان مخفی و کلا» است. در مورد تقیه به طور خلاصه باید گفت: تقیه در حقیقت یک شکل پیچیده از مبارزه است. تقیه بیکاری نیست که

ص: ۱۸۳

۱- (۱). شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۳۹.

۲- (۲). رجال نجاشی، ص ۲۵۴.

۳- (۳). دکتر جاسم حنین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۵-۸۹.

پنهان کاری است و در تمامی شکل هایش نوعی جهاد و دفاع و زمینه سازی است. تقیه رمز حیات و بقای شیعه در طول تاریخ در برابر همه طاغوت ها و قدرت های استکباری است. تاریخ تقیه امامان شیعه علیهم السلام کلید فهم تاریخ تشیع است. امام هادی علیه السلام به داود صرمی می فرماید: «یا داود! لو قلت انّ تارك التقيه كتارك الصلوه لكنت صادقاً»؛ (۱) ای داود! اگر می گفتم که چشم پوش از تقیه همچون تارك الصلوه است، در این گفته صادق بودم.

امام عسکری علیه السلام به یکی از شیعیان که دوستش را به تقیه راهنمایی کرده بود فرمود: «تو مصداق سخن پیامبر هستی که فرمود: کسی که دیگری را به کار خیری راهنمایی کند، گویا آن را انجام داده...» (۲).

شدت تقیه در دوره آن حضرت تا آنجا بود که گاه به شیعیان پیام می فرستاد: برای حفظ جانتان به من سلام نکنید و با دست اشاره ننمایید. (۳)

وضعیت اجتماعی

اشاره

وضعیت اجتماعی شیعه را در این دوره علی رغم این که بسیاری از شهرها از مراکز شیعه نشین است، می توان در موارد زیر برشمرد:

۱- ارتباط حداقل با امام

امام علیه السلام گرچه به صورت های مختلف با شیعیان تماس می گرفت، اما کنترل شدید او از یک طرف و شکنجه و آزار کسانی که با وی تماس می گرفتند از طرف دیگر، باعث می شد که ارتباطش با پیروان خود به حداقل برسد.

ص: ۱۸۴

۱- (۱). وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۶۶.

۲- (۲). طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۶۶.

۳- (۳). بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹.

۲- فشار

در این دوره شیعیان از جانب خلفای عباسی به شدت تحت فشار و اختناق بودند. متوکل برای فشار هر چه بیشتر به شیعیان، به حاکم مصر دستور داد «طالبیون» را به عراق تبعید کند. حاکم مصر نیز چنین کرد، آن گاه متوکل در سال ۲۳۶ هـ آنان را به مدینه - محل تبعید علویان - راند. (۱)

وی همچنین به ساکنان حجاز هشدار داد تا هیچ گونه ارتباطی با علویان برقرار نسازند. بنا به نوشته «اصفهانی» متوکل در نتیجه اعمال این شیوه ها علویان را با رفتارهای خشونت آمیزی در مدینه مواجه کرد. (۲)

۳- اخراج از سمت ها

مسعودی می نویسد: متوکل «اسحاق بن ابراهیم» حاکم سامرا و سیروان در استان جبل را به خاطر شیعه بودن از سمت خود برکنار کرد. (۳) بسیاری دیگر از مردم موقعیت های خود را به همین دلیل از دست دادند.

۴- گرفتن امکانات اقتصادی

متوکل سرزمین فدک را که دارایی حسینیان بود مصادره کرد. درآمد فدک بنا به نوشته سید بن طاووس در آن زمان بالغ بر ۲۴۰۰۰ دینار بود. ابوالفرج اصفهانی می نویسد: متوکل علویان را در تنگنای اقتصادی قرار داد و رسماً هر گونه کمک و نیکی در حق آنان را ممنوع کرد و متخلفان را مجازاتی سخت و کیفری سنگین می داد. (۴)

ص: ۱۸۵

۱- (۱). تاریخ سیاسی امام دوازدهم، ص ۸۳ و ۸۴.

۲- (۲). مقاتل الطالبین، ص ۳۹۶.

۳- (۳). مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۰۶.

۴- (۴). مقاتل الطالبین، ص ۵۹۹.

اشاره

علی رغم همه موانعی که از جانب حکومت برای امامان شیعه پیش می آوردند، نفوذ معنوی ایشان روز به روز فزونی می یافت تا آنجا که قصر خلفا را هم در بر گرفته بود. بسیاری از مردم شیفته آنان و حتی برخی از وزرا و امرا در دل به حقانیت آنان معترف بودند و خلافت را تنها شایسته آنان می دانستند. اینک نمونه هایی از این موارد را مرور می کنیم.

۱- نفوذ امام هادی علیه السلام در بین امرا

متوکل در پی سعایت هایی که از امام هادی علیه السلام در مدینه می شد، حضرت را به وسیله «یحیی بن هرثمه» به سامرا فراخواند. یعقوبی نقل می کند: همین که امام به یاسریه رسید «اسحاق بن ابراهیم» حاکم بغداد به دیدارش آمد و چون علاقه و شیفتگی مردم را به ایشان دید، از حضرت خواست شب را در بغداد به سر برد. یحیی حاکم بغداد را در جریان مأموریت خود گذاشت، حاکم بغداد گفت: «این مرد زاده رسول خدا است و تو انحراف متوکل را از اهل بیت می دانی، پس اگر کلمه ای علیه امام بگویی، او را خواهد کشت و روز قیامت پیامبر خصم تو خواهد بود...». سپس راه سامرا را در پیش گرفتند. همین که به مقصد رسیدند، یحیی خود را به «وصیف ترکی» که از سران حکومت رساند. وی نیز او را از نقل سخنانی که موجب گزند به امام شود، بر حذر داشت. یحیی از یکی بودن سخنان اسحاق و وصیف درباره محافظت از امام و سلامت او متحیر شد. (۱)

۲- در میان اهل کتاب

نفوذ امام منحصر به مسلمانان و شیعیان نبود و اهل کتاب را هم شامل می شد.

ص: ۱۸۶

۱- (۱). تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۲۰۹.

«هبه الله ابن ابی منصور موصلی» چنین نقل می کند: «یوسف بن یعقوب مسیحی از دوستان پدرم بود. او روزی میهمان خانه ما در بغداد بود. پدرم از او انگیزه آمدنش را پرسید. وی گفت: متوکل عباسی مرا احضار کرده، ولی علتش را نمی دانم. من نیز خودم را به یکصد دینار بیمه کرده ام و آنها را با خود آورده ام تا برای علی بن محمد علی الرضا علیه السلام هدیه ببرم.» (۱)

۳- نزد شیعیان سامرا

متوکل در سامرا همواره مانع دیدار مردم با امام هادی علیه السلام می شد. یک روز حضرت در قصر متوکل بود و جماعت زیادی از شیعیان پشت در اجتماع کرده بودند. راوی می گوید: از آنها پرسیدم برای چه اجتماع نموده اید؟ گفتند: «منتظر بازگشت مولایمان هستیم تا او را ببینیم و بر او سلام کنیم و آن گاه برویم.» (۲)

۴- نفوذ امام عسکری علیه السلام نزد خلفا

بعضی از خلفای آن دوره، همچون معتمد در حوائج مهم خود به آن حضرت متوسل می شدند و از ایشان دعا درخواست می کردند. (۳)

۵- نزد وزرا

«عبید بن خاقان» وزیر معتمد عباسی می گوید: «اگر خلافت از میان خلفای بنی عباس جدا شود، کسی از هاشمیان به غیر از او (امام حسن عسکری) سزاوار آن نخواهد بود.» (۴)

ص: ۱۸۷

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۴۸.

۳- (۳). همان، ج ۵۰، ص ۳۰۹.

۴- (۴). همان، ص ۳۲۷.

۶- نزد طیب متوکل

«بختیشوع» پزشک مخصوص متوکل به یکی از شاگردان خود گفت: «... بدان که او (امام حسن عسکری) داناترین کسی است که در زیر آسمان زندگی می کند...» (۱)

۷- نزد اهل کتاب

برخی از علمای اهل کتاب به مقام آن حضرت معترف بودند؛ به طوری که حضرت در مورد بعضی از آنها فرمود: «حمد خدای را که نصاری را نسبت به بعضی از مسلمین به حق ما آگاه تر قرار داد». از همانان کسانی به دست آن بزرگوار مسلمان شدند؛ از جمله می توان از «انوش نصرانی» و «راهب دیر عاقول» نام برد. (۲)

۸- در نزد شیعیان

اشعار «ابوهاشم جعفری» از بزرگان اصحاب امام هادی و عسکری علیهما السلام در وصف امام عسکری به خوبی گویای مقام شامخ امامت شیعه نزد شیعیان ایشان است. ترجمه برخی از این اشعار چنین است:

«خداوند تمام معجزات امامت را به او بخشید؛ همان گونه که به موسی معجزه شکافتن دریا و ید بیضا و عصا را بخشیده بود. پروردگار حجت و معجزه ای به پیامبران عطا نکرد، مگر آن که مانند آن را به اوصیا بخشید و اگر در این مورد تردید داری، پی جویی دلیل و برهان برتوست.» (۳)

ص: ۱۸۸

۱- (۱). همان، ج ۵، ص ۲۶۱.

۲- (۲). همان.

۳- (۳). باقر شریف قرشی، زندگانی امام حسن عسکری، ص ۶۴.

وضعیت فکری و سیاسی - اجتماعی شیعه و رهبری آن در این دوره دارای ویژگی هایی است.

۱. به لحاظ فکری، اصول و احادیث شیعه ضبط و نگه داری شده و شیوخ و رجالی تربیت یافته اند تا در بحران ها و حوادث رهگشای مسائل و مشکلات باشند. حفظ اسلام از دستبرد منحرفان، روشنگری ها و موضع گیری های بجا و پاسخ گویی به مشکلات فکری و فقهی و ایجاد توان و آمادگی در شیعیان برای پذیرش غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله اقدامات ائمه علیهم السلام در این دوران است.

۲. به لحاظ سیاسی، رهبری شیعه به اجبار از مدینه به سامرا آورده شد و تحت نظارت و کنترل شدید به سر می برد. عسکرین علیهما السلام با پیش گرفتن سیاست تقیه به تقویت و گسترش سازمان و کلامی پرداختند. از دیگر اقدامات آنان، حمایت از برخی قیام های علویان و حفظ و سرپرستی شیعیان و نفوذ دادن تعدادی از آنها در پست ها و مراکز حساس بود.

۳. از نظر اجتماعی، شیعیان در فقر و فشار و اختناق و محرومیت به سر می بردند و رهبری شیعه علی رغم محصور بودن و ممانعت از تماس مردم و شیعیان با آنان از نفوذ زیادی در میان همه اقشار جامعه، از شیعیان و توده مردم گرفته تا علما و بزرگان و اهل کتاب و امرا و وزرا برخوردار بود.

منابع برای مطالعه و تحقیق بیشتر

۱. بحارالانوار، ج ۵۰

۲. تاریخ الغیبه الصغری، سیدمحمد صدر

۳. حیاہ الامام العسکری، محمد جواد طبسی

۴. زندگانی امام علی الهادی علیه السلام و امام حسن عسکاری علیهما السلام، باقر شریف قرشی، ترجمه سیدحسن اسلامی

۵. تاریخ التشریح الاسلامی، دکتر عبدالهادی الفضلی

۶. تاریخ فقه و فقها، دکتر ابوالقاسم گرجی

ص: ۱۹۰

۱. اقدامات ائمه علیهم السلام برای رشد فکری شیعه چه بود؟

الف) تربیت شاگردان مبارز

ب) تبیین مبانی اعتقادی و فقهی شیعه

ج) ارائه معیار تشخیص احادیث و تهذیب آنها

د) همه موارد

۲. کدام یک از افراد زیر از شاگردان امام هادی علیه السلام نیست؟

الف) فضل بن شاذان ب) عبد العظیم حسنی

ج) ایوب بن نوح د) محمد بن معروف هلالی

۳. کدام یک از موارد زیر از اقدامات عسکرین در زمینه فکری هست؟

الف) روشنگری در برابر انحرافات فکری جامعه

ب) پاسخ گویی به مسائل فقهی و مشکلات فکری

ج) دور کردن شیعیان از افتادن در وادی های توان سوز

د) همه موارد

۴. علت انتقال عسکرین از مدینه به سامرا چه بود؟

الف) نزدیک کردن امام به دربار ب) مراقبت از فعالیت های امام

ج) جدایی بین شیعیان و آن حضرت د) همه موارد

۵. کدام یک از شیوه های مبارزه سیاسی ائمه علیهم السلام و به ویژه عسکرین رمز حیات شیعه در طول تاریخ نام گرفت؟

الف) تقیه ب) حفظ و نگه داری شیعیان

ج) حمایت از قیام ها د) هیچ کدام

۶. کدام یک از موارد زیر از وضعیت اجتماعی شیعیان محسوب نمی شود؟

الف) ارتباط حداقل با امام

ب) اخراج از سمت ها

ج) ممنوعیت از شرکت در نماز جماعت

د) گرفتن امکانات اقتصادی

۷. در زمان کدام خلیفه عباسی مجددا فدک غصب شد؟

الف) متوکل ب) هادی

ج) منصور د) معتصم

۸. آن شخص مسیحی که به امام هادی برای نجات از یک گرفتاری متوسل شد چه نام داشت؟

الف) هبه الله بن ابی منصور ب) یوسف بن یعقوب

ج) یحیی بن هرثمه د) هیچ کدام

۹. «ابوهاشم جعفری» از اصحاب کدام یک از امامان است؟

الف) امام جواد ب) امام هادی

ج) امام عسکری د) ب و ج درست است

۱۰. کدام یک از افراد زیر از علمای هم عصر امام عسکری است؟

الف) عبید بن خاقان ب) جاحظ

ج) بختیشوع د) هیچ کدام

درآمد

مسئله غیبت و مهدویت رای و قتی می توان بهتر شناخت که به زمینه سازی های رهبران دینی و ایجاد آمادگی های آنان توجه ویژه داشت . منابع ما مشحون از روآیاتی است که در آنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و ائمه هدی علیهم السلام خیر از و قوع غیبت و مسائل مربوط به آن داده اند. افزون بر این در منابع اهل سنت نیز در این مورد روآیات فراوانی داریم . ما در این واحد آموزشی می خواهیم از ذهنیت ۲۶۰ ساله شیعه در مسئله غیبت و مهدویت تصویری روشن ارائه کنیم و با مروری بر روآیات پیامبر صلی الله علیه و اله تا امام جواد علیه السلام از یک طرف و با تأملی در روآیات عسکرین و دیگر اقدامات آن دو بزرگوار از سوی دیگر به این نتیجه برسیم که شیعه با یک آمادگی دیرینه و با آگاهی از اصل مسئله مهدویت و خصوصیات و جزئیات آن به عصر غیبت وارد شد.

پیش آزمون

۱. به نظر شما مسئله غیبت و مهدویت از چه زمانی در فرهنگ مسلمین وارد شد؟

ص: ۱۹۳

۲. آیا همه معصومین علیهم السلام به مسئله زمینه سازی برای و رود شیعه به عصر غیبت توجه داشته اند؟

۳. چه تفاوتی بین رسالت عسکرین با بقیه معصومین علیهم السلام حدس می زنید؟

۴. تصور شما از اقدامات عسکرین در این برهه از تاریخ چیست؟

۵. آیا با اصطلاح نهاد و کالت آشنا هستید؟

۶. شکل گیری نهاد و کالت از چه زمانی بود؟

۷. اطلاعات شما پیرامون ویژگی ها و محدوده زمانی و مکانی نهاد و کالت در چه حدی است؟

آماده سازی معصومین علیهم السلام تا عصر عسکرین علیهما السلام

اشاره

ذهنیت شیعه در مسئله غیبت و مهدویت نه تنها مربوط به اصل مسئله می شد، بلکه خصوصیات، دقائق و جزئیات بیان شده آن از سوی پیامبر صلی الله علیه و اله و ائمه علیهم السلام رای هم دربرمی گرفت. برای روشن شدن بیشتر این موضوع برخی از این روایات رای مورد بحث قرار می دهیم. در این قسمت صرفا به سه کتاب مهم شیعی، یعنی الغیبه نعمانی و الغیبه شیخ طوسی و کمال الدین شیخ صدوق ارجاع داده شده است.

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله

«عبدالرحمن بن عباس» می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «... بدانید که خداوند من و آنان (ائمه علیهم السلام) رای حجت بر بندگان قرار داده و از صلب حسین امامانی قرار داده است که قائم به امر من خواهند بود و وصیت مرا حفظ می کنند. نهمین آنان، قائم اهل بیت من و مهدی امتم است که شبیه ترین مردم به من از نظر شما یل، گفتار و کردار است و پس از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه کننده

ظاهر شده ، امر الهی رای اعلان و آشکار می کند و دین الهی رای ظاهر می نماید، نصرت خدا و ملائکه اش تأیید می شود و زمین رای پس از پر شدن از ظلم و جور آکنده از عدل و داد خواهد کرد». (۱)

۲- امام علی علیه السلام

عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام و آن حضرت از پدرانش و آنها از امام علی علیه السلام نقل نموده اند:

«برای قائم ما غیبتی است طولانی و گویا شیعه رای می بینیم که در غیبت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند گله گوسفند به دنبال چوپان خود هستند و او رای نمی یابند. بدانید هرکس که در غیبت قائم ثابت در دین باشد و قلبش به خاطر طولانی شدن زمان غیبتش دچار قسوت نشود، در قیامت با من و در درجه من است.» سپس فرمود: «همانا زمانی که قائم ما قیام کند، بیعت احدی در گردن او نیست و از این رو و لا دتش پنهانی است و خودش غایب خواهد شد.» (۲)

۳- حضرت فاطمه علیها السلام

«جابر بن عبد الله انصاری» در روایتی که به طرق مختلف نقل شده از صحیفه ای خبر داده است که آن رای در دست حضرت فاطمه علیها السلام دیده و درخشندگی عجیبی داشته و در آن نام دوازده امام علیهم السلام و مادرانشان آمده و آخرین نام ، قائم آل محمد صلی الله علیه و اله بوده است . (۳)

ص: ۱۹۵

۱- (۱) . کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱ ، ص ۲۵۷.

۲- (۲) . همان ، ص ۳۰۳.

۳- (۳) . همان ، ص ۳۰۵.

۴- امام حسن مجتبی علیه السلام

«ابوسعید عقیصا» نقل می کند: پس از صلح امام حسن علیه السلام با معاویه مردم بر آن حضرت وارد شدند و بعضی از آنان حضرت رای به خاطر صلح ملامت کردند. ایشان فرمود: «وای بر شما! نمی دانید چه کاری کردم! آن چه کردم، برای شیعه ام بهتر است از آن چه خورشید بر آن تابیده یا غروب کرده است... آیا نمی دانید که هیچ یک از ما نیست، مگر آن که در گردن او بیعتی برای طاغی زمانش واقع می شود، مگر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که روح الله، عیسی ابن مریم علیهما السلام به او اقتدا می کند و خداوند و لا دتش رای پنهان داشته و شخصش رای غائب می سازد، برای آن که هنگام قیام برای کسی بر گردن او بیعتی نباشد؟! این شخص، نهمین فرزند برادرم حسین علیه السلام است که فرزند سیده زنان است؛ خداوند عمرش رای در دوران غیبتش طولانی کرده، سپس او رای با قدرت خود به صورت جوانی با سنی کم تر از چهل سال آشکار می سازد. این از آن رو است که دانسته شود خداوند بر هر امری قادر است.» (۱)

۵- امام حسین علیه السلام

«عبدالرحمن بن حجاج» از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرانش و ایشان از امام حسین علیه السلام نقل فرموده اند: «در نهمین فرزند من سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران است و او قائم ما اهل بیت است که خداوند امر او رای تنها در یک شب اصلاح می نماید.» (۲)

مردی همدانی می گوید: شنیدم حسین بن علی علیه السلام فرمود: «قائم این امت، نهم از اولاد من و صاحب غیبت و کسی است که میراثش درحالی که زنده است تقسیم می شود.»

ص: ۱۹۶

۱- (۱). همان، ص ۳۱۵.

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۳۱۶.

۶- امام سجاد علیه السلام

ابو خالد کابلی : بر آقا امام سجاد علیه السلام وارد شده ، گفتم : مولای من ! مرا از کسانی که خداوند طاعتشان رای و اجب نموده ، خبر ده . فرمود: «...غیبت و لی خدا ودوازدهم از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و اله امتداد خواهد یافت . ای اباخالد! همانا اهل زمان غیبت او که قائل و معتقد به امامت او و منتظر ظهورش هستند، از اهل هر زمانی برترند؛ چرا که به خاطر کثرت فهم و عقل ، غیبت نزد آنها به منزله مشاهده است و خداوند آنان رای در این زمان به منزله مجاهدان در پیشگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله قرار داده است . آنان به حق مخلص و شیعیان راستینند و دعوت گران به سوی خدا هستند... انتظار فرج از برترین گشایش هاست.» (۱)

۷- امام باقر علیه السلام

«ابراهیم بن عمر کناسی» می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «همانا برای صاحب این امر دو غیبت خواهد بود و قائم قیام می کند، درحالی که بیعت کسی بر گردنش نیست.» (۲)

«ابوبصیر» از ابوجعفر بن علی الباقر علیه السلام نقل کرده است : «بعد از حسین علیه السلام نه امام می آیند؛ نهم از آنان قائم ایشان است.» (۳)

۸- امام صادق علیه السلام

«صفوان بن مهران» از امام جعفر صادق نقل می کند: «هرکس که به همه ائمه علیهم السلام اقرار کند، و لی مهدی رای انکار نماید، همانند کسی است که نسبت به همه انبیا اقرار

ص: ۱۹۷

۱- (۱) . همان ، ج ۱ ، ص ۳۲۰ .

۲- (۲) . الغیبه ، نعمانی ، ص ۱۱۳ .

۳- (۳) . کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱ ، ص ۳۳۰ .

نماید، و لی محمد صلی الله علیه و اله رای انکار کند.» از حضرت سؤال شد: «ای فرزند رسول خدا! مهدی کدام یک از فرزندان شما است؟» فرمود: «پنجمین فرزند از اولاد هفتمی . او از شما غایب خواهد شد و بر شما جایز نیست نام او رای بر زبان آورید.» (۱)

۹- امام کاظم علیه السلام

«داود بن کثیر رقی» می گوید: از ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام درباره صاحب این امر (مهدی) پرسیدم، فرمود: «او رانده شده (از نزد مردم) و تنهای غریب و غایب از اهلش و تنها فرزند پدرش است.» (۲)

۱۰- امام رضا علیه السلام

«عبدالسلام بن صالح هروی» می گوید: از «دعبل بن علی خزاعی» شنیدم که می گفت: ... سپس امام فرمود: «ای دعبل! امام بعد از من ... و بعد از حسن فرزندش «حجت» قائم منتظر است که در زمان غیبتش مورد انتظار و هنگام ظهورش مورد اطاعت است. اگر جز یک روز از دنیا باقی نماند، همانا خداوند آن روز رای طولانی می کند تا این که او خروج کند و زمین رای پر از عدل کند، پس از آن که پر از جور شده باشد؛ اما این که چه زمانی قیام می کند، این اخبار از وقت است؛ همانا پدرم از پدرش از پدرانش نقل کردند که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله گفته شد: ای رسول خدا! چه زمانی قائم از ذریه تو قیام می کند؟ فرمود: مثل آن مثل قیامت است که خداوند درباره آن فرموده است: لا- يُجَلِّئُهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا- هُوَ ثَقَلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَهُ . (۳)

ص: ۱۹۸

۱- (۱) . همان، ص ۳۳۳.

۲- (۲) . همان، ج ۲، ص ۳۱۶.

۳- (۳) . همان، ص ۳۷۲.

حضرت عبدالعظیم حسنی می گوید: بر آقایم محمد بن علی الجواد علیه السلام وارد شدم و قصد داشتم که از او درباره قائم سؤال کنم که آیا او است یا غیر او. پس از آن حضرت سخن آغاز فرمود: «ای ابوالقاسم! همانا قائم از ما همان مهدی است که واجب است مردم هنگام غیبتش او را انتظار کشند و هنگام ظهورش از او اطاعت کنند و او سومین از فرزندان من است و... خداوند امر او را در یک شب اصلاح فرماید؛ همان گونه که امر کلیمش موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود و آن زمانی بود که برای آوردن آتش برای اهلش رفت و هنگام بازگشت، رسول و نبی بود... برترین اعمال شیعه ما انتظار فرج است.» (۱)

اقدامات عسکریین

اشاره

عصر این دو امام بزرگوار برهه تازه ای است که در آن اقدامات وسیع تری برای تمهید و زمینه سازی ورود شیعه به عصر غیبت انجام می گیرد. روی هم رفته اقدام های امام هادی و امام عسکری علیهما السلام را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- تبیین مسئله مهدی و غیبت ایشان

چون اصل مسئله مهدویت و غیبت از سوی پیامبر و ائمه پیشین تبیین شده بود، این دو امام عمدتاً بر نزدیکی آن زمان موعود تأکید می کردند. در روایات متعددی، امام هادی علیه السلام به این نکته تصریح دارد که مهدی فرزند فرزند اوست و غیبت او نزدیک است. (۲) در برخی روایات منقول از ایشان شیعه از این نکته آگاه

ص: ۱۹۹

۱- (۱). همان، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲- (۲). کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۳.

می شود که «مهدی» آن کسی است که ولادتش از دیگران پنهان باشد.

این گونه سخنان امام هادی علیه السلام هشدار می‌دهد برای شیعیان که مبادا پنهان بودن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دل هایشان تردید ایجاد کند.

وظیفه امام عسکری در آماده کردن زمینه غیبت به مراتب سنگین تر از قبل است؛ چون در این دوره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا آمده و زمان کوتاهی تا شروع عصر غیبت باقی مانده بود. از این رو، ایشان علاوه بر تبیین اصل مهدویت و غیبت امام، وظیفه اثبات وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تبیین تولد او را نیز بر دوش داشت. به همین سبب بود که آن حضرت بر بعضی از شیعیان خاص منت نهاده و آنها را به رویت جمال فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مفتخر می نمود. در برخی از موارد، امام عسکری علیه السلام زمان دقیق غیبت را مشخص فرموده است. «ابوغانم» می گوید: از ابومحمد حسن بن علی العسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «در سال ۲۶۰ شیعہ من دچار جدایی و افتراق خواهند شد».

(۱)

در بعضی از روایات نیز آن حضرت به اختلاف شیعه پس از شروع عصر غیبت تصریح فرموده است. (۲) و در بعضی دیگر، شیعه را به صبر و انتظار فرج در زمان غیبت فرمان داده است. (۳)

۲- کاهش ارتباط مستقیم با شیعه

از دیگر اقدامات عسکرین علیهما السلام برای آماده سازی زمینه غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف احتجاب تدریجی از شیعیان بود. این دو امام بزرگوار، هم از آن رو که در پادگان نظامی سامرا تحت کنترل حکام عباسی بودند و هم به لحاظ آن که در عصری نزدیک به عصر

ص: ۲۰۰

۱- (۱). همان.

۲- (۲). همان.

۳- (۳). تاریخ الغیبه الصغری، ص ۲۱۷.

غیبت می زیستند، به جبر یا اختیار بیشتر اوقات از شیعه در احتجاج بودند و غالب امور آنان و ارتباطاتشان با شیعیان از طریق مکاتبات و توقیعات و وکلا بود. به دلیل همین کثرت مکاتبات بود که «احمد بن اسحاق» از امام عسکری علیه السلام دست خطی خواست تا خط حضرت را از خط دیگران بازشناسد. (۱)

۳- تقویت نهاد وکالت

اشاره

یکی دیگر از زمینه سازی ها تقویت نهاد وکالت بود. شناخت هر چه بیشتر این نهاد و کیفیت سیر تکاملی آن مستلزم توجهی مستقل به این نهاد مهم است که در پی می آید.

الف) مفهوم لغوی و اصطلاحی واژه وکالت

وکیل یعنی کاردان، آن که بر وی کار گذارند (۲) و در اصطلاح یعنی واگذاری کاری به دیگری در حال حیات. (۳) با دقت در تعریف لغوی و اصطلاحی واژه وکالت چنین استنباط می شود که در ریشه لغوی این واژه «عجز از انجام مستقیم کار» نهفته است؛ یعنی موکل زمانی وکیل تعیین می کند که خود به خاطر علل و مقتضیاتی قادر به انجام مستقیم کاری نباشد. از این رو تعیین وکیل از سوی ائمه بدان جهت بوده است که ایشان به صورت مستقیم و با روش های عادی قادر به برقراری ارتباط با شیعیان در نقاط دوردست نبودند.

ب) معرفی اجمالی نهاد وکالت

اصطلاح نهاد یا سازمان وکالت نزد محققان مربوط به دوران حضور ائمه علیهم السلام و

ص: ۲۰۱

۱- (۱). همان، ص ۲۲۴.

۲- (۲). معجم مقائیس اللغه، ج ۶، ص ۱۳۶.

۳- (۳). تحریر الوسيله، ج ۲، ص ۳۹.

عصر غیبت صغری است. تشکیل این نهاد مربوط به عصر امام صادق علیه السلام است. در این عصر آن حضرت تعدادی وکیل به شهرهای شیعه نشین دور و نزدیک فرستاد تا نقش ارتباط بین امام و شیعیان را ایفا کنند. در عصر امام کاظم علیه السلام این نهاد شکلی وسیع تر یافت و در اواخر دوران امام رضا علیه السلام و سپس در زمان امام جواد علیه السلام سازمان منسجم تری پیدا کرد. این وضع در عصر امام هادی و امام عسکری نیز ادامه داشت تا آن که در عصر غیبت با اوج فعالیت این نهاد مواجه می شویم. وکلای ائمه علیهم السلام اعضای این نهاد بودند. آنان برای احراز این مقام لازم بود شرایط خاصی دارا باشند، آن گاه پس از احراز این مقام، وظایف خاصی بر دوش آنها نهاده می شد.

(ج) علل تشکیل نهاد وکالت

اشاره

این عوامل را می توان تحت عناوینی برشمرد:

یکم) لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان

اگر به گستردگی عالم اسلامی در آن عصر و پراکندگی شیعیان در نقاط مختلف، اعم از عراق، حجاز، ایران، مصر و مغرب توجه کنیم، به لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان آنها پی می بریم. چون طبیعی بود که همه شیعیان توانایی مسافرت به مدینه یا سایر مراکز سکونت امامان را نداشتند، لازم بود کسانی به عنوان نمایندگان رابط بین رهبری و شیعیان باشند.

دوم) جو خفقان عباسی و لزوم حفظ مکتب و شیعیان

هرچند وجود جو خفقان را نمی توان علت اصلی تشکیل نهاد وکالت دانست، ولی به طور قطع چنین جوی می تواند علت تشدید فعالیت این نهاد و گسترش آن باشد.

سوم) آماده سازی شیعه برای عصر غیبت

هر چه شیعه به عصر غیبت نزدیک تر می شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدودتر می گشت و نهاد و کالت نیز تقویت می شد تا جایی که در عصر دو امام هادی علیه السلام و عسکری علیه السلام غالب امور شیعه از راه مکاتبه و از طریق وکلا و نمایندگان صورت می گرفت. از این رو می توان گفت حداقل در عصر دو امام عسکری علیهما السلام تقویت نهاد و کالت به خاطر تمهید و زمینه چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده است.

چهارم) رفع بلا تکلیفی شیعه در عصر غیبت

وقتی به عصر «غیبت صغری» می رسیدیم، با توجه به اختفای کامل امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت او از انظار، ضرورت وجود این نهاد بیشتر رخ می نماید؛ چرا که تنها راه ارتباطی شیعه با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف سفرا و وکلا بودند.

د) محدوده زمانی و مکانی فعالیت نهاد وکلا

با توجه به شواهد و قراین باید نقطه شروع فعالیت نهاد وکالت را عصر امام صادق علیه السلام بدانیم. این نهاد به طور مستمر با افت و خیزهایی به فعالیت خود ادامه داد و در سال ۳۲۹ هم زمان با وفات چهارمین سفیر حضرت حجت به کار خود پایان داد. در این سال و با شروع غیبت کبری کار این نهاد به اتمام رسید. از این رو، اگرچه وکالت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای عام برای فقیهان و در عصر غیبت کبری وجود دارد، ولی این دیگر تحت مباحث مربوط به نهاد وکالت نمی گنجد.

از نظر محدوده مکانی دامنه فعالیت این نهاد گستره همه مراکز تجمع شیعیان است؛ زیرا در منابع نخستین تاریخ و کتب رجالی شیعه از وکلایی سخن به میان آمده است که هر یک در ناحیه خود مشغول فعالیت بوده اند. این نواحی عبارتند

از: حجاز (مدینه)، عراق (کوفه، بغداد، سامرا، واسط)، ایران (خراسان بزرگ، قم، ری، قزوین، همدان، آذربایجان، قرمیسین، اهواز، سیستان، بُست) و مصر. (۱)

ه) وظایف و شئون نهاد وکالت

اشاره

این وظایف در ادامه می آید.

یکم) دریافت وجوه شرعی

از آغاز تأسیس این نهاد، شاهد اقدام و کلا برای جمع و توزیع وجوه شرعی هستیم. از «معلی بن خنیس» به عنوان وکیل و قیم مالی امام صادق علیه السلام در مدینه یاد شده است. فعالیت او در جمع آوری وجوه از شیعیان سبب سوءظن عباسیان و شهادت وی شد.

«منصور» خلیفه عباسی او را متهم به گردآوری مال برای کمک به قیام «محمد عبدالله نفس زکیه» می نمود. (۲) در عصر امام کاظم علیه السلام با توجه به گسترش دامنه فعالیت نهاد وکالت و گسترش مناطق شیعه نشین مجموع وجوه مالی که به دست وکلای آن بزرگوار می رسید، به مراتب بیشتر از عصر امام صادق علیه السلام بود. همین فزونی اموال در دست بعضی از وکلای آن امام سبب شد که برخی از آنان پس از شهادت آن بزرگوار، راه خیانت پیش گیرند و با سردادن داعیه وقف و مهدویت آن امام و انکار امامت امام رضا علیه السلام سعی در تصرف این اموال نمایند.

در زمان های بعد نیز با توجه به سامان مندتر شدن این نهاد، وجوه مالی به طور منظم اخذ و توزیع می شد. گویا در عصر امام عسکری علیه السلام قدری سستی در پرداخت خمس از سوی برخی از شیعیان بروز نمود. در عصر غیبت صغری با تشدید پرداخت خمس و سایر وجوه مالی از سوی شیعیان مواجهیم.

ص: ۲۰۴

۱- (۱). رجال کشی، ص ۴۸۳، ۴۹۳، ۵۱۱، ۵۴۲ و ۶۱۱.

۲- (۲). تنقیح المقال، ج ۳، ش ۱۱۹۹۴.

«حسن بن محمد قطاه صیدلانی» وکیل در رسیدگی به امور وقفی در «واسط» بود. (۱) «احمد بن اسحاق قمی» وکیل همین امور در قم بودند. (۲) املاک و زمین های وقف شده در نقاط مختلف، از جمله ایران و عراق پراکنده بودند.

سوم) راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان

تردیدی نیست که وقتی کسی به عنوان وکیل عام امام معصوم علیهم السلام به مردم یک شهر یا منطقه معرفی می شود، از نظر آگاهی برتر از سایر افراد است - به ویژه در شناخت امام زمانش - و این وکلا بودند که بیشتر از سوی شیعیان مورد سؤال واقع می شدند.

همان گونه که پس از شهادت امام رضا علیه السلام حدود هشتاد تن از رهبران امامیه - که «عبدالرحمان بن الحجاج» سروکیل عراق و عده ای از وکلای دیگر در میان آنان بودند - در بغداد گرد آمدند تا پیرامون امامت حضرت جواد علیه السلام به بحث بنشینند؛ زیرا کمی سن آن حضرت موجب استبعاد بعضی در مورد امامت آن بزرگوار شده بود. (۳)

در عصر غیبت صغری که شیعه به ناگاه با وضعیت تازه ای مواجه شد، باز این نهاد وکالت بود که مرجع افراد نیازمند به راهنمایی بود. یکی از نمونه ها موردی است که امام هادی علیه السلام احمد بن اسحاق قمی را مأمور به مراجعه نزد «عثمان بن سعید» به هنگام عدم امکان دسترسی به امام علیه السلام می کند. (۴)

نمونه دیگر وقتی است که جامعه شیعه از «عمرو» نایب حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره مفوضه و عقایدشان استفسار نمودند. او در پاسخ، نقطه نظرات

ص: ۲۰۵

۱- (۱) . بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۶.

۲- (۲) . رجال نجاشی، ص ۶۶.

۳- (۳) . تاریخ سیاسی امام دوازدهم، ص ۷۸.

۴- (۴) . معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۱۲.

مفوضه در «نسبت دادن خلق و رزق به ائمه علیهم السلام» را تکذیب کرده و آن را مربوط به ذات مقدس باری تعالی دانست. (۱) همین طور «حسین بن روح نوبختی» وقتی با سؤال یکی از شیعیان درباره علت تسلط دشمنان بر امام حسین علیه السلام مواجه می شود، پاسخی تفصیلی و قانع کننده ارائه می کند؛ به گونه ای که راوی این جریان می گوید: «من در این که او پاسخ را از جانب خود بگوید، تردید کردم؛ ولی بدون این که سخنی بگویم، او رو به من کرد و گفت: این ها را از اصل (حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف) شنیده است». (۲)

همچنین «عبدالرحمان بن الحجاج» که وکیل ارشد امام صادق علیه السلام و سه امام بعدی بود، از جانب امام صادق علیه السلام مأمور بحث و مناظره با اهل مدینه می شود. (۳)

چهارم) نقش سیاسی نهاد وکالت

گرچه این نهاد به ظاهر برای جمع آوری وجوه شرعی تشکیل شده بود، ولی خود مسئله جمع اموال از اطراف و اکناف برای امامان شیعه از دید حکام بنی عباس فعالیت سیاسی تلقی می شد. (۴)

از طرف دیگر، اهتمام حاکمیت عباسی در عصر غیبت به شناخت اعضای نهاد وکالت، از دیگر قراین وجود نقش سیاسی برای این نهاد است. (۵) متوکل پس از اطلاع از فعالیت وسیع وکلای امام هادی علیه السلام در صدد قلع و قمع این نهاد و

ص: ۲۰۶

۱- (۱) . الغیبه، ص ۱۷۸.

۲- (۲) . کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۰۷.

۳- (۳) . رجال کشی، ص ۴۲۲.

۴- (۴) . علامه مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ش ۱۱۹۹۳.

۵- (۵) . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۰.

دستگیری اعضای آن برآمد و بعضی از یاران آن حضرت را دستگیر و شکنجه کرد و یا به شهادت رساند. (۱)

پنجم) نقش ارتباطی نهاد وکالت

بدیهی است شیعیان نقاط دوردست گاه حتی در یک مورد نیز موفق به دیدار امام خویش نمی شدند و برای رفع نیازهای شرعی، مالی و... به وکلا روی می آوردند. پرداخت وجوه مالی به وکلا، پرسش از مسائل شرعی و کلامی - اعتقادی و عرضه کردن مکاتبات و نامه ها به محضر امام به واسطه وکلا، دریافت پاسخ آنها، ارسال پیام های شفاهی و دریافت پاسخ آن و اخراج توقیعات از جمله مواردی بود که وکلا به عنوان رابط امام و شیعیان انجام می دادند. پیداست که اگر نهاد وکالت در میان مردم نبود، این امور تعطیل می شد و شیعیان بلا-تکلیف می ماندند. در مورد واژه «توقیع» باید گفت که در اصطلاح، کلمات قصاری بوده است که بزرگان در ذیل و حاشیه رسایل، عریضه ها و مانند آن در پاسخ سؤال یا حل مشکل و یا برای تعبیر از یک نظر و عقیده معین می نوشتند. ائمه علیهم السلام و به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این روش برای ارتباط با شیعیان به واسطه وکلا استفاده می کردند.

ششم) کمک به مظلومان و نیازمندان شیعه

برای نمونه: «علی بن یقطین» وکیل امام کاظم علیه السلام از کسانی بود که با نفوذ در دستگاه خلافت عباسی درصدد رفع ظلم از شیعیان برآمد و در این کار موفق بود. (۲) همچنین گاهی بعضی از وکلا مأمور رساندن کمک هایی از سوی ائمه علیهم السلام به نیازمندان

ص: ۲۰۷

۱- (۱). رجال کشی، ح ۱۰۰۵.

۲- (۲). همان، ص ۴۳۳.

شیعه می شدند؛ مانند: «محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین اسدی» که مأمور حج گزاردن به نیابت از امام رضا علیه السلام و رساندن کمک مالی به نیازمندان مدینه و اهل بیت آن حضرت شد. (۱) گاه وکلای ائمه مأمور رفع مخاصمات میان برخی از شیعیان می شدند و اگر لازم می شد، وجوه مالی را نیز در این راه مصرف می کردند؛ برای مثال: «مفضل بن عمر جعفی» وکیل و امین امام صادق علیه السلام مأمور پرداخت چهارصد درهم از سوی امام به ابوحنیفه، سائق الحاج و داماد او شد که در مورد ارث با هم مشاجره داشتند و این نشانگر اهتمام ائمه علیهم السلام به حفظ وحدت شیعیان است. (۲)

(و) ویژگی های نهاد وکالت

یکم) شرایط اعضا

وثاقت، زیرکی رازداری و پنهان کاری، نظم در امور، امانت داری و زهد، دوری از دل بستگی به دنیا و غرور، دوری از حسادت، شهرت طلبی، خیانت، غلو، جهل، تعصب باطل و گرایش به ظلم و باطل، احترام به خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله، آگاهی از کتاب خدا، سنت و حقوق ائمه علیهم السلام و قدرت انجام امور فوق العاده (خوارق عادت) به وقت لزوم در مورد ابواب ائمه علیهم السلام همچون نواب اربعه، شرایط وکلای ائمه علیهم السلام بوده است. (۳)

دوم) وظایف رهبری

رهبر - که همان امام معصوم علیهم السلام بود - بر کار و کلا نظارت دقیق داشت و اموری نظیر تعیین وکلای نواحی و معرفی ایشان به شیعیان بررسی عملکرد آنان،

ص: ۲۰۸

۱- (۱). تنقیح المقال، ج ۳، ش ۱۱۲۱۱.

۲- (۲). همان، ش ۱۲۰۸۴.

۳- (۳). بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۸۵.

شناساندن فضایل و شخصیت ایشان، عزل وکلای فاسد و خائن، جایگزینی وکلای جدید، معرفی جریان های دروغین وکالت و بابت و برخورد با آنان، راهنمایی وکلا در وظایفشان و کیفیت برخورد با حکومت عباسی، تأمین مالی وکلا و رد اتهامات نادرست ضد آنان برعهده وی بود. (۱)

سوم) وظایف وکیل ارشد (سروکیل)

مناطق مختلف در نهاد وکالت، تقسیم بندی خاصی می شدند و در نهایت برای هر یک از این مناطق وسیع یک وکیل ارشد منصوب می شد که وظیفه نظارت بر کار وکلای اعزامی به مناطق تحت قلمرو را به عهده داشت و وکلای جزء نیز موظف به مراجعه نزد سروکیل ها بودند. (۲)

چهارم) وظایف وکلای سیار

بعضی از وکیلان وظیفه سرکشی به مناطق مختلف را داشتند تا از سویی بر کار وکلای مقیم نظارت کنند و از سوی دیگر وسیله ای جهت ارتباط آنان با امام علیه السلام باشند. همچنین وجوه و اموال جمع شده نزد آنان را به امام علیه السلام انتقال دهند.

پنجم) اصل اختفا و پنهان کاری

از مهم ترین ویژگی های نهاد وکالت، اصل پنهان کاری است. بدیهی است که اختفا و پنهان کاری در عملکرد این نهاد، معلول خطرهای ناشی از حکومت عباسیان است. همین شیوه عملکرد بود که سلامت نهاد وکالت را در طول دوران حیاتش تضمین کرد.

ص: ۲۰۹

۱- (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۱.

۲- (۲). تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۳۷.

در مواردی نیز که خطر افشا شدن وجود داشت، فداکاری اعضا باعث شد که اصل نهاد سالم بماند. به این نمونه توجه کنید:

«معلی بن خنیس» وکیل امام صادق علیه السلام حتی پس از تهدید به قتل در پاسخ «داود بن علی» که از وی خواسته بود نام اصحاب امام علیه السلام را فاش کند، گفت: «مرا به قتل تهدید می کنی؟! به خدا قسم، اگر زیر پایم باشند، پایم را بر نمی دارم!» (۱)

در عصر غیبت صغری وقتی عبید بن سلیمان، وزیر عباسی از فعالیت پنهان وکلا مطلع شد، در اقدامی به هنگام، توقیعی از سوی ناحیه مقدسه صادر شد و همه وکلا را از اخذ هرگونه وجه بازداشت. از جمله این وکلا «محمد بن احمد» بود که وقتی یکی از جاسوسان حکومتی نزد او آمد و مدعی شد که قصد تحویل وجوهی دارد، پاسخ داد: «اشتباه آمده ای! من با این امور سروکاری ندارم.» و تا زمان رفع کامل خطر، وضع به همین صورت بود. (۲)

ز) چند تن از مهم ترین وکلا

در بررسی نخستین منابع رجالی - روایی و تاریخی به اسامی شمار بسیاری از وکلای ائمه علیهم السلام برمی خوریم که در حقیقت، همان اعضای نهاد وکالت بوده اند. اینک به چند تن از مهم ترین ایشان اشاره می کنیم:

عبدالرحمان بن الحجاج، محمد بن سنان، معلی بن خنیس، مفضل بن عمر جعفی، علی بن یقظین، علی بن ابی حمزه، صفوان بن یحیی، علی بن مهزیار اهوازی، زکریا بن آدم قمی و ایوب بن نوح بن درّاج. (۳)

ص: ۲۱۰

۱- (۱). معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۳۷.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۰.

۳- (۳). الغیبه، ص ۲۱۲.

۱. مسئله آماده سازی شیعه برای ورود به عصر غیبت، پیدایش ذهنیت لازم برای قبول غیبت و دوری از امام معصوم علیه السلام و محرومیت از ارتباط مستقیم با او، امری بود که از عصر پیامبر صلی الله علیه و اله به طور وسیع شروع شده بود و در دوره هریک از امامان شیعه علیهم السلام به طور مستمر ادامه یافت؛ اما وقتی به عصر امام هادی و امام عسکری علیهم السلام وارد می شویم، اقدامات وسیع تری برای زمینه سازی دیده می شود. آنان علاوه بر اخبار و پیش گویی از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیبت او و بیان خصوصیات غیبت و ظهور، به شکلی مشابه، ارتباط مستقیم با شیعیان را کاهش می دهند تا آنان به ارتباط از راه مکاتبه و واسطه عادت کنند. اقدام مهم دیگر عسکرین علیها السلام تقویت نهاد وکالت بود.

۲. «نهاد یا سازمان وکالت» به عنوان حقیقتی موجود از عصر امام صادق علیه السلام به بعد مطرح است.

۳. وجود رهبری از جمله ویژگی های بارز این نهاد است. رهبری این نهاد را امامان معصوم علیهم السلام دارای یک سلسله فعالیت های متناسب با این مقام بودند. در کنار رهبری، افرادی نقش معاونان رهبر را ایفا می کردند که به عنوان وکیل ارشد یا سروکیل، نظارت بر فعالیت وکلای یک یا چند منطقه را انجام می دادند.

۴. موارد زیر را می توان علل روی آوردن ائمه علیهم السلام به این نهاد برشمرد: الف) جو خفقان شدید ضد امامان شیعه علیها السلام و نبود امکان ارتباط آزادانه و مستقیم آنان با شیعیان؛ ب) گسترده گی عالم اسلامی در آن دوره و وجود شیعیان در مناطق مختلف و لزوم ارتباط آنان با امام.

۵. محدوده زمانی فعالیت این نهاد از عصر امام صادق علیه السلام تا پایان دوره غیبت صغری بود.

۶. محدوده مکانی فعالیت این نهاد گستره مناطق شیعه نشین بوده است. به این ترتیب، مناطقی از قبیل حجاز، عراق، ایران، یمن، مصر و احتمالاً مغرب تحت پوشش این نهاد بوده اند.

۷. وظایف این نهاد را می توان در نقش ارشادی، علمی، فرهنگی، سیاسی، ارتباطی و رفع مشکلات شیعیان، انجام امور شخصی و خاص برای ائمه علیهم السلام و بعضی موارد دیگر دانست. گو این که نمی توان منکر اهمیت نقش مالی این نهاد به عنوان یکی از مهم ترین وظایف شد.

۸. ویژگی های لازم برای و کلاسی ائمه علیهم السلام را می توان وثاقت، امانت داری، درست کاری، زیرکی، رازداری، نهان کاری، نظم و کاردانی، زهد، تقوا و کناره گیری از مطامع دنیوی دانست.

منابع برای مطالعه و تحقیق بیشتر

۱. شیخ طوسی، کتاب الغیبه؛

۲. ابن ابی زینب نعمانی، کتاب الغیبه؛

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه؛

۴. دکتر جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم؛

۵. بحارالانوار، ج ۵۰ و ۵۱؛

۶. کتاب های رجال؛

۷. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیه السلام؛

۸. حر عاملی، بصائرالدرجات و اثبات الهداه.

ص: ۲۱۲

۱. کدام یک از منابع زیر جزء منابع مورد استفاده ما در این بحث نیست؟

الف) الغیبه ، شیخ طوسی ب) کمال الدین، شیخ صدوق

ج) الغیبه، نعمانی د) اثبات الهداه، حر عاملی

۲. اقدامات عسکریین علیها السلام برای آماده سازی شیعه جهت ورود به عصر غیبت چه بود؟

الف) تبیین مسئله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت ایشان

ب) کاهش ارتباط مستقیم با شیعه

ج) تقویت نهاد و کالت

د) همه موارد

۳. نهاد و کالت در چه زمانی تشکیل شد؟

الف) عصر امام صادق علیه السلام ب) عصر امام جواد علیه السلام

ج) عصر امام هادی علیه السلام د) هیچ کدام

۴. علل تشکیل نهاد و کالت چه بود؟

الف) لزوم ارتباط رهبری و پیروان

ب) حفظ شیعیان و مکتب

ج) آماده سازی شیعه برای ورود به عصر غیبت

د) همه موارد

۵. کدام یک از مناطق زیر محدوده فعالیت و کلا نبود؟

الف) حجاز ب) عراق

ج) ایران د) حبشه

۶. کدام یک از موارد زیر از وظایف نهاد وکالت نبود؟

الف) دریافت وجوه شرعی ب) رسیدگی به اوقاف

ج) اقامه نماز جماعت د) راهنمایی و ارشاد شیعیان

۷. نهاد وکالت به چه دلیل دارای نقش سیاسی بوده است؟

الف) گردآوری وجوه برای امامان شیعه

ب) اهتمام حاکمیت به شناخت اعضای این نهاد

ج) شرکت اعضای نهاد در مخالفت های عمومی

د) الف و ب درست است.

۸. یکی از مهم ترین ویژگی های نهاد وکالت..... بوده است.

الف) برخورداری از اعضای فعال

ب) بنیه مالی قوی

ج) اصل اختفا و پنهان کاری

د) هیچ کدام

۹. کدام یک از موارد زیر از شرایط اعضای نهاد وکالت است؟

الف) وثاقت ب) دوری از شهرت طلبی

ج) رازداری د) همه موارد

۱۰. کدام یک از افراد زیر از وکلای ائمه علیهم السلام نیستند؟

الف) محمد بن سنان ب) معلی بن خنیس

ج) علی بن یقطین د) فهری

بخش چهارم: بررسی تاریخ عصر غیبت صغری

اشاره

ص: ۲۱۵

۱- وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری در عصر غیبت صغری

درآمد

محققان از دیرباز تاکنون برای پاسخ به سؤال‌های طرح شده پیرامون مهدویت و عصر غیبت صغری روش‌های مختلفی را در پیش گرفته‌اند. عده‌ای با اندیشه‌ای کلامی به این سؤال‌ها پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر با روش نقلی و استفاده از متون دینی و وحیانی درصدد پاسخ برآمده‌اند.

هدف این بخش، آشنایی با تاریخ عصر غیبت صغری در زمینه فکری، سیاسی و اجتماعی است تا بتوان با نگرش به این دوره و حقایق موجود، جواب پرسش‌های مذکور را به دست آورد. این دوره از زمان رحلت امام حسن عسکری علیه السلام در ۸ ربیع الاول ۲۶۰ هـ - که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متصدی امر ولایت و امامت شده است - آغاز می‌شود و در ۱۵ شعبان ۳۲۹ هـ با وفات چهارمین و آخرین سفیر و نایب خاص آن حضرت «ابوالحسن علی بن محمد سمری» به پایان می‌رسد.

پیش‌آزمون

۱. زمامداران سیاسی این دوره چه کسانی بودند؟
۲. تصور شما از حوادث مهم سیاسی این دوره چیست؟

ص: ۲۱۷

۳. وضعیت اجتماعی این دوره چگونه بود؟

۴. رویکردهای فکری این عصر را چگونه ارزیابی می کنید؟

وضع سیاسی جامعه و شیعه

اشاره

در این واحد آموزشی، رویدادهای این دوره حساس تاریخ شیعه را از دو منظر، جامعه به طور عموم و شیعه به طور خاص بررسی می کنیم.

۱- وضعیت سیاسی «جامعه به طور عموم»

اشاره

این دوره هفتادساله با زمامداری «معتد»، «معتضد»، «مکتفی»، «مقتدر»، «قاهر» و «راضی» از خلفای عباسی مقارن است.

ویژگی های وضعیت سیاسی در این دوره مانند ویژگی های دوره پیش از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یعنی غلبه و استیلای موالیان، به ویژه ترکان بر اوضاع سیاسی جهان اسلام بود. حکومت مرکزی به موازات استیلای رو به فزونی آنان روز به روز ضعیف تر می شد. خلفای عباسی با وجود همه این ضعف ها بر ظلم به مردم مسلمان افزودند. جو وحشت و اختناق با شدت تمام در سراسر این دوره حاکم بود؛ به ویژه در دوره معتضد (۲۷۹-۲۸۹ه) که به تعبیر شیخ طوسی در این دوره بسیار سخت از شمشیرها خون می چکید.

اینک به حوادث دیگر این دوره می پردازیم.

الف) انتقال خلافت از سامرا به بغداد

تغییر پایتخت از بغداد به سامرا در سال ۲۲۰ه از سوی معتصم عباسی تأثیر چندانی به حال دستگاه خلافت رو به ضعف نهاده نداشت؛ بلکه خود منشأ مشکلاتی برای آنان شد تا این که در سال ۲۷۹ه معتضد عباسی در بغداد از مردم

بیعت گرفت و مرکز خلافت به آنجا منتقل شد. از آن پس سامرا متروک شد و به صورت ویرانه ای باقی ماند.

(ب) ظهور قرامطه

از مشکلات عصر غیبت صغری برای جهان اسلام پدید آمدن فتنه قرامطه بود. (۱) قرامطه در سال ۲۷۷هـ سر به طغیان نهادند و بیش از سی سال در جهان اسلام بر مردم ستم کردند. آنها به قدری خشن و سفاک بودند که هیچ سپاهی جرأت روبه رو شدن با آنان نداشت.

(ج) کاهش قیام های علویان

ظهور غائله قرامطه و غائله «صاحب زنج» - که هر دو به شیعه نسبت داده شد - بهانه ای در دست خلفای عباسی شد. نتیجه این دو حرکت، تشدید جوّ اختناق بر ضد شیعیان و ناامیدی شیعه در روی آوردن به قیام های مسلحانه بود. با این حال، قیام های علویان به کلی فروکش نکرد و در همین دوره، پرچم مبارزه را در دست گرفتند و در برخی از قیام ها موفقیت هایی نیز داشتند؛ نمونه هایی از این دست عبارتند از: قیام «ابن الرضا» در ولایت دمشق که در سال ۳۰۰هـ رخ داد؛ قیام «حسن بن یحیی» در یمن به سال ۲۷۸هـ؛ قیام «اطروش» در ۳۰۱هـ در منطقه طبرستان و دیلم؛ قیام «حسن بن قاسم» در سال ۳۱۷هـ در ایران و قیام «احمد بن محمد طالبی» که در مصر روی داد. (۲)

(د) ظهور مهدی در شمال آفریقا

در سال ۲۹۶هـ، شخصی در شمال آفریقا ادعا کرد که مهدی موعود است. آغاز

ص: ۲۱۹

۱- (۱). قرامطه فرقه ای از اسماعیلیه اند؛ فرق الشیعه، نوبختی.

۲- (۲). مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۶۳.

حکومت او در «مدینه المهدی» که در مغرب بنا شده بود، در روز شنبه ۵ ذیقعده سال ۳۰۳ هـ بود. (۱)

ه) ظهور دولت های مستقل و خودمختار

الیان و فرمانروایان مناطق و نواحی از ضعف های فراوان و روزافزون خلافت عباسیان سوءاستفاده نموده و اعلان استقلال یا خودمختاری می کردند. پیش از دوره غیبت صغری چهار دولت مستقل در قلمرو خلافت عباسیان حکمرانی می کردند: دولت طولونیه در مصر و شام، دولت آل اغلب در تونس، دولت ادریسیان در مراکش و دولت امویان در قرطبه. (۲)

گذشته از این چهار حکومت خودمختار، در عصر غیبت، دولت های مستقل دیگری نیز پدید آمدند: ۱. صفاریان در خراسان؛ ۲. سامانیان در ماوراءالنهر؛ ۳. فاطمی در مصر و مغرب؛ ۴. آل بویه در طبرستان، برخی نواحی ایران و قسمتی از عراق؛ ۵. آل حمدان در موصل و حلب؛ ۶. اخشیدیه در شام و مصر. (۳)

۲- وضعیت سیاسی «شیعه به طور خاص»

در این عصر، شیعه از پایگاه سیاسی محروم بود. عباسیان به آل ابوطالب و به ویژه آل علی علیه السلام و شیعیانش حساسیت ویژه ای داشتند. دشمنی با شیعیان در زمان خلافت معتضد عباسی (۲۷۹-۲۸۹ هـ) بیش از زمان دیگر خلفای این دوره بود؛ اما این وضع در خلافت مقتدر عباسی (۲۹۵-۳۲۰ هـ) تا حدودی دگرگون

ص: ۲۲۰

۱- (۱). تاریخ الغیبه الصغری، ص ۳۵۳-۳۵۵.

۲- (۲). تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۱۷۰.

۳- (۳). همان، ج ۳، ص ۱۳۵.

شد. این دگرگونی با نفوذ خاندان «بنو فرات» شیعی در دستگاه خلافت آغاز شد. (۱) «ابوالحسن علی بن محمد بن فرات» سه بار به مقام وزارت رسید. در خلال سال های وزارت آزادی نسبی وی به وجود آمد. این دوره که هم زمان با سفارت «حسین بن روح» بود، فرصت خوبی به وی داد تا در میان رجال سیاسی نفوذ کند و وضعیت شیعیان را سامان بخشد.

۳- وضعیت اجتماعی «جامعه به طور عموم»

اشاره

برخی حوادث گویای وضع ناهنجار آن زمان را در پی می آوریم.

الف) اختلافات مذهبی و فرقه ای

در این زمان، در جوامع اسلامی اختلافات فرقه ای و مذهبی میان شیعه و سنی وجود داشت و حتی این اختلاف ها بین مذاهب اهل سنت نیز بروز و نمود داشت.

ب) اختلافات قومی و قبیله ای

حرکت های خودمختار و استقلال طلبانه ریشه ها و انگیزه های گوناگونی داشت که یکی از آنها اختلافات قبیله ای و بهاندادن به اقوام و قبیله های گوناگون از سوی حکومت مرکزی بود.

ج) اختلافات طبقاتی

بسیاری از ارزش های اسلامی در این عصر توسط حاکمان سیاسی به فراموشی سپرده شده بود و همین موجب نابسامانی های فراوان شد. طبق نوشته «دکتر حسن ابراهیم حسن» در این عصر اختلافات طبقاتی حاکم بود؛ از جمله این طبقات، گروه

ص: ۲۲۱

بندگان، غلامان و کنیزان بود. مصر، شمال آفریقا و شمال جزیره العرب بازار غلامان سیاه بود. آشوب زنگیان بازتاب همین فضای نامساعد بود. (۱)

(د) عیاشی و خوش گذرانی

عیاشی و نوش به ویژه نزد خلفا، وزرا، امرا و اشراف رواج داشت. طبق گفته «سیوطی» تنها «القاهر بالله» خلیفه عباسی، مطربی و بساط عیش و نوش را غدغن کرد و به دستور او کنیزکان آوازه خوان را دستگیر می کردند و ابزارهای طرب را می شکستند؛ در حالی که این وضع در مناطق دیگر نیز وجود داشت. امرای طولونیه در مصر نیز غرق بساط عیش و نوش بودند. (۲)

(ه) اسراف و تبذیرهای گسترده

اسراف و تبذیرهایی را که در زندگی حاکمان عباسی نقل کرده اند، به قدری گسترده است که تصدیق آن بر اذهان سنگینی می کند. در فصل گذشته به نمونه هایی از این موارد اشاره شد که دیگر تکرار نمی کنیم.

۴- وضعیت اجتماعی «شیعه به طور خاص»

شیعه در این دوره در تمام مناطق از نفوذ قابل توجهی برخوردار بود؛ اما با وجود این نفوذ گسترده چند موضوع باعث محدودیت و آزار شیعیان در این دوره شد:

- سیاست ضدشیعی حاکمان عباسی؛

- غلبه مکتب اشعری بر عدلیه؛

- جنایات قرامطه و زنگیان که آن را به شیعیان نسبت می دادند.

ص: ۲۲۲

۱- (۱). تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۴۲۴.

۲- (۲). سیوطی، تاریخ الخلفا، ص ۳۸۶.

از این رو، پس از حمله قرامطیان در سال ۳۱۱هـ به کاروان زایران خانه خدا، مردم بغداد بر ضد وزیر شیعی، علی بن فرات شعار دادند و به دنبال آن ابن فرات و پسرش از وزارت و مقام اداری خلع و سپس دستگیر، محاکمه و اعدام شد. در همین ارتباط حسین بن روح نوبختی سومین نایب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دستگیر و روانه زندان شد البته شیعیان در بیرون از قلمرو حکومت عباسیان، در مناطق خودمختار و یا «مستقل» در شرایط اجتماعی بهتری قرار داشتند.

۵- وضعیت فکری «جامعه به طور عموم»

اشاره

درباره وضعیت فکری این دوره، تنها به یادآوری دو نکته بسنده می شود:

الف) پیدایش مکتب اشعری

در نیمه قرن دوم هجری، دو جریان فکری در جهان اسلام پدیدار شد. در یک مکتب «عقل» بی ارزش بود و در فهم معارف اسلامی به ظواهر آیات و روایات بسنده می شد. این گروه را «اهل حدیث» می گفتند. گروه دیگری در برابر آنها ایستادند که بهای فراوانی به «عقل» می دادند. این دسته را «معتزله» می خواندند. در دوره قبل از غیبت صغری درگیری های زیادی بین این دو مکتب فکری رخ داد که گاهی مذهب اعتزال پیروز می شد و گاه مکتب اهل حدیث. این وضع ادامه داشت تا این که در نیمه نخست قرن چهارم «ابوالحسن اشعری» ظهور کرد. وی در یک چرخش فکری از مکتب اعتزال روی گردان شد و مکتب جدیدی بر شالوده مکتب اهل حدیث بنا نهاد که به نام خودش «اشاعره» معروف شد. شکل گیری این مکتب با حمایت مقتدر، خلیفه عباسی همراه بود. (۱)

ص: ۲۲۳

۱- (۱). جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۲.

نهضت نویسندگی و تدوین کتاب در دوره غیبت صغری ادامه یافت. چهار کتاب از شش کتاب مهم اهل سنت (صحاح سته) در این عصر نوشته شد: سنن «محمد بن یزید بن ماجه قزوینی»؛ سنن «سجستانی» متوفای ۲۷۵ه؛ الجامع الصحیح (سنن) «ترمذی» و سنن «احمد بن شعيب نسائی».

افزون بر این کتاب ها صدها کتاب پرارزش دیگر نیز در همین دوره تدوین شد که از آن جمله فتوح البلدان و انساب الاشراف بلاذری، اخبار الطوال دینوری، تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری، تفسیر طبری و الفتوح احمد بن اعثم کوفی است. (۱)

۶- وضعیت فکری «شیعه به طور خاص»

کتاب های با ارزشی از سوی علمای شیعه در این دوره هفتادساله تدوین شد. در این عصر، «قم» و «کوفه» دو مرکز مهم دانش و حدیث شیعه بود. اینک به اختصار به بیان نام برخی از نویسندگان شیعی و کتاب های آنان می پردازیم:

۱. تفسیر فرات «فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی»؛ ۲. تفسیر عیاشی «عیاشی تمیمی کوفی سمرقندی»؛ ۳. اصول و فروع کافی «کلینی»؛ ۴. الانوار فی تاریخ الائمه «همام»؛ ۵. تاریخ یعقوبی «احمد بن واضح یعقوبی»؛ ۶. بصائر الدرجات «صفار»؛ ۷. المحاسن «برقی»؛ ۸. کتاب های «ابن بابویه» که گفته می شود تا دویست کتاب نوشته است؛ ۹. مناقب شیعه «اشعری قمی»؛ ۱۰. قرب الاسناد «حمیری قمی»؛ ۱۱. الغیبه «نعمانی». (۲)

ص: ۲۲۴

۱- (۱). محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۶.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

۱. حکومت و خلافت در عصر غیبت صغری در اختیار شش تن از خلفای عباسی بود. اوضاع سیاسی و ویژگی های آن در امتداد ویژگی های دوره قبل از عصر غیبت بود و به موازات گذشته، استیلای موالی و به ویژه ترکان، ضعف رو به ازدیاد حکومت مرکزی و قدرت طلبی والیان ادامه داشت.

۲. مرکز خلافت در این دوره از سامرا به بغداد منتقل شد. آشوب های متعددی به راه افتاد. قیام های برخی از علویان و تشکیل دولت ها و حکومت های مستقل و خودمختار از ویژگی های سیاسی این دوره است.

۳. شیعه در این عصر از داشتن پایگاه سیاسی محروم بود. عباسیان نسبت به آل ابوطالب، آل علی علیه السلام و شیعیان آنان حساسیت خاصی داشتند. شدت فشار بر شیعیان در زمان خلافت معتضد عباسی بیش از زمان های دیگر بود؛ اما این وضع در زمان خلافت مقتدر عباسی با نفوذ خاندان بنوفرات شیعی دگرگون شد.

۴. وضعیت اجتماعی نیز در ادامه وضع ناهنجار و اسفناک دوره گذشته بود. اختلافات فرقه ای، مذهبی و قومی، شکاف عمیق بین فقرا و اغنیا و خوش گذرانی، اسراف و تبذیر خلفا، وزرا، اعیان و اشراف از ویژگی های اجتماعی این دوره است. در این دوره، شیعیان نیز از وضعیت اجتماعی خوبی برخوردار نبودند و مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند؛ البته شیعیان در خارج از قلمرو عباسیان در وضعیت اجتماعی بهتری قرار داشتند.

۵. در زمینه فکری نیز شکل گیری مکتب فکری اشعری، غلبه آن بر مکتب اعتزال و تدوین کتاب های روایی اهل سنت از ویژگی های این عصر است؛ به علاوه علمای شیعه نیز در این عصر، کتاب های با ارزشی را تدوین کردند.

۱. کدام یک از افراد زیر از خلفای این دوره نیستند؟

الف) معتز ب) معتمد

ج) معتضد د) قاهر

۲. انتقال مرکز خلافت از سامرا به بغداد در دوره کدام خلیفه عباسی بود؟

الف) معتمد ب) معتضد

ج) مقتدر د) راضی

۳. کدام غائله سیاسی بود که مشکلاتی را در این دوره برای خلفا ایجاد کرد و باعث تشدید جو بر ضد شیعه شد؟

الف) صاحب زنج ب) قرامطه

ج) خوارج د) هیچ کدام

۴. قیام «ابن الرضا» از علویان در کدام منطقه رخ داد؟

الف) ولایت دمشق ب) منطقه طبرستان

ج) منطقه دیلم د) هیچ کدام

۵. در عصر غیبت صغری در یک زمان، سه نظام سیاسی به نام نظام خلافت تشکیل شده بود. کدام یک از نظام های زیر از

نظام های مذکور نیستند؟

الف) صفاریان ب) عباسیان

ج) امویان د) فاطمیان

۶. این تعبیر «در زمان او (معتضد عباسی) از شمشیرها خون می چکید» از کدام یک از علمای شیعه است؟

الف) شیخ طوسی ب) کلینی

ج) شیخ مفید د) هیچ کدام

۷. در این عصر در برخی موارد چرخش سیاسی به نفع شیعه شد. این دگرگونی با نفوذ خاندان در دستگاه خلافت آغاز شد.

الف) حمیری ب) نعمانی

ج) بنو فُرات د) اشعری

۸. کدام یک از موارد زیر از ویژگی های اجتماعی این دوران است؟

الف) اختلافات مذهبی و قومی

ب) اختلافات طبقاتی

ج) اسراف و تبذیر

د) همه موارد

۹. مطربی و بساط عیش و نوش در این عصر تنها در دوره کدام خلیفه عباسی غدغن شد؟

الف) راضی ب) قاهر

ج) مقتدر د) مکتفی

۱۰. کدام یک از عوامل زیر باعث محدودیت، آزار و رنجش شیعیان شد؟

الف) سیاست ضدشیعی حاکمان عباسی

ب) پیروزی مکتب اشعری بر عدلیه

ج) جنایت وحشیانه قرامطه و زنگیان

د) همه موارد

۱۱. کدام مکتب فکری در این دوره ظهور و نمود پیدا کرد؟

الف) اعتزال ب) اهل حدیث

ج) اشعری د) هیچ کدام

۱۲. کدام یک از کتاب های زیر از کتاب های تدوین شده اهل سنت در این دوره است؟

الف) سنن ابن ماجه ب) سنن ابوداود

ج) سنن ترمذی د) همه موارد

۱۳. کدام یک از کتب زیر در این دوره تألیف شده است؟

الف) اخبار الطوال ب) انساب الاشراف

ج) تاریخ طبری د) تاریخ مسعودی

۱۴. دو مرکز علمی و حدیثی شیعه در این دوران کدام شهرها بودند؟

الف) قم و کوفه ب) نجف و کوفه

ج) قم و نجف د) هیچ کدام

۱۵. کدام یک از کتاب های زیر در دوره هفتادساله غیبت صغری نوشته شد؟

الف) تفسیر فرات (فرات بن ابراهیم کوفی)

ب) تفسیر عیاشی (محمد بن مسعود عیاشی)

ج) اصول و فروع کافی (کلینی)

د) همه موارد

ص: ۲۲۸

سرانجام، پدیده ای که از سوی پیامبر صلی الله علیه و اله و ائمه معصومین علیهم السلام حدود ۲۶۰ سال برای آن زمینه سازی شده بود، رخ داد. تاریخ شیعه با این حادثه به دوران پیچیده و حیرت آوری وارد شد. مردم این دوران با محرومیت از ارتباط مستقیم با امام زمانشان مورد امتحان و ابتلای سخت تری واقع شدند. به همین خاطر، بررسی تاریخ این دوره حساس از تاریخ شیعه اهمیت فوق العاده ای دارد. این واحد آموزشی، علاوه بر این که درصدد بیان زمان و مکان آغاز غیبت و چگونگی آن است، از فلسفه غیبت و بیان ویژگی های این عصر نیز بحث می کند.

پیش آزمون

۱. آیا می دانید آغاز غیبت صغری در چه روز و چه سالی بود؟
۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کجا و چگونه غایب شد؟
۳. تصور شما از حکومت و غیبت امام زمان چیست؟
۴. به نظر شما بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام چه اتفاقی در جامعه شیعی رخ داد؟

غیبت صغری از هنگام شهادت امام حسن عسکری علیه السلام آغاز می شود. معتمد خلیفه عباسی همواره از محبوبیت و پایگاه اجتماعی امام حسن عسکری علیه السلام نگران بود. وقتی دریافت با وجود آن همه محدودیت که نسبت به آن حضرت روا داشته است، نه تنها پایگاه مردمی آن حضرت کم نشده، بلکه بیش از پیش محبوب دل های مردم شده است، بر نگرانی او افزوده شد؛ تا آنجا که در صدد قتل ایشان بر آمد و حضرت را به شکلی مرموز و پنهانی مسموم کرد. (۱)

شهادت امام عسکری علیه السلام در روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰هـ بعد از نماز صبح اتفاق افتاد. پس از آن تمام بازارها و ادارات دولتی تعطیل شد و مردم دسته دسته در اطراف خانه امام به عزاداری پرداختند و بعد در تشییع پیکر مطهر شرکت کردند. سامرا چنین تشییع جنازه ای را در طول تاریخ خود ندیده بود. (۲)

«عثمان بن سعید عمری» متصدی غسل، کفن و دفن حضرت شد. جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام خواست بر آن حضرت نماز بخواند که ناگهان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شد و فرمود: «تأخر یا عم! فأنا احق بالصلاه علی ابی»؛ ای عمو! عقب بایست؛ من شایسته ترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم. (۳)

داستان سرداب (مکان غیبت)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کجا و چگونه غایب شد؟ در این باره تهمت هایی به شیعه زده اند و می گویند: شیعه معتقد است که مأموران خلیفه عباسی به منزل

ص: ۲۳۰

۱- (۱). هاشم معروف الحسنی، سیره الائمه الاثنی عشر، ج ۲، ص ۴۲۹.

۲- (۲). مفید، الارشاد، ص ۳۶۲.

۳- (۳). کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۵.

حضرت در سامرا هجوم آوردند تا او را دستگیر کنند و ایشان در آن هنگام در «سرداب» از دیده ها پنهان شد و تاکنون در آنجا بدون آب و غذا زندگی می کند و روزی از آنجا ظهور خواهد کرد؛ درحالی که در منابع شیعی هیچ نامی از سرداب نیست. نویسندگان اهل سنت پنداشته اند که شیعیان، امام خود را در میان سرداب، می جویند و ظهورش را از آن نقطه انتظار می کشند. (۱)

واقعیت قضیه این است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از هنگام ولادت در اختفا به سر می برد و بنا به مصالحتی تولد و زندگی او آشکار نبود و بعد از رحلت پدر گرامی، غیبت صغرای آن حضرت آغاز شد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از نماز گزاردن بر پیکر پاک پدر و دفن ایشان وارد منزل شد و دیگر کسی آن حضرت را در اجتماع و میان مردم ندید. آن حضرت، بنابر روایات شیعی در بین مردم زندگی می کند و در موسم حج حاضر می شود؛ ولی مردم او را نمی شناسند. خانه ای که از آن سخن گفته شد، دو قسمت داشت: بیرونی و اندرونی. یک سرداب هم زیر اتاق ها بود که اهل خانه در ایام گرما در آن زندگی می کردند. شیعه به خاطر این که امامانش حضرت هادی، عسکری علیها السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این خانه عبادت می کردند، این خانه و سرداب را محترم می شمارد؛ اما این احترام جدا از تهمت های مخالفان به شیعه است. (۲)

فلسفه غیبت

اشاره

فلسفه غیبت از جمله مباحث اعتقادی است و رنگ تاریخی ندارد، اما بی مناسبت نیست که در این واحد آموزشی به طور خلاصه به مواردی از آن اشاره شود:

ص: ۲۳۱

۱- (۱). صافی، منتخب الاثر، ص ۳۷۲.

۲- (۲). مجله حوزه، ش ۷۰ و ۷۱.

۱- سری از اسرار الهی

غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سری از اسرار الهی است که حکمت آن بر بندگان پوشیده و پنهان است و تنها پس از ظهور ایشان روشن خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «یا جابر! انّ هذا الامر من امر الله و سرّ من سرّ الله، مطوّی عن عباده»؛ (۱) ای جابر! این امر، الهی و سری از اسرار خداوندی است که بر بندگان او پوشیده است.

۲- آزمایش و غربال انسان های صالح

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! من و این دو فرزندم (حسن و حسین علیهما السلام) شهید خواهیم شد. خداوند در آخرالزمان، مردی از فرزندانم را به خونخواهی ما برخواهد انگیخت و او دوره ای غایب خواهد شد تا مردم آزمایش شوند و گمراهان جدا گردند؛ تا جایی که نادان می گوید: خداوند دیگر به آل محمد صلی الله علیه و اله کاری ندارد.» (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «این غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امتحان شیعه است.» (۳)

۳- ستم پیشگی انسان ها

امیرمؤمنان علی علیه السلام در مسجد کوفه فرمود: «زمین از حجت الهی خالی نمی ماند، ولی خداوند به دلیل ستم پیشه بودن و زیاده روی انسان ها آنان را از وجود حجت خداوندی محروم می سازد.» (۴)

ص: ۲۳۲

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۲- (۲) . الغیبه (شیخ طوسی)، ص ۲۰۴.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . الغیبه (نعمانی)، ص ۱۴۱.

۴- آزادی از بیعت با طاغوت های زمان

امام حسن مجتبی علیه السلام در این باره فرمود: «هرکدام از ما در زمان خود، بیعت حاکمان و طاغوت های زمان را از روی تقیه به عهده گرفته ایم؛ مگر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که عیسی بن مریم علیه السلام به امامت آن حضرت نماز می گزارد. خداوند ولادت او را پنهان نگه داشت و برای او غیبتی در نظر گرفت تا زمانی که قیام می کند بیعت حاکمی بر گردنش نباشد». (۱) روایات دیگری نیز در این باره از دیگر امامان معصوم علیهم السلام رسیده است؛ مانند این که امام سجاد علیه السلام فرمود: «برای احدی بر گردن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعتی نیست». (۲) یا روایت امام هشتم علیه السلام: «به خاطر اینکه وقتی حضرت با شمشیر قیام کرد، بیعت هیچ فردی بر گردن او نباشد». (۳)

۵- حفظ جان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

خداوند با غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف جان ایشان را از شر دشمنان حفظ کرده است. روایات فراوانی از امامان معصوم علیهم السلام در این باره به ما رسیده است. امام پنجم علیه السلام فرمود: «برای قائم ما (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) قبل از آنکه به پا خیزد، غیبتی است». راوی پرسید: «برای چه؟» حضرت فرمود: «به خاطر این که ترس از کشته شدن او وجود دارد.»

۶- آمادگی جهانی

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم الاوصیا و منجی انسان نیاز به زمینه و آمادگی جهانی دارد. بنابراین، می توان فقدان آمادگی جهان را یکی از فلسفه ها و حکمت های غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برشمرد.

ص: ۲۳۳

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۲- (۲). همان، ص ۱۳۵.

۳- (۳). کمال الدین، ص ۴۸۰.

ویژگی های این دوره عبارت است از این که: نخست، زمان غیبت صغری محدود بود، ولی مدت غیبت کبری را کسی جز خداوند سبحان نمی داند؛ دوم، در دوره غیبت صغری حضرت به طور کلی از دیده ها پنهان نبود؛ سوم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوره چهار نماینده خاص داشت که برای تک تک آنان حکم و کالت صادر نموده بود؛ چهارم، در دوره غیبت صغری ممکن بود که برخی از افراد آن حضرت را ببینند و ایشان را بشناسند؛ ولی در غیبت کبری کسی او را نمی بیند و اگر هم ببیند، نمی شناسد؛ اگر هم برخی خواص، ایشان را ببینند و بشناسند، اجازه ندارند آن را برای دیگران بازگویند، مگر با اجازه خود حضرت.

اختلافات فرقه ای پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام به خاطر وجود جو خفقان و سخت گیری خلفای عباسی بیش از سایر ائمه علیهم السلام به کتمان امور می پرداخت؛ از جمله این اقدام های احتیاط آمیز، پنهان داشتن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود؛ چون آنان در صدد بودند که اگر از امام عسکری علیه السلام فرزندی متولد شود، او را به شهادت برسانند. اختفای ولادت آن حضرت باعث شد که برخی از شیعیان در آغاز شهادت امام عسکری علیه السلام در امر امامت دو امام یازدهم و دوازدهم دچار شک و تردید شوند؛ به طوری که در برخی کتاب ها آمده است که پیروان امام عسکری علیه السلام در این دوران به چهارده یا پانزده گروه منشعب شدند. امثال مسعودی از تقسیم پیروان آن حضرت به بیست گروه نیز گزارش داده اند. در عصر حاضر هیچ پیروی برای این فرقه ها وجود ندارد و حتی در زمان شیخ مفید نیز این فرقه ها وجود خارجی نداشته اند. (۱)

ص: ۲۳۴

۱. غیبت صغری از هنگام شهادت امام حسن عسکری علیه السلام یعنی جمعه، هشتم ربیع الاول ۲۶۰هـ آغاز می شود.
۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از نماز گزاردن بر پیکر پاک پدر و دفن ایشان وارد منزل شد و دیگر کسی آن حضرت را در اجتماع و میان مردم ندید.
۳. فلسفه غیبت از جمله مباحث کلامی است، اما بی مناسبت نبود که در این واحد آموزشی، هرچند به طور خلاصه به برخی از موارد آن اشاره شود.
۴. زمان غیبت صغری محدود بود و امام به طور کلی از دیده ها پنهان نبود، بلکه از طریق چهار وکیل خاص با مردم ارتباط داشت.
۵. اختلافی ولادت آن حضرت باعث شد که برخی از شیعیان در آغاز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در امر امامت دو امام یازدهم و دوازدهم دچار شک و تردید شوند.

۱. آغاز غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه تاریخی است؟

الف) هشتم ربیع الاول ۲۶۰هـ ب) نهم ربیع الاول ۲۵۹هـ

ج) هشتم ربیع الاول ۲۵۹هـ د) نهم ربیع الاول ۲۶۰هـ

۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کجا و چگونه غایب شد؟

الف) در سرداب و بعد از هجوم دستگاه حکومت

ب) در سرداب و پس از مراسم تدفین

ج) در منزل پدری و بعد از هجوم دستگاه حکومت

د) در منزل پدری و بعد از مراسم تدفین

۳. کدام یک از موارد زیر از موارد فلسفه غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده می شود؟

الف) سری از اسرار الهی ب) آزمایش و غربال انسان های صالح

ج) حفظ جان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف د) همه موارد

۴. کدام یک از موارد زیر از ویژگی های دوره غیبت صغری نیست؟

الف) محدودیت زمانی ب) اختفای کامل

ج) برخورداری از نواب اربعه د) ارتباط امام با مردم از طریق وکلا

۵. پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام پیروان ایشان به چند گروه تقسیم شدند؟

الف) ۱۴ یا ۱۵ گروه ب) ۱۰ گروه

ج) ۲۰ گروه د) ۵ گروه

درآمد

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره غیبت صغری چهار تن را به عنوان نواب خاص خود به شیعیان معرفی نمود. این چهار نفر از اصحاب باسابقه امامان پیشین و عالمان بزرگ و پارسای شیعه بودند: ابوعمر، عثمان بن سعید عمری؛ ابوجعفر، محمد بن عثمان بن سعید عمروی، ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن، علی بن محمد سمی.

امامیه بیشترین اطلاعات خود را درباره زندگی و فعالیت های این چهار سفیر و نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کتاب الغیبه تألیف شیخ طوسی نقل می کنند. مطالبی درباره این چهار بزرگوار تحت این عنوان آورده می شود:

الف) نواب اربعه؛

ب) ملاک نصب نواب اربعه؛

ج) چگونگی ارتباط نواب اربعه با شیعه؛

د) وظایف و مسئولیت های نواب اربعه.

پیش آزمون

۱. آیا نام نواب اربعه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می دانید؟

ص: ۲۳۷

۲. چه ملاک هایی برای نصب نواب اربعه مورد نظر بود؟

۳. آیا از کیفیت ارتباط نواب اربعه با شیعه اطلاع دارید؟

۴. به نظر شما وظایف و مسئولیت های نواب اربعه چه بود؟

نواب اربعه

۱- ابوعمرو، عثمان بن سعید عمروی

او نخستین نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی علاوه بر داشتن سمت وکالت از طرف امام هادی علیه السلام، رهبری سازمان وکالت را نیز بر عهده داشت. (۱) امام عسکری علیه السلام در مورد وی فرمود: «بله، گواه باشید که عثمان بن سعید عمروی، وکیل من است». (۲) بنا به روایت دیگری، امام عسکری علیه السلام جانشین خود را به چهل نفر از شیعیان مورد اعتماد، مانند «حسین بن ایوب»، «علی بن هلال» و «عثمان بن سعید» معرفی کرد. (۳) پس از رحلت امام عسکری علیه السلام همین عثمان بن سعید عمروی بود که مراسم غسل، کفن و دفن ایشان را عهده دار شد. توقیعات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز توسط وی به دست شیعیان می رسید. عثمان بن سعید پس از رحلت امام عسکری علیه السلام از سامرا به بغداد رفت و در منطقه «کرخ» ساکن شد و در آنجا تا پایان زندگی امور دفتر نیابت را سرپرستی می کرد. (۴) با آنکه عثمان بن سعید عمروی نقش مهمی در تاریخ شیعه دارد، ولی هیچ کس تاریخ مرگ او را ارائه نکرده است. بعضی آن را سال ۲۵۶هـ و بعضی دیگر ۲۸۰هـ و دیگری ۲۶۷هـ گفته اند.

ص: ۲۳۸

۱- (۱). کشی، اختیار المعرفه الرجال، ص ۵۲۳.

۲- (۲). الغیبه، (شیخ طوسی)، ص ۲۱۶.

۳- (۳). کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۵.

۴- (۴). مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکاملی، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۲- ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمروی

وی دومین سفیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بعد از وفات پدر از ناحیه مقدسه به سمت وکالت و نیابت خاص منصوب شد. او دو ماه قبل از مردن با راهنمایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، زمان مرگ خود را یادآور شد. از این رو، قبری برای خود حفر کرد و در روز موعود چشم از دنیا فرو بست. (۱)

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

او سومین نایب برگزیده امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وی از سوی نایب دوم به خواص شیعیان و وکیلان آن حضرت معرفی شد. حسین بن روح در آخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ هـ تا سال ۳۲۶ هـ به مدت ۲۱ سال نیابت را بر عهده گرفت. وی در هجدهم شعبان همین سال چشم از دنیا فرو بست. پیکر ایشان را در بغداد به خاک سپردند و مقبره اش زیارتگاه شیعیان است. (۲)

۴- ابوالحسن، علی بن محمد سمری

وی چهارمین و آخرین نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او پس از درگذشت نایب سوم بنا به وصیت وی و به فرمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مقام نیابت خاص را عهده دار شد. او از هجدهم شعبان سال ۳۲۶ هـ تا پانزدهم شعبان سال ۳۲۹ هـ سازمان وکالت و نیابت را رهبری نمود.

وی شوهرخواهر وزیر عباسیان، جعفر بن محمد بود. این رابطه او را قادر ساخت که سمت مهمی در دستگاه عباسیان به دست آورد. (۳) وکلا و خواص

ص: ۲۳۹

۱- (۱). تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۷۰.

۲- (۲). حیا الامام محمد المهدی، ص ۱۳۰.

۳- (۳). تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۲۱۰.

شیعه، او را به عنوان سفیر راستین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به رسمیت شناختند و وجوه شرعی خود را به وی تحویل می دادند تا آن را به ناحیه مقدسه برساند.

وی هم به جهت کوتاه بودن مدت نیابت و هم به خاطر وضعیت خاص سیاسی نتوانست فعالیت های گسترده ای انجام دهد و یا اگر هم موفق به فعالیت گسترده ای شده بود، به جهت شدت رعایت تقیه، احتیاط و استتار، آن فعالیت ها برای آیندگان نقل نشده است.

آخرین توقیع از ناحیه مقدسه شش روز قبل از درگذشت ایشان صادر شد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این توقیع، زمان درگذشت سمری را پیش گویی کرد و اعلان نمود که بعد از این، سفیر و نایبی را معین نکنند و با مرگ سمری دوره غیبت صغری به پایان می رسد و غیبت کبری شروع می شود. (۱) به طور کلی نکات آخرین توقیع را می توان در این موارد برشمرد:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شش روز قبل از درگذشت نایب چهارم، وفات وی را به او اطلاع داد و در روز موعود، مرگ وی فرا رسید. تحقق این پیش گویی در روز موعود، دلیل قاطعی بر صدور این توقیع از جانب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمان داد: «کسی را در امر نیابت خود قرار مده!» این جمله دلالت دارد که راه ارتباط مستقیم بین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نواب خاص به پایان می رسد.

۳. زمان پایان «غیبت صغری» و آغاز «غیبت کبری» در این توقیع بیان شده است.

۴. ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن خداوند است و بر ما معلوم نیست که در چه تاریخی ظاهر خواهد شد.

۵. دوشانه برای ظهور امام در این توقیع آمده است: «قیام سفیانی» و «صیحه آسمانی».

ص: ۲۴۰

سفیران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف افزون بر شرایط عام ایمان، تقوا، درایت و بندگی خدای سبحان باید از چند ملاک ویژه نیز برخوردار باشند:

۱- تقیه و رازداری

نمونه بارز این ویژگی را در نایب سوم، یعنی حسین بن روح نوبختی می توان یافت. وی در حد بسیار بالایی از این ویژگی بهره برد؛ به گونه ای که هر یک از علمای مذاهب اسلامی او را به خود منتسب می کردند. او در مسیر رعایت تقیه، یکی از خدمت گزاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن نمود، عزل و اخراج کرد. نخستین سفیر، یعنی عثمان بن سعید نیز به جهت رعایت تقیه می کوشید خود را از بازرسی های رژیم عباسی دور نگه دارد. بدین منظور در هیچ بحث و مجادله مذهبی و یا سیاسی به صورت آشکار درگیر نمی شد. (۱)

۲- صبر و مقاومت

برای این ویژگی نیز نمونه ای از حسین بن روح آورده می شود: عده ای از «ابوسهل نوبختی» پرسیدند: «چرا تو نایب خاص حضرت نشدی و به جای تو حسین بن روح از ناحیه مقدسه متصدی منصب سفارت شد؟» او در پاسخ گفت: «آنان بهتر از همه می دانند که چه کسی لایق این مقام است. من فردی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم و با آنان مناظره می کنم. اگر آن چه را که نایب سوم درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند، من می دانستم، شاید آن گاه که لجاجت را در بحث هایم با دشمنان می دیدم، می کوشیدم دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه کنم و در

ص: ۲۴۱

۱- (۱). تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۴۹.

نتیجه، محل اقامت او را برملا- سازم؛ اما اگر حسین بن روح، امام را زیر عبای خود پنهان کرده باشد و بدنش را قطعه قطعه کنند تا او را نشان دهد، هرگز عبای خود را کنار نمی زند و امام را نشان نمی دهد!». (۱)

۳- عقل و درایت

شیخ طوسی در کتاب گران سنگ الغیبه روایتی را نقل می کند که بر درایت ویژه سفیران و نایبان خاص حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد.

۴- برنیانگیختن حساسیت حاکمان

چون کار این نواب بسیار پنهان و مهم و به تعبیر امروزی، سری و فوق سری بود، به افرادی نیاز داشت که دستگاه حکومت عباسی به آنها ظن نباشد؛ برای مثال: نخستین سفیر حضرت، عثمان بن سعید معروف به «زینات» و «سمان» بود. وی در پوشش روغن فروشی کارهای مربوط به وکالت را انجام می داد و هرگز به خیال دستگاه حکومت نمی رسید که او سفیر خاص حضرت باشد. دومین سفیر هم مانند پدرش روغن فروش بود و نایب سوم که از خاندان نوبخت بود، با دربار ارتباط داشت و از نفوذ خوبی بهره مند بود. در نتیجه آنان هرگز تصور نمی کردند که او با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ارتباط باشد.

چگونگی ارتباط نواب اربعه با شیعیان

اشاره

شیعیان دو گونه ارتباط با نواب داشتند: با واسطه و به شکل هرمی و بی واسطه و مستقیم.

ص: ۲۴۲

۱- (۱). الغیبه، (شیخ طوسی)، ص ۲۴۰.

۱- ارتباط غیر مستقیم

ارتباط با واسطه یک اصل در سازمان و کالت بود. این سازمان باید در ارتباط با مردم از راه های استتاری بهره می جست؛ زیرا هر حرکتی از طرف حاکمان عباسی هدف شدیدترین ظلم و ستم ها قرار می گرفت. و کلا نقش واسطه را در این ارتباط عهده دار بودند و مردم خواسته های خود را با آنان در میان می گذاشتند؛ نمایندگان نیز آنها را به سفیر و نایب امام منتقل می کردند و پاسخ آن را از ناحیه مقدسه دریافت می نمودند. سفیر در این ارتباط به منزله «رأس هرم» و کلا و خواص، وسط و «بدنه هرم» و مردم به منزله «قاعده هرم» با هم در ارتباط بودند؛ برای نمونه: «محمد بن عثمان» سفیر دوم، در بغداد دو وکیل داشت که یکی از آنها حسین بن روح بود. این عده به ظاهر وکیل شخصی ایشان در امور تجاری بودند، ولی در واقع وکیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند و برای سازمان و کالت فعالیت می کردند. شدت استتار به حدی بود که در آغاز حتی عالمان برجسته شهرستان ها نیز از جانشینی امام عسکری علیه السلام اطلاعی نداشتند. به عنوان مثال، بنا به روایتی مجلسی در بحارالانوار و شیخ طوسی در الغیبه نقل می کنند که محمد بن ابراهیم مهزیار اهوازی پس از رحلت امام یازدهم، امام زمان حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را نمی شناخت. او پس از چند سال که از آغاز غیبت صغری گذشته بود، به منظور شناخت امام زمان به عراق سفر کرد. (۱)

۲- ارتباط مستقیم

این ارتباط در آغاز فعالیت نواب اربعه در دوره غیبت صغری وجود نداشت؛

ص: ۲۴۳

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۰.

چون بنا بود که مسئله نیابت خاصه پنهان بماند. کم کم شیعیان به صورت پنهانی، نام و نشانی سفیر را از نمایندگان و خواص می گرفتند و می توانستند با او تماس مستقیم داشته باشند. این کار بیشتر از زمان سفیر دوم شروع شد.

شیخ طوسی درباره این نوع ارتباط می نویسد: «عده ای از افراد مورد اعتماد، پیش سفرای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می رفتند و با دادن نامه یا بیان خواسته های خود پاسخ آن را از ناحیه مقدسه دریافت می کردند.» (۱) پاسخ هایی که در این نوع ارتباط دریافت می کردند، گاهی به شکل کتبی و گاه به صورت شفاهی بود؛ چنان که حسین بن روح به برخی از پرسش کنندگان گفت: «شما مأموریت دارید به حائر بروید.» (۲)

وظایف و مسئولیت های نواب اربعه

وظایف و محور کلی فعالیت های نواب از این قرار بود:

الف) زدودن شک و حیرت مردم درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

ب) حفظ امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از راه پنهان داشتن نام و مکان ایشان؛

ج) سازمان دهی و سرپرستی سازمان و کالت؛

د) پاسخ گویی به مشکلات فقهی و عقیدتی؛

ه) اخذ و توزیع اموال متعلق به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

و) مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و بابت؛

ز) مبارزه با وکلای خائن؛

ح) آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری.

ص: ۲۴۴

۱- (۱). همان، ص ۲۵۷.

۲- (۲). همان، ص ۱۸۸.

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چهار سفیر و نایب خاص در دوره غیبت صغری داشتند؛ این چهار تن به نواب اربعه معروفند که به ترتیب عبارتند از: ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمری که در مدت هفتادساله غیبت صغری عهده دار امر نیابت و سفارت بودند.

۲. ارتباط سفیران با شیعیان به دو صورت بود: با واسطه و کیل و بدون واسطه وی. البته اصل در سازمان و کالت، ارتباط با واسطه بود.

۳. وظایف نواب اربعه عبارت بود از: زدودن شک و حیرت مردم درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حفظ امام از راه پنهان داشتن نام و مکان ایشان، سازماندهی و سرپرستی سازمان و کالت، پاسخ گویی به پرسش های فقهی، مشکلات و شبهات عقیدتی و و آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری.

۴. نخستین وظیفه از میان وظایف فوق، بیش از همه بر دوش عثمان بن سعید سنگینی می کرد و آخرین آنها به عهده علی بن محمد سمری، آخرین سفیر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

۱. کدام یک از موارد زیر بر مقام والای عثمان بن سعید، نایب اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد؟

(الف) وکالت از سه امام هادی علیه السلام، عسکری علیه السلام و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

(ب) عضویت در گروه چهل نفری که امام عسکری علیه السلام در دوران اختفا جانشین خود را به آنان نشان داده بود.

(ج) عهده داری مراسم غسل، کفن و دفن امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف

(د) همه موارد

۲. کدام یک از نواب اربعه، دو ماه قبل از مرگش با راهنمایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زمان وفات خود

باخبر شد؟

(الف) حسین بن روح (ب) محمد بن عثمان

(ج) علی بن محمد سمري (د) هیچ کدام

۳. مدت نیابت حسین بن روح، نایب سوم امام زمان چقدر بود؟

(الف) ۱۱ سال (ب) ۲۱ سال

(ج) ۳۱ سال (د) هیچ کدام

۴. چه مطالبی در آخرین توفیق که به دست علی بن محمد سمري رسید، نوشته شده بود؟

(الف) زمان درگذشت علی بن محمد سمري

(ب) پایان غیبت صغری

(ج) ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن خدا است

(د) همه موارد

۵. ملاک های ویژه در نصب نواب اربعه چه بود؟

الف) رازداری ب) صبر و استقامت

ج) عقل و درایت د) همه موارد

۶. شیعیان چگونه با نواب اربعه ارتباط برقرار می کردند؟

الف) با واسطه و به شکل هرمی ب) بی واسطه و مستقیم

ج) به وسیله نامه د) الف و ب صحیح است

۷. کدام یک از موارد زیر از مسئولیت های نواب اربعه نبود؟

الف) زدودن شک و حیرت مردم درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ب) حفظ امام از راه پنهان داشتن نام و مکان او

ج) اخذ و توزیع اموال متعلق به امام

د) مبارزه مسلحانه با نظام حاکم

ص: ۲۴۷

درآمد

در عصر غیبت صغری افزون بر سفرا و نواب اربعه که به عنوان وکلای خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح بودند، وکلای متعددی در نقاط مختلف جهان اسلام پراکنده بودند؛ کسانی که مأمور انجام وظایف وکالت، همانند وکلای پیشین ائمه علیهم السلام بودند و در نهایت برای کسب تکلیف به وکلای خاص (نواب اربعه) مراجعه می کردند.

در این واحد آموزشی، علاوه بر معرفی بعضی از وکلا نقش وکلای خائن و مدعیان دروغین وکالت نیز از نظر می گذرد؛ چون دستگاه وکالت شاهد بروز بعضی از جریانات انحرافی ناشی از انگیزه های مختلف بوده است.

پیش آزمون

۱. آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وکلای دیگری جز نواب اربعه داشتند؟

۲. آیا در میان وکلای امام وکلای خائن و دروغین نیز وجود داشت؟

۳. چرا دسته ای از وکلای امام خیانت کردند؟

۴. چند وکیل خائن و مدعی دروغین وکالت و بابت می شناسید؟

در عصر غیبت صغری با توجه به غیبت امام و بیشتر شدن شمار شیعیان در مناطق شیعه نشین لازم بود که وکلا و نمایندگان نهاد وکالت به عنوان دستیاران نواب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وظیفه ارتباط شیعیان با بغداد را به عهده گیرند. قراین موجود نیز گویای تعداد بسیار این وکلا است. فعالیت این وکلا موجب حساسیت حکام عباسی بود؛ بنابراین، گاهی با فرستادن جاسوس های خود در صدد شناسایی آنان بودند.

به هر حال با توجه به این که وجود این وکلا در این عصر نیز همچون دوره های گذشته برای پیشبرد اهداف نهاد وکالت ضروری بود، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به تعیین و نصب آنان اقدام می نمود. قراین موجود گویای آن است که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به شخصه این کار را می کرد. یکی از قراین صریح، نصب محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی از سوی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به منصب وکالت در ناحیه اهواز به جای پدرش است. حضرت در این انتصاب، طی پیامی به وی فرمود: «قد اقمناک مقام ابیک»؛ (۱) یعنی تو را به عنوان وکالت به جای پدرت نصب نمودم.

با این که بی تردید شمار این وکلا در مناطق شیعه نشین بسیار بوده، ولی متأسفانه نام آنان به طور کامل در منابع رجالی، روایی و تاریخی ضبط نشده است؛ ولی در پی مطالعه در منابع رجالی نام تعدادی از آنان به دست آمد که در اینجا به ذکر چند مورد بسنده می شود:

۱. ابوالحسین، محمد بن جعفر الاسدی الکوفی الرازی؛ ۲. ابو عبد الله بن هارون بن عمران الهمدانی؛ ۳. ابو محمد، حسن بن محمد بن هارون بن عمران

ص: ۲۵۰

الهمدانی؛ ۴. محمد بن صالح بن محمد الهمدانی؛ ۵. ابواسحاق، محمد بن ابراهیم بن مهزیار الاهوازی؛ ۶. القاسم بن العلاء؛ ۷. حسن بن محمد بن قطاه صیدلانی؛ ۸. محمد بن شاذان بن نعیم الشاذانی النیشابوری؛ ۹. العزیز بن زهیر؛ ۱۰. قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم همدانی؛ ۱۱. ابوعلی، بسطام بن علی؛ ۱۲. علی بن الحسین بن علی الصبری؛ ۱۳. داود بن القاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب الجعفری؛ ۱۴. الحسن بن النضر القمی؛ ۱۵. محمد بن حفص بن عمرو بن العمری و ۱۶. احمد بن اسحاق الاشعری القمی. (۱)

وکالی خائن و مدعیان دروغین وکالت

اشاره

ما در دستگاه وکالت شاهد بروز بعضی از جریانات انحرافی هستیم. این جریان ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نوعی انحراف در میان کسانی مشاهده می شود که پیش از آن از سوی یک امام علیه السلام به عنوان وکیل منصوب شده اند، ولی بعدها به فساد و خیانت گراییده اند؛ نوع دیگر در میان کسانی است که هرگز پیشینه وکالت، نیابت و باییت نداشته اند، ولی به انگیزه هایی به دروغ خود را وکیل و نایب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف خوانده و مدتی عده ای را دور خود جمع کرده و سرانجام رسوا شده اند. اینک این دو جریان به تفصیل بررسی می شود:

۱- خیانت و فساد در نهاد وکالت

اشاره

در بین وکلای ائمه علیهم السلام شاهد بروز و ظهور کسانی هستیم که با وجود شرایط لازم برای وکالت در ابتدای امر، به علت قرار گرفتن در وضعیتی جدید، مهیا شدن زمینه

ص: ۲۵۱

۱- (۱). رجال (شیخ طوسی)، ص ۴۹۶ و ۴۳۶؛ تنقیح المقال، ج ۱، ش ۲۹۴ و ۲۷۵۲، ج ۲، ش ۱۰۲۲۲ و ۱۰۶۱۵، ج ۳، ش ۱۰۸۴۳ و ۱۲۷۵۷.

خیانت و وجود ریشه های مقتضی خیانت در وجودشان دست به خیانت یا امور موجب فسق زدند. نتیجه این کار، لعن و عزل آنان از سوی ائمه هدی علیه السلام بود.

نمی توان ریشه همه این خیانت ها و فسق ها را به یک چیز بازگرداند. در ریشه یابی انگیزه های خیانت و فسق به امور متفاوتی برخورد می کنیم؛ گرچه به اعتباری می توان همه را به مهذب نبودن آنان بازگرداند. از جمله این خیانت کاران می توان از «واقفیه» نام برد. البته شناخت تفصیلی این جریانات انحرافی مستلزم شناخت چهره هایی است که سردمدار آنها بوده اند. بنابراین، مناسب است در اینجا به معرفی تعدادی از این وکلای خائن پردازیم:

الف) هشام بن ابراهیم عباسی همدانی

او در آغاز کار، وکیل امام رضا علیه السلام بود، ولی به تدریج به خاطر دنیاطلبی آلت دست مأمون و فضل بن سهل شد و ضد امام رضا علیه السلام جاسوسی می کرد. (۱)

ب) فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی

او از دستیاران اصلی امام هادی علیه السلام در سامرا بود. بعدها چنان به مقام امام و شیعه خیانت کرد که امام هادی علیه السلام دستور قتل او را صادر نمود. (۲)

ج) عروه بن یحیی

وکیل ارشد امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در بغداد بود. در ابتدای امر، آن چنان مورد اطمینان آن بزرگواران بود که امام عسکری علیه السلام ضمن توقیعی از او به عنوان «وکیلنا و ثقتنا والذی یقبض من موالینا» یاد می کند. در عصر امام

ص: ۲۵۲

۱- (۱). رجال کشی، ص ۵۲۳.

۲- (۲). معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۰۴.

عسکری به اختلاس اموال امام پرداخت و در این راه حتی از دروغ بستن به ساحت مقدس امام هادی علیه السلام نیز دریغ نورزید. او در مسیر انحرافی خود کار را بدانجا رساند که ابتدا بخشی از اموال امام عسگری علیه السلام را سرقت کرد و بخشی دیگر را به آتش کشید و با این عمل زشت خود امام را به خشم آورد؛ به طوری که همان شب مشمول نفرین ایشان شد و فردای آن روز به هلاکت رسید. (۱)

(د) ابوجعفر، محمد بن علی الشلمغانی، (ابن ابی العزاقر)

او دانشمندی صحیح الاعتقاد و فردی صالح بود و کتاب هایی مانند التکلیف و العصمه به او منسوب است. شلمغانی تا جایی مورد اعتماد بود که حسین بن روح هنگام پنهان شدن از مقتدر عباسی وی را به جای خود به عنوان وکیل نصب نمود و در این ایام شیعیان به او مراجعه کرده و توقیعاتی نیز به واسطه او از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر می شد.

حسادت وی به حسین بن روح موجب شد که مذهب حق را رها کرده، وارد مذاهب مردود شود و رفته رفته به غلو، کفر، ارتداد، قول به تناسخ و حلول الوهیت در خود گرایش پیدا کند. او به پیروانش می گفت: «روح رسول الله صلی الله علیه و اله به محمد بن عثمان عمروی، روح امیرمؤمنان علی علیه السلام به بدن حسین بن روح و روح فاطمه علیها السلام به بدن ام کلثوم، دختر ابوجعفر عمروی منتقل شده است.» (۲) وی نزد بنی بسطام منزلتی داشت و از این رو باعث انحراف وسیعی در آنان شد؛ تا جایی که حسین بن روح ناچار شد در میان شیعیان، به ویژه بنی نوبخت، خبر لعن و انحراف شلمغانی را منتشر کند. آن گاه توقیعی از جانب حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در

ص: ۲۵۳

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۸۴.

۲- (۲). الغیبه (شیخ طوسی)، ص ۲۴۹.

لعن شلمغانی و برائت از وی و پیروانش صادر شد (۱) و همه سران شیعه از مضمون آن اطلاع یافتند. وقتی شلمغانی از مقابله ابن روح با خود آگاه شد، برای رویارویی با این جو وی را به مباحله دعوت کرد؛ امّا وقتی این خبر به گوش خلیفه وقت، الراضی بالله رسید، دستور دستگیری او را صادر کرد و سپس وی را کشت. این واقعه در سال ۳۲۳ ه روی داد.

۲- مدعیان دروغین وکالت و باییت

اشاره

وکالت برای امام معصوم علیه السلام دارای جایگاهی والا- نزد شیعه بود. علاوه بر این با توجه به این که یکی از مهم ترین زمینه های وکالت، دریافت وجوه شرعی متعلق به امام علیه السلام بود، و کلا همواره به عنوان امین امام و شیعه به این اموال دسترسی داشتند. این موضوع در کنار بعضی دیگر از انگیزه های فاسد دنیوی سبب شد که افرادی خود را به این نهاد مقدس منسوب کنند. اینک به برخی از جریان های دروغین وکالت و باییت اشاره می شود:

الف) ابو عبدالله، احمد بن محمد السیاری

او در زمان امام جواد علیه السلام به دروغ وکالت و باییت آن بزرگوار را ادعا کرد و به همین روی از سوی ایشان تکذیب شد. (۲)

ب) حسین بن محمد بن بابا القمی

وی از غالیان عصر امام هادی و امام عسکری علیهما السلام است. طبق روایت کشی، امام عسکری علیه السلام ادعای نبوت و باییت را به او نسبت داد و در نامه ای به یکی از

ص: ۲۵۴

۱- (۱). همان، ص ۲۵۳.

۲- (۲). رجال کشی، ص ۶۰۶.

پیروانش به نام «عیسی»، او و «فهری» را مورد لعن قرار داده، به عنوان افرادی فتنه جو که قصد سودجویی از مردم دارند، معرفی کرد و در ادامه دستور کشتن آنها را صادر فرمود. (۱)

همچنین کشی از «سهل بن محمد» روایت می کند: «به امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای سید من! امر حسن بن محمد بن بابا بر گروهی از موالی شما مشتبه شده است؛ چه دستوری دارید؟ آیا نسبت به وی، تولا داشته باشیم یا تبرا؟ حضرت به خط مبارک خود نوشت: او و فارس بن حاتم، ملعونند! از آن دو تبرا جویید. خداوند آن دو را لعنت کند و در مورد فارس، آن را افزون نماید. (۲)

ج) ابومحمد الشریعی

شیخ طوسی نامش را حسن و کنیه اش را ابومحمد ذکر نموده است. وی از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بوده است. در عصر غیبت، نخستین کسی بود که مقامی را بدون شایستگی به خود نسبت داد و بنابراین مورد لعن و بیزاری از جانب شیعه واقع شد. در پی آن، تویع امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در لعن و برائت از وی صادر شد؛ سپس گفتارهای کفرآمیز و الحادی از او شنیده شد.

د) محمد بن نصر النمیری الفهری

بنا به گفته شیخ طوسی، فهری ابتدا از اصحاب امام عسکری علیه السلام بود. پس از وفات آن جناب و در عصر نیابت نایب دوم به معارضة با او برخاست و مقام نیابت و بابیت را برای خود ادعا نمود. نایب دوم نیز او را لعن کرد و شیعیان نیز چنین کردند. از جمله عقاید او آن بود که امام هادی علیه السلام را خدا می دانست که او

ص: ۲۵۵

۱- (۱). همان، ص ۵۲۰.

۲- (۲). تنقیح المقال، ج ۱، ش ۲۷۲۳.

را به پیامبری مبعوث نموده است! همچنین قایل به تناسخ بود و درباره امام هادی علیه السلام غلو می کرد. (۱) او معتقد به اباحه محارم بود و نکاح مردان با یکدیگر را جایز می شمرد.

فرجام

۱. در عصر غیبت صغری علاوه بر سفیران و نواب اربعه، وکلای متعددی در نقاط مختلف پراکنده بودند.

۲. وجود این وکلا به خاطر کثرت شیعیان در مناطق مختلف و برای پیشبرد اهداف نهاد وکالت ضروری بود.

۳. دستگاه وکالت شاهد بروز برخی جریان های انحرافی بود که گاهی از وکلای منصوب از سوی امام رخ می داد و گاه در میان کسانی که هرگز سابقه وکالت نداشتند.

ص: ۲۵۶

۱- (۱). الغیبه (شیخ طوسی)، ص ۲۴۴.

۱. علت وجود وکلای امام در عصر غیبت صغری چه بود؟

الف) غیبت امام ب) کثرت شیعیان

ج) پراکندگی مناطق شیعه نشین د) الف و ب درست است

۲. کدام یک از موارد زیر از قراین نصب وکلا از سوی شخص امام است؟

الف) نصب مستقیم محمد بن ابراهیم بن مهزیار

ب) نصب مستقیم محمد بن جعفر کوفی

ج) نصب مستقیم محمد بن صالح همدانی

د) نصب مستقیم القاسم بن العلاء

۳. کدام یک از موارد زیر از جریانات انحرافی در میان وکلای عام است؟

الف) انحراف در میان کسانی که پیش از آن وکیل امام بودند.

ب) انحراف در میان کسانی که هرگز وکیل امام نبودند.

ج) انحراف در میان کسانی که از اصحاب امام نبودند.

د) الف و ب درست است.

۴. کدام یک از موارد زیر ابتلای عمومی همه منحرفان در امر وکالت بود؟

الف) طمع ب) قدرت طلبی

ج) مهذب نبودن د) هیچ کدام

۵. کدام یک از افراد زیر از وکلای خائنند؟

الف) هشام بن ابراهیم همدانی ب) فارس بن حاتم قزوینی

ج) عروه بن یحیی د) همه موارد

۶. علت انحراف شلمغانی چه بود؟

الف) طمع قدرت ب) حسادت وی به حسین بن روح

ج) غرور و تکبر د) هیچ کدام

۷. کدام یک از افراد زیر جزء مدعیان دروغین و کالت و باییت بودند؟

الف) حسین بن محمدبابا القمی ب) ابو محمد الشریعی

ج) احمد بن محمد السیاری د) همه موارد

ص: ۲۵۸

بخش پنجم: بررسی عصر غیبت کبری

اشاره

ص: ۲۵۹

۱- تاریخ شیعه، نهضت ها و دولت های شیعی در عصر غیبت کبری

درآمد

با صدور توقیعی از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آخرین سفیر خود و درگذشت او به عنوان آخرین نفر از نواب اربعه، عصر غیبت کبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا می رسد. در این دوره با پشت سرگذشتن غیبت صغری مرحله تازه ای از تاریخ شیعه آغاز می شود.

این واحد آموزشی به عنوان یکی از مهم ترین مباحث این دوره، مروری اجمالی به دو عنوان زیر خواهد داشت:

۱. شیعه در عصر غیبت کبری؛

۲. نهضت ها و دولت های شیعی در عصر غیبت کبری.

پیش آزمون

۱. آیا می توانید تصویری از وضعیت شیعه در عصر غیبت کبری ارائه کنید؟

۲. آیا نهضت های شیعی این دوران را می شناسید؟

۳. چه دولت های شیعی در دوره غیبت کبری تشکیل شده است؟

ص: ۲۶۱

فساد و بیدادگری بنی عباس و نهضت های علویان در دوران گذشته زمینه را برای شیعه آماده کرد. شیعه در پنج قرن (۱) آغازین غیبت کبری به لحاظ رشد جمعیت در افزایش و از زاویه قدرت و آزادی مذهبی، تابع حکومت و قدرت فرمانروایان وقت بود. در این برهه با این که در بعضی از مناطق، دولت شیعی بر سر کار آمد، ولی هیچ گاه شیعه مذهب رسمی اعلام نشد. اتفاقات زیادی در این مدت روی داد که مهم ترین آنها عبارتند از:

یکم) در اواخر قرن پنجم «اسماعیلیان» در ایران در استقلال کامل می زیستند. (۲)

دوم) از نیمه قرن هشتم تا پس از قرن نهم، سادات مرعشی در مازندران و قزوین سلطنت کردند. (۳)

سوم) نفوذ علامه حلی و فرزندش در دربار «سلطان محمد خدابنده» موجب شیعه شدن او و رواج و رشد مذهب حق شد. (۴)

چهارم) «آق قویونلوها» در تبریز حکومت کردند و قلمرو آنان تا فارس و کرمان هم کشیده شد. (۵)

پنجم) «شهید اول»، صاحب لمعه که از نوابغ علمی شیعه بود، به سال ۷۸۶ ه در دمشق به جرم تشیع به شهادت رسید.

ششم) در آغاز قرن دهم هجری، شاه اسماعیل صفوی که شیعه مذهب بود،

ص: ۲۶۲

۱- (۱) . بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۲- (۲) . طبرسی، الاحتجاج، ص ۵۹۶.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . تاریخ الغیبه الکبری، ص ۵۱.

۵- (۵) . النجم الثاقب، ص ۳۱۴.

قیام خود را از اردبیل شروع کرد و ایران را به شکل کشور واحد درآورد. او مذهب شیعه را در قلمرو حکومت خود رسمیت بخشید.

هفتم) در طلعه قرن پانزدهم هجری و پس از مبارزه ای طولانی با استبداد داخلی و استعمار خارجی، یک حکومت اسلامی بر اساس نظریه «ولایت فقیه» در ایران پدید آمد و برکات معنوی و آثار مادی این حرکت در شرق و غرب جهان اسلام گسترش یافت. این انقلاب از تمام نهضت های اسلامی در جهان حمایت کرد و عاملی بزرگ در پیروزی آنها به شمار رفت. همچنین، این نهضت، جهان را به عصری جدید وارد نمود و همه ابرقدرت ها را برای مبارزه با مذهب شیعه به تکاپو انداخت؛ تا جایی که مبانی شیعه را به سرعت در تمام قلمرو اسلام و شرق و غرب جهان رو به گسترش نهاد.

نهضت ها و دولت های شیعی در عصر غیبت کبری

نهضت های شیعی از همان آغاز انحراف در سطح زمامداری، تلاش انقلابی خود را آغاز کرده و تا عصر حاضر با گذشتن از فرازونشیب های گوناگون به راه خود ادامه داده است. شیعه در شش قرن اخیر همواره در ایران به مثابه مرکز تشیع از قدرت مذهبی و سیاسی خوبی برخوردار بوده است. بسیاری از نهضت های شیعی نیز در عراق و حجاز (۱) رخ داده، در برابر قدرت خلفا نیز دولت هایی در شرق و غرب مرکز خلافت به پا شده و هیچ گاه سنگر مبارزه رها نشده است.

چهره انقلابی پیروان اهل بیت علیهم السلام را نباید تنها در میدان های شهادت جست و جو کرد؛ بلکه می توان در قالب انقلاب فرهنگی نیز دید. «ادریس بن حسن مثنی» کشور مغرب را با تبلیغ فتح کرد؛ همچنین اندونزی و شرق دور

ص: ۲۶۳

جهان اسلام با تبلیغ گشوده شد. انبوهی از مردم «هند» در قرن پنجم هجری توسط دو نفر شیعی مسلمان شدند. «آل بویه» فرهنگ اسلام و آموزه های ائمه اهل بیت علیهم السلام را زیربنای حکومت خویش قرار دادند و با وجود این که شیعی مذهب بودند، با پیروان مذاهب دیگر رفتاری نیکو داشتند. این ویژگی منحصر به ایشان نبود، بلکه تمامی دولت های شیعی از آن برخوردار بودند. به همین روی، قرن چهارم هجری اوج تمدن اسلامی دانسته شده است. (۱)

در سال ۴۸۹ ه نخستین دوره جنگ های صلیبی به صورت سازمان یافته آغاز شد؛ در حالی که در مرکز خلافت (بغداد) اندیشه ای جز خوش گذرانی و مال اندوزی نبود. در چنین شرایطی تهاجم بنیان کن مغول به جهان اسلام آغاز شد و اگر اسلام توانست همچنان سرفراز بماند، به خاطر حرکت اندیشمندانه جمعی از علمای شیعه، همچون «مؤیدالدین ابن علقمه» و «خواجه نصیرالدین طوسی» بود که توانستند مغول های پیروزمند را در برابر اسلام خاضع گردانند. (۲)

شمال و شرق ایران در قرن هشتم و نهم هجری شاهد به قدرت رسیدن دولت های انقلابی سربداران در خراسان، جنبش ضدمنکرات در هرات، نهضت حروفیه در برابر تیموریان و سادات مرعشی در مازندران بود. نهضت قزلباش با توجه به تعصب شدید عثمانی ها و حملات مکرر آنان به خاک ایران در آغاز قرن دهم هجری قمری، صفویه را به قدرت رساند که فرزندان «شیخ صفی الدین اردبیلی» شیعه مذهب، نظام سیاسی شیعی را در ایران بنیان گذاشتند و توانستند استقلال خود را در مقابل جبهه نیرومند امپراتوری عثمانی حفظ کنند. دولت

ص: ۲۶۴

۱- (۱). تاریخ الغیبه الکبری، ص ۱۲۲-۱۳۰.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

صفویه با تمام ضعف هایش مروج شعایر مذهب بود و اهل تسنن را چندان تحت فشار نگذاشت و با مسیحیان، یهودیان و زردشتیان نیز مدارا داشت؛ درحالی که غالب کشورهای غربی حتی با آزادی نسبی ادیان بیگانه بودند. (۱)

بازگرداندن هویت و استقلال شیعی، رهایی از بیگانه پرستی و حمایت کامل از موجودیت دین موجب شد که علمای شیعه بر مشروعیت قدرت سیاسی پادشاهان صفویه صحه بگذارند.

پس از صفویه، «افشاریه» و «زندیه» روی کار آمدند. آنها نیز در تقویت تشیع کوشیدند. نادرشاه افشار گام هایی در جهت تقریب شیعه و اهل سنت برداشت. با پیروزی «کریم خان زند» به سال ۱۱۶۴ ه مایه های مذهبی و مردمی رو به افزایش نهاد و روحانیون از حکومت وی حمایت کردند.

با پیوند پدیدآمده میان نهضت های اسلامی در قرن اخیر سرانجام همه آنها به یک حرکت انقلابی در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری تبدیل شده، مناطق وسیعی از جهان اسلام در موج عظیم بیداری و مبارزه قرار گرفت و کشورهایی چون مصر، سوریه، لبنان، عراق، ترکیه، افغانستان، پاکستان، الجزایر، تونس، مراکش، حجاز، اندونزی، هندوستان و ایران را دربرگرفت.

رسالت رهبری حرکت ها و جنبش ها در اکثر کشورهای اسلامی در یکصد سال اخیر بر دوش رهبران دینی بوده است. نهضت اسلامی امام خمینی اوج همه جنبش های تاریخ اسلام و تشیع به شمار می رود و همه آرمان های نهضت های اسلامی در سراسر جهان در آن تبلور یافته است. (۲)

ص: ۲۶۵

۱- (۱). کامل سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، ص ۶۵۰.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۱. در اوایل قرن چهارم تا اواخر قرن پنجم با روی کار آمدن دولت های انقلابی شیعه، چون «آل بویه»، «فاطمیان»، «همدانیان» و «علویان» شیعه با کسب قدرت تا حدودی آزادی عمل یافت و به مبارزه فکری و اعتقادی آشکار پرداخت.

۲. در قرن ششم و هفتم با حمله مغول ها به جهان اسلام و تداوم جنگ های صلیبی چندان فشاری به عالم تشیع وارد نشد. با شیعه شدن برخی فرمانروایان مغول در ایران، حکومت مرعشیان مازندران و سربداران خراسان در دو قرن هشتم و نهم، قدرت و وسعت جمعیت شیعه رو به فزونی گذاشت و در هر گوشه از ممالک اسلامی، به ویژه ایران تراکم میلیون ها شیعه محسوس شد.

۳. در آغاز قرن دهم، با ظهور دولت صفویه مذهب شیعه به رسمیت شناخته شد و پس از آن مذهب رسمی دولت های پی در پی «زند»، «قاجار» و «مشروطه» ماند و در سراسر نقاط جهان، هوادار و مدافع یافته، برای پنج قرن متوالی، ایران و عراق مرکز تشیع بوده است. حوزه های علمی شیعه در این دو کشور متمرکز شده و این دو مرجعیت شیعه و مرکز واقعی جهان تشیع به شمار می رفته است.

۴. شروع قرن پانزدهم هجری، آغاز استقرار حکومت اسلامی در عصر غیبت بر مبنای نظریه مرفی ولایت فقیه و رهبری فقیهی عادل و شجاع پس از مبارزه ای بی امان با استبداد داخلی و استعمار خارجی است. این حکومت در عصر حاضر مرجع، ملجأ و تحقق بخش آرزوهای همه مسلمانان جهان است.

منابع برای مطالعه و تحقیق بیشتر

۱. علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، شیعه در اسلام؛

۲. محمدحسین مظفر، تاریخ الشیعه؛

۳. آدام مز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری؛

۴. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران تا قرن دهم هجری؛

۵. استاد شهید مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران؛

۶. وصیت نامه الهی - سیاسی امام خمینی قدس سره .

ص: ۲۶۷

۱. از جمله اتفاقات مهم قرن پنجم هجری در اوایل دوران غیبت کبری عبارت است از:

الف) استقلال کامل «اسماعیلیان»، یکی از فرقه های انحرافی شیعه

ب) سلطنت سادات مرعشی در مازندران و قزوین

ج) نفوذ علامه حلی و فرزندش در دربار محمد خدابنده

د) همه موارد

۲. در طلعه قرن پانزدهم هجری چه رویدادی باعث گسترش اسلام در شرق و غرب جهان شد؟

الف) انقلاب اسلامی ایران

ب) فروپاشی شوروی

ج) الف و ب درست است.

د) هیچ کدام

۳. کدام یک از افراد زیر با تبلیغ فرهنگی موجب فتح کشور مغرب شدند؟

الف) خواجه نصیر الدین طوسی

ب) ادريس بن حسن مثنی

ج) علامه حلی

د) هیچ کدام

۴. کدام یک از افراد زیر باعث جلوگیری از کشتار مغول ها و نشر فرهنگ اسلام در زمان سیطره آنان شدند؟

الف) شیخ صفی الدین ب) خواجه نصیر الدین طوسی

ج) مؤیدالدین ابی علقمه ج) ب و ج درست است.

۵. کدام یک از دولت های زیر مروج مذهب شیعه در آغاز قرن دهم هجری بودند؟

الف) دولت آل بویه ب) دولت زندیه

ج) دولت صفویه د) هیچ کدام

۶. پس از صفویه کدام یک از دولت های زیر در تقویت شیعه کوشیدند؟

الف) افشاریه ب) زندیه

ج) الف و ب درست است د) هیچ کدام

ص: ۲۶۹

در زمان حضور خاتم پیامبران صلی الله علیه و اله هدایت فکری و سیاسی جامعه به عهده آن حضرت و پس از رحلت آن بزرگوار، امامت، هدایت و مرجعیت فکری و سیاسی بر عهده ائمه اهل بیت علیهم السلام بود؛ این تکلیف در عصر غیبت بر دوش علمای لایق و شایسته است تا دو رکن سیاسی و پراهمیت امامت و مرجعیت و به تعبیر دیگر هدایت فکری و سیاسی جامعه را بر عهده گیرند. در این واحد آموزشی به شرح این دو رکن اساسی می پردازیم.

پیش آزمون

۱. وظایف علما در دوران غیبت کبری چیست؟
۲. آیا می توانید تصویری از نقش فکری علمای شیعه در طول دوران غیبت کبری ارائه کنید؟
۳. تطور حوزه های علمیه در طول پانزده قرن گذشته چگونه بوده است؟
۴. تصور شما از فعالیت های سیاسی و مراحل مبارزه علمای شیعه چیست؟

علامه طباطبایی درباره نقش علمای شیعه از لحاظ علمی و فکری در دوران غیبت کبری چنین می نویسد:

«شیعیان در حدیث، کلام و فقه - نظر به این که دائماً گرفتار مشاجره های مذهبی با مخالفان خود بوده و از جهت انجام وظایف دینی هم نیاز روزانه به فقه و حدیث داشته اند - با تمام قوا در حدیث، کلام و فقه کوشیده و این علوم و علوم مربوط به آنها را مانند «درایه»، «رجال» و «اصول» به سر حد کمال می رسانیدند و آخرین نظریات دقیقه وقت را ضبط می کردند و قرن ها با همین رویه پیش می رفتند.» (۱)

استقرار حکومت اسلامی، باز شدن فضای سیاسی و فرهنگی و آماده شدن زمینه های تحقیقات علمی کلان، جامعه علمی شیعه را به سوی افقی بسیار مطلوب و ایده آل رهنمون ساخت.

کتاب های تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، الذریعه الی تصانیف الشیعه و اعیان الشیعه به طور ملموس این مدعا را تأیید و اثبات می کند و دورنمایی از این حقیقت را در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می یابیم. (۲)

۱- شیعه و مراحل آن

الف) فقه و فقاہت در دوران حضور ائمه علیهم السلام

در دوران حضور ائمه علیهم السلام شالوده یک مکتب فکری و مدرسه ویژه خط اهل بیت پیامبر علیهم السلام که پاسدار مفاهیم ناب اسلامی بود، پی ریزی شد. این مکتب

ص: ۲۷۲

۱- (۱). مجموعه مذاکرات با هانری کربن مستشرق فرانسوی.

۲- (۲). از «سیدحسن صدر»، «آقا بزرگ تهرانی»، «سیدمحسن امین عاملی» و «استاد مطهری».

در این دوره چون نهالی آبیاری می شد تا در دوران غیبت درختی تنومند گردد. مجموعه نخستین عناصر لازم برای این مدرسه و مکتب عبارت بود از:

۱. مواد علمی و فکری (تفسیر، فقه، اصول و سایر معارف اسلامی)؛ ۲. شیوه آموزش، پرورش و تحقیق؛ ۳. شخصیت های حامل این بار علمی و فکری، اعم از اساتید و طلاب.

مربیان اصلی و معلمان نخست این مکتب، امامان معصوم علیهم السلام بوده و پرورش یافتگان آنان شخصیت هایی چون «زراره»، «محمد بن مسلم»، «أبان»، «ابوحمزه ثمالی» و «یونس بن عبد الرحمن» بوده اند. افزون بر این، آنان با راهنمایی ائمه علیهم السلام تمام روایات را ثبت، ضبط و تدوین نموده اند و به مرور زمان کتاب های فراوانی در حدیث گردآوری شده و بر اساس همین معارف، شمار زیادی از یاران و پیروان اهل بیت علیهم السلام پرورش یافته اند.

(ب) فقه و فقاہت شیعه در دوران غیبت صغری

در این دوره - که کتاب های حدیثی بسیار زیادی در معرض تلف و گم شدن قرار گرفت و دوران فشار بر شیعه و تقیه شمرده می شد - تلاشی جدی برای جمع آوری این متون در متن واحد انجام گرفت و نخستین مجموعه حدیثی مهم شیعه را «کلینی» در کتاب الکافی گرد آورد. افزون بر این، راویان حدیث طبقه بندی شده و درجه اعتبار هریک مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است تا فقیهان در عصر دوری از حضور امام بتوانند به اطلاعات درست و دقیق دست یابند.

همچنین فهرست هایی برای ثبت و ضبط مجموعه تألیفات اصحاب ائمه علیهم السلام تهیه گردید و متون فقهی گوناگونی آماده شد. مرحله فقه استدلالی آغاز شد و شیوه استنباط و فقاہت نیز کم کم شکل روشن خود را یافت و تعدادی مرکز

علمی، آموزشی و تحقیقی نیز تأسیس گردید. دو مکتب عمده فقهی در این دوره شکل گرفت: مکتب راویان حدیث با مرکزیت قم و مکتب متکلمان یا عقل گرایان با مرکزیت بغداد.

ج) فقه و فقهات شیعه در دوران غیبت کبری

شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی مرجعیت شیعه را از انزوا درآورده و با تسلط بر فقه، کلام، تفسیر و مبانی علمی اهل تسنن توانستند کرسی استادی کلام و فقه را در بغداد به انحصار خود درآورند و علمای سایر مذاهب را نیز به شاگردی بپذیرند. (۱)

۲- حوزه های علمی و مراکز فقهات شیعه در عصر غیبت کبری

اشاره

در آغاز غیبت کبری بغداد مرکز فقه و فقهات بود. با هجرت شیخ طوسی به نجف در سال ۴۴۸هـ این شهر نزدیک به یک قرن مرکز عمده فقهات قرار گرفت. هم زمان با نجف، حلب نیز توسط «سلار» مرکزیتی پیدا کرد و این مرکزیت را تا حدود قرن هشتم دارا بود. در میان بزرگان معروف این حوزه می توان از «ابن زهره» نام برد.

با روبه ضعف نهادن حرکت علمی در حوزه نجف، پس از یک قرن پیروی از آرای قوی شیخ طوسی و کند شدن حرکت اجتهاد، «ابن ادریس حلی» نهضت فقهی خود را در «حله» آغاز کرد و مرکزیت علمی فقه شیعه به آن سامان منتقل شد که فقیهان نامداری چون «محقق حلی» و «علامه حلی» را به جامعه شیعی عرضه داشت.

ص: ۲۷۴

۱- (۱). دکتر عبدالهادی الفضلی، تاریخ التشریح الاسلامی.

مرکزیت فقاہت شیعه پس از حله به «جبل عامل» و منطقه شام منتقل شد که «شہید اول» شاگرد «فخرالمحققین» فرزند «علامه حلی» و سپس «شہید ثانی» از فقیهان نامدار این مرکز بوده اند. این حوزه با نشاط و پرتحرک منشأ برکات فراوانی برای دولت شیعی صفوی و حوزه علمیه اصفهان و نجف اشرف بود.

شہید اول، متن «اللمعه الدمشقیه» را برای رئیس دولت شیعی سربداران نوشت و برای آنها فرستاد تا بر اساس آن عمل کنند. (۱) شہید مطہری در این باره می نویسد: «فقیهای جبل عامل نقش مهمی در خط مشی ایران صفویہ داشته اند. چنان کہ می دانیم، صفویہ درویش مسلک بودند. اگر راهی کہ ابتدا آنها بر اساس سنت خاص درویشی خود طی کرده اند، با روش فقهی عمیقی در ایران پایه گذاری نمی شد، به چیزی نظیر آن چه در علوی های ترکیه یا شام وجود دارد، منتهی می شده، از این جهت، تأثیر زیادی در این داشت کہ نخست روش عمومی دولت و ملت ایران از آن گونه انحرافات مصون بماند و دوم، عرفان و تصوف شیعی نیز راه معتدل تری را طی کند. از این رو، فقیهان «جبل عامل» از قبیل محقق کرکی، شیخ بهایی و دیگران با تأسیس حوزه علمیه اصفهان حق بزرگی برگردن مردم این مرز و بوم دارند. در همان زمان، حوزه نجف به وسیله «مقدس اردبیلی» و دیگر بزرگان اکابر احیا شد کہ تا امروز ادامه دارد.

از شهرهای ایران تنها شهر قم است کہ در قرن های نخست اسلامی در همان زمان کہ بغداد مرکز فقاہت اسلامی بود، به وسیله فقیهانی نظیر «ابن بابویه» و «محمد بن قولویه» به صورت یکی از مراکز فقهی درآمد. همچنان در دوره قاجار به وسیله «صاحب قوانین» نیز احیا شد و در سال ۱۳۴۰ ه به وسیله «مرحوم آیه الله حائری یزدی» بار دیگر احیا گردید و اکنون یکی از دو مرکز بزرگ فقهی شیعه است. (۲)

ص: ۲۷۵

۱- (۱). المحنه (حاوی دو سخنرانی از شہید صدر).

۲- (۲). خدمات متقابل ایران و اسلام، ج ۲، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

البته با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تهاجم متوالی بعثیان عراق به حوزه علمیه نجف، به شهادت رساندن بزرگان آن حوزه (۱) و هجرت دادن عمده فاضلان و طلاب حوزه نجف به ایران، مرکز فقاہت شیعه برای بار دیگر به صورت علمی و جدی در قم تجلی پیدا کرده است.

مبارزات سیاسی علمای شیعه در عصر غیبت کبری

اشاره

مجموعه مبارزات سیاسی علمای شیعه در عصر غیبت کبری را می توان در دو قسمت خلاصه کرد:

۱- زمینه های فعالیت سیاسی

الف) در درون مرزهای دولت اسلامی

۱. کشاندن امت اسلامی به سیاست و نگه داشتن شیعیان در صحنه سیاسی و مبارزه با نظریه «جدایی دین از سیاست»؛
۲. مبارزه مستقیم و غیرمستقیم با انحرافات حاکمان و هدایت و حمایت نهضت ها و حرکات اسلامی؛
۳. حفظ وحدت امت اسلامی و جامعه شیعی و مبارزه با هرگونه تفرقه گرایی؛
۴. حفظ هویت اسلامی جامعه با تربیت علما، ترویج علم و تأسیس حوزه های علمیه در سایر نقاط جهان اسلام؛
۵. مبارزه با انحراف های فکری و اخلاقی که توجیه گر سیاست های حاکمان منحرف بوده است.

ص: ۲۷۶

۱- (۱). امثال «آیه الله غروی» و شرکت «آیه الله کاشانی» در مبارزه مردم عراق ضد انگلیسی ها.

ب) در بیرون از مرزهای دولت اسلامی

۱. مبارزه با نفوذ و تهاجم فرهنگ غربی؛
۲. رهبری، هدایت و شرکت فعال در مبارزات مسلحانه (۱) برای رفع تهاجم نظامی استعمارگران؛
۳. مبارزه بی امان با سلطه سیاسی و اقتصادی دو ابرقدرت شرق و غرب؛
۴. مبارزه با تضعیف و ایجاد نفاق در میان امت اسلامی و تجزیه کشورهای جهان اسلام؛
۵. مبارزه با ابرقدرت ها و استکبار جهانی و باطل کردن افسانه شکست ناپذیری آنها.

۲- مراحل مبارزه و فعالیت های سیاسی

شیعه در طول ۱۴ قرن مبارزه سیاسی در دیدگاه کلی از سه مرحله گذر کرده است:

۱. مرحله «تقیه» و ایجاد تشکیلات سیاسی سری برای مبارزه با طاغوتیان؛
 ۲. مرحله مبارزه سیاسی علنی بدون تشکیل نظام سیاسی اسلامی؛
 ۳. مرحله مبارزه سیاسی آشکار با تشکیل نظام سیاسی اسلامی.
- شیعیان در هریک از این مراحل حرکت سیاسی، گاهی مسلحانه و گاه غیرمسلحانه عمل می کرده اند و گاهی مبارزه مثبت و گاهی مبارزه منفی را در برنامه خود داشتند.

فرجام

۱. هدایت فکری و سیاسی جامعه با شروع غیبت کبری بر دوش علمای لایق و شایسته قرار گرفت.

ص: ۲۷۷

۱- (۱). مانند شرکت «آیه الله کاشانی» در مبارزه مردم عراق ضد انگلیسی ها؛ علامه امینی، شهداء الفضیله.

۲. بهترین و کوتاه ترین سخن در نقش علمای شیعه از لحاظ فکری در دوران غیبت کبری بیان علامه طباطبایی است: «شیعیان در حدیث، کلام و فقه با تمام قوا کوشیده و این علوم و علوم مربوط به آنها را مانند «درایه»، «رجال» و «اصول» به سرحد کمال می رسانیدند.»

۳. داشتن نگاهی دقیق به فقه و فقهات شیعه که جزئی از پیکر معارف بلند و مبارزات فکری علمای شیعه شمرده می شود، ضروری است.

شالوده یک مکتب فکری که پاسدار مفاهیم ناب اسلامی باشد، در دوران حضور ائمه علیهم السلام پی ریزی می شود.

در دوران غیبت صغری، تلاشی جدی در جهت گردآوری متون در متن واحد صورت گرفت و نخستین مجموعه حدیثی مهم شیعه، یعنی الکافی از سوی مرحوم کلینی گردآوری شد. افزون بر آن، راویان حدیث، طبقه بندی شدند و نیز فهرست هایی در ثبت و ضبط مجموعه تألیفات اصحاب ائمه علیهم السلام تهیه شد. مرحله فقه استدلالی نیز آغاز گردید و دو مکتب عمده فقهی در این دوره شکل گرفت: فقه مکتب راویان حدیث با مرکزیت قم و مکتب متکلمان یا عقل گرایان با مرکزیت بغداد.

۴. شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی در دوران غیبت کبری، مرجعیت شیعه را از انزوا در آورده و با تسلط بر فقه، کلام، تفسیر و مبانی علمی اهل تسنن، توانستند کرسی استادی کلام و فقه را در بغداد به انحصار خود در آورند و علمای سایر مذاهب را نیز به شاگردی پذیرند.

۵. بغداد در آغاز غیبت کبری، مرکز فقه و فقهات بود. با هجرت شیخ طوسی به نجف در سال ۴۴۸هـ، آن دیار قریب به یک قرن مرکز عمده فقهات شد. هم زمان حلب نیز توسط سلار دارای مرکزیتی بود و ابن ادریس حلی نیز پس از

یک قرن نهضت فقهی خود را در حله آغاز کرد. و پس از حله، مرکزیت فقاہت به جبل عامل و منطقه شام انتقال یافت. شهر قم نیز از نخستین قرون اسلامی، مرکز فقاہت بود؛ ولی در سال ۱۳۴۰هـ از سوی حاج شیخ عبدالکریم حایری بار دیگر احیا شد و اکنون نه تنها یکی از دو مرکز فقهی شیعه است، بلکه با تضعیف حوزه نجف از سوی بعثیان و دیگر حوادث، تنها مرکز بانشاط و پرتحرک جهان شیعه است.

۶. مجموعه مبارزات سیاسی علمای شیعه در عصر غیبت کبری را می توان در دو مطلب خلاصه کرد: زمینه های فعالیت سیاسی؛ مراحل این فعالیت.

[برای مطالعه بیشتر به منابع پایانی واحد آموزشی ۱ مراجعه کنید.]

ص: ۲۷۹

۱. کدام یک از کتب زیر نشانگر فعالیت فوق العاده شیعه از لحاظ فکری در عصر غیبت کبری است؟

الف) تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام ب) الذریعه الی تصانیف الشیعه

ج) اعیان الشیعه د) همه موارد

۲. کدام یک از علمای شیعه توانستند مرجعیت شیعه را از انزوا در آورند؟

الف) شیخ مفید ب) سید مرتضی

ج) شیخ طوسی د) همه موارد

۳. چرا ابن ادریس حلی مرکز فقاہت را از نجف به حله انتقال داد؟

الف) ضعیف شدن حرکت علمی در نجف

ب) کند شدن حرکت اجتهاد در نجف

ج) یک قرن پیروی از آرای شیخ طوسی در نجف

د) الف و ب درست است.

۴. کدام یک از شهرهای زیر مرکز فقاہت شیعه در دوران نوشته شدن کتاب لمعه از سوی شهید اول برای دولت سربداران است؟

الف) حله ب) نجف

ج) جبل عامل د) بغداد

۵. مبارزات سیاسی علمای شیعه در درون مرزهای اسلامی در عصر غیبت کبری عبارت است از:

الف) نگه داشتن شیعه در صحنه سیاسی

ب) مبارزه با انحراف های حاکمان

ج) مبارزه با انحراف های فکری و اخلاقی د) همه موارد

۶. کدام یک از موارد زیر جزء مبارزات سیاسی علمای شیعه در خارج از مرزها در عصر غیبت کبری نیست؟

الف) مبارزه با نفوذ و تهاجم فرهنگ غرب

ب) مبارزه با ابرقدرت ها

ج) حفظ وحدت کلمه

د) مبارزه با تضعیف و ایجاد نفاق در میان امت اسلامی

۷. شیعه در طول چهارده قرن مبارزه سیاسی از گذر کرده است.

الف) مرحله تقیه

ب) مرحله مبارزه سیاسی علنی

ج) مرحله مبارزه سیاسی آشکار با تشکیل نظام سیاسی

د) همه موارد

ص: ۲۸۱

درآمد

فراوانی روایات «مهدویت» که از پیامبر صلی الله علیه و اله و عترت علیهم السلام به ما رسیده است، موجب شد که اعتقاد به مهدویت در تمام مذاهب و فرقه های اسلامی فراگیر شود و همه به آن معتقد گردند. چنان که روایات، ویژگی های «مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف» را بیان کرده است، ایشان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. او دوازدهمین امام از اهل بیت رسول الله علیهم السلام و صاحب دو غیبت صغری و کبری است.

برخی افراد و پیروان مذاهب و فرقه های اسلامی از این باور سوء استفاده کرده، از میان خود فردی را به عنوان مهدی موعود ادعا نموده اند و نیز برخی فرصت طلب به دروغ ادعای مهدویت کرده اند. این واحد آموزشی در صدد ارائه چهره این مدعیان دروغین است.

پیش آزمون

۱. به نظر شما مهدویت و بابت چه مفهومی دارد؟

۲. چرا عده ای ادعای مهدویت و بابت کردند؟

ص: ۲۸۳

۳. آیا همه کسانی که به عنوان مهدی موعود معرفی شدند، خود نیز مدعی مهدویت بوده اند؟

مدعیان دروغین

«مهدویت» به معنای مهدی موعود و امام منتظر بودن و «بابیت» در لغت به معنای دربان بودن و در اصطلاح به معنای سفیر، وکیل و یا نایب خاص حضرت مهدی بودن است.

طبق معتقدات شیعه و نیز روایات بسیاری که در کتاب های اهل سنت وارد شده است، در آخرالزمان «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» از آل محمد صلی الله علیه و اله ظهور خواهد کرد؛ مانند این روایت از پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله: «لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملؤها عدلاً کما ملئت جوراً»؛ (۱)

اگر تنها یک روز از عمر دنیا باقی بماند، خداوند متعال در آن روز مردی را از خاندان من برانگیزاند که جهان را پر از عدل و داد می کند؛ چنان که پر از ظلم و ستم شده بود.

روایات مربوط به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف که از پیامبر صلی الله علیه و اله و اهل بیت علیهم السلام رسیده و در کتاب های شیعه و سنی آمده است، به قدری فراوان است که نمی توان آن را انکار و یا در آن تردید کرد.

در بسیاری از این روایات، مهدی موعود را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام معرفی نموده و ویژگی های دوران غیبت آن حضرت را بیان کرده اند، ولی دسته ای سودجو و فرصت طلب از یک طرف و عده ای نادان از سوی دیگر باعث به وجود آمدن متمهیدیان در طول تاریخ شیعه شده اند. اینان را به سه گروه می توان تقسیم کرد:

ص: ۲۸۴

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۵-۱۰۴.

۱. عده ای از افراد بافضیلت که خود ادعای مهدویت نکرده اند، اما برخی از افراد جاهل آنان را مهدی موعود پنداشته اند که عبارتند از:

محمد حنفیه فرزند علی علیه السلام؛ محمد بن عبدالله بن حسن فرزند امام حسن علیه السلام؛ زید بن علی فرزند امام سجاد علیه السلام؛ امام جعفر صادق علیه السلام؛ امام موسی کاظم علیه السلام؛ اسماعیل بن جعفر فرزند دیگر امام صادق علیه السلام؛ و امام حسن عسکری علیه السلام.

۲. شماری از افراد ستمگر و خون آشام که خود ادعای مهدویت نکرده اند، اما برخی شیاد آنان را به عنوان مهدی موعود به مردم معرفی کرده اند؛ مانند «مهدی عباسی» و «ابومسلم خراسانی».^(۱)

۳. برخی افراد جاه طلب و حيله گر که از اعتقادات مردم سوءاستفاده کرده و به دروغ خود را مهدی موعود معرفی نموده اند؛ مانند:

عبیدالله بن محمد فاطمی؛ حاکم بامرالله از خلفای عیبیدیان مصر؛ محمد بن تومرت؛ تهامی؛ بابا اسحاق؛ عباس الریفی؛ مهدی سودانی؛ میرزا محمدعلی باب و میرزا غلام احمد قادیانی.^(۲)

فرجام

طبق معتقدات مذهب شیعه و نیز روایات بسیاری از کتاب های اهل سنت، مهدی از آل محمد صلی الله علیه و اله در آخرالزمان ظهور خواهد کرد؛ مانند این روایت که پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرمود: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث الله فیہ رجلاً منی او من اهل بیتی، یواطی اسمہ اسمی و...».

کثرت روایات مهدویت موجب شد که اعتقاد به مهدویت در همه فرقه های

ص: ۲۸۵

۱- (۱). شهرستانی، الملل و النحل؛ نوبختی، فرق الشیعه.

۲- (۲). باقر شریف قرشی، حیاہ الامام محمد المهدی، ص ۱۳۹-۱۴۴.

اسلامی فراگیر شود. از طرفی در میان بسیاری از همین روایات، شخص موعود، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام معرفی شده است، ولی برخی از افراد از این باور سوءاستفاده کرده و به دروغ ادعای مهدویت کرده اند.

به طور خلاصه، متمهیدیان در این عصر به سه گروه تقسیم می شوند: دسته ای افراد نادان، افراد بافضیلتی چون محمد حنفیه، زید بن علی و امام حسن عسکری را «مهدی موعود» پنداشته اند؛ برخی از شیادان نیز افراد خون آشام و ستمگری چون مهدی عباسی و ابومسلم خراسانی را مهدی موعود معرفی کرده اند و برخی از افراد جاه طلب و حيله گر از اعتقادات مردم سوءاستفاده کرده و به دروغ خود را مهدی موعود معرفی نموده اند.

منابع برای مطالعه و تحقیق بیشتر

۱. علامه طباطبایی، شیعه در اسلام؛

۲. دکتر سیدحسین مدرس، فقه شیعه؛

۳. عبدالهادی الفضلی، تاریخ التشریح الاسلامی؛

۴. شهرستانی، الملل و النحل؛

۵. مبلغی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان؛

۶. باقر شریف قرشی، حیاة الامام المهدی .

ص: ۲۸۶

۱. بابت در اصطلاح یعنی امام مهدی بودن.

الف) سفیر ب) وکیل

ج) نایب خاص د) همه موارد

۲. چه اتفاقی باعث شد که اعتقاد به مهدویت در همه مذاهب و فرقه های اسلامی فراگیر شود؟

الف) فراوانی روایات مهدویت

ب) ضرورت عقلی وجود منجی

ج) گرایش های فطری آدمی

د) الف و ب درست است.

۳. برخی از جاهلان کدام یک از افراد زیر را مهدی موعود پنداشته اند؟

الف) محمد حنفیه ب) محمد بن تومرت

ج) مهدی سودانی د) هیچ کدام

۴. برخی از شیادان کدام یک از افراد ستمگر زیر را مهدی موعود معرفی نموده اند؟

الف) مهدی عباسی ب) احمد قادیانی

ج) تهامی د) هیچ کدام

۵. کدام یک از افراد زیر به دروغ خود را مهدی موعود معرفی نموده اند؟

الف) بابا اسحاق ب) ابومسلم خراسانی

ج) میرزا محمدعلی باب د) الف و ج صحیح است.

- قرآن

- نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، شرح ابن ابی الحدید ، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره.
۲. ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه ، مکتبه الاسلامیه، تهران.
۳. ،الکامل فی التاریخ ، دار صادر، بیروت، ۱۳۹۹هـ..
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین وتمام النعمه ، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۶هـ..
۵. ابن خلکان، وفيات الاعیان ، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۶. ابن زکریا، احمد بن فارس، معجم مقائیس اللغه ، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰هـ..
۷. ابن سعد، طبقات الکبری ، دار صادر، بیروت.
۸. ابن شهر آشوب، مناقب، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ هـ..
۹. ابن کثیر، البدایه و النهایه ، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۲هـ..
۱۰. ، تاریخ (السیره النبویه) ، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، قاهره ۱۳۸۴ هـ..
۱۱. ابن مغزلی، مناقب علی بن ابی طالب ، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۳هـ..
۱۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست ، طبع تجدد، تهران، ۱۳۹۳ هـ.
۱۳. ابن هشام، السیره النبویه ، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۴. احمد بن ابی یعقوب (معروف به ابن واضح)، تاریخ یعقوبی ، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۹هـ..
۱۵. ادبیات فارسی بر مبنای استوری، ترجمه یو.ا. بر گل.

١٦. الاربلى، على بن عيسى، كشف الغمه فى معرفه الاثمه ، تصحيح: سيدهاشم رسولى محلاتى، دار الكتب اسلامى، بيروت.
١٧. اصفهاني، ابوالفرج، مقاتل الطالبين ، شرح و تحقيق: سيداحمد صقر، منشورات رضى، قم، ١٤١٤هـ..
١٨. امين عاملى، سيدمحسن، اعيان الشيعه ، به اهتمام حسن امين، بيروت، ١٩٨٦م.
١٩. اندلسى، ابن عبدربه، عقد الفريد ، دار الكتب، العلميه، بيروت ١٤٠٤هـ..
٢٠. آقايى، جبارى، عاشورى، حكيم و مركز جهانى علوم اسلامى؛ تاريخ عصر غيبه ، چاپ شريعت، قم، ١٣٧٩.
٢١. آل يس، شيخ راضى، صلح امام حسن عليه السلام ، چاپ دوم، منشورات دار الكتب العراقيه فى الكاظميه.
٢٢. البحرانى، السيد هاشم، تفسير البرهان ، مؤسسه الوفاء، بيروت، ١٤٠٣هـ..
٢٣. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى ، شارح: كرمانى، دار احياء التراث العربى، بيروت.
٢٤. بكرى، ديار، تاريخ الخميس فى احوال انفس نفيس ، مؤسسه شعبان، بيروت.
٢٥. بلاذرى، انساب الاشراف ، تحقيق: دكتور حميدالله، دار المعارف، مصر، ١٩٥٩م.
٢٦. پور سيد آقايى، مسعود، چشمه در بستر ، چاپ سوم، انتشارات حضور، ١٣٨١ش.
٢٧. پيشوائى، مهدي، تاريخ اسلام ، دفتر نشر معارف، چاپ چهارم، قم، ١٣٥٨.
٢٨. تاريخ الغيبه الكبرى ، دارالتعارف للمطبوعات.
٢٩. ترمذى، محمد بن عيسى، سنن ترمذى ، دارالفكر، بيروت.
٣٠. تفسير عياشى ، تصحيح سيد هاشم رسولى محلاتى، المكتبه العلميه الاسلاميه، تهران.
٣١. الثقفى الكوفى، ابن هلال، الغارات ، دارالكتاب الاسلامى، قم، ١٤١١هـ..
٣٢. جاحظ، البيان والتبيين ، تحقيق عبدالسلام، مكتبه الخانجى، قاهره، ١٩٨٤م.
٣٣. جعفرىان، رسول، منابع تاريخ اسلام ، انصاريان، قم، ١٣٨٢ش.
٣٤. الجوينى، ابراهيم بن محمد، فرائد السمطين ، تصحيح: محمدباقر محمودى، چاپ يكم، بيروت، ١٣٩٨هـ..
٣٥. حاكم نيشابورى، مستدرک ، بيروت، دار المعرفه.

۳۶. حائری مازندرانی، الکوکب الدرّی، فی احوال النبی والبتول والوصی، انتشارات الرضی، قم، ۱۴۱۰هـ..
۳۷. حر عاملی، وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۳۸. حسنی صقر، نادیّه، مطلع العصر العباسی، دار الشروق، جدّه، (عربستان)، ۱۴۰۳/۱۹۸۱م.
۳۹. الحسنی، هاشم، سیره الائمة الاثنی عشر، منشورات الشریف الرضی، چاپ یکم، قم، ۱۴۱۴هـ..
۴۰. الحسنون، محمد و مشکور، ام علی، اعلام النساء المؤمنات، اسوه، قم، ۱۴۱۱هـ..
۴۱. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۶ش.
۴۲. حلبی شافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۴۳. حنبل، احمد، مسند، المکتب الاسلامی و دار صادر، بیروت، ۱۳۸۹هـ..
۴۴. الخضری، محمد بکر، دوله بنی العباس، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، ۱۴۱۵/۱۹۹۵م.
۴۵. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، دار الکتب العلمیه.
۴۶. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ دوم، قم.
۴۷. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بیروت، ۱۹۸۳م.
۴۸. دایره المعارف الاسلامیه، ترجمه عربی: محمد ثابت القندی.
۴۹. دکتر حسن ابراهیم حسن، تاریخ اسلام، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت، ۱۹۶۴م.
۵۰. دکتر شوقی ضیف، العصر العباسی الثانی، دارالمعارف، مصر، ۱۹۷۵م.
۵۱. دینوری، ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، ترجمه علی شیری، منشورات الرضی، قم، ۱۳۷۱هـ..
۵۲. رجال نجاشی، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
۵۳. روزنتال، تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۸هـ..
۵۴. زمخشری، کشاف، نشر ادب الحوزه، قم.
۵۵. الزهرانی، ضیف الله یحیی، النفقات و ادارتها فی الدوله العباسیه، مکتبه الطالب الجامعی، مکه المکرمه، ۱۴۰۶/۱۹۸۶م.

٥٦. سبحانى، جعفر، بحوث فى الممل والنحل ، نشر مركز مديريت حوزه علميه قم.

ص: ٢٩١

۵۷. سلیمان، کامل، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، ترجمه علی اکبر مهدی پور، آفاق، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۶ش.
۵۸. سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، تحقیق: محمد عبد الحمید، مطبعه السعاده، مصر، ۱۳۷۱هـ / ۱۹۵۲م.
۵۹. شریف قرشی، باقر، زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، ترجمه سید حسن اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
۶۰. شکر آوسی، سید محمد، بلوغ الادب فی معرفه احوال العرب، دارالکتاب العربی، مصر.
۶۱. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق، تصحیح آیه الله مرعشی نجفی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۶۲. شهرستانی، الملل و النحل، منشورات الشریف الرضی، قم.
۶۳. شیخ صدوق، خصال، نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۳هـ..
۶۴. -----، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، دارالاضواء، ۱۴۱۳هـ / ۱۹۹۲م.
۶۵. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)، تصحیح مصطفوی، نشر دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
۶۶. -----، الغیبه، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۷م.
۶۷. -----، تهذیب الاحکام، دار صعب / دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۱هـ..
۶۸. -----، رجال طوسی، مکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۰هـ..
۶۹. -----، مصباح المتهجد، مؤسسه الفقه الشیعیه، چاپ یکم، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م.
۷۰. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۳۳۹هـ.
۷۱. -----، اختصاص، تحقیق: عبدالمنعم عامر، منشورات الرضی، قم، ۱۴۰۹هـ..
۷۲. -----، الفصول المختار، انتشارات کنگره شیخ مفید، قم.
۷۳. -----، امالی، تحقیق: استاد ولی، منشورات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳هـ..
۷۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مکتبه الصدر، تهران.
۷۵. صدر، شهید سید محمد باقر، المحنه، انتشارات ذوالفقار، چاپ اول، قم.

٧٦. صدر، محمد، تاريخ الغيبة الصغرى، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم، ١٤٠٠ هـ..

٧٧. صندوق، امالى، منشورات الاعلمى، بيروت، ١٤٠٠ هـ..

ص: ٢٩٢

٧٨. ، علل الشرايع ، تصحيح: اعلمى، مؤسسه الاعلمى، بيروت، ١٤٠٨هـ..

٧٩. صفايى حائرى، على، غدیر ، انتشارات ليله القدر، قم.

٨٠. صفدى، صلاح الدين، الوافى بالوفيات ، جمعيت مستشرقين آلمانى، ١٣٨١ هـ..

٨١. طبرسى، احتجاج ، تصحيح شيخ ابراهيم بهادرى، اسوه، قم، ١٤١٣هـ..

٨٢. طبرسى، شيخ ابوعلی، فضل بن حسن، اعلام الورى باعلام الهدى ، دارالمعرفه، بيروت، ١٣٩٩هـ..

٨٣. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الرسل والامم و الملوك (تاريخ طبرى) ، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، روايع التراث العربى، بيروت.

٨٤. ، دلائل الامامه ، المطبعه الحيدريه.

٨٥. طبسى، حياه الامام العسكرى عليه السلام ، چاپ دوم، مكتب اعلام الاسلامى، قم، ١٣٧٤ش.

٨٦. طبسى، نجم الدين، چشم اندازى به حكومت مهدى ، انتشارت دفتر تبليغات اسلامى، چاپ سوم، ١٣٨٠هـ..

٨٧. عسقلانى، ابن حجر، الاصابه فى تمييز الصحابه، دار صادر، بيروت.

٨٨. علامه امينى، الغدير ، دارالكتب العربى، بيروت، ١٣٨٧هـ..

٨٩. علامه حلى، نهج الحق و كشف الصدق ، هجرت، قم، ١٤٠٧ هـ..

٩٠. علامه شرف الدين، مراجعات ، اسوه، قم، ١٤١٣هـ..

٩١. ، نص و الاجتهاد ، مؤسسه الاعلمى، چاپ چهارم، بيروت، ١٣٨٦هـ..

٩٢. علامه عسكرى، معالم المدرستين ، مؤسسه البعثه، چاپ هشتم، ١٤٠٨هـ..

٩٣. علامه مامقانى، تنقيح المقال ، مكتبه المرتضويه، نجف، ١٣٥٠ هـ..

٩٤. علامه مجلسى، بحار الانوار ، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٣ هـ/١٩٨٣م.

٩٥. علم الهدى، سيدمرتضى، الشافعى فى الامامه ، مؤسسه الصادق، تهران، ١٤١٠ هـ..

٩٦. الفضلى، عبدالهادى، تاريخ التشريع الاسلامى ، دار النصر، بيروت ١٤١٣هـ/١٩٩٢م.

٩٧. فيروز آبادى، قاموس اللغه ، دار المعرفه، بيروت.

٩٨. قرشى، حياه الامام محمد المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف ، قم ١٤١٧ هـ / ١٩٩٦ م.

٩٩. قلقشندى، نهايه الارب فى معرفه انساب العرب ، تحقيق: على الخاقانى، منشورات دار البيان، بغداد، ١٣٧٨ هـ..

ص: ٢٩٣

۱۰۰. قمی، شیخ عباس، بیت الاحزان ، دارالحکمه، قم، ۱۴۱۲..
۱۰۱. ، سفینه البحار ، دارالتعارف، بیروت.
۱۰۲. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده ، منشورات الرضی، قم، ۱۳۹۴..
۱۰۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی ، دار الاضواء، بیروت.
۱۰۴. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها ، سمت، تهران، ۱۳۷۵ش.
۱۰۵. مالکی، ابن صباغ، الفصول المهمه ، دارالاضواء، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۹ ه..
۱۰۶. محدث نوری، النجم الثاقب ، انتشارت مسجد مقدس جمکران، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ش.
۱۰۷. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه ، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۰۸. محمودی، محمدباقر، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه ، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۱۰۹. مدرسی طباطبایی، حسین، مکتب در فرایند تکامل ، ترجمه هاشم ایزد پناه، نشر داروین، نیوجرسی (امریکا)، ۱۳۷۴ش.
۱۱۰. مرتضی عاملی، جعفر، الصحیح من سیره النبی الاعظم ، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم، قم، ۱۴۱۴..
۱۱۱. مرتضی، سید جعفر، زندگانی سیاسی امام حسن علیه السلام ، قم، ۱۴۰۵ ه..
۱۱۲. ، زندگانی سیاسی امام رضا علیه السلام ، ترجمه خلیلیان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ه..
۱۱۳. مسعودی، مروج الذهب ، تحقیق: محمد عبدالحمید، دار المعرفه، بیروت ۱۴۰۴..
۱۱۴. مصطفی، شاکر، تاریخ العربی والمورخون ، دارالعلم للملایین، الطبعة الثالثه، بیروت، ۱۹۸۳م.
۱۱۵. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل ایران و اسلام ، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۰ ش.
۱۱۶. ، سیری در سیره ائمه علیهم السلام، انتشارات صدرا، چاپ بیست و دوم، خرداد ۱۳۸۱ش.
۱۱۷. مقاتل بن عطیه، الامامه و الخلافه ، تحقیق: سیدمرتضی رضوی، مؤسسه البلاغ، بیروت، ۱۴۱۰..
۱۱۸. ، امامت و رهبری ، تحقیق: سیدمرتضی رضوی، مؤسسه بلاغ، بیروت، ۱۴۱۰..

۱۱۹. مهدی، محسن، فلسفه تاریخ ابن خلدون ، تحقیق:خلیل شحاده، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸هـ..
۱۲۰. نعمانی، الغیبه ، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران.
۱۲۱. نوبختی، فرق الشیعه ، تحقیق: جواد مشکور، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱ش.
۱۲۲. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم نیشابوری ، تحقیق: فؤاد عبدالباقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۲۳. واقدی، المغازی ، تحقیق: دکتر مارسدن جونز، نشر دانش اسلامی، قم.
۱۲۴. الهلالی، سلیم بن قیس ، تحقیق و تخریج: شیخ باقر انصاری، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۵هـ..
۱۲۵. هندی، متقی، کنز العمال ، تصحیح: شیخ بکری حیانی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۵هـ..
۱۲۶. هندی، میرحامد حسین، عبقات الانوار ، منشورات مدرسه الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .
۱۲۷. هیشمی، متقی، مجمع الزوائد، و منبع الفوائد ، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۲هـ..
۱۲۸. یاقوت حموی، معجم البلدان ، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۹۹ هـ/ ۱۷۹۷م.
۱۲۹. جواد علی، موارد تاریخ الطبری ، مجله المجمع العلمی العراقی، ۱۹۵۰ - ۱۹۵۳م.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

